

جستاری در گیاهان دارویی و داروهای گیاهی ایران

نوشته: دیوید هوپر

ترجمه:

علی شاهنده، رضا شاهنده

باتشکر ویژه از استاد محترم، سرکار خانم دکتریترا دامغانیان که در تأمین هزینه ترجمه این

کتاب بسیار یاری کردند.

این کتاب ترجمه‌ای است از:

USEFUL PLANTS AND DRUGS OF IRAN AND IRAQ

BY

DAVID HOOPER

WELLCOME HISTORICAL MEDICAL MUSEUM, LONDON

WITH NOTES BY

HENRY FIELD

CURATOR OF PHYSICAL ANTHROPOLOGY

B. E. DAHLGREN

CHIEF CURATOR, DEPARTMENT OF BOTANY

EDITOR

PUBLICATION 387

CHICAGO, U. S. A

JUNE 30, 1937

اطلاعات این کتاب که در اوایل قرن ۱۴ خوشیدی گردآوری شده گنجینه‌ای ارزشمند از دانشی مورد کم‌مهری قرار گرفته است که مطمئناً در پیشرفت علم نوین پزشکی نقش مهمی داشته. در این کتاب همچنین به منابع و مراجعی از کتاب‌های علم پزشکی قدیم ایران اشاره می‌شود که برای پژوهشگران این حوزه می‌تواند بسیار جذاب و برای علاقه‌مندان به طب سنتی بسیار مفید باشد. در جداول آخر کتاب نیز تلفظ گیاهان داروئی و داروهای گیاهی، همراه با نام علمی گیاه آن ذکر شده است که کار تطبیق نام فارسی گیاه داروئی و نام علمی آن را بسیار آسان می‌کند و می‌تواند یکی از مهم‌ترین مراجع برای این مهم باشد. ضمناً جهت نمونه، صفحاتی از متن کتاب در زیر آورده شده است. البته به طور قطع این ترجمه خالی از ایراد نبوده ولی سعی شده تا جای ممکن کم‌نقص باشد.

با تشکر؛ مترجمین

(r.shahandeh@gmail.com)

Cinnamomum Cassia Blume (Lauraceae)

دارچینی

Dār-chīnī (Isf., the Hindi name); Darasini (Ar.); Chinese cinnamon bark.

Field 14 (Isf.), 108.

The cinnamon bark from China is kept by druggists, and is a favorite spice. It is used in curry and as an ingredient in medicines. The bark is prepared as a tea for excessive salivation, frequent in Iran.

قرقه

Gurfah (Teh.); Kalphah (Bom.); the fruits.

W.H.M.M. 150867.

The small, black fruits of the cinnamon tree from China are sold in the bazaars. In South India the fruits of *C. iners* Reinw. are used in medicine, but are inferior to the above.

برگ ساذج

Barg-i-sādhaj (Teh.); Sādhaj-i-hindī (Isf.); the leaves.

Field 17 (Isf.); W.H.M.M. 150884.

The leaves of the cinnamon are taken internally for rheumatism. The vernacular name is applied by the Indian Mohammedans to the leaves of a wild cinnamon tree in Sylhet used as a carminative and stimulant (Ph. Ind. 3: 209). The leaves constitute the ancient Hindu drug known as Malabathrum, Talispatra, and Folia indica.

Cirsium lanceolatum L. (Compositae)

Foveh (?) (Ham.); thistledown.

Achundow; Boiss. 2: 538; Post.

K.B. 309.

Under this name the white, feathery pappus or thistledown from the above plant is sold in the bazaars. A medicine called "Badawerde" (carried by the wind) consists of the pappus of the holy thistle (*Cnicus benedictus* L.). The downy heads of species of *Voluntarella* and *Echinops* are also used as a drug, probably as an absorbent material for external application.

Citrullus Colocynthis Schrad. (Cucurbitaceae)

خربوزه روباه

Kharbūzah-rūbāh, Kabiste talkh (Pers.); Hanzal (Ar.); Handhal, Gozharik (Kurd.); Indrazana (Hind.); colocynth, bitter apple, Indian gourd.

RHEUMATISM

Roghan-i-bazralbenock	sowing seed oil
Roghan-i-kirdū	walnut oil

Mix well and apply externally.

ایضا برای روماتیسمی
روغن بذر انیسون . روغن گردو . باهم مخلوط کرده دمی مالند

FRACTURED BONES

Roghan-i-mūm	wax oil
Rūnās	madder
Zarda tukhm-i-murgh	yoke of egg

Mix some of each, warm, and place over the fracture. After the fracture is reduced, apply a piece of wood to keep the limb straight, i.e. a splint.

برای دستخوانهای شکسته
روغن موم . زرده تخم . اینها را نیم گرم کرده
روی شکسته دستخوان می بنهند . روغن موم از همه بهتر است

پیش گفتار

در سال ۱۹۳۴ من هدایت یک سفر اکتشافی را که توسط موزه مردم شناسی به خاور نزدیک ترتیب داده شده بود را بر عهده داشتم. در طی این سفر علاوه بر ۱۰/۰۰۰ گونه مختلف از گیاهان خشک شده که از نواحی اردن، فلسطین، سوریه، ایران و عراق جمع آوری کردم مقداری نیز از گیاهان دارویی که در ایران و عراق رواج داشت را خریداری نمودم. این مجموعه به پیشنهاد دکتر برتولد لوفر Dr. Berthold Laufer، رئیس وقت موزه مردم شناسی جمع آوری شد که عقیده داشت این اطلاعات جمع آوری شده می تواند در درمان بیماریها و همچنین اطلاعات عموم بسیار مفید باشد. در ایران، نمونه های این مجموعه از بازارهای تهران و اصفهان خریداری شد. لازم به ذکر است دکتر اریک اشمیت Dr. Erich Schmidt کمک بسیاری برای جمع آوری این نمونه ها بود.

همچنین دکتر والتر پ. کندی Dr. Walter P. Kennedy از کالج سلطنتی پزشکی بغداد و آقای جرج مایلز Mr. George Miles، از اعضای گروه باستان شناسی مستقر در ری کمک های زیادی برای جمع آوری نمونه ها کرده اند.

در اصفهان، میرزا محمد علی خان، که یک پزشک ۹۵ ساله بود، با مهربانی و مهمانوازی بسیار زیاد ترکیب نسخه های خود را در اختیار ما گذاشت که در انتهای این کتاب ذکر شده است. ایشان تحصیل پزشکی را در سن ۲۰ سالگی و پس از سالها حضور در مدارس محلی آغاز کردند. پدر، پدر بزرگ و اجداد میرزا محمد علی خان همگی پزشک بودند و دو جلد کتاب بسیار بزرگ و دستنویس را برای ایشان به یادگار گذاشته بودند که من با دقت فراوان آنرا مطالعه کردم.

لازم به ذکر است که آقای پل سی استندلی Mr. Paul C. Standley، از بخش گیاه شناسی در موزه فیلد و خانم الیزابت رنیف Elizabeth Reniff برای مرور و تصحیح نام علمی نمونه گیاهان این کتاب زحمات بسیاری را متقبل شده اند.

همچنین آقای آر. هوروود Mr. A.R. Horwood، عضو برجسته هرباریم (کیو) (Kew) در شناسایی بعضی گونه های گیاهی کمک بسیاری کردند. در عراق، دکتر حیدری مدیر مزرعه آموزش کشاورزی رستم که در هینایدی Hinaidi در نزدیکی بغداد قرار دارد، تعداد از گونه های پنبه، جو و گندم را در اختیار این مجموعه گذاشت. ضمناً دکتر کالوین ک. استات Dr. Calvin K. Staudt، مدیر موسسه آموزشی آمریکایی پسرانه بغداد اطلاعات خوبی را در رابطه با داروهای محلی در اختیار ما گذاشت. دکتر دیوید هوپر Dr. David Hooper عضو موزه تاریخ پزشکی در لندن، سابقاً مطالبی درباره داروهای گیاهی در جنوب غربی آسیا منتشر کرده بود. بنابراین بعد از صحبت با ایشان چنین موافقت شد که دکتر هوپر که سابقاً نیز مقالاتی در زمینه داروهای ایران داشت، نوشتن این مجموعه را بر عهده بگیرد و کتاب پیش رو حاصل زحمات ایشان است.

دکتر کیسی. آ. وود Dr. Casey A. Wood ترجمه ای را از کتاب تذکره "Tadhkirat" نوشته علی بن عیسی نویسنده عراقی (۱۰۱۰-۹۴۰ پس از مسیح) انجام داده که لیست دارویی این کتاب با کتاب تذکره قابل مقایسه می باشد. گیاهان مفید دارویی منطقه جنوب غربی آسیا که بصورت نسبتاً خوبی شناخته شده هستند نیز تا حدودی در این مجموعه بررسی شده اند تا شاید اطلاعات موجود بیشتر برای عموم و جامعه پزشکی در دسترس باشد. پیشرفت سریع ایران تحت فرمان رضاشاه و همچنین عراق زیر فرمان شاه غازی لزوم ثبت این داروها را دو چندان می کند زیرا بزودی این داروها که جزو فرهنگ بومی این کشورها هستند با حضور پزشکی مدرن ناپدید خواهند شد.

Henry Field هنری فیلد

مقدمه

دیوید هوپر

نمونه‌های دارویی حاضر در این کتاب، نتیجه ۸ سال کار و جمع آوری ۳ مجموعه دارویی مختلف است که در ایران و عراق جمع آوری شده. اولین مجموعه توسط هنری فیلد که رهبری سفر اکتشافی به خاور نزدیک که توسط موزه مردم شناسی فیلد را در سال ۱۹۳۴ بعهدہ داشت صورت گرفت. نمونه‌ها عمدتاً از بازار تهران و اصفهان و بغداد خریداری شد. با این حال تعدادی از نمونه‌ها از محل کشت آن‌ها در باغها جمع آوری شد. مجموعه دوم در سال ۱۹۳۳ توسط کاپیتان پ. جانستون سنت Capitan P. Johnston-Saint عضو موزه تاریخ پزشکی ولکام در لندن حاصل شد. این مجموعه شامل ۲۰۰ گیاه، نمونه‌های حیوانی و معدنی بود که از بازار تهران و پوتروس Putrus خریداری شده بود.

مجموعه سوم توسط دکتر ج.ام. کوان Dr. M. Cowan و Dr. C. D. Darlington دکتر سی.دی. دارلینگتون در بهار سال ۱۹۲۹ از بازارهای تهران، همدان و کرمانشاه خریداری شده.

در این مجموعه همچنین تلاش شده که از کتب کهن پارسی استفاده شود و در مواردی که نام دارویی ذکر شده سعی شده در این مجموعه از آن یاد شود. یکی از اولین و مهمترین کتاب‌ها در زمینه دارویی در ایران کتاب «الابنیات احقیق الدویه»، (Kitab ulabnyat an haqa'iq- uladvayat) است که در سال ۹۷۰ (A.D) توسط پزشکی به نام ابومنصور نوشته شده است. به گفته ب. لوفر در کتاب (ایران - چین ۱۹۱۹) (Sino-Iranica 1919) کتاب ابومنصور نه تنها اولین کار ایرانی در زمینه داروشناسی محسوب می شود بلکه قدیمترین اثر در نشر نو ایرانی است. متن این کتاب توسط آر. سلینگمن R. Seligmann بررسی شد و خود این کتاب نسخه خطی بسیار قدیمی موجود در موزه دین بود و تاریخ آن را به ۱۰۵۵ منسوب دانسته اند که قدیمترین نسخه خطی فارسی موجود است. این کتاب توسط عبدالملک آچاندو از باکو ترجمه شد. در بعضی قسمتهای این مجموعه از اطلاعات این نسخه ترجمه شده کتاب استفاده شده. کار با ارزش دیگری که در این مجموعه به آن مراجعه شده، کتابی است که در سال ۱۸۷۴ توسط Professor J. L. Schlimmer پروفیسور ج.ال. اشلیمر منتشر شده ایشان عضو کالج پلی تکنیک ایران و رئیس بخش پزشکی ارتش ایران و افسر بهداشت تهران بودند. کتاب ایشان به زبان فرانسه نوشته شده و نام آن: Terminologic Me'dico-Pharmaceutique et Anthropologique Francais-Persane است. این کتاب شامل لیست کاملی از گیاهان دارویی است که توسط گیاهان شناسان برجسته اروپایی شناسایی و تأیید شده اند.

لازم به ذکر است که دکتر ج. ای. تی. آتچیسون Dr. J. E. T. Aitchison که گیاهان دارویی ایران و مناطق همسایه را بررسی کرده بود و نتایج بدست آمده را در کتاب «یادداشت‌هایی درباره محصولات غرب افغانستان و

شمال شرقی ایران» منتشر کرده بود که در این مجموعه به میزان بسیار زیادی به آن ارجاع شده. همچنین دکتر ویلیام دیموک Dr. William Dymock سالهای زیادی به عنوان داروخانه دار در بمبئی کار کرده و فرصت مطالعات داروهای که از خلیج فارس به هند وارد می شود را داشته که در این مجموعه از نظرات وی حداکثر استفاده شده. ایشان دو کتاب به نامهای (داروهای گیاهی هند غربی) (Vegetable Materia Medica of Western India) متعلق به ۱۸۸۵ و (فارماکوگرافیا ایندیکا) (Pharmacographia Indica) که سرشار از اطلاعات بسیار مفید در رابطه با تجارت دارو، تاریخ طبیعی و ترکیب داروهای شرقی است داشتند. مجموعه مقالات بی گیلیات اسمیت B. Gilliat-Smith و دابلیو. بی. توریل W.B. Turril در سال ۱۹۳۰ در رابطه با گیاهان دارویی ایران در ترکیه بود نیز در این مجموعه به عنوان یک مرجع مورد استفاده قرار گرفته است.

***Abrus precatorious* L. (Leguminosae)**

چشم خروس

Chashm-i-Khurūs (Pers.); Rati (Hind.); Jequirity (Tupi, Brazil);
Paternoster seed, Indian licorice.

این گیاه بومی مناطق گرمسیر مانند هند است. دانه‌های سرخ رنگ این گیاه با نقطه‌ای سیاه در یک انتها شناسائی می‌شوند. این دانه‌ها که مصرف تزئینی دارند بصورت تسبیح یا گردنبند از هند به ایران و سایر کشورهای غربی صادر می‌شود. همچنین در هند از دانه‌های این گیاه به عنوان واحد وزن در کار طلاسازی استفاده می‌شده، هر دانه این گیاه بطور متوسط ۱/۷ گرم وزن دارد. از لحاظ پزشکی این دانه‌ها خواص خنده آور دارند و در ایران این دانه‌ها را سمی می‌شناسند. دانه‌ها، حاوی پروتئین Toxalbumin بوده و ریشه و برگ‌های این گیاه حاوی قند است (D. Hooper, *pharm. Journ.* 1894, 937).

***Acacia Senegal* Willd. (Leguminosae)**

صمغ ارژن

Samgh-i-arzhan, Angūm (The.); Samgh Arabi (Ar., Pers., Iraq);
Gum arabic

این گیاه منبع اصلی تولید صمغ عربی است. شایان ذکر است که در بازهای مشرق زمین، صمغ‌های فراوانی موجود است که از درختان مختلف بدست می‌آید. Schlimmer در کتاب "ترمینولوژی" خود از صمغ‌های بومی که از درختان گیلاس و آلو بدست می‌آید اشاره کرده.

***Acantchophyllum squarrosum* Boiss. (Caryophyllaceae)**

شیر کلن

Shir kalan (The.); the root.

یکی از منابع گیاهی که به عنوان صابون در ایران استفاده می‌شود. در میان گونه‌های *Gypsophylla*، این گیاه ریشه‌های کوچکتری دارد که حدود ۳ تا ۱۸ میلی متر طول آن‌ها می‌رسد. این ریشه‌ها دارای رنگ قهوه ای روشن و بصورت مارپیچ می‌باشند. قسمت داخلی این ریشه‌ها نشاسته ای و به رنگ سفید مایل به زرد با رگه‌های چوبی است. این ریشه‌ها کمی طعم تلخ دارند و حاوی مقدار کمی از ساپونین Saponin هستند^۱.

***Achillea Santolina* L. (Compositae)**

گل بو مادران

۱: حضور ساپونین باعث خاصیت ضد باکتریایی این گیاه و استفاده آن به عنوان صابون شده است.

Gul-i-būmādarān (The.); Bui madaran (Punj.); Birinjasaf (Ind. bazaars); Yarrow. این گیاه که بطور وسیعی در شرق و شمال آفریقا پراکنده است، گل های انتهائی داشته و بوی بسیار خوبی دارد و ساقه ، برگ و گل آن به عنوان داروی ضد نفخ استفاده می شود. در تهران این عصاره این گیاه برای درمان درد قفسه سینه استفاده می شود. در منطقه بلوچستان از این گیاه برای درمان نفخ کودکان استفاده می شود. بوی قوی این گیاه مانند سایر گیاهان خانواده کمپوزیته باعث راندن کک ها و حشرات موزی می شود.

Acorus Calamus L. (Araceae)

اکسیر ترکی

Aksīr-i-turkī, Ajīl-i-turkī (The.); Ighir iggur (Ar.); Acoron (Gr.); Gora vach (Hind.); Bach, Warch, trade name in Leh by Punjabis; Calamus or sweet flag root.

این گیاه بومی مناطق اروپای شرقی و آسیای مرکزی است که بطور وسیعی در سایر مناطق کشت می شود. ساقه های زیرزمینی ریشه مانند این گیاه برای مدت طولانی در ایران و هند به عنوان دارویی با ارزش استفاده می شده و احتمالا از آنجا مصرف این گیاه در اروپا انتشار یافته. ساقه های زیرزمینی این گیاه دارای بوی قوی ناخوشایندی هستند که دارای خاصیت، محرک، مقوی و ضد نفخ می باشند.

در تهران این گیاه به عنوان داروی بسیار موثر برای درمان رماتیسم شناخته می شود. همچنین به خاطر بوی تند این گیاه از پودر ریشه آن به عنوان ماده ای برای دفع و کشتن حشرات استفاده می شود. و روغن ارزشمند آن که بسیار فرار نیز می باشد برای ساخت شمع های عطردار و همچنین خوشبو کردن سرکه استفاده می شود.

Adansonia digitata juss. (Bombacaceae)

فتفته

Fūtfūthe (The.).

درخت بائوباب که به نام "cream of tartar tree" نیز شناخته می شود، گیاهی بومی منطقه گرمسیر آفریقا می باشد که از این ناحیه به شرق هند وارد شده. فتفته در حقیقت میوه این درخت است که دارای پوسته مایل به قهوه ای و سخت بوده و مواد داخل آن متشکل از الیاف فیبری است که اطراف دانه های این میوه کدو شکل را فرا گرفته. این مواد در حالت تازه اسیدی و قابض بوده و برای درمان اسهال و اسهال خونی بکار می رود.

Adiantum Capillus-Veneris L. (Polypodiaceae)

پرسیاوش

Parr-i-siyāvash, Kashburat (The.); Kashburat-el-bir, “coriander of the wall” (Pers.); Krafas-al-bir, Shar-al-ant (Iraq); Kansburaj, Mooher-khas (Ind. bazaars); The fronds.

سرخس برسیاوشان مویی، بومی مناطق ایران، افغانستان، شمال غرب هیمالیا و غرب چین است. اما سایر گونه‌های این سرخس که استفاده دارویی دارد نیز تحت همین نام شناخته می‌شوند، معمولاً از برگ این گیاه به‌عنوان دارو استفاده می‌شود در حالیکه ساقه‌های زیرزمینی (ریزوم) آن خواص بسیاری دارد از جمله آن‌ها می‌توان اشاره کرد: خلط آور قوی، رفع مشکلات تنفسی و همچنین رفع اسپاسم‌ها در سیاه سرفه، جوشانده پرسیاوشان مویی به‌عنوان یک نوشیدنی خنک کننده در طول تابستان استفاده می‌شود.

Agaric (Fungi)

Qārch (The.); Kriwarik (Turk.); dried mushrooms.

قارچ

بخشی از قارچ‌های چوب روی *hard fungus* است که دارای رنگ قهوه‌ای مایل به خاکستری در قسمت خارجی و در داخل سفیدرنگ بوده و قطر آن در حدود ۱۰ تا ۱۳ سانتی متر می‌باشد. یکی از کاربردهای آن به عنوان دارویی ضد کرم روده ذکر شده. Schlimmer قارچ “Ghartsche” را تحت نام *Agaricus esculentus* شناسایی کرده که یکی از قارچ‌های خوراکی از بین گونه‌های فراوان آن است. برای اطلاعات بیشتر به *Polyporus officinalis* رجوع کنید.

Alhagi camelorum Fisch. (Leguminosae)

ترنجبین

Tar-anjubin (Teh.); “green honey”; manna.

گیاه خارشر یک درختچه یا بوته خاردار است که در بیابان‌های ایران، سوریه و مصر یافت می‌شود. بر روی این گیاه تراوشات قندی وجود دارد. این تراوشات از روی گیاه تکانه و جمع آوری شده و به عنوان شیرین کننده یا دارو استفاده می‌شود. برخی درختان بلوط هم ترشحات قندی دارند (به بلوط مراجعه شود) که نباید با هم اشتباه شوند. دانه‌های سفید ترنجبین که از قسمتهای مختلف گیاه مانند ساقه، غلاف و برگها خارج می‌شود به طرز چشمگیری دارای مواد قندی می‌باشند و به عنوان ملین و خلط آور تجویز می‌شود.

Allium Akaka Gmel. (Liliaceae)

والک

Vālik (The.).

این گیاه در اروپا و شمال آسیا یافت می شود. کل گیاه شامل برگها، گل سبز مایل به صورتی آن و غده های زیر زمینی آن دارای بوی بسیار قوی مانند پیاز و سیر است.

Allium Cepa L. (Liliaceae)

تخم پیاز

Tukhm-i-piyāz (The); Basal (Ar.); Goondina (Pers.); Piaza (Kurd.).
پیاز، احتمالاً یکی از اولین گیاهانی است که بصورت گسترده ای در مناطق گرمسیری، نیمه گرمسیری و معتدل کشت شده است. تخم پیاز بسیار کوچک، دانه های راه راه سیاه و سفید و در تمام بازارهای ایران به فروش میرسد. استفاده دارویی آن به عنوان یک مسکن و محرک بوده همچنین جوشانده به همراه شکر و روغن بادام به عنوان ملین در هنگام تب حصبه استفاده می شود (H.F.).

Allium sativum L. (Liliaceae)

تخم تره

Tukhm-i-tarrah (Teh)، منظور از تره "Potherb" می باشد.
تحت این نام، بذرهای سیاه رنگ و زاویه دار گیاه سیر در بازارهای ایران به فروش می رسد که دارای خواص مشابه به پیاز است و به همراه پنیر خورده می شود.

Sir (The.; Iraq); Som (Ar.); Thum (Turk.); Lehsan (Hind.); garlic.
بنه گیاه سیر، که از چندین حبه سیر در کنار هم تشکیل شده، دارای طعم بسیار تند و بوی نامطبوع می باشد. سیر جزو بهترین سبزیهای معطر خوراکی شرق است که در هضم غذا مؤثر بوده و محرک معده می باشد. سه نوع متفاوت از این گیاه در ایران رشد می کند که شامل بوستانی، باری (گونه وحشی) و Kirathi (تره مانند) .

Aloe Perryi Baker (Liliaceae)

صبر زرد

Sabr-i-zard (The.); Sibar, Musabbar (Ar.); Bol shiah (Hind.); Bitter aloes.
صبر زرد بخشی از گیاه Socotrine aloes است که از برگهای آن تهیه می شود. عصاره آن دارای رنگ سیاه یا جگری می باشد که حاوی دانه های زرد مایل به قهوه ایست. این گیاه یک مسهل شناخته شده است که در زم آن های گذشته، توسط تجار عرب به سایر نقاط معرفی شده.

***Althaea lavateraefolia* Dc. (Malvaceae)**

ریشه ختمی

Rishah-i-khatmī (Ham.);

مصرف داروئی: ریشه‌ها

این گیاه در ایران، مصر و افغانستان می‌روید. Aitchison اشاره کرده که این گیاه نه تنها برای وجود گل بسیار زیبای آن کاشت و پرورش می‌یابد بلکه گل برگ و دانه‌های این گیاه جمع‌آوری شده و به ترتیب گل ختمی و تخم ختمی نامیده می‌شود. ریشه جمع‌آوری شده از همدان نام علمی ذکر شده برای این گیاه را تایید می‌کند. گونه جمع‌آوری شده از بغداد (Erok Chatma) به عنوان ختمی درختی (*Althaea rosea* L.) شناسایی شده، اما Achundow آنرا گیاه (*A. ficifolia* Cav.) می‌داند. این ریشه‌ها لیفی با رنگی روشن بوده زمانی که در آب خیسانده شود، لعاب زیادی ایجاد می‌کنند و به عنوان تقویت کننده شناخته می‌شود. در حقیقت مشابه گیاه (*Althaea officinalis* L.) یا مارش ملو است که توسط اروپائیان استفاده می‌شود.

***Althaea* sp. (Malvaceae)**

گل ختمی

Gul-i-Khatmī (The.)

مصرف دارویی: گل‌ها

این داروها بدون شک از بیش از یک گونه (*Althaea*) بدست می‌آید. در حقیقت گل و دانه‌های گونه‌های مختلف ختمی درختی و بوته‌ای شامل (*A. rosea* L.)، (*A. ficifolia* cav.) و (*A. lavateraefolia* Dc.) این دارو را تشکیل می‌دهند.

در ناحیه بلوچستان بیشتر گل گونه (*A. pallida* Wald. & Kit.) جمع‌آوری می‌شود که دارای رنگ صورتی و زرد بوده و دارای کاسبرگ کرکدار می‌باشند. دانه‌ها و تا حد زیادی تخمدان‌ها به رنگ قهوه‌ای و کرکدار با لبه‌های برجسته هستند و حاشیه آن‌ها نیز بادبزنی است. تمام قسمتهای این گیاه خاصیت چسبندگی داشته و تا حدی لعاب دار است. گل‌های این گیاه به همراه دانه کتان (بزرک) جوشانده شده و از این محلول برای درمان جوشهای پوستی استفاده می‌شود. ضمن اینکه دانه‌ها یا تخمدان‌ها را مانند چای دم کرده به عنوان داروی سرفه و التهاب سینه استفاده می‌نمایند.

***Alyssam campestre* L. (Cruciferae)**

قدامه شهری

Gudāmah, Gudāmah-i-shahri, Gudāmah-i-shērazi (The.); Qodumah (Ar.); Ghodaouche Chirazi (Schl.);

Hedge garlic, مصرف داروئی: بذرها

این گیاه کوچک که بصورت فراوانی در ایران و عراق یافت می شود، دانه های قهوه ای روشن و عدسی شکل به ابعاد ۱/۵ تا ۲ میلیمتر با لبه های زرد مایل به خاکستری دارد. زمانی که در آب قرار داده شوند لعاب نیمه شفاف روی دانه ها را می پوشانند. دم کرده مخلوط این دانه ها با گیاهان (*Lallemantia Royleana Benth.*) همچنین (*Pyrus Cydonial L.*) و (*Plantago major L.*) به عنوان دارویی ضد سرفه استفاده می شود (H.f.).

Amaranthus paniculatus L. (Amarantaceae)

تاج خروس

Tāj-i-khurūs (The.); Tukhm-tāj-i-khurūs (Isf.);

مصرف دارویی: بخش بالائی گل و بذر گل تاج خروس یا Star flower.

بخش بالائی گل این گیاه حالت کرکی داشته و به رنگ سفید با سایه روشن صورتی یا قهوه ای ملایم است. دانه های سیاه و براق عدسی شکل آن خوراکی بوده و خاصیت داروئی دارند. گل های ریز برگ مانند آن که خاصیت نشاط آور دارند مانند چایی دم شده و برای تسکین دردهای سینه استفاده می شوند.

Amomum subulatum Roxb. (Zingiberaceae)

هل قراب

Hil-i-qurāb (The., Isf.); Hil (Ar.); Ela (Sans.); hill or Nepal cardamoms.

دانه های گرد یا زاویه دار این گیاه که به رنگ قهوه ای هستند در داخل کپسول های تخم مرغی یا مثلثی شکل، چسبیده به یکدیگر قرار دارند. این دانه ها بوی کافوری خوشایندی دارند. هل قراب به عنوان جانشین برای هل مالابر (Malabar cardamoms) که کوچکتر و بسیار معطر بوده و در جنوب هند می روید (*Elettaria* *Cardamomum Maton*)، استفاده می شود. هر دو این دانه های معطر به عنوان ادویه استفاده شده همچنین به خاطر خاصیت ضد نفخ و محرک بودن مورد مصرف هستند. همچنین به عنوان درمانی برای ضعف عمومی جسمی برخی مواقع بصورت مخلوط با Belleric mybalans استفاده می شود (H.F.).

Anacyclus Pyrethrum DC. (Compositae)

عاقرقرها

Agirgarhā (The., Isf.); Akalkara (Hind.); بابونه زرد اسپانیایی، ریشه داروئی.

ریشه این نوع بابونه، از شمال آفریقا بدست می‌آید و تقریباً مانند استوانه‌ای مخروطی است که در نوک باریک شده و در قسمت پهن دسته‌ای از پرز یا باقی مانده‌ی برگ‌ها را دارد. زمانی که به عنوان دارو جویده می‌شود، طعم تندى داشته و باعث ترشح زیاد بزاق می‌شود. این گیاه برای دندان درد هم تجویز می‌شود (H.F.).

Anamirta paniculata Coleb. (Menispermaceae)

مرگ ماهی

Marg-i-māhī, "Fish poison" (The.); Zahr (Iraq);

مصرف دارویی: میوه توت مانند

گیاه (*Cuculus indicus*) یا Lavant berries محصولی است که از بوته‌هایی بومی هند و سوماترا، جاوه، گینه نو و برونئی به دست می‌آید. میوه‌ها بصورت کروی یا قلوه شکل بوده و سطح آن رنگ قهوه‌ای تیره دارد. داخل هریک، دانه‌ای سفید رنگ با مغز بسیار روغنی و طعم تلخ وجود دارد. خاصیت زهر آگین دانه‌ها وقتی آن‌ها را به آب می‌اندازند، باعث بی‌هوشی ماهیان شده و این تاثیر از زمان بسیار قدیم شناخته شده است و دلیل این خاصیت وجود سم کریستاله شده پیکروتوکسین Picrotoxin در دانه‌ها می‌باشد که باعث مرگ ماهی‌ها می‌شود. در شرق از این میوه‌ها برای کشتن سگ‌ها و ماهی‌ها استفاده شده همچنین برای ساخت پماد برای درمان شپش‌های مو و بدن.

Anthemis Wiedemanniana Fisch. & meyer. (Compositae)

گل بابونه

Gul-i-bābūna (Ham.);

بخش دارویی: گل

بانوئی احتمالاً خلاصه شده بابونه بابونه با بابونج، نامیست برای کامومیل (camomil) و دیگر گونه‌های دارویی خانواده گل آفتاب گردان، علاوه بر گونه ذکر شده.

در ایران گل بابونه بطور عمده از گیاه (*Matricaria Chamomilla* L.) بدست می‌آید (q.v.).

Apium graveolens L. (Umbelliferae)

تخم کرفس

Tukhm-i-karafs (The.); Buzz-ul-karaphs (Ar.); Asil-a-krasb (Afg.); Karafs (Iraq); Ajmud (Hind.); Udasaliyum (Gr.); میوه کرفس وحشی.

کرفس، گیاهی متعلق به شمال غربی هیمالیا و ایران است. این گیاه برای میوه، برگ و ساقه همچنین ریشه اش پرورش داده می‌شود. بذر یا در واقع میوه این گیاه زرد مایل به سبز یا قهوه‌ایست که عطری شبیه به نعنای داشته و تا

حدودی طعم و مزه تند و تلخ دارد. این میوه ضد نفخ، معطر و مقوی است. در تهران این دارو در آب جوش ریخته شده و تنفس بخار آن (بخور دادن) برای درمان سردرد استفاده می شود. میوه حاوی apūn یک گلیکوزید زله مانند گیاهی است.

Arctium Lappa L. (Compositae)

ریشه بابا آدم

Rīshah-i-bābā-Adam (The.); Bardane (The.); Semen Bardanae

مصرف دارویی: ریشه و میوه

گیاه بابا آدم در سوریه، ایران بخصوص خراسان و همچنین اروپا یافت می شود. دلیل نام گذاری این گیاه بر اساس واژه نامه Schlimmer مشخص شده و این گیاه در هند به عنوان یک داروی تصفیه کننده و ضد ورم شناخته می شود. در تهران از ریشه بابا آدم همراه با گیاه (sarsaparilla^۲) به عنوان دارویی برای درمان سفلیس استفاده می کنند. این دارو شهرت بسیاری در طب کهن دارد اما آزمایشات شیمیایی که توسط (Zellner 1924) صورت گرفت، وجود هیچ گونه ماده فعال شیمیایی را در ریشه این گیاه تأیید نکرد.

Areca Catechu L. (Palmae)

فوفل

Fūfal (The., Ar.); Papal (Pers.); Sopari (Hind.); Pinang (Mal.);

Areca Betel nuts, میوه فندقه نخل

فندقه این گیاه یا فوفل در سراسر مشرق زمین به عنوان ماده ای جویدنی استفاده می شود. این میوه محرکی ملایم و قابض است که باعث افزایش جریان بزاق، کاهش تعریق، خوشبویی دهان و تقویت لثه ها می شود. فوفل حاوی تانن و دو آلکالوئید فعال (arecoline) و (arecaine) می باشد. مخلوط آن با شکر و گشنیز به عنوان ماده ای برای تحریک زایمان استفاده می شود (H.F.).

Aristolochia longa L. (Aristolochiaceae)

زراوند طویل

Zarāvand-i-tavīl (Ham., The.); بخش دارویی: ریشه

ریشه این گیاه و سایر گونه های این جنس، داروهای بسیار با ارزشی در مشرق زمین هستند. زراونده طویل که در ایران به دست می آید به شکل استوانه ای و مارپیچ با طولی حدود ۱۲ میلی متر می باشد. در برش عرضی آن

2: نوعی ازملک (Smilax sp.)

بخشهای گوه شکل که جنس چوبی دارند دیده می شود. این گیاه طعم تلخ و تندی داشته، محرک و مقوی می باشد و اغلب برای درمان مارگزیدگی تجویز شده یا برای جلوگیری از خونریزی شدید دوره ماهیانه همچنین به عنوان اشتها آور استفاده می شود.

***Aristolochia rotunda* L. (Aristolochiaceae)**

نخوده الوند

Nukhūd-i-alvand (The., Isf.); Nukhund-i-alvandi (Ar.); Zaravand-i-gird (Pers.);

بخش دارویی: ریشه

ریشه های نخوده الوند، غده ای، قهوه ای یا خاکسری، دایره شکل با یک قاعده پهن و قسمت بالایی باریکتر بوده و شکافی خراش مانند، بجا مانده از محل جدا شده از ساقه دارد. این ریشه ها بسیار سخت با جنسی شاخ مانند و دارای نشاسته می باشند. و دارای بو و طعم تندی هستند. این دارو به عنوان یک تقویت کننده، مدر، قاعده آور و ضد انگل (کرم) استفاده می شود.

قبایل مختلفی در عراق از گونه (*A. maurorum* L.) به عنوان یک ماده ضد عفونی کننده زخم انسان همچنین دام (گوسفند) از آن استفاده می کنند (G.).

***Artemisia maritima* L. (Compositae)**

درمنه

Darmanah (The.); Afsant-el-bahara (Ar.); santonica, wormseed.

غنچه خشک شده گونه های مختلف گیاه درمنه معمولاً با (*A. vulgaris* L.) و آب مخلوط شده (H.f.)، به عنوان یک داروی ضد انگل های مورد استفاده قرار می گیرد این گیاه به وفور در است آن های کردستان و ترکستان (واقع در قزاقستان) یافت می شود. Aitchison اعتقاد دارد که *A. maritima* L. و *A. campertris* در اکثر نقاط شمال شرق ایران یافت می شود. بوته خشک درمنه به عنوان سوخت مصرف دارد و غنچه این گیاه از روستاهای اطراف تهران جمع آوری می شود و در بازار به فروش می رسد. داروی کرم کش قوی سانتونین Santonin که از بذر گیاه درمنه تولید می شود هم اکنون در نزدیکی شهر چیم کنت Chimkent در ترکستان تولید می شود (Ph. Ind.2:288).

***Artemisia Vulgaris* L. (Compositae)**

افسنطین

Afsantīn (The.); Afsantīn-i-hindi (Ar.) wormwood

این دارو در حقیقت از قسمتهای مختلف ساقه، برگ و سرگل گیاه بوده که بصورت مخلوطی متراکم در آورده شده و دارای عطری خوشایند و طعمی تلخ است. منشاء این داروی باستانی که توسط پزشکان مسلمان توصیف شده احتمالا گونه *A. absinthium* L. بوده است ولی اکنون گونه‌های دیگری از این گیاه استفاده می شود. Schlimmer اعتقاد دارد که گیاه *A. Ponticum* که در مناطق اروپا و قفقاز می روید در زمان او به‌عنوان این دارو در بازار تهران به فروش می رسید. افسنطین دارای طعمی تلخ است و باعث تقویت معده ، افزایش اشتها و تسهیل در هضم غذا می شود. از نام پارسی این گیاه، آبستین، دراروپا برای یک نوشیدنی الکلی بسیار معروف استفاده شده است.

Asarum europaeum L. (Aristolochiaceae)

اسارون

Asārūn (The.); snake root.

این دارو از ساقه‌های زیرزمینی (ریزوم‌ها) تشکیل شده که ضخامتی بیشتر از مداد داشته، گره دار با علامات حلقوی در بالا و طول همچنین رنگ قهوه ای روشن در قسمت‌های زیرین هستند. چوب این گیاه زرد رنگ و تلخ مزه و تا حدودی معطر می باشد. این دارو برای موارد مختلفی از جمله به عنوان مسهل، معرق، مدر، قی آور تجویز شده و برای درمان بیماریهای مختلفی مثل روماتیسم و سکت قلبی نیز استفاده می شود.

Asparagus adscendens Roxb. (Liliaceae)

مارچوبه

Mārchūbah, Khushak (Ham.); Satavar, Satarmul, Shakakula micari (Hind.); Sufed musli, of commerce (Bom.); white musali.

ریشه‌های گونه‌های مختلفی از مارچوبه در مشرق زمین دارای مصرف دارویی می باشد از جمله *A. racemosus* Willd, *A. officinalis* L., *A. sarmentosus* willd., ریشه‌هایی که از همدان جمع آوری شده طویل با قطری نازک حدود ۲ تا ۳ میلیمتر، با رنگ سفید عاجی ، سفت و شاخی و حالتی چروکیده و تا حدی پیچ خورده دارند. مارچوبه در داخل آب متورم شده و لعاب می دهد. این گیاه دارای خواص محرک و معرق است. به‌عنوان یک معرق این دارو با دنبه گوسفند مخلوط شده و روی قفسه سینه مالیده می شود.

Asparagus officinalis L. (Liliaceae)

هلیون

Heliyūn (The.); میوه مارچوبه معمولی

بیخ هلیمون

Bīkh-i-halīmūn (The.); ریشه مارچوبه

میوه توت مانند این گیاه که حدوداً به اندازه یک نخود است، قرمز مایل به زرد بوده و دو هسته در هر بخش دارد. این میوه‌ها حاوی قند انگور و اسپارگانین (sparganein) که نوعی ماده رنگ دار است، می‌باشد. هسته‌ها حاوی روغن غیر فرار و رزین معطر می‌باشند.

ریشه‌های این گیاه پیچ خورده بوده و رنگ خارجی آن‌ها سیاه و داخل آن‌ها سفید و شاخی است. ریشه‌ها وقتی در آب خیسانده شوند لعاب داده که طعم نامطلوب و تاحدودی شیرین دارد. در تهران ریشه این گیاه را می‌سوزانند و دود آنرا برای تسکین دندان درد استشمام می‌کنند.

Asperugo procumbens L. (Boraginaceae)

بادرنجه بویه

Bād-i-ranjah-būyah, Bār ranjūbah (The.); madwort.

بادرنجه بویه یک گیاه خزنده بومی مناطق عرب نشین، ایران، اروپا و شمال آفریقا است. این گیاه بطور معمول در اراضی زراعی و باغها یافت می‌شود. کاسه گل به صورت مشبک و لوبهای پرزدار نوک تیز است. از گیاه معطر بادرنبه بویه به عنوان درمان آسم همچنان در ایران استفاده می‌شود. Schlimmer در مورد *Asperugo* این چنین می‌نویسد: «خشک شده گیاهی که در تهران تحت نام غلط بادرنبه بویه فروخته می‌شود در حقیقت گیاه *Melissa cedronella* است. من هیچوقت دلیل این عملکرد متقلبانه را متوجه نشده‌ام. دکتر Haussknecht اولین شخصی بود که به این موضوع اشاره کرد و دلیل آنرا کشت زیاد *Melissa* در باغهای اطراف تهران دانست».

Astragalus Fasciculaefolius Boiss. (Leguminosae)

کنجد سرخ و سفید

Kunjidah-i-surkh u safīd (The.); Kunjad, Gujar (Bom.); Kunjada, (Ait.); Anzarut (Ar.); Sarcocolla, “flesh glue” (Gr.); Kohl Farsi (Persian collyrium), Kohl Kirmani (Kirmani collyrium); نوعی صمغ.

این گیاه دارای تراوشات شیرینی در قسمت‌های بالائی است و این تراوشات در کردستان از گیاه استخراج می‌شود و به هند و سایر نقاط صادر می‌گردد. این تراوشات معمولاً کم رنگ بوده که بخش‌های زرد قهوه‌ای رنگ در آن قابل مشاهده است. دارای قوام شکننده‌ای بوده و در آب و الکل محلول است، ضمناً بدون بو با طعمی شیرین است. در حقیقت می‌توان گفت که به گلوکوزید موجود در ریشه شیرین بیان شباهت دارد. انزروت (*Sarcocolla*) که در این تراوشات وجود دارد بصورت گچ در می‌آید، از زم‌آن‌های قدیم توسط شکسته بندهای ایرانی مورد استفاده

قرار می گرفته. همچنین در برخی مناطق بر روی گوش یا صورت برای درمان دردهای عصبی قرار داده می شود. گفته Aitchison، این تراوشات بصورت جویدنی توسط خانمهای حرمسرا برای بهبود بخشیدن به ظاهر و پوست شان استفاده می شود (به مقاله 9, *Journ. As. Soc. Bengal*, Vol. 9, by D. Hooper, "Sarcocolla" 1913, pp. 177-181 رجوع کنید).

Astragalus gummifer Labill. (Leguminosae)

کتیرا

Kathīrā (The.); Qatera, Katira gond (Hind.); gum Tragacanth. بوته های کوچک، شاخه دار و خاردار گون در اکثر مناطق ایران و بخش آسیایی ترکیه از شایعترین عناصر پوشش گیاهی محسوب می گردد. محصول این گونه گون و گونه های مشابه، زمانی که از بریدن بوته (کت زدن) بدست می آید، صاف و بصورت روبان است. وقتی بوته را بیشتر می زنند این صمغ بصورت قطرات کرمی شکل بدست می آید. کتیرایی که تهران تهیه می شود تمیز و به صورت روبان سفید است، که از مشخصات کیفیت بالای این محصول می باشد و به مقاصد مختلف در پزشکی و قنادی استفاده می شود.

Astragalus hamosus L. (Leguminosae)

الکیل الملک

Iklīl (The.); Iklīl-ul-malik (Ar.); Adhafir-aj-jian, Adhafir-ash-shaitan (Iraq.); Iklil-ul-mulk (Bom.); Aketi (Ham.); the curved pods. گونه های متعدد گیاهانی از جنس های *Melilotus* و *Trigonella* که نیام مارپیچی دارند به عنوان منشا این دارو ذکر شده اند. نمونه های تهران و همدان غلافهای نعل اسبی شکل به طول ۲/۵ سانتی متر داشتند. رنگ آنها قهوه ای مایل به خاکستری، سطحی صاف، خمیده، در هر دو طرف دنداندار و نوک تیز که توسط یک تیغه مرکزی به دو بخش تقسیم می شود. دانه ها به رنگ خاکستری مایل به زرد، لوزی شکل و دارای دنداندار در یک انتها با نقطه ای سیاه هستند.

این غلافهای حاوی دانه، در عراق به نام «ناخن پری» و یا «پنجه شیطان» معروف است، و برای طیف وسیعی از بیماریها استفاده می شود ولی عمدتاً به عنوان ماده خلط آور و یا ضدانعقاد استفاده می شود. گاهی اوقات آنرا بصورت پودر درآورده و برای کاهش درد قسمتهای کبود شده و متورم بدن استفاده می شود.

Bambusa arundinacea L. (Poaceae)

تابشیر قلمی

Tabāshīr-i-qalamī (The); Tabashira (Ar.); Bans lochan (Hind.);

مواد معدنی بلوری شده در ساقه بامبو

تابشیر ماده ای سیلیسی است که در ساقه توخالی گیاهان بامبو یافت می شود و در طب هندی بسیار ارزشمند است. تابشیر بصورت سخت و به رنگ سفید مات بوده و شبیه مواد معدنی است که در اشکال مختلف دیده می شود. نمونه هایی که تحت این نام در تهران جمع آوری شده در واقع شامل استخوان های سوخته بود و ارتباطی با تابشیر واقعی نداشت. البته اگر خوش بینانه به این تقلب نگاه کنیم می توان گفت داروی عرضه شده به جای داروی اصلی می تواند به عنوان پودر سفید کننده دندان استفاده شود.

Berberis vulgaris L. (Berberidaceae)

زرشک گلی

Zirishk-ī-gulī (Ham., The.); Zarishk (Hind., Bom.).

زرشک هندی گیاهی است درختچه ای که به وفور در مناطق تپه ماهوری هند و ایران می روید. میوه های آن اکثراً جمع آوری شده و به عنوان چاشنی در غذا و یا برای پخت مربا استفاده می شود. در پنجاب به این میوه که همراه دم گلش جمع آوری می شود «مویز ترش» می گویند تا از انگور خشک شده کوچک و سیاه که در اروپا به نام Corinths (کشمش) است متمایز باشد. از بُعد پزشکی، مصرف این میوه به از بین بردن خارش و مشکلات پوستی کمک می کند. یک نمونه از این میوه خشک که در دانشگاه آمریکایی پسرانه بغداد نگهداری می شد به عنوان «زرشک» نام گذاری شده بود. این میوه ها بطور کلی بصورت جوشانده تجویز شده و برای حفظ سلامت عمومی و خوشبویی دهان مفید هستند.

Beta vulgaris L. (Chenopodiaceae)

تخم چغندر

Tukhm-i-chuqundur (The.); Chuk-andar (Hind.);

چغندر معمولی دارای میوه هایی کوچک، فنجانی شکل با دانه هایی به رنگ قهوه ای روشن است که طعم شور مزه ای دارند. در ایران این گیاه بطور وسیعی بصورت یک سبزی کشت می شود. بذر این گیاه در بازارهای هند به عنوان یک ماده مفید که در پزشکی مصرف دارد تحت نام چغندر «Chukander» فروخته می شود.

گونه های متعددی از این گیاه در عراق رشد می کند که شامل:

۱- چغندر: که ریشه آن خورده می شود.

۲- چغندر اسفناج: که بسیار معمول است و برگ های آن به عنوان اسفناج پخته و خورده می شود.

۳- چغندر قند: که آب و هوای بغداد برای رشد این گیاه چندان مناسب نیست.

۴- Mangel-Wurzel که در مناطق کردستان رشد مناسب تری دارد.

۵- چغندر وحشی: که به نام Silaijah یا Silaigah معروف است.

***Boswellia Carterri* Bird. (Burseraceae)**

کندر

Kundur (The.); Seta Kundur (Hind.);

در بازار، انواع مختلفی از این ماده خوشبو رزین مانند یافت می شود. Kundura zakara یا «مرد کندر» قطرات صمغ گوی مانند هستند دارای رنگ قرمز یا زرد پررنگ در حالیکه Kundura unsa یا «زن کندر» دارای رنگ زرد مایل به سفید و نیمه شفاف می باشند. Kisher Kundur نیز به شکل قطعات فلس مانند از پوست گیاه که آغشته به این رزین است در بازارها یافت می شود.

این رزین خوشبو بطور عمده بصورت یک بخور معطر استفاده می شود. همچنین پودر آن در مخلوط با سایر مواد به عنوان یک تقویت کننده حافظه در دوز نیم مثقال (معادل ۳۵ جو) استفاده می شود.

***Brassica Campestris* L. Var. *Napus* Bob. (Cruciferae)**

تخم شلغم

Tukhm-i-shalgham (The.): Sarsun (Hind.)

این گیاه، محصول با اهمیتی در هند و سایر نقاط منطقه محسوب شده که بطور عمده برای دانه اش کشت می شود. دانه های رسیده کوچک، قهوه ای یا قرمز مایل به قهوه ای با قطری در حدود ۲ میلی متر و صیقلی هستند. این دانه ها حاوی روغنی می باشند که از آن به عنوان ملین استفاده می شود همچنین جهت روشنایی و یا برای پخت و پز.

***Brassica* (Sinapis) *nigra* (L.) and *B.alba* Rabenh. (Cruciferae)**

خردل

خردل که در حال حاضر گیاهی بسیار شایع در اکثر نقاط است منشاء اوروآسیائی دارد. پودر دانه ها چاشنی غذایی بسیار مهمی هستند که در ادویه کاری نیز استفاده می شود. در پزشکی برای درست کردن ضماد یا مشمع انداختن استفاده می شود.

خردل به عنوان یک ماده تهوع آور زمانی که بیمار مشکوک به مسمومیت با مواد مخدر می باشد نیز بصورت خوراکی تجویز می شود.

***Butea frondosa* Roxb. (Leguminosae)**

برگ هند ایران

Barg-i-hind īrān, Parakeh-i-hindī (The.); Palaspapado (Duk.); Palas Keby (Hind.)

مصرف دارویی: دانه‌ها که از درخت ساج یا بنگال بدست می‌آید.
این دانه‌ها صاف، دارای رنگ قهوه‌ای مایل به قرمز و حدود ۳ تا ۵ سانتی متر با لپه‌های سفیدرنگ هستند. این دانه‌ها نوعی درمان هندی برای انگل کرم کدو به شمار می‌آید. دانه‌های پودر شده دو روز بعد از یک دوز از داروی ضد کرم (تخم درمنه *Artemisia maritima*) تجویز می‌شود.

***Caesalpinia Bonducella* Roxb. (Leguminosae)**

تخم ابلیس

Tukhm-i-iblis (The.); Khaza-i-iblis; Bonduk-i-hindi (Ar.); Kat karanj (Hind.);
دانه‌های Bonduc این گونه گل ابریشم بصورت کروی و به رنگ خاکستری کدر با سطح صاف و براق بوده و ظاهر آن‌ها نشان دهنده وجود روغن این دانه‌ها می‌باشد. این دانه‌ها به عنوان طلسم یا تزئین بصورت گردنبند استفاده می‌شوند. همچنین مغز تلخ آن‌ها به عنوان یک داروی ضدانگل، (antiperiodic) و تقویت کننده کاربرد دارد.

***Calamintha graveolens* Benth. (Labiatae)**

ترنگمسک

Terengamisk(?) (Teh.); Faranj mishk or Biranj mishk; Palang mishk $\approx$ *Ocimum sanctum* L. and Palenguemeeke $\approx$ *Dracocephalum kotschy* Boiss
این گونه از بادرنبویه Calamint در مناطق مدیترانه‌ای، سوریه، آسیای صغیر، عراق و قفقاز (Caucasia – Trans) فراوان است. دانه این گیاه در هند به عنوان محصولی از ایران شناخته می‌شود. این دانه‌ها قهوه‌ای تیره، کشیده، سه گوش و دوکی شکل هستند در حدود ۱ تا ۲ میلی متر، که از دو سمت باریک شده و لکه سفیدی به شکل ۷ روی آن‌هاست. این دانه‌ها بصورت خفیفی تند مزه بوده و هنگامی که در آب خیسانده شوند با لعاب شفاف پوشیده می‌شوند. این دانه‌ها محرک و تقویت کننده قوای جنسی هستند.

***Calendula officinalis* L. (Compositae)**

همیشه بهار

Hamīshah bahār (The., Iraq); Gole himmicheh behar (Schl.); Qarah Koz (Turk.)
همیشه بهار گیاهی است که به طور وسیعی در سواحل مدیترانه وجود دارد. در شمال هند به عنوان علفی هرز شناخته شده ولی بیشتر در باغها و برای ظاهر تزئینی و زیبایشان کشت می‌شوند. گل زرد و تلخ مزه این گیاه در درم آن‌های خانگی استفاده می‌شود. گل خشک شده این گیاه بصورت تنتور در گذشته برای درمان زخم استفاده می‌شد.

***Capparis spinosa* L. (Capparidaceae)**

ریشه کبار

Rīshah-i-kabar (The.); Kabar (Pers., Iraq);

این گیاه بصورت درختچه ای خاردار است که در مناطق غرب آسیا، اروپا، شمال آفریقا و استرالیا می‌روید. این درختچه در دشت‌های اطراف شهر بسیار معمول است و ارتفاع بوته بزرگ آن به یک و نیم متر می‌رسد. در ایران جوانه‌های گل‌های آنرا جمع کرده و در ترشی استفاده می‌کنند. ریشه این گیاه که رنگ روشن و پوست ضخیمی دارد در پزشکی مصرف دارد. پوست ریشه در کتاب قدیم مرجع دارویی پارسی «Persian Pharmacopoeia» به عنوان *Capparis Cortex Radicis* معرفی شده. که هر دو دارای طعمی تند و تلخی بوده در درمان روماتیسم و تب نوبه مفید هستند.

***Capsicum frutescens* L. (Solanaceae)**

فلفل مویه

Filfil mūyeh, Filfil-i-surkh (Teh.); Filfil ahmer (Ar.); Lal mirch (Hind.)

این گونه از فلفل و یا چیلی، با نام علمی *Capsicum* و *C. annuum* گونه‌هایی هستند که در سرتاسر هند و ایران برای میوه‌های تندشان کشت شده و در کل مشرق زمین برای اهداف آشپزی مصرف می‌شوند. انواع این جنس گیاه به‌عنوان یک محرک قوی شناخته شده است. در دوزهای دارویی، مصرف فلفل باعث تحریک جهاز هاضمه و افزایش تراوشات معدوی شده و این امر به افزایش اشتها و هضم غذا کمک می‌کند.

***Corthamus tinctorius* L. (Compositae)**

کافشه

Kāfshah, Tukhm-i- Kāfshah (The., Ham.);

Gul-i-rang (The.); Gul-i-kajira, Qurtum (Ar.); Kusam (Hind.); Atractus (Gr.)

این گیاه در سوریه، ایران و افغانستان جهت استفاده از گل‌های قرمزش کشت می‌شود و از این گل‌های کوچک قرمز رنگ برای آرایش و یا در رنگرزی استفاده می‌کنند. همچنین به‌عنوان یک جایگزین ارزان قیمت برای زعفران

(*Crocus sativus*) استفاده می شود. میوه این گیاه که حالت فندقه دارد و به نام "تخم طوطی" شناخته می شود دارای روغنی است که آنرا استخراج کرده و در درمان روماتیسم همچنین به عنوان مرهم برای پیچ خوردگی و رگ به رگ شدن استفاده می کنند.

***Carum bulbocastanum* Koch (Umbelliferae)**

زیره سیاه کرمانی

Tukhm zīreh (Teh.); Zireh-siyah, Kirmani (Isf.); Kala-zirah (Afg.); Jira-shak (N.E. pers.).

میوه این گیاه به نام زیره سیاه در ایران و شمال هند شناخته می شود. Royle این گیاه را تحت نام *Carum nigrum* شناسائی کرده ولی Aitchison به عنوان اولین کسی که این گیاه را مشاهده کرده نمونه را تهیه کرده که دارای ریشه غده ای می باشد. آن ها جایگزینی برای زیره ی معمول اروپائی (*C. Carui* L.) هستند. و همه آن ها در طب به عنوان بادشکن استفاده می شوند.

***Carum copticum* Benth.& Hook. (Umbelliferae)**

(*Sison Ammi* L.; *Trachyspermum Ammi* Sprague ex Turrill; *Ptychotis Ajowan* DC.; *Ammi copticum* L.)

زنیان

Ziniyān (The., Ham.); Ajowan, Ajwain (Hind.); Omum (Tam.); Ammeos (Ph. Pers.); Basilikon Kuminon (Gr.);

این گیاهی است که بومی آفریقا بوده و در مناطقی مانند اروپا، ایران، افغانستان و هند کشت می شود. در میان یونانیان و اعراب باستان، میوه های معطر این گیاه کاملاً شناخته شده بود. این داروی گیاهی بطور عمده در منطقه شیراز در ایران تولید می شود. میوه های این گیاه قهوه ای مایل به خاکستری، کوچکتر و بسیار خمیده تر از دانه های زیره سیاه هستند. عطر آگینی این میوه ها مربوط به روغن و ماده موثر آن بوده که تیمول Thymol نامیده می شود. این ماده در درجه حرارت معمول محیط حالت کریستالی خود را از دست می دهد. در هند، تیمول با نام Ajwain-ka-phul یا گل آجوین نامیده می شود. عصاره این میوه ها که با آب جوشانده شده بدست آمده آب Omum water نامیده می شود و به عنوان یک ضد نفخ برای کودکان استفاده می شود، همچنین به عنوان درمان و با.

***Carum Petroselinum* Benth. & Hook. (Umbelliferae)**

تخم کلم

Tukhm-i-kalam (The.); Maghdunes (Iraq); Pitar saleri (Hind.).

جعفری (بذر این گیاه به نام تخم کلم ثبت شده و علت آن مشخص نیست م) گیاهی است که از جنوب اروپا و معمولاً برای مصرف خانگی توسط مردم کشت می شود. تخم این گیاه معطر بوده و دارای رنگ سبز مایل به خاکستری و یا قهوه ای مایل به سبز با حدود ۲ میلی متر طول و یک تا ۲ میلی متر پهناست که دو طرف آن حالت فشرده شده دارد. ماده اصلی در تخم کلم (منظور بذر جعفری م)، روغن فرار آن می باشد که حاوی آپپول است و معمولاً حالت شفاف دارد. آپپول تجاری مایع چسبناک و روغنی است که از تخم کلم با کمک ماده اتر استخراج می شود. این بذرها را به عنوان ملین و یا تب بر استفاده می کنند. آپپول برای اختلالات قاعدگی تجویز می شود.

Cassia Absus L. (Leguminosae)

چشم

Chasm (Ham., The.); Hab-us-sudan (Ar.); Chaksu seed of India.

این گیاه بطور وسیعی در مناطق استوایی آسیا و آفریقا وجود دارد. دانه های کوچک، سیاه و عدسی شکل آن از مدتهای بسیار دور برای درمان بیماریهای چشمی در شرق استفاده می شده است. Chaksu در زبان سانسکریت به معنای یک چشم است. در بعضی مناطق مرهمی از این دانه ها تهیه می کنند که گفته می شود برای درمان زخمها و جراحات مفید است. در همدان این دانه ها جزء سموم طبقه بندی شده است.

Cassia acutifolia Delile (Leguminosae)

سنا

Sanā (Teh.); Sana mukhi (Iraq); Sana-Hindi (Ar.).

برگ سنا از هند به ایران وارد شده است. در تهران مخلوط سنا با گلاب و آلوچه به عنوان یک مسهل استفاده می شود.

Cassia Fistula L. (Leguminosae)

فلوس

Fulūs (Isf.).

این گیاه، درختی است که بومی هندوستان با غلاف دانه های بلند و حالت استوانه ای. این میوه ها جمع آوری شده و بطور وسیعی در پزشکی و جهت صادرات مصرف دارد. طبق نظریه آتچیسون، نام این درخت دارای ریشه ترکی می باشد و در نقاطی مانند یارکند، غرب سینکینگ و حتی چین از این نام استفاده می کنند. جهت درمان سوزش معده قسمت میانی غلاف این گیاه در آب جوشانده می شود و بعد از صاف کردن به مایع شکر و روغن بادام اضافه می

کنند. این محلول را بصورت ناشتا می نوشند و همچنین در فواصل زمانی در طی روز. در زمان درمان با این دارو نان باید از جیوه غذایی بیمار حذف گردد.

***Celosia argentea* L. (Amarantaceae)**

گل حلوا

Gul-i-halvā (Isf.); Sarwali (Hind.).

این گیاه در سرتاسر هند و مناطق حاره ای رشد می کند. سرگل زرد و صورتی این گیاه، دانه ها و ریشه آن در پزشکی مصرف دارد. دانه ها عدسی شکل آن به رنگ قهوه ای یا سیاه با سطحی صاف و براق بوده و حالت محدب در هر دو سطح دارند. از برگ این گیاه برای کاهش خارش و التهاب سطحی استفاده می شود. سرگل و دانه های این گیاه به عنوان آرامش بخش و همچنین در درمان اسهال استفاده می شود. نویسنده کتاب "مفردات ناصری" ذکر کرده که ۱۸۰ دانه این گیاه را با مقدار برابر نبات مخلوط کرده و بصورت روزانه در شیر حل می کنند و می نوشند که باعث تقویت قوای جنسی می شود.

مخلوط دانه ها و *Chrozophora verbascifolia* Jess بصورت دم کرده برای درمان درد قفسه سینه، بخصوص در دوران سیاه سرفه تجویز می شود.

***Celtis australis* L. (Ulmaceae)**

دغ دغان

Digh-dighane (Isf.).

این درخت تزئینی در خراسان و نزدیکی بغداد کشت می شود علی الخصوص در نزدیکی زیارتگاهها و اماکن مقدس. میوه های کوچک، سبز رنگ و چروکیده *C. caucasica* Wild با آرد معمولی مخلوط می شود که از آن در پخت نان استفاده می کنند.

گونه، *C. Tournefortii* Lam. که در منطقه کردستان به نام تاوک شناخته می شود دارای میوه های کوچک گیلاس مانندی است.

***Chaerophyllum* sp. (Umbelliferae)**

قردمانا

Qurdumānā (The.); Keruwiah (Isf.).

میوه هایی به رنگ سبز مایل به خاکستری هستند که طولی حدود ۱۰ میلی متر طول و عرض ۱ میلی متر دارند. بوی این میوه ها کمی شبیه زیره سیاه است.

به گفته Honigberger، گونه *Lagaecia cuminoides* دارای خواص مشابهی با این میوه‌ها است. همچنین Stapf به ما یادآوری کرد که این گیاه که از ناحیه چهار محال جمع آوری و در اصفهان به عنوان دارو فروخته می‌شود به گیاه *Grammosciadium macrodon* از خانواده چتریان نزدیک است و هر دو برای جلوگیری از نفخ استفاده می‌شوند.

Chahār-tukhmah.

چهار تخمه

در هنگام بررسی نمونه‌های جمع آوری شده گیاهان دارویی، ما به دو بسته برخوردیم که به نام چهارتخمه و یا مخلوط بذر نام گذاری شده بود و آن‌ها به عنوان درمان برای اسهال و همچنین یک تقویت کننده تجویز می شدند. چهار تخمه مخلوطی است از دانه‌های بارهنگ (*plantago major* L.)، قدومه (*Alyssum Campestre* L.)، سه پستان (*Cordia Myxa* L) و به دانه (*Pyrus Cydonia* L.) باید به این نکته نیز توجه نمود که تمام این دانه‌ها کاملاً لعاب دار هستند.

آنجیسون در تحقیقات خود به مخلوطی از چهاردانه که در پنجاب و یارکند فروخته می شود اشاره می کند. این مخلوط در آن مناطق با نام «کم پاره» (*Kam- Parah*) شناخته می شود با این مفهوم که چهار نوع بذر تکمیل کننده یکدیگر برای یک داروی کامل هستند. این تئوری بسیار شبیه به تئوری مخلوط کردن پنج بذر از خانواده کدوئیان در هند است (به *Cucumis* مراجعه شود) که به نوعی اشاره به عنصر پنجم وجود یا اثر دارد. دانه‌هایی که نمونه دوم را تشکیل می دهند شامل بارهنگ (*Plantago major* L.)، اسفرزه (*P. ovata* Forsk.)، ریحان (*Ocimum Basilicum* L.) و مروه یا مریم گلی (*Salvia* sp.) می باشد.

Chrozophora verbascifolia Juss. (Euphorbiaceae)

برگ قیطان

Barg-i-quitarān (The.); Zurrai (Iraq); Nil-kanthe (Punj.); Shahdeve (Hind.)

برگ قیطان یک گیاه بسیار فراوان در زمینهای زراعی مناطق گرمسیر هند است که در فصل خشک دیده می شود. داروی ساخته شده از این گیاه شامل برگ، ساقه و میوه آن بوده و به عنوان درمان محلی سیاه سرفه استفاده می شود. این گیاه به عنوان دارویی برای حفظ سلامت عمومی شناخته شده و حتی زمانی برای درمان بیماری جذام تجویز می شده است. دانه‌های این گیاه در کویت تنوم 'Tannum' نامیده می شود که حاوی ۳۵٪ روغن و چربی است و اعراب بادیه نشین از آن به عنوان جانشینی برای کره استفاده می کنند.

این گیاه مربوط به جنس گل عقربی (*C. tinctoria* Juss.) است. باید توجه داشت که این گیاه با رنگ آبی مایل به ارغوانی دارای خواص سمی و تهوع آور می باشد.

***Cicer arietinum* L. (Leguminosae)**

نخود

Nakhūd (The., Punj. & Turk.); Chana (Hind.); Nok (Kurd.).

نخود گیاهی است کوچک، یکساله با برگهای شانه‌ای. بر روی ساقه این گیاه پرزها و کرک‌هایی وجود دارد که انتهای آن حالت غده ای است. این غدد حاوی اسید اگزالیک هستند. در زمانی که پدیده شب‌نم رخ می‌دهد این اسید به صورت قطراتی از گیاه خارج می شود. نوعی نوشیدنی الکلی به نام (Chana-no-kheto) از این اسید ساخته می شود که خواص داروئی دارد. دانه‌های این گیاه محدب با نوک تیز و سبز مایل به خاکستری هستند. در هند مصرف این دانه‌ها بسیار موسوم می باشد و به صورت خام، برشته یا خیس‌انده شده با معجون مصرف می شود. این دانه‌ها که در ایران نخود نام دارد به عنوان واحد وزنی برابر با ۱/۱۴۴ انس بکار می‌رود. وزن یک دانه نخود به طور متوسط برابر است با وزن پنج دانه جو.

***Cichorium Intybus* L. (Compositae)**

تخم کاسنی

Tukhm-i-kāsnī (Ham., The.); Kashi (Hind., Bom., Beng.); Intubus (Lat.); Sem.

Cichorii (Ph. Pers.);

ریشه Rishah-i-kasni (Ham., Teh.);

گیاه کاسنی بومی ایران است که در هند و اروپا کشت می شود. آندیو هم در برخی مناطق مثلاً در شرق ایران تحت همین نام شناخته می‌شود که با هم قابل تشخیص نیستند. ریشه‌های این گیاه گوشتی و مخروطی بوده که در طول حالت پیخ خورده و چین و چروک دارد. رنگ سطح خارجی آن نیز قهوه‌ای است. ریشه خشکیده و خشکانده این گیاه به عنوان طعم دهنده‌ای که به مارک‌های مختلف تجاری قهوه اضافه می‌کنند، شناخته می‌شود. در ایران بلوچستان و هند از این گیاه برای درمان مشکلات صفراوی مورد استفاده می‌کنند. برای این مقصود معمولاً با سایر گونه‌هایی مانند *Nymphaea alba* L.، *Viola* sp. و *Cordia Myxa* L. مخلوط می‌شود. تخم کاسنی که لکه‌های خاکستری در سطح دارد، دارای طعم تلخی و لعاب است.

***Cinchona calisaya* Wedd. (Rubiaceae)**

پوست گنه گنه

Pūst-i-kinah-kinah (The.); Qanaqinah (Iraq);

پوست درخت گنه گنه در وزن‌های بسیار اندک در بازارهای شرق (از ایران تا چین) به فروش می‌رسد. در قرن هفدهم برای اولین بار پوست گنه گنه (یا پوست پروئی) توسط مبلغان مذهبی که به پرو و آمریکای جنوبی رفته بودند وارد اروپا گردید. پس از اینکه جامعه داروسازان لندن خواص دارویی این گیاه را تایید کردند در سال ۱۶۷۷ میلادی این گیاه را به سایر نقاط از جمله پزشکان کمپانی هند شرقی فرستاده شد. در سال ۱۷۶۰ پودر پوست درخت در داروخانه‌های کلکته با قیمت بسیار هنگفتی فروخته می‌شد. کشت درخت گنه گنه در سال ۱۸۶۰ در هند شیوع یافت و در حال حاضر هند و جاوه از تولیدکنندگان این گیاه محسوب می‌شوند.

***Cinnamomum Cassia Blume* (Lauraceae)**

دارچین

Dār-chīnī (Isf.); Darasini (Ar.).

پوست دارچین در ابتدا توسط چینیه‌ها به عنوان یک ادویه استفاده می‌شده. علاوه بر مصرف آن در آشپزی به عنوان یکی از عناصر تشکیل دهنده پودر کاری در طب نیز استفاده می‌شود.

در ایران، پوست دارچین به عنوان یک تحریک کننده بزاق دهان، همراه با چای بسیار مورد استفاده قرار می‌گیرد.

- قرفه

Gurfah (The.); Kalphah (Bom.).

میوه‌های کوچک و سیاه و سفیدی را که در کشور چین از درخت دارچین بدست آمده، در بازار برای مصارف پزشکی بفروش می‌رسد. در جنوب هند میوه گونه *C. iners Reinw.* به عنوان دارو استفاده می‌شود که به لحاظ کیفیت از گونه اصلی پائین تر است.

- برگ ساذج

Barg-i-sādhaj (Teh.); Sādhaj-i-hindī (Isf.);

برگ دارچین نیز مصرف خوراکی دارد و برای درمان روماتیسم تجویز می‌شود. نام بومی این گیاه توسط مسلمانان هندی برای برگ دارچین وحشی که در جلال آباد می‌روید بکار برده و به عنوان بادشکن مصرف می‌شود. برگ ساذج در ساخت داروهای قدیمی هندی مانند *Talispatra*، *Malabathrum* و *Folia* استفاده می‌شود.

***Cirsium lanceolatum L.* (Compositae)**

Foveh (?) (Ham.).

سفید، پرکاسه گل

تحت نامهای مختلفی مانند سفید، پُرکاسه گل و یا کاسه گل در بازارها بفروش می‌رسد. دارویی به نام «بادآورده» که از کاسه گل گونه *Circus benedictus* L. مخلوط با نوک کرک دار گونه‌های *Volutarella* و *Echinops* تهیه می‌شود و به‌عنوان دارویی که احتمالاً جاذب مواد بوده، به صورت خارجی استعمال می‌شود.

***Citrullus colocynthis* Schrad. (Cucurbitaceae)**

خریزه روباه

Kharbūzah-rūbāh, Kabiste talkh (Pers.); Hanzal (Ar.); Handhal, Gozharik (Kurd.); Indrazana (Hind.).

خریزه روباه یا هندوانه ابوجهل گیاهی است رونده، چندساله و بیابانی که دارای میوه ای خالدار، سبز یا زرد رنگ به اندازه پرتقال بزرگ است. این گیاه در بیابان‌های ماسه‌ای شمال هند، ایران و سوریه یافت می‌شود. پوست این میوه حالت شکننده و ترد دارد سطح داخلی پوسته توسط یک بخش صاف و اسفنج مانند به رنگ سفید پوشانده شده که طعم تلخ شدیدی دارد. این مواد را پس از خارج کردن از گیاه به عنوان دارو استفاده می‌کنند. این دارو مسهل بسیار قوی بوده و علت آن نیز مواد تشکیل دهنده آن بخصوص Colocynthin که گلوکوزیدی قابل کریستاله شدن است، می‌باشد. دانه‌های این میوه، قهوه ای، کوچک و بیضوی شکل هستند و حدوداً حاوی ۱۷٪ روغن می‌باشند. این دانه‌ها را با سفیده تخم مرغ و نمک مخلوط کرده و می‌خورند که بسیار مغذیست.

***Citrullus vulgaris* Schrad. (Cucurbitaceae)**

تخم گرمک

Tukhm-i-garmak, Tarbuz (The.); Qarpuz (Turk.); Shami (Iraq).

این میوه که از خانواده کدوئیان می‌باشد شبیه هندوانه است و در سراسر کشور تابست آن‌ها کشت می‌شود. داخل این میوه بسیار لذیذ است و همچنین به‌عنوان منبعی آب استفاده می‌شود. به گفته آیت‌چیسون در حدود ۲ ماه در سال این میوه به همراه تکه‌ای نان به‌عنوان یک وعده غذایی بسیاری از مردم به شمار می‌رود. دانه این میوه‌ها جمع آوری شده و فروخته می‌شود. این دانه‌ها معمولاً با نمک یا بدون آن به‌عنوان یک سرگرمی و تفریح یا به منظور بهره بردن از خواص دارویی آن خورده می‌شود.

در طب هندی، دانه‌های این میوه در مخلوطی از ۵ دانه گیاهان خانواده کدوئیان به‌عنوان یک دارو استفاده می‌شود. ۴ دانه دیگر این دارو شامل دانه‌های خیار (*Cucumis sativus* L.)، خربزه (*C. Melo* L.)، کدو (*Lagenaria vulgaris* Ser.) و کدو خورشتی (*Benincasa cerifera* Savi) هستند. این داروی پنج دانه به‌عنوان یک ماده خنک کننده، مدر و مغذی تجویز می‌شود.

Citrus anrantifolia (Christm.) Swingle (Rutaceae)

لیمون

Limon, Limon-amman, Limon Basra (Iraq); post-i-limon (Afg.)

لیموی خشک که پوست سخت و تردی دارد به اندازه یک گردو است از هند وارد عراق شد و در آنجا به نام نومی بصره (Numi Basra) شناخته می شود. به کمک مقداری شکر از آن در ساخت نوشیدنی به نام چای حمیده (Shai Hamideh) استفاده می کنند.

Citrus sinensis (L.) Osbeck (Rutaceae)

چهار محصول مختلف درخت نارنج به عنوان دارو در ایران کاربرد دارد:

بهار نارنج

Bahār-i-nāranj (The.); Naphae flores (Schl.).

گل های خشک شده نارنج در بازارهای ایران به عنوان محرک و دارویی برای جلوگیری از اسهال خونی تجویز می شود. به گفته اسچلیمر گل بهار نارنج حاوی ماده طعم دهنده (Aqua naphae یا Aqua Florum aurantii) است که مورد علاقه بسیاری می باشد. بوی بسیار مطبوع آن نیز به خاطر وجود روغنی حاوی مواد نیتروژنه به نام (Anthanilic acid methyl-ester) است.

برگ نارنج

Barg-i-nāranj (Isf.).

مورد استفاده دیگر از این درخت، برگ آن است که برای درمان ورم پا تجویز می شود. برای این منظور گاهی برگ نارنج با سایر مواد مانند دانه های نارنج، میوه های شوکران، سرخدار (*Taxus baccata* L.) و Bitter Cane مخلوط می شود.

خلال نارنج

Khalal-i-nāranj, Pust-i-utruj (The.).

پوست نارنج یکی از موادی است که برای رنگ دادن و طعم دار کردن گنه و جنتیان (Gentian) استفاده می شود. همچنین در آشپزی ایرانی آنرا به عنوان خوشبوکننده بر روی برنج و یا دیگر سبزیجات استفاده می کنند. پوست نارنج در حقیقت میوه نارنج است که به دو نیم تقسیم و در آفتاب خشک شده است و در بازارهای ایران به فراوانی یافت می شود.

هسته نارنج

Hastah-i-nāranj (The.).

بذر یا هسته های نارنج تلخ مزه هستند. هسته نارنج ابتدا تف داده شده تا پوسته بیرونی آن ها جدا شود سپس از آن به عنوان ماده ای که پروسه درمان را تسریع می بخشد استفاده می کنند.

***Colchicum luteum* Baker and *C. Speciosum* Stev. (Liliaceae)**

سورنجان کرمانی

Surinjān-i-kirmānī (The.); Surinjān-i-talkh (Pers.).

گل‌های زرد گونه *Colchicum* در دامنه پوشیده از چمن مناطق معتدل هیمالیا و همچنین افغانستان و ترکستان یافت می‌شود. گونه *C. speciosum* Stev. در مناطق خراسان، بادغیس و حریرود یافت می‌شود. بنه و یا پیاز این گل با پیاز *Merendera persica* Boiss. مخلوط می‌شود که آیت‌چیسون از آن به عنوان سورنجان یونانی یاد کرده. پیاز این گیاه بیضوی شکل، سفید و سفت حدود ۳/۵ تا ۵ سانتی متر است و پیاز هر دو گونه گل حاوی آلکالوئید و کلشی سین است و مانند گونه‌ی (*C. autumnale*) که در اروپا یافت می‌شود برای درمان رماتیسم استفاده می‌شوند. پودر شده این پیازها را بصورت بخور برای درمان سل ریوی تجویز می‌کنند.

***Commiphora molmol* Engl. (Burseraceae)**

خاک مقل

Khāk-i-mugl, Mun-e-makki (The.); Mur, Bol (Hind., Bom.); Myrrha mechensis (Ph. Pers.).

در شرق باستان، صمغ معطر این گیاه به نام «میره» (*myrrh*) شناخته شده بود. این صمغ از گیاهی که در شمال شرق آفریقا و جنوب عربستان رشد می‌کند جمع‌آوری و از آنجا به هند و بمبی که مرکز تجارت این صمغ است وارد می‌شده. آیت‌چیسون ذکر می‌کند برای صادر کردن این صمغ به افغانستان و ترکستان ابتدا به مشهد فرستاده می‌شود. میره یک داروی مهم در میان مسلمانان است و آن‌ها بر این باورند که منشاء این صمغ از شهر مکه می‌باشد. نمونه‌هایی که از تهران بدست آوردیم حبه مانند بود و به شکل قرص در آمده بود که برای کمردرد و شکم درد تجویز می‌شد (هر دوز شامل ۵ قرص).

***Commiphora Mukul* Engl. (Burseraceae)**

مقل ازراق

Muql-i-azraq (The.); Moghl-ezreg (Schl.); Gugal, Bdelium (Hind.).

در میان مسلمانان، گونه‌های مختلف از صمغ‌های دانه ای شکل وجود دارد که با نام مقل (*Muql/Mukul*) شناخته می‌شود و آن‌ها را از درختانی که در عربستان و هند می‌روید بدست می‌آورند. چند نوع آن بهتر از بقیه بوده و همگی طعم تلخی دارند. نام مقل ازرق براساس رنگ آبی این صمغ بر روی آن گذاشته شده رنگ‌های دیگر آن شامل صمغ زرد (مقل یهود)، صمغ قهوه ای (ساکولالی) (*Sakulali*) و رنگ قرمز تیره مایل به قهوه‌ای (مقل عبیر) نامیده می‌شود. این صمغ‌ها چسبناک و تلخ مزه هستند و محلول آن‌ها در آب امولسیون شیری رنگی تولید می‌کند.

این صمغ برای درمان رماتیسم عضلانی تجویز می شود که بصورت مرهم بر روی قسمتهای دردناک گذاشته می شود. یک مثقال آن را برای درمان بی خوابی تجویز می کنند.

***Commiphora Opobalsamum* Kunth (Burseraceae)**

حب بلسان

Habb-i-balsān (Isf.); Hab-el-Balasana, Akulla, Balasan (Ar.).

میوه درختی است در عربستان که بیضی شکل، چروکیده و به رنگ قرمز مایل به قهوه می باشد. این میوه طعمی ترش شبیه سرکه داشته و بویی مانند سقز. این میوه ها خواص بادشکن و اشتها آور، خلط آور و محرک دارند. در اصفهان این میوه ها را برای درمان لرز و سرماخوردگی تجویز می کنند. بدین صورت که تعداد کمی از این میوه را درسته قورت می دهند.

عود بلسان

Ud-i-balsān

چوب درخت بلسان (*Xylobalsamum*) صورتی رنگ و از نظر بافتی بسیار متراکم و سنگین است. این عود بصورت قطعات چوبی که در بین لایه های پوست کاغذی شکلی پیچیده شده یافت می شود. عود بلسان دارای خواص مشابه حب بلسان دارد.

***Conium maculatum* L. (Umbelliferae)**

بیخ شوتران

Bīkh-i-shankarān (Isf.); Karedemonah (Ham.); Kurdumana (Hind.); Karvaya-i-dashti (Pers.); Khorasain-ajwan (Ind. Bazaars).

شوکران گیاهی سمی است که در مناطق اروپا و شمال آسیا یافت می شود. آتچیسون (Aitchison) این گیاه را با طولی حدود ۷ فوت در منطقه قره باغ گزارش کرده. پزشکان فارس و عرب در کتابهای خود نظریه یونانیان را در مورد شوکران تکرار کرده اند. میوه و برگ این گیاه حاوی سم آکالوئیدی به نام «کونین» (Conine) هستند که باعث فلج اعصاب حرکتی می شود. میوه ها در قالب یک لوسیون و کرم برای کاستن دردهای خارجی استفاده می شوند.

***Coptis Teeta* Wall. (Ranunculaceae)**

مامیران

Māmīrān (Teh.).

مامیران داروی گیاهی شناخته شده ای بخصوص برای تجار هندی از زم آن‌های گذشته است. برنیر (Bernier) که در هیات همراه سلطان اورنگ‌زیب (Aurangzebe) (عنوان و لقب محی‌الدین محمد، ششمین امپراتور گورکانی هند که بین سالهای ۱۶۵۸ تا ۱۷۰۷ م حکومت کرد. او سومین پسر شاه‌جهان و مادر ایرانی‌اش ارجمندبانو ملقب به ممتازمحل بود که بنای زیبای تاج‌محل بیاد او ساخته شد م)، از کشمیر بازدید می‌کرد چنین ذکر کرده که این دارو برای بیماریهای چشمی مورد استفاده قرار می‌گیرد و از طریق تبت وارد هند شده است. این گیاه در اطراف جنگلهای دست نخورده در کوههای غربی چین کشت می‌شود و از طریق مسیر سنگاپور به هند وارد می‌شود. ریشه این گیاه نازک با ریزوم‌های گره دار بوده که داخل آن زرد رنگ است. این ریزوم‌ها حاوی آلکالوئیدی به نام بربرین (berberine) است و به‌عنوان ماده بهبود چشم و نیرو بخش استفاده می‌شود.

***Corchorus olitorius* L. (Tiliaceae)**

ملو غیه

Mulukhiyah (Iraq); Baphilli (Hind.); Rajajira, Isband (Bom.).

گونه‌ای کنف که از مصر وارد ایران شده و به‌عنوان یک محصول کشت می‌شود. فیبر این گیاه مناسب برای تهیه طنابهای محکم نیست ولی از آن به‌عنوان نخ برای دوختن زخمها و بخیه زدن در جراحیها استفاده می‌کنند. دانه‌های گیاه *Corchorous* یا (*C. trilocularis*) در یونان شناخته شده است. این دانه‌ها، سبز تیره مایل به آبی و زاویه دار بوده، حدود ۲ میلی متر اندازه آن‌هاست و بسیار تلخ مزه هستند. این دانه‌ها را بصورت بخور در هنگام تب و یا ناراحتیهای کبد (انسداد کبد) تجویز می‌کنند.

***Cordia Myxa* L. (Boraginaceae)**

سپستان

Sepistān (The.); Sebestan or sapistan, from sagpistan (Pers.) یا (پستان سگ، سگ پستان)

این گیاه که رامفیوز (Rumphius) (گیاه شناس آلمانی م) آنرا *Arbor glutinosa* نامیده، درختچه یا درخت کوچکی است که بصورت فراوانی در مناطق حد فاصل مصر تا هندوچین و مناطق گرمسیر آفریقا به صورت خودرو و دست کاشت یافت می‌شود. سپستان داروی کاملاً شناخته شده ای در شرق می باشد که توسط اعراب معرفی شده. میوه آلویی شکل که اندازه آن در حدود یک گیلان است و خاصیت لعابی دارد. آتچیسون چنین ذکر کرده در ایران این میوه عمدتاً از ناحیه جنوب جهت استفاده داروئی به سایر قسمتها فرستاده می‌شود، ترکستان مقصد بخش بزرگی از این محصول است. سپستان با توجه به خواص تسکین دهنده‌ای مه دارد جهت درمان سرفه و درد ناحیه قفسه سینه تجویز می‌شود. دوز مصرفی در تهران حدود ۱۰ عدد میوه است.

***Coriandrum sativum* L. (Umbelliferae)**

تخم گشنیز

Tukhm-i-gishnīz (Teh); Kuzbara (Ar., Traq); Gashnish (Turk.); Dhanya (Hind.); Koriyan (Gr.).

گیاه گشنیز در سراسر باغهای ایران، افغانستان و هند کشت می شود. میوه کروی این گیاه به عنوان یک ادویه و طعم دهنده غذا استفاده زیادی می شود. این گیاه در سالاد و مخلوط با سایر ادویه مصرف شده همچنین دم کرده برگهای گشنیز را برای درمان سردرد تجویز می کنند. همچنین میوه های گشنیز را دود داده برای رفع دندان درد استفاده میکنند.

***Corylus Colurna* L. (Cupuliferae)**

فندق

Funduk (Teh.); Findaq, Bundaq (Iraq); Findak (Hind.).

درخت فندق در مناطق شمال غربی هیمالیا، کشمیر و افغانستان یافت می شود. این درخت از گونه های مشابه فندق اروپایی (*C. Avellana*) است. فندق به وفور در بازارهای ایران یافت می شود و گفته می شود که از شمال می آیند. فندق حاوی مقدار زیادی روغن گیاهی شیرین است و دانه های فندق بصورت خام و یا تف داده شده خورده می شوند.

***Cotoneaster nummularia* Fisch. & Mey. (Rosaceae)**

شیرخشت

shīr Khisht, (The.); Shir-milk, (Pers.).

بوته ای است که در نواحی سیاه کوه و سفید کوه در ارتفاع حدود ۹۰۰ بالای سطح دریا به فراوانی یافت می شود. در فصول خاص این بوته ها بار می دهند. از نازک ترین شاخه ها قطرات انگبین (مان یا شیر قندی گیاهی م) سفید رنگ و شیرین خارج شده و به درستی به عنوان ملین و درمان شکم درد استفاده می شود. مخلوط این ماده را با آب برای درمان تیفوئید استفاده می کنند. شیرخشت در حقیقت یکی از چهار نوع انگبینی است که در ایران یافت می شود. سه نوع دیگر آن ترانجبین (*Alhagi camelorum* Fisch.)، گزانگبین (*Tamarix gallica* L.) و شکر اولاشر یا شکر تیغال می باشند. شکر تیغال از فعالیت سوسکی بر روی گیاه *Echinops persicus* Stev. به وجود می آید.

شیر خشت را به همان صورت که جمع آوری می کنند یا به همراه غذا می خورند. همچنین در پخت شیرینی نیز مصرف می شود.

***Crataegus orientalis* Bieb. (Rosaceae)**

کیک واش

Kaik-vāsh, Kawich (Isf.); Ghich (Ham.); Gaiwuzh (Turk.); Alfkhareg (Afg.).
زالزالک شرقی درختچه‌ای بومی مناطق آسیای صغیر و قفقاز است. میوه اغلب گونه‌های این درخت در طب مصرف دارد و محصولاتی که بخصوص از محلی در عراق به نام باغبا (Ba'quba) چیده می‌شود با قیمت بالایی در بازار به فروش می‌رسد. میوه این درختچه‌ها که از همدان جمع‌آوری شده آلو شکل، کروی و حدود ۱۲ میلی متر بوده است. رنگ آن قرمز مایل به قهوه‌ای و کمی چروکیده است. بخش‌هایی از کاسه گل به رنگ قهوه‌ای روشن و دارای سه بخش بیضی شکل که به هسته‌های سخت میوه می‌رسد بر روی نوک این میوه دیده می‌شود. این میوه‌ها دارای قند هستند و عقیده بر آن است که دارای خاصیت تسکین دهنده و خواب آور هستند. هسته این میوه‌ها را به‌عنوان درمان زود انزالی (Spermatorrhea) استفاده می‌کنند.

***Crocus Sativus* L. (Iridaceae)**

زعفران

Za'farān (The.); Zafran (Ar.); Karkum, Abir (Pers.); Kesar (Kash.); Kesara (Hind.).
گیاه زعفران به وفور در اطراف پامپور (Pampur) در کشمیر کشت می‌شود. همچنین بیشتر این گیاه در اصفهان نیز کشت می‌شده. زعفران در حقیقت در قرن ۱۰ میلادی در اسپانیا تولید می‌شده. این کشور هم اکنون بخش عمده‌ای از زعفران اروپا را تولید می‌کند. کلاله قرمز و خشک شده زعفران در طب و آشپزی بسیار مورد توجه است. به عنوان دارو، زعفران خاصیت محرک و ضد اسپاسم دارد.

***Croton Tiglium* L. (Euphorbiaceae)**

حب السلاطین

Habb-el-salatin (Ham.); Habb-el-khatai, Habb-dilmaluk (Ait.); Jamalgota (Punj.).
درخت کوچکی بومی مناطق چین و شمال شرق هند بوده که در حال حاضر در سرتاسر هند و شرق کاشته می‌شود. حب السلاطین یا دانه‌های کوچک هندی از زمان بسیار قدیم در ایران شناخته شده بود و بدون شک این دانه از چین توسط کاروان‌هایی که از آسیای مرکزی می‌گذشتند وارد ایران شده. این دانه‌ها توسط آکوستا (Acosta) در سال ۱۵۷۸ تحت نام پینوز دو مالاکا (Piñoues de Malacal) توصیف شده. دانه‌ها حاوی روغنی هستند که مسهل بسیار شدیدی محسوب می‌شود و ایرانیان آن را جزء مواد سمی طبقه بندی کرده اند.

***Cucumis sativus* L. (Cucurbitaceae)**

تخم خیار

Tukhm-i-khiyār (The.); Khira (Punj.); Lār (Kash.); Kira (Hind.).

تخم خیار بیضوی شکل، در هر دو انتها کشیده شده و حدود ۵ تا ۱۲ میلی متر بوده نوک آن ترک دار و مغز آن روغنی و شیرین است. تخم خیار دانه‌های مغذی و مورد علاقه مردم می باشد و یکی از مواد تشکیل دهنده پنچ تخمه است (به *Citrullus vulgaris* Schrad. رجوع شود). اثرات دارویی تخم خیار به درستی از دید مردم محلی کم یا تقریباً خنثی است زیرا آن‌ها می‌توانند این تخمها را با هر داروی دیگری که تجویز شده باشد مخلوط کنند. تخم خیار را بصورت بخور برای درمان حصه استفاده می کنند.

Cucurbita Pepo DC. (Cucurbitaceae)

گل کدو

Gul-i-kadū (The., Ham.); Shijar (Iraq); Kadu (Hind.).

کدو تنبل در ایران و افغانستان به عنوان یک محصول کشت داده می شود. گل کدو عمدتاً به رنگ زرد یا نارنجی است و در بازارها بفروش می رسد. گل کدو را جوشانده و برای بهبود پوست صورت استفاده می کنند. همچنین بصورت خوراکی برای درمان دردهای قفسه سینه تجویز می گردد.

تخم کدو

Tukhm-i-kadū (Teh.)

تخم کدو به رنگ روشن، بیضوی شکل، با سطحی صاف و لبه‌ای در حاشیه بوده و اندازه آن ۱ تا ۲ سانتی متر است و مانند بذر سایر اعضای خانواده کدو، بسیار خوش طعم و مغذی می‌باشد.

Cuminum cyminum L. (Umbelliferae)

زیره سبز

Zīrah-i-sabz (Isf., Iraq); Zira (Hind.); Jira (Beng., Bom.); Goi-zira (Tabriz); Cummun (Syr.).

رنگ روشن زیره سبز (یا زیره سفید) آنرا از گونه تیره این گیاه که زیره سیاه (*Carum Bulbocastanum* Koch) نامیده می‌شود متمایز می‌سازد. این گیاه در باغها به عنوان یک سبزی معطر خوراکی کشت می‌شود و بذر آن در بازارها به عنوان یک چاشنی غذایی که خاصیت ضد نفخ دارد بفروش می‌رسد. همچنین برای تسکین درد پس از زایمان زیره سبز تجویز می‌شود. این گیاه قدمت طولانی در تمدن بشری دارد و ابتدا در مصر باستان استفاده می‌شده و از آنجا به عربستان، ایران، هند و چین وارد شده است.

Cupressus sempervirens L. (Coniferae)

گل سرو

Gul-i-sarv (The.).

میوه درخت سرو به رنگ قرمز متمایل به قهوه‌ای بوده که شکوفا و دارای ۵ لوب می‌باشد. این میوه‌ها همچنین معطر و تلخ مزه می‌باشند. گل سرو حاوی روغنی می‌باشد که برای سیاه سرفه مفید شناخته شده و همچنین به عنوان یک داروی ضد انگل تجویز می‌شود.

Curcuma aramazica Salisb. (Zingiberaceae)

قرنبا

Qurunbād این نام تحریف شده Zurunbād یا (*Curcuma zedoaria* Roxb.) است. -Jangali-haladi (Hind.);

نوعی ریشه‌ی پیچ خورده زرد که سطحی گردآلود به رنگ زرد و داخلی نارنجی متمایل به قهوه‌ای داشته و تاحدودی عطری مشابه به بوی کافور دارد. ریشه پودر شده برای نفخ تجویز می‌شود.

Curcuma domestica Val. and *C. longa* Trim. (Zingiberaceae)

کورکم

Karkum (The.); Haladi (Hind.); Zard chobah (Pers.).

این نمونه‌های گیاهی بصورت ریزوم یا ریشه پودر شده بود که با نام کلی تر زرد چوبه شناخته می‌شود. ریشه این گیاه که زعفران هندی نام دارد در این کشور به عنوان رنگ خوراکی استفاده می‌شود ولی در ایران از آن به عنوان ادویه استفاده می‌کنند. زردچوبه در پزشکی به عنوان یک محرک و نیروبخش معطر شناخته می‌شود. مانند سایر ریشه‌های زرد رنگ ذکر شده از محلول جوشانده آن به عنوان یک لوسیون خنک کننده و از بین برنده ورم ملتحمه استفاده می‌کنند. زردچوبه حاوی ماده‌ای زرد رنگ به نام کورکومین (Curcumin) همچنین روغن غلیظ چسبنده‌ای است.

Curcuma zedoaria Roxb. And *C. zerumbet* Roxb. (Zingiberaceae)

زرمبا

zurunbād (The.); Kachura (Hind.); Uruk-el-kafur (Ar.).

زرمبا یا زدوری (Zedoory) به مقدار فراوان از هند وارد شده و اکثر آن بعد از ورود به ایران به ترکستان فرستاده می‌شود. ریشه این گیاه بصورت بیضی، نازک و با قطری حدود ۲ تا ۵ سانتی متر برش داده می‌شود. رنگ آن قهوه‌ای روشن بوده بخش خارجی آن چروکیده و سطح داخلی آن صاف است. این دارو که به عنوان ادویه نیز

مصرف می شود طعم تند و تلخی داشته و بوی کافور می دهد. زرمباد که به عنوان یک چاشنی هم استفاده می شود، دارویی محرک، ضد نفخ بوده و یکی از موادی است که در ترکیب داروهای تقویتی استفاده می شود.

***Cuscuta planifolia* Ten. and *C. hyalina* Roth. (Convolvulaceae)**

تخم کشوث

Tukhm-i-kushūth, Tukhm-i-kishvar, Resha-i-kishvar (Ham., Isf., The.); Gul-i-gezhuz (Ham.); Kukil-i-pol (Kash.); Kassutha (Gr.); Cuscuta (Lat.); hence Keshus (Pers.).

گل کشوث و تخم کشوث به همراه ساقه و برگ این گیاه به همان شکل که روئیده، از ایران به هند صادر می شود. تخم کشوث بصورت دانه هایی تلخ مزه به رنگ قهوه ای روشن هستند.

گل کشوث بصورت بخور برای درمان آسم و همچنین بصورت جوشانده به میزان یک فنجان برای درمان زکام تجویز می شود. همچنین از ساقه های نازک آن برای کاهش وزن و درمان چاقی بیش از حد استفاده می کنند. داروی افیمون (Aftīmūn, Epitymon) احتمالاً از گونه (*C. euroaea*) که بومی اروپا و غرب آسیاست بدست می آید و جهت هضم بهتر غذا و تصفیه خون توصیه می گردد. در پزشکی سنتی اروپا از این گیاه برای درمان اختلالات روده ای مانند یبوست و نفخ استفاده می شده. این گیاه همچنین جهت درمان روماتیسم نیز تجویز می شود. مخلوط آن با (*Heracleum persicum* Desf.) و ریشه جنتیان برای درمان بزاق بیش از حد کاربرد دارد.

***Cymbopogn Schoenanthus* Spreng. (Gramineae)**

اصفر مکی

Asfar-i-makkī, Azkar (Teh.); Iskhir (Ar.); Khavi (Hind.); این گیاه دارویی تحت نام اصفر ملکی و همچنین ایشکار Ishkar یا (Izkhir-i-jami) در ایران و هند وجود دارد که در حقیقت ریشه و ساقه گیاهی معطر است که بطور بومی در عربستان یافت می شود. این دارو تشکیل شده از قسمتهای پایینی ساقه برگدار گیاه به همراه ریشه های سیمی شکل و بوئی مشابه بوی لیمو دارد. کامفر (Kämpfer) در سفر خود به ایران (۱۶۸۳ تا ۱۶۸۸) صحبت از استخراج روغن این گیاه به کمک فرایند تقطیر می کند. این دارو برای درمان ضعف و سستی مفرط همچنین تقویت قوه بقاء استفاده می شود.

***Cynara Scolymus* L. (Compositae)**

کنگر دهری

Kangar, Kangar-i-dahri (Isf., Teh.); Kinguere (Schl.); Ardishauki (Ar.) Anghinar (Turk.).

کنگر گیاهی است که در ایران کشت شده و میوه سفید رنگ، سخت و براق آن به عنوان پادزهری برای مسمومیت با تریاک استفاده می شود. کنگر نامی است که در ایران برای گیاهان مشابه (بوت‌ای و خاردار) استفاده می شود. ایتچیسون (Aitchison) عقیده دارد که نام این گیاه از روی نامی که ایرانیان بر روی گونه مشابه آن یعنی (*Gundulea Tournefortii* L.) گذاشته اند منشاء می گیرد. از این گیاه رزینی خارج می شود که به آن کنگر زاد گفته و به عنوان داروی قی آور استفاده می کنند.

***Cyperus rotundus* L. (Cyperaceae)**

تاپالق

Tāpālaq (Teh.); So-ad (Ham.); Sa'ad (Iraq); Seid (Sud.); Motha (Hind.); Muschk-i-zemin. (Ph. Pers.); Hsiang fu (Chin.).
این گیاه که در زمینهای مرطوب و یا باتلاقی رشد می کند دارای غده‌هایی کوچک، پرزدار و بیضوی در حدود ۲.۵ سانتی متر یا کمتر است. این غده‌ها قهوه‌ای روشن، سخت و شاخی هستند که عطری مشابه لیمو و هل داشته و در آسیا به خاطر عطر و خواص دارویی آن شناخته شده اند. از آن‌ها برای تمیز کردن دندان‌ها استفاده می شود. همچنین آن‌ها را در بین لباس‌ها قرار می دهند تا از هجوم حشرات و آسیب رساندن به لباس‌ها جلوگیری گردد.

***Datura Stramonium* L. (Solanaceae)**

تخم تاتورا

Tukhm-tātūrā (Pers.); Datura (Hind.); Jouj macel (Ar.); Shinah azghi (Bal.)
گیاهی است بصورت بومی در آمریکای شمالی، مرکزی و جنوبی یافت می شود و از زم‌آن‌های قدیم وارد مناطق گرمسیر اروپا، آسیا و آفریقا شده است. این گونه گیاهی بصورت خود رو در ایران می باشد و نام آن احتمالاً از کشورهای دیگر اقتباس شده. نمونه بذر این گیاه از تهران و همدان جمع آوری شد و برگ آن از همدان. بذر و برگ این گیاه بصورت ضمداد به عنوان مرهم برای تسکین درد استفاده می شود. خاصیت سمی این دانه‌ها در ایران شناخته شده و گاهی این دانه‌ها را کچوله می نامند (ص) نامی که به بذر (*nux vomica*) گفته می شود. هر دو گونه بذر برای کشتن سگهای ولگرد مورد استفاده است.

***Daucus Carota* L. (Umbelliferae)**

تخم هویج

Tukhm-i-havij, Tukhm zardak (Teh.); Jazr-ul-bostani (Ar.); Jazar, Gaizar (Iraq); Gajur (Hind.); Hawuch (Turk.).

هویج به صورت بسیار وسیعی به عنوان یک سبزی با ارزش کشت می شود. بذر (میوه) این گیاه قهوه ای تیره، بیضی با سطحی چروکیده بوده که مشخصه آن وجود لبه بال مانند با دانه ها یا پرزهای سفید دور تا دورش می باشد. طعم آن حالت بازامیک (تقریباً مشابه میوه کاج)، تلخ و روغنی دارد. این میوه ها محرک، نرم کننده و ملین، مدر و قانده آور هستند.

***Delphinium Zalil* Ait. & Hemsl. (Ranunculaceae)**

اسپرک

Isparak (The.); Asbarg, Aswarg, Zalil (Iran); Hishwarg (Bal.). این گیاه با گل های زرد گیاهی چند ساله بوده و در مناطق بیابانی ایران و عراق رشد می کند. با دمگل هائی به ارتفاع حدود ۶۰ سانت که در دو سوی انتهای آن دارای گل زرد می باشد. گل برگ های خشک شده این گیاه دارای اهمیت تجاری فراوانی هستند زیرا از آن ها برای رنگ آمیزی ابریشم استفاده می شود و در مقادیر زیاد به ترکستان، افغانستان و حتی هند صادر می گردد. مصرف پزشکی این گیاه بسیار محدود تر است.

***Dolichos lablab* L. (Leguminosae)**

لوبیا گل

Lūbiyā-gul (Teh.); Sim.(Hind.); Simbi. (Sans.). گیاهی بالا رونده و چند ساله است و گونه ی زراعی آن به عنوان یکساله در هند کشت می شود. دانه های این گیاه که از لحاظ شکل و رنگ بسیار متفاوت می باشند به عنوان خوراکی مصرف می شوند. نمونه های جمع آوری شده از تهران سیاه و قهوه ای بوده، در حدود ۱۰ تا ۱۵ میلی متر با لکه سفید رنگی در میانه آن.

***Dorema Ammoniacum* Don (umbelliferae)**

وشا

vashā (Teh.); Ushna ushek (Pers.); Kandal (Afg.); Samagh Hamama (Hind.). این گیاه که دارای رزین با رنگ روشن است در مناطق بیابانی ایران و افغانستان یافت می شود. شیریه این گیاه بصورت حبه، گلوله شده یا قالبی یافت می شود. مقطع شکسته شده آن کدر، براق یا زرد صدفی است و محلول آن در آب امولسیون شیری رنگی را بوجود می آورد. این دارو بوی خاص اما ضعیفی داشته و طعم تلخ و تهوع آوری دارد. شیریه این گیاه به عنوان محرک، ملین و خلط آور استفاده شده همچنین بصورت خارجی به عنوان مرهم برای آسم و یا درمان دمل استفاده می شود.

***Doronicum pardalianches* L. (Compositae)**

درونج اقربی

Darūnaj-i-akrabī (Teh., Ham.); Darvunedge eghrebi (Schl.); Doronic (Gr.);
Doronicum Graeci (Ph.pers.).

این دارویی است که از زمان باستان استفاده می‌شده و گفته می‌شود منشاء آن یونان و سوریه است. گونه (*D. scorpioides* Lam.) نیز به عنوان یکی از گونه‌هایی که برای تهیه این دارو به کار می‌رود شناخته شده در حالیکه گونه (*D. falconeri* C.B.Cl.) از منطقه هیمالیا را به عنوان منشاء این دارو که در هند جمع آوری شده بود می‌دانستند. این دارو ریشه گیاه ذکر شده است که شکل عجیبی شبیه به دم عقرب دارد و به رنگ سفید گچی است. این ریشه‌ها بجای نشاسته حاوی اینولین هستند که طعم گس و تلخی به آن می‌دهد. در ایران به عنوان یک داروی سمی شناخته می‌شود. این ریشه جهت درمان افسردگی عصبی مفید بوده همچنین در (Doctrine of Signatures) به عنوان دارویی برای درمان کسانی که توسط عقرب یا سایر حشرات گزیده شده اند تجویز شده.

***Dracaena Cinnabari* Balf. (Liliaceae)**

خون سیاوش

Khūn-i-siyāvash (Isf.); Dam-el-akhwain (Ar.); Hira Dukhi (Hind.).

خون سیاوش دارویی است که از جزایر کوچک Socotra سُقُطری (جزیره‌ای در اقیانوس هند ۲۴۰ کیلومتری شرق شاخ افریقا) و زنگبار و از طریق بمبئی وارد هند شده است. رزین این گیاه که بصورت خود بخود از میوه رسیده این گیاه بصورت قطرات اشک خارج شده سطح میوه را بصورت قرمز تیره‌ای در می‌آورد. مقطع شکستگی این رزین سطحی شیشه‌ای، مات به رنگ بسیار زیبای لعل دارد. رزین این گیاه که در الکل حل می‌شود به عنوان رنگ لاک الکل استفاده می‌شود. در پزشکی از این رزین به عنوان ماده‌ای قابض و مفید برای جلوگیری از خونریزی استفاده می‌کنند. در ایران از پودر رزین این گیاه و آب خمیری ساخته می‌شود که برای از بین بردن درد پا از آن استفاده می‌کنند.

***Dracocephalum Moldavica* L. (Labiatae)**

بادرنجه بویه

Bād-i-ranjah būyah (Teh.); Badrish-bu (Tab.); Badrendj-bou-yih (Schl.).

بادرنجه بویه دارویی بسیار با اهمیت در ایران محسوب می‌شود و برخی گونه‌های گیاهی *Melissa*, *Nepata* و *Calaminta* تحت این نام شناخته می‌شوند. بادرنبویه دارای بوی خاصی (balm) است. نمونه بذرهائی که از تبریز فرستاده شده تحت نام محلی و از جنس (*Dracocephalum*) بودند که با توضیحات اشلیمر (Schlimmer) در سال ۱۸۷۴ مطابقت دارد. بذرها سیاه رنگ و اثر در شکل بوده، در حدود ۲ میلی متر طول دارند

و لکه سفیدی به شکل ۷ در ته آن دیده می شود. مخلوط این دانه ها در آب ایجاد لعاب کدری می کنند که به عنوان ماده ای ضد نفخ و مقوی مصرف می شود. برای اطلاعات دیگر این دارو به (*Asperugo*) مراجعه کنید.

Echinops persicus Stev. (Compositae)

شکر تیغال

Shakar tīqāl, (Teh.).

این ماده ی شیرین در حقیقت ماده تشکیل دهنده پیلۀ نوعی سوسک بوده که بر روی برگ و ساقه گونه های گیاهی *Echinops* ایجاد پيله می نماید. این گیاه در ایران، ترکیه و قفقاز یافت می شود. نام علمی حشره ایجاد کننده شکر تیغال (*Larinus maculatus* Flad. (Guldigul, pers.)) از خانواده *Curculionidae* می باشد. این حشره یک پيله یا محل تخم گذاری گچی شکل و زیر بادامی شکل را که حدود ۱۸ تا ۲۰ میلی متر است و رنگ سفید و زردی دارد تشکیل می دهد. سطح بیرونی این پيله خشن و سطح داخلی آن صاف می باشد. هر پيله حدود ۱۵ تا ۲۳ درصد قند داشته که برابر با قند میکوز است (mycose) دی ساکاریدی که توسط نوعی قارچ یا باکتری بر روی برخی گیاهان مثل گندم ایجاد می شود م). شکر تیغال را از زمان ابن سینا می شناختند و در کتاب (Pharmacopoeia Persica 1681) یا دایره المعارف دارویی ایران (۱۶۸۱) توصیف شده است. این ماده را به عنوان درمانی برای سرفه و تسکین اندامهای تنفسی استفاده می کنند.

Echium amoenum Fisch. & Mey. And other spp. (Boraginaceae)

گل گاو زبان

Gul-i-gāv-zabān (Teh.).

گونه های گیاهی (*Caccinia glauca* Savi) و (*Onosma macrocephala*) به عنوان منابعی برای این دارو شناخته شده اند. اشلیمر منبع این دارو را (*A. hybrida* و *Anchusa italica*) می دانست در حالیکه دیموک (Dymock) گونه گیاهی (*Trichodesma molle* Dc.) را به عنوان منبع این دارو معرفی کرده بود. همچنین در بلوچستان گونه (*T. indicum* R. Br.) و در سند گونه (*T. zeylanicum*) را به عنوان گل گاو زبان می شناسند. بنابراین بنظر می رسد که گل گاو زبان یک نام عمومی است که به گل های آبی گیاهان مختلف از این خانواده اطلاق می شود. رنگ این گل آبی، شیپوری شکل، با طول ۳ سانتی متر و عرض ۱۲ میلیمتر در دهانه گل می باشد. گل گاو زبان به عنوان داروی تسکین دهنده و مقوی قلب شناخته شده است.

Echium sericeum Vahl (Boraginaceae)

برگ گاو زبان

Barg-i-gāv-zabān (Teh.).

این دارو مخلوطی از برگ، گل و ساقه گیاه فوق می‌باشد. گونه‌های دیگری از *Echium* گاهی در این مخلوط دیده می‌شود. گفته می‌شود دارویی تقویت کننده بوده و برای درمان رماتیسم و مار گزیدگی نیز مفید است.

***Elettaria Cardamomum* Maton. (Zingiberaceae)**

هل

Hil (Iraq); Arak or Erok Hail (Bagh.); Ilachi (Hind.).

دو گونه از این گیاه وجود دارد: هل مالابار یا هل کوچک که از گیاه فوق بدست می‌آید و هل نپال یا هل بزرگ که از گیاه (*Amomum subulatum* Roxb.) بدست می‌آید. هر دو گونه هل از محصولات وارداتی محسوب می‌شود اما نوع اول گاهی در عراق در باغاتی که سایه مناسبی دارند کشت می‌شود. به عنوان معطر کننده غذا و خوشبو کننده دهان نوع کوچک هل بیشتر استفاده می‌شود در حالیکه نوع دوم که عطر و طعم کمتری داشته و ارزانتر است، بیشتر برای پخت شیرینی جات کاربرد دارد.

***Embelia Ribes* Burm. (Myrsinaceae)**

برنج کابلی

Birinj-i-kābulī (Teh., Isf.); Berenge Kaboli (Schl.); Baberang (Hind.).

درختچه‌ای است که در سرتاسر هند رشد می‌کند و میوه‌های گرد کوچکی دارد که مدتهاست خواص دارویی آن شناخته شده. سوسروتا (*Susruta*) خواص ضد انگلی و کرم کش بودن این میوه‌ها را توصیف کرده و نام سانسکریت آن (*Vrisha-nasana*) به معنی نابودگر کرم می‌باشد. این دارو در کتب مرجع پزشکی مسلمانان ذکر شده و از آن به عنوان دارویی ضد کرم کدو که برای کودکان و بزرگسالان کاربرد دارد، نام برده شده است. میوه این گیاه حالت گرد و کروی و به رنگ قرمز تیره داشته و گل‌های این گیاه ۵ پر و دارای دم گل می‌باشند. سطح خارجی میوه‌ها دارای شیار بوده و بذرها که سطحی شاخی دارند در داخل آن قرار دارند. در سال ۱۸۸۸، واردن Warden از این گیاه ماده موثره اصلی یا امبولیک اسید (*embolic acid*) را بصورت کریستال جدا کرد. بریسمورت (*Brissemoret*) در سال ۱۹۰۷ نشان داد که این ماده یک اکسی کینولین *Oxyquinone* است.

***Entada gigas* (L.) Fawc. & Rendle (Leguminosae)**

قرص کمر

Qurs-i-kamar, (Teh.); Gila (Beng.); Garabi (Hind.).

این درخت غول پیکر که لگوم‌هایش (غلافهائی که دانه‌ها در آن قرار دارند مانند لویا م) به خصوص از لحاظ اندازه قابل توجه هستند و طول آن‌ها گاهی به چندین فوت می‌رسد به نام تمر برمه نیز شناخته می‌شوند. دانه‌های این گیاه

کم و بیش قلبی شکل بوده تقریباً تخت با قطری حدود ۵ سانتی متر، دارای سطح براق و به رنگ قهوه‌ای‌ست. این دانه‌ها حاوی ساپونین (Saponin) بوده به همین دلیل بعضی افراد بومی از این دانه‌ها در شستشوی موها استفاده می‌کنند. به گفته آتچیسون قرص کمر از هند وارد ایران می‌شود و در طب مصرف دارد. در تهران آن‌ها را پودر کرده با زردۀ تخم مرغ مخلوط می‌کنند و به‌عنوان مرهمی برای کمر درد استفاده می‌کنند.

Equisetum ramosissimum Desf. (Equisetaceae)

قنطریون

Quntaryūn (Teh.).

ساقه سبز روشن گیاهی از خانواده دم اسبیان که ساختار شکننده داشته و گاهی اشتباهاً به جای قنطریون گونه‌ی (*Erythraea Centaurium pers.*) از خانواده Gentianaceae معرفی می‌شود ولی نمی‌تواند جایگزین گیاه دم اسب باشد. گونه (*Dianthus anatolicus*) در ایران به عنوان دم اسب در ایران شناخته می‌شود که در اروپا نیز به عنوان جایگزین دم اسب کاربرد دارد. گیاه دم اسب مانند سایر گیاهان متعلق به خانواده‌ی دم اسبیان به‌عنوان یک داروی تقویت کننده عمومی استفاده می‌شود.

Eremurus Aucherianus Boiss. (Liliaceae)

سریش سفید

Sirīsh-i-safid (Isf., Teh.).

ریشه‌های چند گونه سریش از جمله *Asphodelus ramosus* L. بصورت تجاری در ایران و آسیای مرکزی یافت می‌شود. تجارت این محصول در موصل عراق و لح (Leh) شهری مهم در هیمالیا که اکنون جزو جامو و کشمیر است م رونق دارد. ریشه‌ها بصورت خشک شده و یا پودر (سریش نرم) بفروش می‌رسند. این ریشه‌ها از منطقه در شمال غربی عراق به نام بلاد سینجیر (Balad Sinjir) به سوریه صادر می‌شود. ریشه‌ها بشکل پیچ خورده، قهوه‌ای روشن یا سفید، متورم و نرم بوده از موادی که تا حدودی محلول در آب است و تولید لعاب غلیظی می‌کند تشکیل شده. از این لعاب به‌عنوان چسب در صحافی کتاب و سایر موارد استفاده می‌کنند. قسمت سبز گیاه قابل خوردن است.

Erysimum repandum L. (Cruciferae)

تخم خاک شیر

Tukhm-i-khāk-i-shīr (Ham.); Khakshir-talkh (Isf.); Khakechi (Schl.); Khubah (Ar.); Kashir (Bal.).

گیاهی کوچک، یکساله، که از نزدیک به علت وجود کرک‌های متراکم سفید مایل به خاکستری دیده می‌شود در کشمیر، ایران، غرب اروپا و غرب آفریقا فراوان است. دانه‌های آن به‌مراه دانه‌ی گونه‌های (*Sisymbrium Sophia L.* و *S. Irio*) از ایران تحت نام خاک شیر به هند صادر می‌شود. این دانه‌ها، کوچک، دوکی شکل، در حدود ۱ میلی متر، قهوه‌ای مایل به قرمز یا زرد با سطح براقی هستند (بر خلاف دانه *S. Sophia* که کدر است). هنگامیکه این دانه‌ها در آب قرار داده می‌شوند لعاب شفاف‌ی آن‌ها را احاطه می‌کند. هسته مایل به زرد و روغنی است که دارای عطر و طعم خردل است. این دانه‌ها هنگام تب استفاده شده و بصورت ضماد برای تسکین درد معده تجویز می‌شود. دود آن‌ها را به‌عنوان درمان بیماری‌های چشم مفید شناخته اند.

Eugenia aromatica Baill. (Myrtaceae)

قرنفل

Qaranful, Qaranful-asward (Iraq); Karanaphal (Ar.); Laung (Hind.). قرنفل غنچه گل درختی شناخته شده و بومی Moluccas (جزایری واقع در جنوب شرقی آسیا که در حال حاضر جزو کشور اندونزی است م) است و به فراوانی در بازارهای شرق خرید و فروش می‌شود. در پزشکی نوین قرنفل به عنوان بادشکن و برای تسکین سوزش گلو همچنین از روغن آن برای تسکین دندان درد استفاده می‌شود. این روغن که مهم ترین ماده قرنفل محسوب می‌شود حدود ۱۶ تا ۲۰ درصد آنرا تشکیل داده و ترکیبی از ترپن (Terpene ماده‌ای که اغلب در صمغ سروها وجود دارد م) و یک روغن اکسیژنه به نام ائوژنول (eugenol) خاصیت بی حس کنندگی میخک به‌خاطر این ماده است م) است.

Ferula galbaniflua Boiss. (Umbelliferae)

باریجه

Bārījah, Bariz, Rish-shar, Gavshira (Teh.). این گیاه در محیط‌های مرطوب مانند بادغیس (یکی از استان‌های افغانستان م) در نزدیکی گولوان Gulvan که دارای خاک‌های شنی است یافت می‌شود. بخش پائینی ساقه ضخیم بوده که ناگهان باریک می‌شود و ارتفاع این گیاه به حدود ۱۲۰ سانتیمتر می‌رسد. اگر روی ساقه این گیاه شیار یا خراشی ایجاد کنیم مایعی زرد رنگ از آن خارج می‌شود که به آرامی می‌بندد. این مایع عطر و بوی قوی شبیه کرفس از خود ساطع می‌کند. برای نمونه‌های جمع آوری شده از تهران منشاء کردستان و یا مازندران ذکر شد. صمغ باریجه بصورت داخلی به‌عنوان اشته‌آور استفاده می‌شود و بصورت خارجی برای تسکین زخم‌ها کاربرد دارد. این دارو حاوی ۶۵ درصد رزین، ۲۰ درصد صمغ و ۱۰ تا ۲۰ درصد روغن موثره است.

***Ferula persica* Willd. (Umbelliferae)**

سکبینج

Sakbīnaj (Teh.); Saka-binaja (Ar.); Sek binedge (Schl.).

سکبینج یک رزین-صمغ معطر است که از لارستان و کرمان جمع آوری شده. آنرا در بازار بصورت حبه و یا قالب زده شده به رنگ زرد مایل به قهوه‌ای می‌توان یافت که تند مزه و گس با بوی پیاز است. این ماده روغن فراری دارد که بوسیله تقطیر از آن جدا شده و حاوی گوگرد است.

این دارو شهرت منطقه‌ای دارد و برای درمان رماتیسم و کمر درد بصورت مرهم استفاده می‌شود. همچنین مخلوط آن با روغن بزرک برای درمان بواسیر و تسکین کمر درد استفاده می‌شود.

***Ferula Sumbul* Hook. F. (Umbelliferae)**

ریشه کلفس

Rīshah-i-kalafs, Sumbul, (Teh.)

گیاهی بزرگ و چند ساله که در منطقه سمرقند رشد می‌کند. ریشه‌های آن ضخیم، دوکی شکل، حالت اسفنجی با مقطعی بیضی دارد. پوست آن قهوه‌ای و چروکیده و داخل آن سفید رنگ با سلولهای صمغی است. بوی قوی و مشک مانند دارد و طعم آن تلخ است. به عنوان تقویت قوای عصبی و ضد اسپاسم برای بیماران که دچار هیستری و اختلالات عصبی هستند تجویز می‌شود.

***Ficus carica* L. (Moraceae)**

تین (انجیر)

درختی است که در کوهستان و دامنه تپه‌های کردستان می‌روید و همچنین سراسر عراق به عنوان یک درخت میوه کشت می‌شود. انجیر را بصورت بند کشیده و آویخته از سقف خشک کرده می‌فروشند.

***Foeniculum vulgare* Mill. (Umbelliferae)**

ریشه رازیانه

Rishah-i-rāziyānah (Teh.).

بادیان سبز

Bādiyān-i-sabz, Tukhm-i- rāziyānah (Teh., Ham.); Badyan (Afg.).

رازیانه گیاهی زیبا از خانواده چتریان است و به خاطر میوه‌هایش و در بخشهای مختلف اروپا و آسیا کشت می‌شود. بذر یا میوه رازیانه را به وفور می‌توان در بازارها یافت و معمولاً با تخم گیاه (*Pimpinella Anisum* L) یا بادیان رومی مخلوط می‌شود. نام فارسی بادیان یا بادیان سبز معمولاً به میوه گیاه رازیانه اطلاق می‌شود و بادیان رومی به

میوه گیاه فوق. طعم این میوه‌ها شیرین و معطر می‌باشند و حاوی ۳ تا ۵ درصد روغن به عنوان ماده اصلی می‌باشند که این روغن حاوی آنتول (anethol) به عنوان ماده موثره است. براساس تحقیقات ج. س. اومنی (J.C.Umney) رایحه رازیانه ایرانی از تمام میوه‌های (بذرهای) آزمایش شده نزدیکتر به بادیان رومی است و درصد آنتول در رازیانه ایرانی بالاتر و درصد فنچون (Fenchone) در مقایسه با دیگر نمونه‌ها پایین تر می‌باشد. رازیانه به عنوان یک ادویه پر ارزش بوده همچنین از لحاظ پزشکی برای درمان اسهال خونی و سرماخوردگی تجویز می‌شود.

ریشه رازیانه یک داروی نسبتاً مهم در طب سنتی است. این ریشه به عنوان یکی از ۵ «ریشه گشاینده» (opening roots) از عهد باستان شناخته شده بود. 4 ریشه دیگر عبارتند از جعفری، کرفس، مارچوبه و کوله خاس (Ruscus aculeatus). ریشه رازیانه همراه با گیاه (زنیان م) یا (Carum copticum Benth. & Hook.) بصورت بخور برای تسکین دندان درد و درد پس از زایمان تجویز می‌کنند.

Fritillaria imperialis L. (Liliaceae)

گل سرنگون

Gul-i-sarnigūn (Teh.) Gul-i-shishpar (Pers.).

این گل (این گیاه در حال حاضر به نام لاله واژگون شناخته می‌شود م) در دامنه کوه‌های کردستان بوفور مشاهده می‌شود. این دارو شامل قطعات شکسته شده و صخیم پیاز این گیاه است که تقریباً سفید رنگ و بدون طعم و بو می‌باشد و حاوی نشاسته است. در سال ۱۸۸۸ فراگنر (Fragner) یک ماده آلكالوئید سمی را از این گیاه جدا نمود. پیاز این گل به عنوان یک داروی با ارزش در شرق دور شناخته شده و از آن در درمان درد قفسه سینه و دندان درد استفاده می‌کنند. در ایران از پیاز این گل ماده‌ای خمیری شکل ساخته و برای کاهش درد هنگام زایمان به شکم زائو می‌مالند.

Fumaria parviflora Lam. (Fumariaceae)

شاتره، شاه تره

Shātarrah (Teh., Isf.); Tukhm-i-shātarrah (Ham.); Shahtarrah,

شاتره گیاهی دارویی است که مصرف آن در سرتاسر هند، افغانستان و بلوچستان رایج است. علف و میوه آن هر دو در پزشکی قابل مصرف هستند. برگ‌ها و ساقه این گیاه که حاوی کمی اسید بوده و طعم گسی دارد بصورت خرد شده استفاده می‌شود. میوه آن سبز، کروی با نوک تیز، به اندازه سر سنجاق بوده و دارای چینهای ظریف و کوچک بر روی سطح و حاوی یک بذر است. این میوه‌ها بوی خاصی نداشته و طعم آن‌ها نیز تا حدودی تند و گس است.

این گیاه حاوی اسید فوماریک و آلکالوئید فومارین است. در بین مسلمانان هند این گیاه ارزش خاصی داشته و گفته می‌شود برای تصفیه خون و به عنوان ملین و ادرار آور مفید است. در ایران آنرا مانند چای دم می‌کنند و کاهش درد کمر در دوران بارداری تجویز می‌کنند.

Fungi به *Agaric* و *Polyporus officinalis* مراجعه شود.

***Gentiana Iutea* L. (Gentianaceae)**

جوتیانا

Jūtiyānā (Isf.); Juntiyana (Duk.)

ریشه جنتیان اروپایی بدلیل طعم بسیار بد و تلخ آن معمولاً با شقاق یا هویج وحشی که معطر هستند تجویز می‌شود. گیاه (*Gentiana Olivieri* Griseb.) در کوههای غربی ایران یافت می‌شود و گاهی در بازارها دیده می‌شود. می‌تواند به عنوان جنتیان شرقی معرفی شود.

***Glossostemon Bruguieri* Desf. (Sterculiaceae)**

بوقناق

Būqnāq (Teh.) Erok orab kuzzi (Iraq); Arab qosi (Turk.); Mughat (Egy.).

این گیاه بزرگ و کلممانندی است که برگهای گسترده‌ای دارد و چند ساله است. گل آن کوچک و به رنگ قهوه‌ای مایل به قرمز می‌باشد. ریشه این گیاه که بصورت پودر درآمده به عنوان یک داروی تقویت کننده زنان در بین اعراب و مصریان مصرف می‌شود. قبل از ۱۹۱۴، این ریشه‌ها به مقدار فراوانی به مصر صادر و به عنوان یک ماده تقویت قوای جنسی مصرف می‌شد. جوشانده ریشه این گیاه نیز گاهی در بغداد به عنوان درمان سرفه استفاده می‌شده.

***Glycyrrhiza glabra* L. (Leguminosae)**

ریشه اصل سوس

Rīshah-i-asl-isūs (Teh.); Bekh-sus.

رب سوس

Rubb-i-sūs, Asal-alsus

گیاه شیرین بیان گیاهی شاخص و معمول در بادغیس و خراسان است که در ارتفاع بالاتر از ۶۰۰ متر یافت می‌شود. این گیاه در بلوچستان نیز دیده می‌شود. شاخه‌های یکساله این گیاه تا حدود ۱۲۰ سانت رشد می‌کنند و ریشه‌ها که بخش بسیار بزرگ زیرزمینی این گیاه را تشکیل می‌دهند گاهی حتی به عنوان سوخت هم مصرف می‌شوند. عشاير در یزد عصاره این ریشه‌ها را استخراج می‌کنند.

این ریشه‌ها در بازار هند وجود دارد که منبع آن ایران و سند (منطقه‌ای در جنوب پاکستان و شمال اقیانوس هند) است و احتمالاً در است‌آن‌های مرزی شمال غربی کشت می‌شود. در کل آسیا، ریشه شیرین بیان و عصاره آن از زم‌آن‌های بسیار قدیم شناخته شده و برای درمان سرفه و درد قفسه سینه تجویز می‌شود. ریشه شیرین بیان برای از بین بردن سوءهاضمه حاد به صورت خوراکی تجویز می‌شود. همچنین گفته می‌شود این گیاه خاصیت تقویت کننده قوای جنسی دارد.

Gossypium sp. (Malvaceae)

قطن (کتان)

Cotton (Qutn, Ar.)

قطن که نام عربی کتان است سلولهای موئی شکلی هستند که اطراف بذر این گیاه را فرا گرفته اند. برای این کتاب چندین گونه از کتان توسط مزرعه آموزشی کشاورزی رستم در شهر حینیدی Hinaidi در عراق فراهم آورده شده که در زیر از آن‌ها نام می‌بریم:

– *G. herbaceum* L.: که به کتان عراقی یا هندی معروف است. احتمالاً بومی بوده یا حداقل از قرنهای گذشته کشت داده شده است.

– *G. barbadense* L.: که به کتان سی آیلند معروف است.

– *G. hirsutum* L.: کتان امریکائی که از گونه کتان (American Upland) منشاء گرفته.

– *G. mexicanum* Tod.: کتان مکزیکی در سال ۱۸۰۴ به هندوستان وارد شده، محصول فراوانی می‌دهد و تقریباً زرد رنگ است.

در مزرعه آموزشی کشاورزی رستم سایر گونه‌هایی از کتان نیز کشت داده می‌شد که ۵ نمونه از واریته‌های مخلف آن جمع آوری شده. کتان عراقی یا هندی (*G. herbaceum* L.) کاملاً شناخته شده الیاف کوتاهی دارد، احتمالاً بومی عراق است یا از قرن‌ها پیش در این منطقه کشت می‌شده. امروزه نیز تاحدی به‌عنوان یک محصول تابستانه کشت می‌شود مخصوصاً در دشت‌های شمالی که چشمه‌ها و رودخانه‌های فراوان آب آبیاری را تامین می‌کنند. این الیاف اغلب در صنعت نساجی کاربرد دارد. برای جمع آوری این نوع کتان تکنیک محلی وجود دارد بدین صورت که گیاه کلا برداشت شده و پس از خشک شدن قسمت‌های زائد آن جدا می‌شود.

پس از جنگ وزارت کشاورزی عراق گونه‌های مختلف کت‌آن‌ها را بررسی کرده و در نهایت گونه کتان آمریکایی (Mesowhite) را که الیاف بلندی دارد جهت کشت توصیه کرده فعالیت ترویجی که توسط () جهت افزایش محصول انجام گرفت باعث شد تا کشت این نوع کتان به‌عنوان یک محصول تابستانه با نیاز یک دور آبیاری در مناطق کم ارتفاع عراق بسیار محبوب شود تا حدی که بعد از ۱۰ سال در ۱۹۲۴ صادرات سالانه کتان به بیش از

۵۰۰۰ عدل که ارزش هر کدام آن ۴۰۰ پوند بود رسید. از آن سال به بعد با کاهش قیمت جهانی کتان که دلسردی کشاورزان را به همراه داشت تولید این محصول به شدت رو به کاهش گذاشت. در ۱۹۳۳ صادرات کتان به میزان ناچیز ۴۰۰ عدل رسید. از لحاظ آزمایشی یک یا دو گونه‌ی کتان آمریکایی مانند آکالا Acala که در مزرعه آموزشی کشاورزی رستم کشت شد با اینکه از کتان آمریکائی نامرغوب تر محسوب می شد ولی محصول بیشتری داشت. همچنین در این مرکز آموزشی کتان مصری (Qutn misri) نیز کشت شد ولی با توجه به شرایط محیطی چندان موفق نبود.

***Gypsophila paniculata* L. (Caryophyllaceae)**

الصابونیه

El-sābūniyeh (Ar.); Zuleh (Ham.); Saosafid, Bekh (Ait.); Kundur, Kundusch (Achundow).

گیاهی بوته‌ای که در شمال ایران، افغانستان، قفقاز و ترکستان یافت می‌شود. ارتفاع این گیاه به ۹۰ تا ۱۲۰ سانت می‌رسد و ساقه‌های متعددی از ریشه چندساله گیاه منشعب می‌شود. ساقه‌های زیرزمینی این گیاه به‌عنوان صابون برای شستشوی موی سر همچنین لباسها استفاده می‌شود. این ریشه‌ها بدون شک جایگزینی برای ریشه گیاه (*G. struthium* L) است که در قدیم توسط رومیان و مصریان به همین منظور استفاده می‌شده. این ریشه‌ها حاوی حدود ۶ تا ۱۶ درصد ساپونین هستند.

***Halimodendron argenteum* Fisch. (Leguminosae)**

درختچه‌ای خاردار که در عراق، آسیای مرکزی و منطقه قفقاز یافت می‌شود. میوه‌های این گیاه که بدون ثبت نام محلی از منطقه‌ای بین اصفهان و شیراز به نام یزدی خست تهیه شده اند. تیغ‌های این گیاه در جراحی استفاده می‌شده. میوه‌های رسیده این گیاه حدود ۲ سانتیمتر طول داشته و کمی خمیده هستند. رنگ آن‌ها قهوه‌ای و ۲ یا ۳ بذر در خود دارند مانند نخود.

***Helianthus annuus* L. (Compositae)**

آفتاب گردان

Aftāb garden (Teh.); Ward-ash-shams, Shams-wa-Qamar (Iraq); Qunah baqan (Turk.)

در این کتاب ۲ نوع متفاوت از تخم آفتاب گردان به‌عنوان نمونه بررسی شد. یک نوع به رنگ سیاه، تخم مرغی و کشیده که حدود ۱۲ میلی متر طول و ۶ میلی متر عرض دارد. نوع دوم سفید، با سطحی صاف که لب‌های آن دارای برجستگی است و حدود ۱۲ میلی متر طول و ۷ میلی متر عرض دارد. بازار خوبی برای هر دو گونه این تخم آفتاب

گردان وجود دارد که به مصرف انسان و یا پرندگان می‌رسد. همچنین روغن این تخم در پخت و پز کاربرد دارد. جمهوری شوروی از تولید کنندگان بزرگ تخم آفتاب گردان محسوب می‌شود.

Helicteres Isora L. (Sterculiaceae)

بهمن پیچ

Bahman-i-pīch, Pachman-i-puh (Teh.); Kisht bar Kisht (Pers.); Pechak, Marorphali (Hind.); Avartin (Sans.).

نام فارسی و سانسکریت (Avartin) دلالت بر میوهٔ پیچ خورده و مارپیچی این درخت دارد. این گیاه پیچنده در جنگل‌های خشک رشد می‌کند و در مناطقی مانند مرکز و غرب هند، سیلان، جاوه و شمال استرالیا یافت می‌شود. میوهٔ پیچ خورده این درخت در تمام بازارهای هند و در کشورهای شمالی تر بفروش می‌رسد. میوه این درخت حالت پیچ خورده و زاویه دار مانند چوب پنبه کش بطری داشته و طول آن ۳/۵ تا ۵ سانتی متر است. هر حجره از این میوه که قهوه‌ای مایل به سبز است ردیفی از بذره‌های قهوه‌ای تیره را در خود جای داده. این دارو دارای خواص تسکین دهنده بوده تا حدودی قابض است و برای درمان اسهال خونی، درد روده و نفخ شکم در کودکان تجویز می‌شود.

Heracleum Persicum Desf. (Umbelliferae)

گل سپر

Gul-i-sipar (Teh.); Gul-i-parr (Isf.); Goleper (Kerm.); Giafari (Schl.). دره‌های مرطوب کوه‌های البرز خواستگاه و محل رویش طبیعی این گیاه است که با گونه *H. pubescens* (M.B.) قرابت دارد. بواسیه (Boissie) گیاه (*H. lasiopetalum*) را به‌عنوان گلپر شناسایی کرده بود. میوه این گیاه که به‌عنوان ادویه فروخته می‌شود و در تهیه خیار شور استفاده می‌شود. بیضی شکل، حاشیه دار، دارای کرک در پشت، با وجود اینکه گونه‌هایی از این گیاه مصرف پزشکی دارند و در غذا استفاده می‌شوند گونه‌هایی که در اروپا و آمریکا از این گیاه وجود دارد سمی است و تولید التهاب شدید پوستی می‌کند.

Hibiscas cannabinus L. (Malvaceae)

جل جل

Jiljil (Iraq); Hab-el-zalim (Ar.); Palsan (Hind.); Ambari (Duk.). این گیاه شاهدانه دکن (Deccan) در غرب هند و مناطق استوایی رشد می‌کند. دانه‌های قهوه‌ای مایل به خاکستری، کدر، مثلثی شکل یا قلوه‌ای دارند و اندازهٔ آن‌ها حدود ۳ تا ۵ میلی متر است. این دانه‌ها حاوی روغن

بوده که برای پخت و پز و همچنین به عنوان روانساز استفاده می شود. دانه ها هم مصرف پزشکی دارند هم به عنوان غذای دام استفاده می شوند.

گونه (*H. Trionum*) یا (Qunnab) که در منطقه بصره جل جل نامیده می شود بهترین الیاف را دارد.

***Holarrhena antidysenterica* Wall. (Apocynaceae)**

میوه زبان گنجشک

Mīvah-i-zabān-i-gunjishk, Tukhm-zabān-i-gunjishk-i-talkh. (Pers.); Lizan ul asafir (Achundow); Indrajau (Hind.).

این درخت کوچک و برگ ریز، در منطقه گرمسیری هیمالیا از چناب Chenab به سمت غرب و از جنگل های خشک هند تا تراوانکور و مالاکا (Travancor and Malacca) دیده می شود. نمونه هایی که برای این کتاب جمع آوری شد. تخم زبان گنجشک بود که از تهران و همدان خریداری شد که نشان دهنده شناخت قوی ایرانیان از گیاهان دارویی هند دارد. دانه ها کشیده، دارای سطحی صاف، به رنگ قهوه ای هستند و طولی حدود ۱۲ میلی متر دارند. بدلیل حضور آلکالوئید رایتین یا کونسین Wrightine (Conessine) که خواصی شبیه به emetin دارد، طعم تلخی دارند. چنین مشهور است که این بذرها خاصیت تقویت قوای جنسی دارند.

***Hordeum vulgare* L. (Gramineae)**

جو سفید جو سیاه

Jau, Jōyi Safīd, Jōyi Siyāh (Iraq); Jao (Sind); Jū (Kurd.); Jav (Hind.).

جو بطور وسیعی در سراسر عراق کشت شده و هم از دانه و هم از علوفه آن استفاده می کنند. واریته *hexastichon* یا جو شش ردیفه از زم آن های دور در کوهست آن های مصر وجود داشته و بطور فراوانی در عراق و هند مشاهده می شود. جویی که قبل از برف اول زمستان در زمین های تحت کشت آبی می روید منبع غذایی حیوانات در طول زمستان محسوب می شود. دانه جو بخشی از جیره غذایی اسب و سایر حیوانات اهلی محسوب می شود. با وجودیکه جو محلی کیفیت خوبی دارد ولی برای تهیه مالت مناسب نیست. نمونه های جمع آوری شده به عنوان جو سفید و سیاه واریته های *hexastichon*، *distichon* و *erectum* همچنین *Alleidum* را شامل می شود. جو مرواریدی که از منطقه اروپا وارد می شود در شرقی ترین بازارها نیز به راحتی یافت می شود. میسون (Mason) ضرب المثل ایرانی را نقل قول می کند که اینگونه است: کسی که با نان جو و دوغ معاش می کند از تمام بیماریها مصون است.

(در متن اصلی کتاب در ادامه انواع واریته های جو کشت شده در مرکز آموزش کشاورزی عراق توصیف شده).

***Hyoscyamus reticulates* L. (Solanaceae)**

بزر بنج

Bazr-i-banj (Teh., Ham.); Kohi bang (Bal.); Banj barri (Iraq); Benj (Ar.); Bango (Port.).

این گیاه همانند گونه‌های دیگر بذر بنج شامل *H. muticus* L. و *H. pusillus* L. بطور بومی در ایران و سوریه رشد می‌رویند. آتچیسون ذکر کرده است بزها و گوسفندان بدون مشکل این گیاه را چریده و چوپ‌آن‌ها نیز مانع چریدن این گیاه به عنوان مسموم کننده نمی‌شوند. با این حال پزشکان بومی این دانه‌های را مانند تریاک سمی می‌دانند. بزر بنج از ایران به هند صادر می‌شود. بذر این گیاه لوبیا شکل (ولی بسیار کوچکتر) بوده و از دو طرف فشرده است. رنگ آن نیز قهوه‌ای مایل به خاکستری با پوسته‌ای ظریف در اطراف است. طعم روغنی، تلخ و گس دارد. این دانه‌ها حاوی آلکالوئید سمی به نام هیوسیامین (hyosyamine) هستند. دود این دانه‌ها را برای درمان دندان درد استنشاق می‌کنند.

Hyssopus officinalis L. var. *angustifolia* Boiss. (Labiatae)

گل پونه

Gul-i-pūnah (The.); Zupha-e-yabis (Ar.); Jupha (Hind.).

گل پونه گیاهی کوچک و معطر است که در ایران، قسمتی از پاکستان و جنوب اروپا یافت می‌شود. ارتفاع این گل حدود ۱۵ تا ۲۵ سانتیمتر است با ساقه‌ای نازک و چهار گوش با گل‌های کرک‌دار به رنگ بنفش مایل به قهوه‌ای یا مایل به آبی است و بوئی شبیه به یونجه دارد. دانه این گیاه کشیده، سه گوش که لکه‌های قهوه‌ای تیره یا قرمز در سطح خود دارد. گل پونه را به‌عنوان یک محرک، ضد نفخ و معرق تجویز می‌کنند.

Illicium verum Hook. f. (Magnoliaceae)

بادنجان خطایی

Bādiyān-i-khatā'i, (Pers.).

بادنجان خطایی میوه درختی است که بطور بومی در مناطق جنوب چین و هندوچین می‌روید. صد سال قبل این گیاه در ایران به عنوان دارو و چاشنی، جدید تلقی می‌شد ولی امروزه کاملاً شناخته شده است و بطور مداوم روغن و میوه این گیاه از چین به هند و از آنجا به ایران صادر می‌شود. میوه‌ها به شکل ستاره هستند متشکل از هشت پر شعاعی که قطر آن‌ها حدود ۳ تا ۳.۵ سانتی متر است. این میوه‌ها حاوی ۵ درصد از روغن موثره است و این روغن دارای مادهٔ آنتول (anethol) در دو شکل جامد و مایع است. میوه‌ها و روغن آن‌ها دارای خاصیت اشتها آوری هستند و گاهی برای تسکین سرفه و مشکلات ریوی تجویز می‌شود. همچنین در صنعت شیرینی سازی و به‌عنوان چاشنی در غذا مصرف می‌شود.

***Indigofera Roxburghii* Jaume (Leguminosae)**

عدس تلخ

Adas-i-talkh (Teh.); Bin-i-talkh (Isf.).

دانه‌های قرمز رنگ، براق مسطح و کشیده به اندازه حدود ۴ در ۲ میلیمتر هستند. این دانه‌ها بسیار سخت و تلخ مزه هستند. به‌عنوان دارویی برای تسکین درد معده استفاده می‌شود. این بذرها مشابه بذر گونه (*I. trifoliata* L.) بوده که در Guzrat به‌عنوان restorative تجویز می‌شوند.

***Indigofera tinctoria* L. (Leguminosae)**

رنگ کرمانی

Rang-i-kirmānī, Nasābīdah-i-kirmani (?), Rang-i-sābīdah, Rang-i-vasmah (Teh.); Wasma (Punj.); Nil (Hind.).

به لحاظ تاریخی جالب توجه است که نام قدیمی برای برگ‌های نیلی این گیاه در مناطق ایران، پنجاب و ترکیه وسمه (Wasma) بوده. نامی که رسماً جهت نوعی رنگ گیاهی (Woad) که از گیاه *Isatis tinctoria* بدست می‌آمده بکار می‌رفت و در میان اولین گروه‌های بریتانیایی که به این مناطق آمدند نیز استفاده داشته است. گیاه *Isatis* بطور بومی در دره کورام (kuram) روئیده و در آنجا به نام رنجواه (Ranjowah) یا کثافت گربه شناخته می‌شود. رنگ کرمانی از زمان ابن سینا در ایران شناخته شده بود. در هند این گیاه کشت شده و رنگ آن در صنعت از چندین نسل قبل استفاده می‌شود. برگ‌های گیاه مانند حنا به صورت درشت و یا پودر شده به فروش می‌رسد. استفاده آن عمدتاً به‌عنوان ماده‌ی آرایشی برای رنگ دادن به پوست است.

***Inula Helenium* L. (Compositae)**

رأس هندی

Ra's-i-hindī, Ghaza gouzanah (Teh.); Anduz (Ham.); Pil gush, Rasan; Andiz out (Turk.); Zanjabil chami, Zanjabil-i-shami; Année (Fr.); Helenion (Gr.).

ریشه رأس در طب باستان و در میان یونانیان استفاده زیادی داشته و از این نقطه به سایر نقاط اروپا و آسیا گسترش یافته است. ریشه‌ها سفت و سخت هستند که رنگ آن‌ها قهوه‌ای مایل به خاکستری در سطح بیرونی است و سطح داخلی آن رنگ روشن تری دارد. در خلل و فرج چوب نمونه‌های قدیمی این گیاه که از بازار تهیه شده بود، بلورهای دیده می‌شد. ریشه این گیاه که دارای بوی دلپذیری است و طعم تلخ خوش آیندی دارد، به‌عنوان دارویی برای درمان برونشیت و سل و یا به‌عنوان یک تقویت کننده معطر استفاده می‌شود. خوردن یک قطعه کوچک آن برای کاهش خلط سینه توصیه شده است.

Ipomoea hederacea Jacq. (Convolvulaceae)

تخم نیلوفر

Tukhm-i-nīlūfar (Teh.); Habb-el-nil (Ham.); Tukhm-i-nil; Kaladanah (Hind.).
این گیاه در سراسر هند یافت می‌شود و رنگ گل آن آبی است از این رو به آن نیل می‌گویند همانطور که به زنبق آبی (Lily) نیز این نام را اتلاق می‌کنند. بذر این گل سیاه، کروی و زاویه دار در حدود ۵ میلی متر است و یک برجستگی در نوک آن وجود دارد. شیارهای طولی روی آن‌ها دیده شده و کرک‌های قهوه‌ای سیر در بخش مرکزی دارند. این بذور حاوی رزینی هستند که به عنوان یک داروی ضد یبوست عمل می‌کند. محلی‌ها آن‌ها را سمی می‌شناسند.

Ipomoea Turpethum R. Br. (Convolvulaceae)

تربد

Turbud (Teh.); Turbad (Leh); Triorit, Triputa (Sans.).
این گیاه بصورت بومی در مناطق هند، سیلان، مجمع الجزایر مالایی رشد می‌کند. ریشه این گیاه از زم‌آن‌های بسیار قدیم به عنوان یک دارو ارزشمند در شرق شناخته شده. تربد در اندازه‌های متفاوت دیده می‌شود. از ۱۰ تا ۲۰ سانتی متر طول تا ۱ تا ۲ سانتی متر عرض. سطح این ریشه‌ها چین خورده و رنگ آن قهوه‌ای تا خاکستری تیره است. بوی ملایمی دارد ولی طعم آن تهوع آور است که به آهستگی عمل می‌کند. تربد حاوی ۵ تا ۱۰ درصد رزین بوده که تا حدودی در اثر محلول است. تربد دارویی مسهل است که در مورد کمر درد و مشکلات کلیوی تجویز می‌شود. این دارو بصورت تنها و یا مخلوط با سایر داروهای مسهل تجویز می‌شود.

Iris spuria Pall. (Iridaceae)

بیخ بنفشه

Bīkh-i-banafshah, Rīshah-i-arīsa (Teh.); Irisha (Ind. Bazaars).
بیخ بنفشه یا ریشه زنبق (Orris) از زمان باستان در یونان و رم شناخته شده بود و از زم‌آن‌های گذشته به خاطر خواص دارویی و عطر خوب آن در سراسر شرق گسترش پیدا کرده. این دارو از بیش از یک گونه تهیه شده و نمونه‌های جمع آوری شده خواص و بوی متفاوتی دارند. طبق گفته آتچیسون، ریزوم این گیاه که در افغانستان اُریسا (Orisa) نامیده می‌شود از بجنورد به بازار مشهد وارد می‌شود. منبع ریشه اوریس در بمبئی، ایران و کشمیر است و بخشی از ریشه‌هایی که از ایران صادر می‌شود از منطقه کردستان تهیه شده. یکی از نمونه‌های تهیه شده از عراق بسیار شبیه به زنبق اروپائی (*I. florentina* L.) بود. این ریشه‌ها بصورت بخور برای درمان سردرد و یا درد بیش از حد زایمان تجویز می‌شود.

***Jateorhiza Columba* Mier. (Menispermaceae)**

کلمبو

Kulambū (Teh.); Kalamb-ki-jar (Hind.).

ریشه کلمبو که به عنوان یک دارو در تمام نقاط دنیا شناخته شده است از درختی بدست می آید که بومی جنگل های منطقه زامبزی (شامل کشورهای زامبیا، زیمبابوه، نامیبیا، موزامبیک و آنگولا م) شرق آفریقا می باشد. ریشه خشک کلمبو بصورت برش های دایره یا بیضی با حدود ۲/۵ تا ۵ سانتیمتر قطر دیده می شود. دارای طعم بسیار تلخ، معطر و لعاب دار می باشد. ریشه کلمبو به عنوان دارویی برای تقویت معده استفاده می شود. این دارو بدون تانن (Tannin) است از اینرو می توان آنرا با ترکیبات آهن دار ترکیب کرد.

***Juglans regia* L. (Juglandaceae)**

گردو

Girdū (Teh.); Charmaghy (Pers.); Jaws-i-rumi (Afg.); Joz, Goz (Turk.); Guzk (Kurd.); Akhroot (Hind.).

گردو درخت بسیار زیبایی است که در ایران، کشمیر و چین یافت می شود. برگ، پوست درخت، میوه و روغن آن در پزشکی مورد استفاده قرار می گیرد. کشت درخت گردویی که محصول آن گردویی است با پوسته نرم در عراق مرسوم است و به آن گردو کاغذی می گویند همچنین گونه هایی که پوست گردوی آن سخت است هتاهک (Hetahk) نامیده می شود. گردوهای شرقی تا حدودی از گردوهای اروپائی کوچکتر هستند.

***Juniperus excelsa* Bieb. (Coniferae)**

ابهل

Abhil, Aabb-el-harar (Teh.); Harhār-kohī (Afg.); Hab-el-a'ra'r (Ind. Bazaars).
میوه سرو کوهی در تهران فروخته شده و گفته می شود از دامنه کوه های البرز جمع آوری می شود. این میوه ها خاکستری مایل به قهوه ای و حدود ۸ میلی متر قطر دارند. چند شکاف بر روی این میوه ها وجود دارد که حالت سه وجهی داشته و هر کدام حاوی سه بذر سخت و مثلثی شکل هستند با روزنه های ترشح روغن و رزین زرد رنگ که بوئی مانند تربانین دارند و طعم آن ها شیرین است. ابهل دارویی شناخته شده در هند می باشد که از غرب وارد این کشور می شود. میوه ها و روغن آن مدر بوده برای اختلالات قانده گی و سوء هاضمه تجویز می شود. در خراسان برگها را بصورت بخور استفاده می کنند.

***Lactuca sativa* L. (Compositae)**

تخم کاهو

Tukhm-i-kāhū (Teh.); Bazul khasa (Ar.); Kahu-khaskabija (Hind.)

بذر یا میوه کاهو خاکستری رنگ، کشیده حدوداً ۴ در ۱ میلیمتر است، شایارهای طولی داشته و در یک انتها نوک تیز است. طعم تلخ و عطر کمی دارد. بخور آن، بخصوص در هنگام ابتلا به بیماری حصبه تجویز می‌شود. تریاک کاهو یا لاکتوکاریوم (Lactucarium) که در کتب قدیم دارویی ذکر شده در حقیقت عصاره شیرینگی است که از ساقه این گیاه بدست می‌آید. این دارو، در بازارهای کنونی یافت نمی‌شود.

***Lagenaria vulgaris* Ser. (Cucurbitaceae)**

تخم کدو قلیانی

Tukhm-i- kadū qalyānī (Teh.); Ghya ke bij (Hind.).

گیاه بالا رونده ایست که در هند، جزایر مالوکو (اندونزی) و اتیوپی یافت می‌شود. میوه این گیاه (کدو) اشکال مختلفی دارد فراوان ترین نمونه‌های آن گرد، قلیانی و گرد تخت هستند. تخم کدو مغذی و مدر است و یکی از مواد پنج تخمه (به *Citrullus vulgaris* Schrad. مراجعه شود) را تشکیل مل دهد که بخور آن برای حصبه مفید شناخته شده است.

***Lallemantia ibirica* F.& M. (Labiatae)**

بالنگو شهری

Bālingū shahrī (Teh.); Gara za' rak (Tab.).

بذر این گیاه از بذر گونه (*L. Royleana* Bennt.) بزرگتر بوده حدود ۵ در ۱/۵ میلیمتر است. رنگ قهوه‌ای و لکه‌ای شبیه به ۷ در بالای آن است. هنگامیکه این بذرها در آب قرار دهیم بطور آهسته لعابی سطح آنها را فرا می‌گیرد. این گیاه به‌عنوان یک سبزی معطر در ایران استفاده می‌شود.

***Lallemantia Royleana* Benth. (Labiatae)**

بالنگو شیرازی / بالنگو

Bālingū (Ham.); Bālingū-shīrāzī (Teh.).

این گیاه در سراسر ایران، بلوچستان، افغانستان، ترکستان و شمال هند یافت می‌شود. دانه‌ها به رنگ سیاه، باریک و کشیده حدود ۳ در ۱ میلی متر با لکه کوچکی در نوک و دارای سطحی صاف هستند. وقتی این بذرها در آب ریخته شوند بلافاصله با لعابی خاکستری کدر و بی مزه پوشیده می‌شوند. این دانه‌ها برای سرفه تجویز می‌شوند.

***Languas officinarum* Burkill (Alipinia officinarum Hance) (Zingiberaceae)**

خولنجان

Khūlanjān (Teh.).

این گیاه بصورت بومی در جزیره هاینان (Haynan) در چین یافت می شود همچنین در ساحل کشور همسایه سیام و در کوآنگ تونگ (Kwangtung) کشت داده می شود. ریزوم این گیاه دارو و ادویه ای باستانی در شرق است که وارد اروپا نیز شده. ریزوم ها حدود ۵ سانتی متر طول و کمتر از ۱۰۳ سانتی متر عرض دارند. اغلب شاخه شاخه و به رنگ قهوه ای سوخته و شیاردار بوده که جای برگ های ریخته شده بصورت اریب روی آن ها دیده می شود. بوی معطر و طعم تند دارند. خولنجان نه تنها به عنوان ادویه استفاده می شود بلکه برای تسکین درد معده و همچنین درمان روماتیسم کاربرد دارد.

Lathyrus sativus L. (Leguminosae)

حر تومان

Hurtāmūn (Iraq); Kesari (Hind.); Lakh (Bom.); Lang (Guz.).

این گیاه یکساله بطور طبیعی در مناطق قفقاز تا شمال هند یافت می شود و همچنین به عنوان یک محصول زمستانه در عراق و هند کاشته می شود. دانه های این گیاه به عنوان غذا به مصرف انسان و دام می رسد. این گونه به عنوان کود سبز یا علوفه از دیگر گونه ها مناسب تر است. برای مدتهای طولانی عقیده بر این بود که رابطه ای بین نوع خاصی از فلج به نام لتایریزم (Lathyrism) و مصرف طولانی مدت این دانه ها وجود دارد. ولی گست (Guest) عقیده دارد که هیچگونه مدرکی دال بر وجود این خاصیت در عراق برای این گیاه مشاهده نشده.

Lavandula dentata L. (Labiatae)

اسطوخودوس

Ustūkhūdūs (Teh.); Osthoukhodouce (Schl.).

نام فارسی این گیاه از نام یونانی آن منشاء می گیرد که به معنای سرهای گل می باشد. گونه های مختلف اسطوخودوس در تهران به فروش می رسد که از شیراز وارد می شود. اسطوخودوس در ساخت داروهای باستانی یونانی حضور داشته و از آنجا وارد طب ایرانی و عربی شده است. این نام همچنین به گونه (*L. Stoechas* L.) نیز اتلاق شده. اسطوخودوس بوی رزماری و کافور می دهد و از آن اسانس روغنی استخراج می شود که حاوی دکسترو کمفور (dextro-camphor) و دکستروفنچون (dextro-Fenchone) است. این دارو بشکل بخور برای درمان زکام و مالاریا استفاده می شود. همچنین از آن به عنوان دارویی برای شستشوی جوش ها و جراحات خارجی استفاده می کنند.

Lawsonia alba Lam. (Lythraceae)

حناب‌رگ

Hinnāy-i-barg (Teh.); Hinna (Iraq); Rang-mehndi (Hind); Camphire (Syr.).

گیاه حنا در سراسر هند کشت می‌شود هم برای استفاده از برگ‌هایش و هم به عنوان گیاهی زینتی. حنا به دو صورت در بازارها بفروش می‌رسد. ۱- برگ‌های شکسته شده ۲- برگ‌های به نام «رنگ» که بصورت پودر درآمده و با مقدار کمی روغن خردل مخلوط شده است. ارزش اصلی حنا به‌خاطر استفاده آن به‌عنوان یک ماده آرایشی و زیبایی است که کاربرد زیادی در رنگ کردن ناخن‌ها، دست و پا دارد که با حنا به رنگ نارنجی تیره درآمده و همچنین موی سر که قرمز درخشان می‌شود. استفاده از حنا به‌عنوان ماده آرایشی از زم‌آن‌های بسیار کهن مرسوم بوده و استفاده آن توسط زنان مسلمان باعث رواج آن در کشورهای اروپایی شده است. رنگ کردن ناخن‌های انگشت توسط حنا را «فندوق بستن» می‌نامند. حنا را برای بیماری‌های پوستی، کورک و جوش و حتی جذام تجویز می‌کنند. همچنین حنا را بر روی مثنان و مناطق شرمگاهی می‌مالند تا (Stoppage of bladder) درمان شود. بذر حنا حدود ۱۰ درصد روغن دارد.

Lecanora esculenta Eversm. (Parmeliaceae)

شیرزاد

Shīr-zād (Teh.); Chir zadi, Agalactie (Schl.).

گیاهی است که بصورت فراوان در شمال آفریقا و غرب آسیا یافت می‌شود. در ایران، این گیاه بطور بومی در منطقه سیستان رشد می‌کند. رزین یا مان این گیاه در اندازه متفاوت از یک نخورد تا یک گردوی کوچک دیده می‌شود. رنگ آن قهوه‌ای روشن یا سفید است که بخش‌های داخلی آن نرم و سفید می‌باشد و شامل بلورها و الیاف اغزالات کلسیم (calcium oxalate) است. در سطح بدنه این گیاه، برآمدگی‌های زگیل مانند رشد می‌کند که بعد از مدتی از سطح گیاه جدا شده و توسط باد جابجا می‌شود این امر به گسترش این گیاه کمک می‌کند. به گفته ایشلیم (Schlimmer) از این گیاه در زمان اسکندر کبیر به عنوان منبع غذایی استفاده می‌شده.

این گیاه حاوی لیچنین Lichenin است و بطور کلی ارزش غذایی بالایی ندارد. تحت نام شیرزاد به‌عنوان دارو کاربرد دارد که همانطور که از اسم آن پیداست (مولد شیر) باعث افزایش جریان شیردهی مادران می‌شود.

نمونه‌های دیگر از سایر گونه‌های دارو جمع آوری شده یک گونه از آن، گیاه (*Usnea* sp.) بود که در عراق و ایران می‌روید و تحت نام «ریش پیرمرد» (*Lihayat-as-shāyib*) معروف است. این گونه را با آرد مخلوط کرده در تهیه نان استفاده می‌نمودند همچنین عصاره آن به‌عنوان خوشبو کننده دهان استفاده می‌شد.

نمونه دیگر که مخصوص به کوه‌های آلپ بود تحت نام (*Lachyat-as-sheilch*) معروف بود و به‌عنوان عطر استفاده می‌شد. منشاء این ماده گونه‌های *Ramalina*، *Evernia* و *Zobaria* می‌باشند.

گیاه (*Boucerosca Aucheri*) که (*Mārmūt*) نامیده شده توسط (*Brahuis*) استفاده می‌شود. (*Pāla-*) mangy و (*Māhriz*) نام دو گونه از این دارو (*Lichen*) هستند که در کشمیر برای رنگ کردن دست و ناخن مانند حنا استفاده می‌شوند. یکی از این دو احتمالاً از گیاه (*Squamaria chrysoleuca* Sm.) حاصل می‌شود.

***Lens esculeuta* Moench (Leguminosae)**

نیسک

Nisik (Kurd. In Iraq); Adas (Turk.); Masūr (Hind.).

عدس گیاهی است که دارای خاصیت غذایی بسیار بالا است که برای انسان و دام به عنوان خوراک مغذی از زمان باستان شناخته شده است. گونه‌هایی از این گیاه در مقبره مصریان باستان که تاریخ آن به ۱۵۰۰ سال پیش از میلاد مسیح می‌رسد یافت شده که در موزه (*Wellcome Historical Medical*) به نمایش درآمده. عدس به عنوان غذا بصورت دانه یا لپه شده مصرف می‌شود که در این شکل به نام «دال» در هند معروف است و نوع دیگر استفاده از عدس، پودر آن می‌باشد. نمونه‌ای از عدس که از مدرسه آمریکائی پسرانه بغداد بدست آمد تحت نام «عدس مار» (*Adas mar*) شناخته شده و برای تسهیل زایمان زنان تجویز می‌شد.

***Lepidium Draba* L. (Cruciferae)**

مچه

Muchchah (Isf.); Bajindak (Afg., Hind.); Buski (Bal.).

شاهی سفید گیاهی است که در مناطق غرب آسیا و شرق اروپا کشت می‌شود. در تبریز برگ‌های جوان این گیاه که معطر هستند در سالاد یا به عنوان سبزی خوردن استفاده می‌شوند و به نام «خیلی - ویلی» (*Khili-Wili*) معروف است. بذره‌های این گونه از گونه (*L. sativum*) کوچکتر است و هفت یا هشت عدد از این دانه‌ها را به عنوان یک دوز از داروی ضد نفخ استفاده می‌کنند.

***Lepidium sativum* L. (Cruciferae)**

تخم شاهی

Tukhm-i-shāhī (Teh.); Tukhm tartizak (Isf.); Halim (Hind.); Asalia (Bom.); Tara tezak (Afg.).

شاهی گیاه بومی در ایران محسوب می‌شود و کشت آن بطور وسیعی در شرق تا تبت گسترش یافته. تخم این گیاه به عنوان دارو از ایران، هند و از آنجا به اروپا صادر می‌شود. تخم شاهی قهوه‌ای روشن یا قهوه‌ای مایل به قرمز به ابعاد ۳ در ۱/۵ میلیمتر هستند. با یک تو رفتگی در حاشیه و لکه‌ای کوچک در یک انتها. طعم تند و تیزی داشته و زمانی

که در آب خیسانده شوند لعابی کدر اطرافشان را می‌پوشاند. بذرها به عنوان یک داروی تقویت کننده عمومی، تقویت کننده قوای جنسی و همچنین مدر استفاده می‌کنند.

Linum usitatissimum L. (Linaceae)

تخم بزرک

Tukhm-i-bazrak, Bazrak (Ham.); Basarak katrin (Pers.); Tukhm-i-katan (Ait.); Bizre Kattane (Schl.).

به گفته آتچیسون (Aitchison) این گیاه و بذر آن در افغانستان به نام زاغر (Zagher) معروف است و روغن دانه آن به نام روغن زاغر و فیبر آن به نام کتان یا کتون شناخته می‌شود. این گیاه در سراسر ترکستان کشت می‌شود که بیشتر به خاطر روغن دانه‌های آن است. در هند فیبر این گیاه جمع آوری نمی‌شود. پس از آنکه کتان هندی در عراق مورد هجوم بیماری زنگ کتان واقع شد گونه کتان مراکشی به عنوان جایگزین گسترش یافت. روغن دانه‌های این گیاه بسیار با ارزش بوده در صنایع مختلفی استفاده می‌شود. بذر این گیاه نیز به شکل شیرینی خورده می‌شود. جوشانده این بذرها به همراه گونه (Althaea sp.) به عنوان ضماد برای درمان جوش استفاده می‌شود.

Lolium rigidum Gaud. (Gramineae)

گل چمن

Gul-ichaman (Teh.); Ziwan (Iraq).

گیاهی یکساله است که بخصوص به مصرف گوسفندان و سایر حیوانات که چرا کننده می‌رسد این گیاه علفی که نزدیک به گونه (*L. temutenlum*) یا "Jamdar" است که علفی مضر به شمار می‌آید زیرا بذر آن گاهی توسط قارچی آلوده شده که سمی موثر بر سیستم عصبی تولید می‌کند. نوع استفاده از این بذرها که در تهران فروخته می‌شود مشخص نگردید.

Loranthus Grewinkii Boiss. and Bunge (Loranthaceae)

کشمش کولی

Kishmish-i-kūlī (Teh.); Kishmish-kawali (Ind. Bazaars); Dibk (Ar.)

نام این میوه به معنی کشمش کولی‌ها معروف است. لو بود (Le Bode) در کتاب خود به نام مسافرت در لرستان و عربستان (Travels in Lauristan and Arabistan) ذکر کرده است که در جنگل‌های کوههای زاگرس در مسیر کرمانشاه به بغداد میوه‌ای را مشاهده کرده که بومیان آنرا انگور کولی می‌نامیدند و از گیاهان انگل درخت بلوط است. این میوه خشک شده، گرد، قهوه‌ای سوخته و چروکیده است که حدود ۸ میلی متر طول داشته و هیچ دانه‌ای ندارد. مزه بسیار بدی دارد و حاوی ماده کائوچو ماندنی است که به آن خاصیت کشسانی می‌دهد. نویسنده

کتاب «معزن الادویه» خواص این میوه را ملین و (resolvent) ذکر کرده. مخلوط کشمش کولی در آب به عنوان دارویی برای از بین بردن موهای زائد بدن استفاده می شود.

***Luffa acutangula* Roxb. (Cucurbitaceae)**

طوری

Tūrī (Teh.); Tukhm-i-turi (Afg.).

این گیاه در زبان سانسکریت کوشاتاک (Koshataki) نامیده شده که برگرفته از کوشا به معنی پيله کرم ابریشم است. دلیل این نام گذاری این است که تخم این گیاه در شبکه‌ای از تارهای لینی محصور شده که شبیه پيله است. خشک شده این دانه‌ها به عنوان کاغذ خشک کن و یا لیف حمام استفاده می شود. دانه‌ها خاکستری، بیضی، تخت، به ابعاد ۱۲ تا ۱۴ میلیمتر در ۸ میلیمتر با سطحی زبر با لکه‌های نامنظم سیاه بر روی آن که خواص دارویی داشته و به عنوان استفراغ آور و ملین کاربرد دارند. این دانه‌ها حاوی روغن نیز هستند.

***Mallotus philippinensis* Muell. Arg. (Euphorbiaceae)**

قنبلیله

Qunbalilah (Teh.); Kamela (Hind., Bom.); Kapila (Mad.).

درختی است که در سراسر مناطق گرمسیر هند یافت می شود و میوه آن به شکل غده‌های قرمز رنگ است. پودر این میوه‌ها سنگین بوده و تا حدودی زبر است و در آب حل نمی شود ولی در اکل محلول بوده و به آن رنگ نارنجی می دهد. از این دارو به عنوان یک ماده ضد انگل و کرمهای روده‌ای استفاده می کردند. سابقاً از قنبلیله به عنوان رنگ برای رنگ آمیزی پشم و ابریشم استفاده می کردند که بطور کامل منسوخ شده و امروزه از رنگهای جوهری (aniline) استفاده می کنند.

***Malva sylvestris* L. var. mauritiana Boiss. (Malvaceae)**

گل پنیرک

Gul-i-panīrak, Tukhm-i-khābāzi (Teh.); Khatmi-i-kuchak (Pers.); Penirak, Khib-baze (Schl.); Hamam Komandji (Turk.).

بگفته آتچیسون، این گیاه که در شمال شرقی ایران بیه آن گل ختمی گفته می شود فراوان بوده و از این نقطه به سایر نقاط برای مصارف پزشکی صادر می شود. خبازی نام عربی میوه‌های این گیاه است که از ایران به هند صادر می شود. در تهران هر دو نمونه این گیاه (گل و میوه) در بازارها بوفور وجود داشت و نام آن به خاطر گرد و قرصی بودن میوه‌ها انتخاب شده. نام ختمی همچنین به گونه‌های بزرگتر جنس *Althaea* نیز اطلاق می شود. ختمی حالت غضروفی و خاصیت خنک کننده دارد و مخلوط گل ختمی با گل بنفشه *Nymphaea alba* L. عنب، سپستان و

Alhagi camelorum Fisch. به عنوان داروی ضد سرفه تجویز می‌شود. همچنین ختمی به عنوان ملین نیز تجویز می‌شود.

***Matricaria Chamomilla* L. (Compositae)**

بابونه

Bābūnah, Tukhm-i-bābūnah (Teh.); Babunaj (Pers.); Baibun (Mosul). نام بابونه در حقیقت از روستایی در عربستان به همین نام منشاء می‌گیرد. این گیاه در بازارهای هند و ایران کاملاً قابل دسترس است. دیگر جنس‌های معطر این خانواده نیز در بازار یافت می‌شوند. بابونه‌ای که در عراق فروخته می‌شود مخلوطی از گل‌های گیاه فوق همراه با (*Achillea fragrantissima* Forsk.) بود. نمونه دارویی از تهران برای ما فرستاده شد به نام «مخلصاه» (Mukhlisah) که گفته می‌شد از گیاه بابونه احتمالاً از گونه (?decipiens) بدست آمده است. بابونه ضد نفخ و محرک بوده به عنوان یک تب بر استفاده می‌شود. چای بابونه جهت تسکین دردهای عصبی ناحیه قفسه سینه تجویز می‌شود. همچنین بخور بابونه برای اسهال خونی مفید شناخته شده است.

***Medicago sativa* L. (Leguminosae)**

قت

Qatt, Jatt (Ar.); Winjah, yunjah (Kurd.); Aspust (Bal.); Spistha (Afg.). یونجه گیاهی است که در بخش معتدل آسیای غربی بفرآوری یافت می‌شود. این گیاه در سطح وسیعی در ختن همچنین هند کاشته می‌شود. حداقل دو وارسته از این گیاه وجود دارد یکی به نام قندهاری و دیگری ایرانی یا عربی. بی تردید خاستگاه یونجه نوع دوم منطقه عراق است و به دلیل (dodder) بودن بذرش پیش از جنگ از بصره به آفریقای جنوبی صادر می‌شد. بذر یونجه بیضی یا گرد، حدود ۲ میلی متر به رنگ قهوه‌ای، سفید و یا متمایل سبز است. به عنوان یک ضماد خنک کننده برای بهبود جوشهای پوستی استفاده می‌شود.

***Melia Azedarach* L. (Meliaceae)**

سنجد تلخ

Sinjad-i-talkh (Teh., Isf.); Mab-ul-dan (Ar.); Bakayan (Hind.). درخت سنجد تلخ یا (Persian lilac) احتمالاً توسط مسلمانان وارد بخشهای جنوبی هند شده است. از بخشهای مختلف این درخت در طب پارسی و عربی استفاده می‌شود. میوه این درخت سنجد تلخ نامیده می‌شود تا از سنجد که میوه درخت (*Elaeagnus angustifolia*) است، متمایز شود. سنجد تلخ بشکل دو کی شکل یا گرد، به طول حدود ۱۲ میلی متر با پوستی نرم، کمی چروک خورده که رنگ آن قهوه‌ای مایل به قرمز است و گوشته آن طعم

تلخی داشته و هسته سخت پنج وجهی دارد. سنجید تلخ خاصیت تب بری دارد و هسته آنرا بصورت گردنبند درمی آورند تا از ابتلا به بیماریهای واگیر جلوگیری کند.

Mentha sylvestris L. (Labiatae)

پونه

Pūnah (Teh.); Gul-i-punah (Isf.); Pudina (Hind.).

نعناع وحشی گیاهی است که بطور بومی در منطقه گرم غرب هیمالیا و همچنین ایران رشد می کند. نام عمومی برای نعناع در شرق بیشتر شناخته شده است. «فوداناج» (Fudanaj) که نامی عربی این گیاه است از نام پارسی «پودینه» منشاء گرفته است. نویسنده کتاب "مخزن الادویه" سه نوع مختلف فوداناج را توصیف کرده که عبارتند از: نوع وحشی، نوع کوهی و نوع آبی. نوع کوهی برگ های نقره فام دارد ولی متاسفانه نمونه تهیه شده از تهران اگرچه بسیار معطر است برای شناسائی کامل مناسب نبود. انواع مختلف نعناع در باغها کاشته می شود و به عنوان یک داروی آرامش بخش که بوی بسیار مطبوعی دارد و همچنین ضدنفخ است استفاده می شود. برگ نعناع برای سوزش معده (ترش کردن) تجویز می شود، همچنین نعناع بصورت چای، دم شده که برای درمان روماتیسم، لرز و اسهال خونی استفاده می شود.

Merendera persica Boiss. (Liliaceae)

سورنجان سفره شده

Sūrinjān-i-sufrah shudah (Teh.).

این گیاه که شبیه به (*Colchicum*) است در شمال ایران به افغانستان، سروسرستان های بلوچستان و پنجاب مشاهده شده است. آتچیسون این گیاه را در کل بادغیس و خراسان گزارش کرده. پیاز این گیاه به عنوان دارو جمع شده و از مشهد به خلیج فارس و در نهایت هند صادر می شود. این دارو یکی از انواع گیاه *Hermodactyl* باستانی می باشد که احتمالاً تحت نام سورنجان شیرین به عنوان دارو در بین مسلمانان هند رواج داشته. ریشه های گردآوری شده از همدان به قطعه قطعه شده بودند و داخل سفید و بافت نشاسته ای پیازها مشخص بود و هیچ بو و مزه خاصی نداشت. گفته می شود سورنجان سفره شده همانند سورنجان تلخ (*Colchicum* spp.) برای روماتیسم تجویز می شود.

Mirabilis Jalapa L. (Nyctaginaceae)

تخم لال عباسی

Tukhm-i-lāl'abbās (Teh.); Gul-i-abbasa (Pers.).

این گیاه که به نام «شگفتی پرو» یا «ساعت ۴» نیز شناخته می‌شود گیاهی از مناطق گرم آمریکا می‌باشد. نام علمی آن (*Mirabilis*) به معنی شگفت انگیز است و دلیل این نامگذاری تنوع و گوناگونی رنگ این گل‌ها است. میوه این گیاه بیضی شکل، ۸ در ۵ میلیمتر، قهوه‌ای تیره مایل به قرمز، ۵ وجهی و (*papillate*) است که حاوی یک بذر سفید و نشاسته‌ای می‌باشد. مقدار بسیار اندکی از خواص این گیاه شناخته شده. گفته می‌شود از این میوه‌ها را کوبیده با فلفل سیاه مخلوط کرده و به عنوان فلفل می‌فروشند.

Morus nigra L. (Moraceae)

شاه توت

میوه: Tūt-i-kushk (Teh.). ریشه: Rishah- shāh-tūt (Teh.). درخت: Shāh-tūt (Teh.).
این درخت در ایران و بلوچستان کشت می‌شود، بخصوص توت سفید (*M.alba*) برای میوه همچنین برگش برای پرورش کرم ابریشم. هم شاه توت و هم توت سفید در بازار بفروش می‌رسد و تقریباً مصرف همگانی دارد. وقتی این میوه‌ها به دقت خشک شد آن را (Tut-i-dham) نامیده و در طول زمستان به عنوان یک ماده مغذی و خوش طعم استفاده می‌کنند.
داروی دیگری که از این درخت تهیه می‌شود پوست و ریشه درخت است که سطح خارجی آن مایل به قرمز با سلولهای سفید ابریشمی، محکم و (*liber*) در داخل است و در تهران برای درمان اختلالات قاعدگی تجویز می‌شود.

Myristica fragrans Houtt. (Myristicaceae)

جوز بویا

Jauz-i-būyā (Teh., Ar.); Bazbaz (Pers.); Jaephah (Hind.).
این دانه در تمام هند و ایران شناخته شده و به عنوان ادویه و یا دارو استفاده می‌شود. گل یا پوسته خارجی تحت نام گل جوز در بازارها فروخته می‌شود که همان خواص دانه را دارد.

Myrtus communis L. (Myrtaceae)

تخم مورد

Tukhm-i- mūrd (The.); Hab-el-aas (Ar.); Uurd (Abu Mansur).

مورد سبز

Mūrd-i-sabz, Barg-i-mūrd (Teh.).

میوه‌های این گیاه سیاه، نخودی شکل، معطر و کمی شیرین هستند. هر میوه حاوی چندین بذر سفید، سخت و کلیوی شکل است. برگ‌های این گیاه کوچک و نوک تیز بوده و دارای غدد مترشحه است که وقتی شکسته و ساییده می‌شوند عطر دلپذیری ایجاد می‌کنند. تمامی این گیاه حاوی روغن فراری است که خواص گیاه مربوط به آن است. این گیاه محرک، قابض بوده و از روغن آن به‌عنوان ضد عفونی کننده، انگل کش و (rubefacient) استفاده می‌کنند. همچنین این روغن را گرم کرده برای درمان جوش و دمل بصورت ضماد استفاده می‌کنند.

Nannorrhops Ritchieann Wendl. (Palmae)

کاکل زرد

Kākil-i-zard (Teh.); Khove, Khū (Afg.)

الیافی نرم و کرک مانند که بسیار شبیه به پشم شتر است و از این نوع درخت نخل بدست می‌آید. این الیاف برای پانسمان زخمها و همچنین به‌عنوان آتش گیر استفاده می‌شوند. در افغانستان به موادی که برای گیراندن آتش استفاده می‌کنند از هر منبعی که باشد "خو" می‌گویند.

Nardostachys Jatamansi Dc. (Valerianaceae)

سنبل الطیب

Sumbul-i-latīf, Sumbulu'l-tib (Teh., Isf.); Sumbul-jibali (Ar.); Jata-masi (Sans., Hind.); Balchar (Afg.); Bekh-i-sumbul (Pers.).

گیاه فوق در مناطق آلپی هیمالیا رشد می‌کند و ریشه آن به نام سنبل لطیب یا سنبل هندی (Nardus root) از زمان باستان شناخته شده است. این ریزومها کوتاه، ضخیم و خاکستری تیره بوده که توسط یک شبکه الیاف محصور شده که در میان بومیان به نام «موی شیطان» معروف است. عطری مشابه والرین داشته و ریزومها دارای حدود ۱ درصد روغن فرار حاوی اسید والریانیک Valerianic هستند. روغن و ریزومها خواص مشابهی داشته و برای بیماریهای عصبی تجویز می‌شوند. همچنین این ریشه‌ها که مانند چای دم می‌شوند، برای بیماران مبتلا به اختلالات قلبی نیز مفید شناخته شده است.

Nepeta micrantha Bunge and *N. ispanhanica* Boiss

زوفا

Zūfā, Zūnā (Teh.); Zufah-i-yabis (Ar.).

زوفا گیاهی معطر است که از زمان باستان به‌عنوان یک داروی ضد نفخ در شرق مصرف می‌شده. در ابتدا آنرا نوعی زوفای مصری (hyssop) می‌شناختند ولی تحقیقات اخیر نشان داده است که زوفا متعلق به جنس (*Nepeta*) است. به عقیده دیموگک (Dymock) نمونه زوفای جمع آوری شده از سند (*N. ciliaris* Benth.) بود در حالی که

نمونه جمع آوری شده از بلوچستان (*N. bracteata* Benth.) شناسائی گردید. دو نمونه‌ای که از تهران بدست آمد شامل کاسه گل، گل و بذر بود. کاسه گل، ایستاده، سبز با رگه‌های ارغوانی و دندانه دار است. دانه‌ها مخروطی، قهوه‌ای و حدود ۱ میلی‌متر هستند که یک فرو رفتگی ۷ شکل در انتها دارند. این دانه‌ها لعاب دار بوده و وقتی با آب مخلوط می‌شوند و برای درمان آنفلوآنزا و زکام تجویز می‌گردند. به‌عنوان یک گیاه معطر، دم‌نوش سرد آن برای درد قفسه سینه تجویز می‌شود.

Nicotiana Tabacum L. and *N. rustica* L. (Solanaceae)

توتون

Tūtūn (Iraq); Tambaku, Tumaku; *N. rustica*= Turkomani tambaku (Afg.)
تنباکو گیاهی است که در شمال شرقی ایران به‌عنوان مصرف داخلی، تجارت محلی کشت می‌شود. تنباکو محصول ارزشمند و گرانی محسوب می‌شود زیرا زمینهای تحت کشت باید بطور وسیعی کودپاشی شوند و همچنین آبیاری این زمینها بسیار دقیق باید صورت پذیرد. برگهای تنباکو با شکر خام یا گور (Gur) خیسانده می‌شوند که باعث می‌شود وزن برگها بیشتر شود. علاوه بر استفاده از تنباکو به عنوان دخانیات، به عنوان عطسه آور نیز استفاده شده که به آن نشوار (Nashwar) می‌گویند. به همین دلیل گاهی این گیاه با خاکستر پودر شده گیاه (*Ephedra* Boiss.) *pachyclada* از خانواده (Gnetaceae) مخلوط می‌شود تا خاصیت عطسه آوری شدیدتری ایجاد کند. دو نمونه از این ماده در بین نمونه‌ها جالب توجه هستند پودر تنباکوی خیس شده از عراق و پودر تنباکوی معطر شده با گل یاسمن.

Nigella sativa Sibth. (Ranunculaceae)

سیاه تخمه

Tukhm-i-siyāh, Siyāh-danan, Siyāh-tukhmah (Teh.); Hab-es-souda (Ar., Egy., Iraq); Kala jira, Mugrila (Hind.).
گیاهی یکساله است که به نام جوز گل یا گل رازیانه در مصر، سوریه و ایران کشت می‌شود. طبق گفته برد وود (Birdwood) این دانه‌ها در متون قدیم (the melanthion of Dioscorides and the gith of Pliny) تحت نام زیره سیاه معرفی شده‌اند. این بذرها سیاه، سه وجهی به طول ۳ میلی‌متر هستند. پوسته خارجی سفت و کمی چروکیده و دانه‌ای سفید و روغنی دارند که وقتی خرد می‌شوند عطر خوشی مانند لیمو متصاعد می‌کنند. بذرها روغن موثره غیر فرار و ماده ساپونین مانند دارند و بطور گسترده‌ای به عنوان چاشنی و دارو مصرف می‌شوند. مسلمانان در قدیم این بذور را به عنوان خوش طعم کننده بر روی خمیر نان می‌پاشیدند کاری که هم اکنون در تبریز و تهران با زیره می‌کنند. ضرب المثل عربی با این مضمون وجود دارد که «سیاه تخمه دواي هر بیماری بجز مرگ»

است». در اطراف تبریز گونه (*N. arvensis* L.) به عنوان سبزی خوراکی و معطر کشت می‌شود و به آن قره چورک اوتی (Black bread weed) یا علف نان سیاه می‌گویند.

Nymphaea alba L. (Nymphaeaceae)

گل نیلوفر، نیلوفر کرمانشاهی

Gul-i-nīlūfar, Nīlūfar-i-kirmānshāhī (Teh.); Nenuphar (Ph. Pers.).

گل، ساقه و برگ نیلوفر آبی سفید به عنوان دارو استفاده می‌شود. این گل در تمام دریاچه‌ای اروپا و سیبری یافت می‌شود. نیلوفر نامی است که گاهی برای سایر گل‌های پیاز دار آبی نیز استفاده می‌شود. همچنین گاهی به جنس (*Ipomoea*) که گل آبی رنگ دارد نیلوفر گفته می‌شود. کمال (Kamal) نامی است که در هند به گل (*Nymphaea*) اطلاق شده و در دارو فروشیها یافت می‌شود. همچنین این نام به گل مقدس مصریان (لوتوس) که گونه‌ای (*Nelumbium speciosum* L.) است اطلاق شده و در چین به عنوان دارو استفاده می‌شود. گل نیلوفر خاصیت خنک کننده و قابض داشته و به عنوان یک تب بر به ویژه برای کودکان و همچنین بیمارانی با مشکلات قفسه سینه استفاده می‌شود. به این منظور گل نیلوفر معمولاً به صورت مخلوط با عناب، گل گاوزبان، گل بنفشه، شکر و گونه (*Adiantum Capillus-Veneris* L.) تجویز می‌شود.

Ochrocarpus longifolius Benth. & Hook. (Guttiferae)

نورموش

Nūr-mūs, Normush (Ham.); Tambrā (red) nagkeshur (Pers.).

این گیاه بصورت درختی است به نام زعفران کبری که در بخش غربی شبه جزیره هند از کانارا (Canara) تا کنکان (Concan) رشد می‌کند. شکوفه‌ها و جوانه‌های گل این درخت به طور عمده از راجاپور (Rajapur) و دکن (Deccan) به سایر نقاط فرستاده می‌شود. غنچه قهوه‌ای مایل به قرمز این گیاه مانند قرنفل قابض بوده و برای رنگ آمیزی ابریشم از آن استفاده می‌شود. در ایران نورموش به تازگی شناخته شده و از آن به عنوان یک تونیک معطر استفاده می‌کنند.

Ocimum Basilicum L. (Labiatae)

تخم ریحان

Tukhm-i-raihān (Ham., Teh.); Ruhan (Kurd.); Takmeria (Bom.); Semen Basilici; Alfabaca (Port.).

ریحان گیاهی است که بومی هند و ایران بوده و از این نقاط به آفریقا و مالایا گسترش یافته. ریحان کلمه‌ای عربی به معنای علف می‌باشد. ریحان به عنوان یک سبزی معطر و خوردنی که عطری شبیه به نعنا دارد شناخته شده است. بذر

ریحان از مدتهای بسیار قدیم در پزشکی شناخته شده بود و گفته می‌شود همان بادرنج ابن سینا است. بذر ریحان به مقدار فراوان از ایران به هند صادر می‌شود. این بذرها مایل به سیاه، کشیده، حدود ۲ تا ۲/۵ میلی متر هستند نقاطی بر روی بذور دیده می‌شود و قوس کمی دارند با فرورفتگی سفید رنگ در نوکی که باریک است. هنگامیکه در آب قرار می‌گیرند سطح آن‌ها بلافاصله با لعابی نیمه شفاف پوشیده می‌شود. اشلیمر ذکر کرده این دانه‌ها همراه با نان و پنیر خورده می‌شوند. این بذور به‌عنوان یک داروی ضد آنفلوآنزا تجویز می‌شود.

Ocimum canum Sims (Labiatae)

تخم شربتی

Tukhm-i-sharbatī (Ham., Teh.); Tukhm-chirbatī, Reyhane Kouhi, Badrudge ibieze (Schl.).

به گفته اشلیمر، شیراز مرکز تولید تخم شربتی در ایران است و این تخمها جزء جدا نشدنی از شربت یخی هستند. این بذور یا فندقه‌ها، سیاه رنگ، خال خال، مستطیل یا بیضی شکل و در حدود ۱ تا ۲ میلی متر. در یک سمت قوس داشته و خطی منشعب به سمت دیگر دارند. این دانه‌ها کوچکتر از تخم ریحان محسوب می‌شوند و لکه سفید آنرا نیز ندارند. اما مانند آن‌ها بعد از قرارگیری در آب لعاب دار می‌شوند. پزشکان محلی از این دانه‌ها برای درمان و تسکین دردهای ریه و قفسه سینه و به‌عنوان یک داروی تقویتی قلب استفاده می‌کنند.

Olea europea L. (Oleaceae)

زیتون

Zaitūn.

درخت زیتون برای میوه و استخراج روغن کشت می‌شود. زیتون نقش مهمی را نه تنها در رژیم غذایی بلکه صنعت داروسازی دارد. جوشانده برگهای زیتون گاهی به‌عنوان درمان سرفه استفاده می‌شود.

Onosma echioides L. (Boraginaceae)

ریشه هوه چوبه

Rīshah hava-i-chūbah (Ham.); Havah-i-chūbah (Teh.); Ratanjot (Hind.).

گیاهی است که در افغانستان و سیبری رشد می‌کند که از ریشه آن استفاده می‌کنند. این دارو مشابه آلکانت اروپایی (*Anchusa tinctoria*) است. از این ریشه‌ها به‌عنوان رنگ و همچنین دارو از زم‌آن‌ها قدیم کاربرد داشته است. ریشه گونه (*O. Hookeri* Clarke) تحت عنوان رنگ پادشاه شناخته می‌شود. ریشه‌های مخروطی شکل این گیاه رنگ قرمز متمایل به ارغوانی داشته و قشر خارجی آن‌ها به راحتی جدا می‌شود. رنگ این ریشه‌ها داخل روغن

و یا الکل محلول بوده و مصرف دارویی دارد. در ایران، این ریشه‌ها را بصورت پودر در می آورده به عنوان درمان سرفه و تقویت کننده به اسب‌ها می خوراند.

***Orchis latifolia* L. (Orchidaceae)**

سعلب

Sa'lab (Teh.); Salab-misri (Ar.); Punjah-i-salaba.

ریشه‌های بادبزنی یا پنجه‌ای شکل این گیاه در پزشکی مصرف بسیاری دارند. بعد از اینکه این ریشه‌ها در آب جوش خیسانده شدند، اپیدرم یا پوسته بیرونی آن‌ها جدا شده سپس آن‌ها را خشک می کنند. این ریشه‌ها سخت، شاخی، سفید رنگ بصورت مات یا شفاف هستند و هنگامیکه در آب قرار می گیرند لعاب دار می شوند. حریره ساخته شده از این ریشه‌ها را به عنوان یک ماده تقویت کننده قوای عصبی، تسکین دهنده و مغذی نام می برند. بصورت دمنوش این ریشه‌ها را برای درمان گرفتگی صدا استفاده می کنند.

***Oryza sativa* L. (Gramineae)**

برنج سدري

Birinj-i-sadri, Berinj sadri Gilan (Teh.); Timan (Iraq); Ruzz (Ar.); Shilib, Pīrīnj (Turk.); Chaltuk (Kurd.).

برنج به عنوان یک محصول تابستانه در مناطق بسیاری از جمله باتلاقهای جنوبی، دره‌های کردستان و در اراضی پست عراق که مسیر عبور آب هستند کاشته می شود. این محصول به سه طریق در عراق کاشته می شود. ۱- (Harfi) یا پیش از برف ۲- (Afli) یا بعد از برف ۳- (Shittāl) یا نشا شده.

برنج پوست کنده در عراق که تیمان (Timan) نامیده می شود. دو نمونه‌ای که از تهران بدست آمده سفید و صاف بودند.

***Panicum miliaceum* L. (Gramineae)**

ارزن

Arzan (Pers.); Dukhn (Iraq); Chīna (Hind., Sans.).

ارزن به عنوان یک محصول تابستانه در عراق کشت می شود بخصوص در اطراف شط الحی. دانه‌ها را می توان پخت و خورد و یا آن‌ها را آسیاب کرده و در ساخت نان استفاده کرد. معمولاً غذایی به شکل فرنی از آن درست می کنند. گیاه سبز آن علوفه بسیار خوبی برای حیوانات محسوب می شود. دانه‌ها را به عنوان غذای پرندگان استفاده می کنند.

***Papaver somniferum* L. (Papaveraceae)**

کوکنار

Kavl-a-kūknār, pōst-a-kūknār (Pers., Afg.).

تخم خشخاش

Tukhm-i-khash khāsh; Tukhm-i-shaga'ig (Ham.); Kishkash (Ar.).

تریاک به صورت محلی تحت نام افیون شناخته می‌شود اما کشت تریاک در عراق ممنوع می‌باشد. کپسول خراش خورده این گیاه در بازارها بفروش می‌رسد که اثر تخدیر کننده‌ای آن‌ها کمتر از تریاک است. این دانه‌ها حاوی ۵۰ درصد روغن خشک هستند که تحت نام روغن خشخاش معروف است. بذر خشخاش به اشتباه تصور می‌شود که سمی است ولی درحقیقت این کپسول گل می‌باشد که تریاک از آن گرفته می‌شود و بذر آن مغذی و قابل خوردن بوده و معمولاً در انواع گوناگون شیرینی استفاده می‌شود. این دانه‌ها برای درمان خون دماغ تجویز شده همچنین روغن آن‌ها در ساخت صابون کاربرد دارد. مخلوط این دانه‌ها به همراه (*Malva sylvestris* L. Var *mauritiana* Boiss.) و (*Linum usitatissimum* L.) بصورت خمیر درآورده شده برای درمان کورک و جوش کاربرد دارد.

***Peganum Harmala* L. (Rutaceae)**

تخم اسفند، سپند

Tukhm-i-isfand, Sipand (Teh.); Harmal, Harmal rutbaj (Ar., Iraq); Aspad (Kurd); Uzarih (Turk.).

سپند گیاهی است که در ایران، عربستان، سوریه، شمال آفریقا و جنوب اروپا یافت می‌شود. این گیاه و دانه‌های آن در پزشکی یونانیان و رومیان مصرف داشته و در قرن هفده ام در اروپا مورد توجه قرار گرفته. دانه‌های این گیاه از ایران به هند صادر می‌شود و ابتدا توسط مسلمانان معرفی شده اند. دانه‌ها خاکستری مات و کدر، حدود ۲ میلی متر و طعم تلخی دارند و زمانی که خرد می‌شوند بوی سنگین و تخدیر کننده‌ای دارند. این بو ناشی از آلکالوئیدهای موجود در دانه شامل هرمالین و هارمین (*harmalin & hermine*) است. در ایران و عراق چنین مرسوم است که در عروسی‌ها این دانه‌ها را روی زغال گذاخته می‌ریزند و عقیده دارند که باعث جلوگیری از چشم بد می‌شود. همچنین دود سپند را عامل جلوگیری کننده از شیوع بیماری‌های مسری می‌دانند. عقیده بر این است که این دانه‌ها باعث تحریک سیستم جنسی نیز می‌شوند.

***Peucedanum graveolens* Benth. & Hook. (*Anethum graveolens* L.) (Umbelliferae)**

تخم شوید / شوید

Tukm-i-shivīd (Teh.); Shivit (Isf.); Shabbat (Ar.); Sawa, Soyah (Hind.); Habbat Halwah (Iraq); Anitum (Yunani).

شوید گیاهی است که به خوبی شناخته شده، یکساله یا دوساله است با بوی معطر و قوی، برگهای ظریف و رشته‌ای، گل چتری زرد رنگی و ساقه‌ای بلند. تخم (میوه) شوید در بازار بفروش می‌رسد و به‌عنوان یک ادویه و ضد نفخ استفاده می‌شود. از راه تقطیر عصاره این تخم‌ها جدا می‌شود که در طب برای ساخت آب شوید مورد استفاده قرار می‌گیرد. گیاهی است که اغلب با رازیانه اشتباه گرفته می‌شود و تخم شوید نیز گاهی با دانه زیره سیاه اشتباه می‌شود از این رو گاهی اوقات نام (Karawayah) برای آن استفاده می‌شود. در ایران شوید به‌عنوان یک سبزی معطر شناخته شده و برگ آن همراه برنج جهت تحریک اشتها پخته می‌شود.

Phaseolus radiatus L. (Leguminosae)

ماش

Māsh (Iraq, Pers.); Urd or Urid (Ind.); Masha (Sans.).
ماش گیاهی است که به‌عنوان یک محصول تابستانی کشت می‌شود که گاهی اوقات آن را با ذرت یا سورگوم (Sorghum) مخلوط می‌کنند. غلاف سبز به‌عنوان سبزی خورده می‌شود و این گیاه به‌عنوان علوفه یا کود سبز استفاده می‌شود. دانه ماش کوچک، سبز رنگ مصرف غذایی دارد و از آن در ساخت بیسکوئیت، کیک، یا حلویات استفاده می‌کنند. در افغانستان این محصول بسیار ارزشمند محسوب می‌شود تا آنجا که آن را (Mashi-i-maha) یا پادشاه نخودها می‌نامند.

Phaseolus vulgaris L. (Leguminosae)

فاصولیه، لوبیا قرمز

Fāsūliyah (Iraq); Lubia, Lubia-kermiz (Teh.); Rāzmah (Kash.).
این محصول به‌عنوان یک سبزی یا حبوب در باغها پرورش داده می‌شود. غلاف این گیاه بصورت سبز خوراکی بوده و از دانه‌های رسیده و خشک شده آن برای پخت انواع مختلف غذا استفاده می‌کنند. این نوع لوبیا بیضی شکل در حدود ۱۲ تا ۱۴ در ۶ تا ۸ میلی متر است و به رنگها سفید، قهوه ای و قرمز که رگهای سیاه دارد دیده می‌شود و دارای یک فرو رفتگی به سمت داخل است.

Phoenix dactylifera L. (Palmae)

نخل تمر

Tamr (میوه رسیده)، Rutab (نیم رس)، Khalal (نارس)، Nakhli (درخت نر)، Khurmā
آثار باغهای کشت خرما در هر دو طرف فرات از ناصریه تا بصره پیدا شده است. در حقیقت از نه‌ال‌عمر در قسمت پایین شط العرب (این نام با تایید سازمان ملل به حریر رود تغییر یافته م) تا فاو (Fao) بزرگترین منطقه تحت کشت

خرما در جهان می باشد. در این ناحیه باغهای کشت خرما وجود که از چند صد یارد تا گاهی حدود ۵ مایل طول آنها می رسد. خرما مهمترین محصول در عراق محسوب می شود. بهترین محصول خرما ی عراق در منطقه سوک (Suq) رشد می کند. بهترین محصول خرما زمانی حاصل می شود که درخت خرما بین ۱۲ تا ۴۰ سالگی باشد. بیش از صدها گونه از خرما شناخته شده است اما در عراق این محصول را به دو دسته عمده تقسیم می کنند (a) خرما ی تجار تی (b) خرما ی مصرف داخلی. گونه های مختلف هر دسته در جدول زیر نشان داده شده است.

خرمای تجار تی	خرمای مصرف داخلی
Halawi	Mishi
Khadrawi	Gentar
Sa'ir	Hasawi
Dairi	Khasib
Za'adi	Lihur
Digal	Barhi

۶۰٪ از خرما ی تجاری از نوع Sa'ir می باشد. خرما ی Halawi در آمریکا محبوب بوده و خرما ی Khadrawi در اروپا بفروش می رسد. هند و ایران بیشتر نوع Sa'ir را مصرف می کنند. استفاده زیاد از درخت خرما می شود و میوه آن را بصورت شربت در می آورند و گاهی از این شیر ع نوشیدنی الکلی به نام (araq) درست می کنند.

Phyllanthus Emblica L. (Euphorbiaceae)

آمله سفته

Amulah-i-suftah (Teh.); Amulah-mugashshar (Isf); Amlaj (Ar.); Aola amla (Hind.); Kurk amla = میوه خشک , Amla morabba.

درختی است که در سراسر مناطق گرمسیر هند رشد می کند و اهمیت آن به خاطر میوه ی این درخت است. میوه خشک شده این درخت حاوی emblic myrobalans است. این میوه ها خشک بصورت خرد شده و برش خورده در بازار وجود دارد. اندازه آن کوچکتر از گردو همراه با گوشته خشک شده و هسته چوبی است. گوشته این میوه بسیار اسیدی بوده و حاوی تانن زیادی است. میوه ها قابض، اشتها آور و تب بر بوده و مخلوط این میوه ها با آب انگور و عسل به عنوان یک نوشیدنی مفید در زمان تب و اسهال استفاده می شود.

Physalis Alkekengi L. (Solanaceae)

کاکنج

Kākanj (Isf., Teh.); Gul-i-kākanj; Alkikenji (Ar.).

این گیاه از عربستان، سوریه، ایران و بلوچستان به سمت اروپا گسترده شده. میوه این گیاه شبیه گیلاس خشک شده با گوشته بیشتر هستند که دانه‌های زردرنگ در داخل آن فراوان است. قطعات خرد شده این میوه به همراه کاسه گل آن به عنوان دارو در بازار بفروش می رسد.

بگفته اشلمیر (Schlimmer) میوه‌های این گیاه خاصیت ضدانگلی و مدر دارد. آچندو (Achundow) چنین عنوان کرده که برای مشکلات زنانه (femail complaints) از این میوه استفاده می‌شود. بطور محلی این دارو برای درمان بیماری سفلیس تجویز شده و تصور بر این است که دوز مناسب این دارو خاصیت نشئه آور دارد.

***Pimpinella Anisum* L. (Umbelliferae)**

انیسون / بادیان رومی

Anīsūn, Badian-i-rumi (Teh.); Antchibun (Tab.).

تخم بادیان رومی که بصورت دارو و ادویه کاربرد زیادی دارد در اتحاد جماهیر شوروی و ایران کشت می‌شود. میوه این گیاه گاهی اوقات با رازیانه اشتباه گرفته می‌شود. بادیان نام منطقه‌ای عرب نشین است که انواع بادیان در آن رشد می‌کند. تخم بادیان از ایران به هند صادر می‌شود و در حقیقت مرکز بازار بمبئی برای تهیه این دارو ایران است. مسلمانان از تخم بادیان به عنوان یک داروی ضد سرفه و همچنین به عنوان طعم دهنده استفاده می‌کنند.

اشلمیر ذکر کرده آب رازیانه یا (Arak-badiani) در فرایند تقطیر بدست می‌آید. هنوز مشروبات محلی با این گیاه طعم دار می‌شوند. اسانس روغنی این تخم‌ها حاوی ۸۰ تا ۹۰ درصد آنتول (anethol) که به آهستگی در دمای محیط تصعید شده و همچنین (anisic methyl charvicol) است.

***Piper cubeba* L. (Piperaceae)**

کبابه چینی

Kabābah-i-chīnī (Teh., Isf.); Kabab-chini (Hind.).

کبابه چینی یا فلفل دم دار از مناطق مالایا و جاره وارد می‌شود و سابقاً از چین وارد می‌شد. این دارو بصورت میوه‌ای کروی به قطر حدود ۴ میلی متر، به رنگ قهوه‌ای مایل به خاکستری یا سیاه است. سطح این میوه شبکه‌ای و چروکیده که در انتها کشیده می‌شود و حالت استوانه‌ای ساقه را پیدا می‌کند که به آن دم می‌گویند. در داخل پیرابر فقط یک دانه وجود دارد. فلفل چینی در زمان خرد شدن رایحه‌ای تند از خود صانع می‌کند و طعم آن نیز به شدت تند و تلخ است. این میوه حاوی یک عامل محرک و ضد عفونی کننده می‌باشد که بر روی غشاء مخاطی اندام تناسلی اثر می‌گذارد و همچنین خاصیت ادرارآوری دارد.

***Pistacia integerrima* Stew. (Anacardiaceae)**

چهار تنخوش

Chahār tankhūsh (Teh.); Chatlanguch (Ham.); Kharshnai (Kash.).

فرمی از درخت سقز (Turpentine tree) است که از شمال غربی هیمالیا یافت می‌شود و به نام بنه خر یا بنه دروغی (Falss or doukoy mastic) نیز شناخته می‌شود. میوه‌های این درخت حدود ۵ تا ۶ میلی متر، کروی، بدون کرک، چین و چروک دار که رنگ آن‌ها خاکستری بوده و هسته سنگی دارند. این میوه‌های بوی تربانتین دارند و بطور محلی برای معطر کردن شیر از آن‌ها استفاده می‌شود.

جفت

تحت نام جیفت یا جوفت (Jift/ Juft) در بازار تهران بفروش می‌رسد که درحقیقت پوسته خرد شده گال درخت سقز است. بسیار قابض بوده و از آن برای دباغی کردن و همچنین به عنوان یک موبر مخلوط با آهک استفاده می‌شود.

Pistacia khinjuk stocks. (Anacardiaceae)

حب الغار

Habbu'l ghār (Isf.); Habul-khazra (Teh.); Hebbul-beneh (Ar.).

سبز قلنج

Subz-i-gulanj (Teh.); Buzghanj (Ham., Isf.); Gul-i-pisteh (Bom.); Afs-el-batum (Tri.).

درختی است که بطور طبیعی در ایران، بلوچستان و افغانستان یافت می‌شود و تحت نام گونه‌های مختلف توصیف شده است. این درخت ماده رزین مانندی دارد و همچنین میوه خوراکی آن پسته که روغن شیرینی دارد. از برگ و گال این درخت برای دباغی استفاده می‌شود. میوه هسته مانند این درخت بیضی شکل با حدود ۶ میلی متر طول، قهوه‌ای مایل به قرمز رنگ که طعم اسیدی و بوی تربانتین دارد. این میوه‌ها را به عنوان تقویت کننده قوای جنسی می‌خورند و دم‌نوش آنرا برای از بین بردن درد معده تجویز می‌کنند.

گال‌های این درخت توسط (*Pemphigus utricularius* Pass.) ایجاد شده، شامل حدود ۴۰ درصد گالوتانیک (gallotannic) اسید بوده، تخم مرغی شکل برخی اوقات شبیه به انجیر، بزرگتر از لوبیا، صورتی رنگ که به خاکستری گرایش دارد، با دیواره‌ای ظریف و شکننده، سطحی چروکیده، داخلی نرم و مات هستند. طعمی گس و تا حدی (terebinthinate) دارند. در کتب طب ایران و عربی گال‌ها قابض، سرد و خشک توصیف شده اند. مخلوط آن با روغن سنبل هندی (Indian spikenard) برای درد شکم توصیه شده.

Pistacia Terebinthus L. (Anacardiaceae)

سقز سفید

Sagiz-i-safid (Teh.); Sages (Stapf); Zunghari, Sukhur;

درخت سقز به طور طبیعی در نزدیکی بانی Banni بر روی تپه‌های شراگ (Sherag) رشد می‌کند.

اولئو رزین (oleo-resin) یا رزین چرب گیاهی تولید شده توسط این درخت ضخیم، سخت و سفید بوده حالت توده‌ماتی دارد که بتدریج شکل ظرفی که در آن جمع آوری می‌شود را به خود می‌گیرد. وقتی آنرا گرم می‌کنند نرم می‌شود و رایحه تربانتین دلپذیری را از خود متساعد می‌کند. در تهران از آن به‌عنوان آدامس جویدنی استفاده می‌کنند که شبیه سقز چینیان (Chian Turpentine) است که حدود ۵۰ سال پیش به‌عنوان یک درمان برای سرطان توصیه می‌شد. برگ‌ها این درخت قابض بوده و برای رنگرزی از آن‌ها استفاده می‌کنند.

Pistacia vera L. (Anacardiaceae)

پسته

Pistah (Teh.);

پوست پسته

Pust-i-pistah

میوه پسته حدوداً به اندازه زیتون است پوشته آن قرمز تیره و قابض بوده و رایحه تربانتین دارد. درون این پوسته دانه با چوب سخت به رنگ قهوه‌ای مایل به سفید، بافتی چوبی، صاف و تخم مرغی شکل قرار دارد. مغز ایم میوه سبز روشن است که با پوسته‌ای نازک به رنگ قهوه‌ای که به آسانی جدا می‌شود احاطه گردیده. پوست پسته بصورت دم‌نوش شده به‌عنوان دارویی برای اسهال خونی استفاده می‌شود. این محصول از ایران به هند صادر می‌شود و در آنجا از پوست پسته برای رنگرزی و دباغی استفاده می‌شود. میوه انواع پسته به‌عنوان یک خوردنی استفاده می‌شود. به گفته لوفر (Loufer) در (Sino-Iranica) چنین آورده که درخت پسته از زمان باستان نقش مهمی در زندگی پارسیان بازی می‌کرده.

Persians. The youth of Persia were taught to subsist on terebinths, and “terebinth eaters” became a nickname. The seeds of the

میوه این درخت همچنین به (terebinths) اشاره دارد. اما گونه‌های دیگر آن میوه‌های خوراکی دارند. در بلوچستان میوه درخت خینجوک (Khinjuk) را که به نام شاهنا (Shahna) معروف است خشک کرده و از آن آرد می‌سازند و نوعی غذای فقراست.

Plantago major L. (Plantaginaceae)

بارهنگ

Bārhang (Teh.); Tukhm-i-Bārhang (Ham.); Bizr dinbil (Iraq); Bar-i-tang (Bal.).

بارهنگ بطور گسترده در کشورهای که آب و هوای معتدلی دارند یافت شده و دانه‌ها و دیگر قسمتهای آن در طب شرقی استفاده زیادی دارد. در تبریز این گیاه را با نام ترکی بیزوشا دیشی (Bizousha dishi) می‌شناسند که نوع نر این گیاه است و نوع ماده آنرا بیزوشا ارکک (erkek) می‌نامند که نام علمی آن (*P. lanceolata* L.) تشخیص داده شده. دانه‌های این گیاه کوچک، بیضی شکل و حدود ۱ میلی متر و نرم بوده، رنگ آن نیز قهوه‌ای است. زمانی که در آب مخلوط شوند روی این تخم‌ها را لعابی شفاف فرا می‌گیرد به‌عنوان دارویی برای تسکین روده و درمانی برای اسهال خونی تجویز می‌شوند. معنی نام محاوره‌ای این بذرها در عراق "مناسب برای ساخت ضمد ضد کورک" است. بذر گونه (*P. Loefflingii* L.) در تبریز کارنی یاریخ (Karni Yarikh) به معنی معالجه کننده معده است.

Plantago ovata Forsk. (Plantaginaceae)

اسفرزه

Isparzah (Teh.); Asbaghul, Ispaghul (Pers.); Lesan ul Lamal (Ar.); Psylli semina (Ph. Pers.); Khar-danik (Bal.).

گونه‌ای که بومی مناطق ایران، بلوچستان و شمال هند است. به گفته استاکس (Stocks) این گیاه به‌خاطر دانه لعاب دارش در سند (Sind) کشت می‌شود و از زمان (Dioscorides) (پزشک معروف یونانی حدود سال ۹۰-۴۰ بعد از میلاد مسیح م) از آن در طب استفاده می‌شده. مقدار زیادی از این دانه‌ها از ایران به بمبئی صادر می‌شود. دانه‌ها مات و شبیه قایق بوده یعنی در هر دو انتها کشیده شده هستند، هر دو سر آن رنگ متفاوت داشته حدود ۲ میلی متر با رنگ خفیف صورتی و رگه‌های قهوه‌ای در سمت محدب آن‌ها دیده می‌شود. سطح مقعر را نیز پوسته سفید رنگی احاطه کرده. مخلوط آن‌ها با آب ایجاد لعابی در اطراف دانه می‌کند. در بلوچستان دانه‌های (*P. ciliata* Desf.) به نام ایسباقول (Isbaghol) شناخته می‌شود و برای درمان اسهال خونی از آن استفاده می‌شود. دمنوش دانه‌ها برای درمان سوزاک و یا هر بیماری که اثر خنک کنندگی احتیاج داشته باشد مفید است. همچنین به‌عنوان یک داروی ادرار آور از آن استفاده می‌شود.

Plumbago rosea L. (Plumbaginaceae)

شیطراج

Shītaraj, Rīshah tamesh (Teh.); Chitrak (Hind.); Chitra (Bom.); Chitraka (Sans.). در گونه متفاوت از ریشه این گیاه در شرق شناخته شده است نوع هندی و نوع سوری. نمونه‌ای که از تهران بدست آمد قهوه‌ای تیره مایل به قرمز و حدود ۳ میلی متر بود، شیارهایی در طول آن قرار داشته کمی حالت پیچ خورده داشتند و به صورت سه گوش بسته شده بودند. طعم گس و گزنده‌ای دارند. عصاره این گیاه توسط گدایان برای

افزایش زخمهای سطح بدن استفاده میشود تا بتوانند ترحم عموم را جلب کنند. مانند سایر گونه‌های این جنس عاملی است برای تحریک و تاولهای سطح پوست است. در هند به‌عنوان ماده‌ی بسیار تعرق آور شناخته می‌شود.

سموم

جدول زیر داروهای سمی ایران را نشان می‌دهد:

<i>Aristolochia longa</i>	ریشه	تهران
<i>Croton Tigium</i>	بذر	همدان
<i>Datura Stramonium</i>	بذر	همدان
<i>Datura Stramonium</i>	برگها	تهران
<i>Datura Stramonium</i>	برگها	همدان
<i>Doronicum Pardalianches</i>	ریشه	همدان
<i>Gypsophila paniculata</i>	ریشه	همدان
<i>Hyoscyamus reticalatus</i>	بذر	همدان
<i>Ipomoea hederacea</i>	بذر	همدان
<i>Iris spuria</i>	ریزدم	همدان
<i>Onosma echioides</i>	ریشه	همدان
<i>Ricinus communis</i>	بذر	همدان
<i>Strychnos Nux-vomica</i>	بذر	تهران
<i>Veratrum album L.</i>	ریزدم	همدان
<i>Withania somnifera</i>	ریشه	همدان

Polygonum Bistorta L. (Polygonaceae)

ریشه انجبار

Rīshah-i-anjabār (Teh.); Anjabar-i-rumi (Pers.); Bikh-anjubaz (Punj.)

ریزدوم‌هایی به این نام جمع آوری گردیدند حدوداً استوانه‌ای با قطر ۱۲ میلی متر بوده، ضخیم، پیچ خورده، در قسمت پائینی تقریباً نازک و بدون ریشه و در قسمت بالائی شکاف دار و خراش خورده هستند. رنگ آنها قهوه‌ای مایل به قرمز بوده و پوسته چروکیده دارند با حلقه‌ای از آورنده‌های شعاعی که بین مغزه و پوسته ریشه‌ها قرار دارند.

ریشه‌ها حاوی تانین (Tanin) و نشاسته هستند. به گفته اشلیمر ریشه انجبار از جمهوری شوروی و از طریق آستراخان وارد ایران می‌شود. نمونه‌ای خریداری شده از تهران از شهر کرمانشاه وارد شده بود. دیموک (Dymock) مشاهده کرده است که در شهر پنجاب گونه (P.vivipara) را به عنوان جایگزینی برای انجبار استفاده می‌کنند. این ریشه بسیار قابض بوده و برای درمان اسهال و اسهال خونی تجویز می‌شود. در کشمیر ریشه‌های گونه (P. amplexicaule Don) تحت نام (Mānsarīl) معروف است و به عنوان رنگ استفاده می‌شود.

Polypodium vulgare L.(Polypodiaceae)

بسفایج

Bas-fāyij (Teh.); Basfaij (Ind. Bazaars).

ریزوم این گیاه قهوه‌ای تیره و سیمی شکل هستند. سطح آن‌ها چین خورده و دارای شکاف طولی هستند.

the surface is rugose and longitudinally fissured, presenting several horn-like tubercles or scaly projections, the remains of the stipes of

مقطع خارجی آن‌ها تخم مرغی و بخش داخلی آن‌ها تیره و یا قهوه‌ای متمایل به قرمز است و حالت صمغی دارد. عطر نامطبوع و طعم تندی دارد. این دارو به خوبی شناخته شده است و آچوندو و اشلیمر آنرا توصیف کرده اند. این ریشه‌ها ملین، مقوی و مسهل هستند. بطور محلی این ریشه‌ها برای بیماران مبتلا به سوءهاضمه، درد رماتیسم و یا (bilious disorders) تجویز می‌شود. این گیاه اغلب به صورت مخلوط با (*Zataria multiflora*) تجویز می‌شود.

Polyporus officinalis fries (Fungi)

غاریقون

Ghārīgūn (Teh.); Gharekum (Hind., Bom.); Gharikun (Ind. Bazaars).

نوعی قارچ است که بر روی درخت بلوط یا صنوبر رشد می‌کند و اندازه آن بزرگتر از مشت یا سر نوزاد است. رنگ روشنی داشته حالت اسفنجی دارد و شکننده است ولی به راحتی به صورت پودر در نمی‌آید. استفاده از این قارچ در طب به زمان باستان برمی‌گردد. ابن سینا بر این عقیده بود که این قارچ خاصیت پادزهر دارد. پزشکان مسلمان نظر پزشکان یونانی را مبنی بر اینکه این قارچ توانایی دفع کلیه خلط‌ها را دارد و باعث رفع انسداد و دفع بیماری می‌شود قبول داشتند. این قارچ همچنین یک داروی چینی نیز محسوب می‌شود. بخش داخلی این قارچ که حالت اسفنجی دارد و به رنگ سفید روشن است نه تنها به عنوان یک touchwood و آتش زنه استفاده می‌شود

بلکه سابقاً آنرا به عنوان ماده‌ای برای جذب خون و سایر ترشحات بر روی زخم می گذاشتند. به همین دلیل نیز نام قدیمی این قارچ (*Boletus chirurgorum*) است.

***Prosopis Stephaniana* Kunth (Leguminosae)**

خرنوبان

Kharnūbān, Kornub (Isf.); Shok (Ar.); Kunbut (Syr.); Chughak, Tukhm-i-jinjak (Ait.).

درختچه‌ای ست خودرو، فراوان و خاردار که بطور بومی در مناطق قفقاز، سوریه، ایران و شمال هند رشد می کند. میوه غلاف شکل آن قهوه‌ای یا مسی رنگ بوده که حدود ۴ در ۱/۵ سانتی متر است. حالت متورم، galled و بدون شکل منظم داشته و حاوی چندین تخمدان است که دانه‌های قهوه‌ای آن توسط بافت اسفنجی رنگی از یکدیگر جدا شده. این غلاف‌ها به مصرف گوسفندان می‌رسند ولی بذور آن‌ها آسیب ندیده و به سهولت هنگام باران‌های زمستانه جوانه می‌زند. این غلاف‌ها و ریشه این درختچه را به عنوان قابض برای درمان اسهال خونی تجویز می کنند.

***Prunus Amygdalus* Stokes var. *armara* Baill. (Rosaceae)**

بادام تلخ

Bādām-i-talkh (Teh.).

درخت بادام تلخ، مانند بادام شیرین در ایران و آسیای صغیر بطور طبیعی رشد می کند. از لحاظ گیاه شناسی این دو گونه درخت بادام هیچگونه خاصیت متمایز کننده‌ای از یکدیگر ندارند. شکل و ظاهر بادام تلخ شبیه بادام والینا (*Valencia almonds*) است ولی اغلب کوچکتر از آن است. هر دو نوع بادام در صنعت شیرینی سازی و به عنوان یک طعم دهنده و معطر کننده استفاده می شود. با این حال، با توجه به مقدار قابل توجه اسید هیدروسیانیک (*hydrocyanic acid*) موجود در بادام تلخ، مصرف آن‌ها در موارد خوراکی باید با احتیاط و به اندازه کم صورت گیرد. از بادام تلخ پمادی ساخته می شود که از بین بردن جوشهای صورت استفاده می شود.

***Prunus Armeniaca* L. (Rosaceae)**

زردآلو

Zard ālū (Pers); Mishmish (Iraq); Khūbani (Hind.).

منشاء این درخت منطقه قفقاز است. زردآلو خشک شده در افغانستان به نام پاتینگ (*Pating*) معروف است. همچنین به (*Botes*) آن (*Chuli*) می گویند. برگه‌های زردآلو در بازار تحت نام قمرادین (*Qamrad din*) به فروش می‌رسد. در این شکل، زردآلو را می‌توان برای دوره طولانی نگهداری کرد بدون اینکه عطر یا طعم آن عوض شود و بعد از غوطه ور کردن آن در آب، متورم شده و حالت مربا شکلی می‌گیرد. برگه زردآلو یک جیره

غذایی رایج برای سربازان ترک در طول جنگ بود. هسته زردآلو در افغانستان به نام استیگو (Stigu) شناخته می‌شود و مانند بادام استفاده می‌شود.

***Prunus Cerasus* L. (Rosaceae)**

هسته آلبالو

Hastah-i-ālbālū (Teh.); Karaz (Ar.); Kerasza (Hind.).

دم آلبالو

Dam-i-ālbālū (Teh.).

آلبالو درختی است که در غرب آسیا و شرق اروپا یافت می‌شود. میوه‌های آن قهوه‌ای روشن و کاملاً شبیه گیلاس هستند. دانه‌های آن عطر بادام تلخ را دارند که مغذی و مقوی هستند و در شیرینی پزی استفاده می‌شوند. از درخت گیلاس و دیگر و دیگر درختان خانواده آلو در ایران صمغ مفیدی جمع آوری می‌کنند به نام «صمغ آلوچه». دانه‌ی آلبالو با جوانه جو و ساقه آلبالو مخلوط شده و بصورت دمنوش برای درمان سوزاک استفاده می‌شود.

***Prunus domestica* L. Var. *Juliana* (Rosaceae)**

آلوچه

Alūchah (Teh.); Anjar (Iraq); Halu zhgarh (Kurd.); Alucha (Hind.).

آلو خشک به رنگ سیاه، چروکیده، بیضی شکل و حدود ۲۰ میلی متر است. دارای گوشته ترش و شیرین بوده و هسته آن که حدود ۱۴ در ۱۲ میلی متر است که عطر بادام تلخ دارد. به دلیل مزه ترش و خاصیت اسیدی، به عنوان طعم دهنده غذا و همچنین برای تمیز کردن ظروف فلزی استفاده می‌شوند.

***Prunus institia* L. Var. *bokharensis* (Rosaceae)**

آلو

Alū, Alū-bokhara (Teh.).

میوه کروی با طعم شیرین و می‌خوش، سطح آلود خشک فشرده و چروکیده است. رنگ آن مایل به قرمز یا قهوه‌ای با عطری مشابه خرما است. میوه دارای دانه بادام شکلی است که در داخل یک پوسته سفت محافظت می‌شود و با هم هسته را تشکیل می‌دهند. این آلو می‌تواند جایگزین آلوبخارا در ساخت معجون سنا (Confection of senna) شود.

***Prunus Mahaleb* L. (Rosaceae)**

حب المقلب

Habbu'l-ma'lab (Teh.); Hab-ul-mahaliba (Ar.); Paiwand-e-maryam (Pers.).
درختی است کوچک که در آسیای مرکزی و اروپا یافت می‌شود. میوه‌های خشک شده و دانه‌های این گیاه هر دو مصرف دارویی دارند و در بازارها یافت می‌شوند. میوه‌ها شفت، قهوه‌ای و بیضی شکل، حدوداً ۹ در ۶ میلی متر بوده و پوست نازک چین خورده و هسته دارند. هسته به رنگ قهوه‌ای روشن، تخم مرغی شکل، ۶ در ۴ میلیمتر با طعم بادام تلخ است. پزشکان عرب از این داروهای گیاهی برای تقویت معده و درمان ضعف عمومی بدن استفاده می‌کنند.

Pterocarpus santalinus L. (Leguminosae)

صندل سرخ

Sandal-i-surkh, Rātiyanah (Teh.); Lal-chandan (Jind.); Ratanjali (Guz.).
چوب این درخت به زبان سانسکریت راکتاچاندانا (Rakta chandana) نامیده می‌شود. بومی منطقه جنوب هند محسوب می‌شود و به خاطر بازده مالی زیادی که دارند، قطع این درختان تحت کنترل دولت است. هندوها و مسلمانان هند از این چوب به همراه چوب صندل سفید برای شستشوی بدن و مراسم مذهبی استفاده می‌کنند. استفاده از پودر صندل سرخ برای درمان اسهال خونی باید تحت نظر پزشک و تجویز مستقیم او صورت گیرد. در تهران به این دارو راطیانه (Rātiyanah) گفته می‌شود و برای درمان اسهال خونی و به صورت ورقه‌های چوبی استفاده دارد. صندل سرخ در اروپا کاملاً شناخته شده و به عنوان یکی از ترکیبات تولید پولیش فرانسوی (نوعی جلا یا لاک الکل که در صنعت چوب همچنین ساختن ساز استفاده می‌شود م) مصرف دارد.

Punica Granatum L.

گلنار فارسی

Gulnār-i-farsī, Gul-i-anār (Teh.); Nar (turk.); Gul nare-farci (Schl.); Flores Punicae granati (Ph. Pers.).

ریشه انار

Rīshah-i-anār (Teh.); Granati Cortex (Ph. Pers.).
انار درختی است کوچک با گل‌های زیبا و قرمز رنگ که در کشورهای نیمه گرمسیری رشد می‌کند. گل، پوست میوه، پوست خشک ساقه و ریشه این درخت مصرف دارویی دارند. گل انار برای تقویت معده استفاده می‌شود. پوست میوه که قابض است به عنوان رنگ و همچنین برای درمان اسهال استفاده می‌کنند. پوست ریشه این درخت خاصیت ضدانگل دارد و برای دفع کرم کدو استفاده می‌شود. آلکالوئید پلتیرین (pelletierine) ماده موثر این خاصیت است. گل انار به همراه (Nummulites sp.) و (Rhus coriaria L.) بصورت پودر درآمده برای

درمان لثه‌های درناک تجویر می‌شود. ایم حارمال (Imm-harmal) گونه‌ای از انار با میوه‌های کوچک، سیاه رنگ است و فقط مصرف دارویی دارد.

***Pyrethrum* sp. (?) (Compositae)**
Katek bah (?) (Teh.).

این دارو تشکیل شده از ریشه‌های درهم پیچیده همراه با برگهای کوچکی که بر روی پیاز این گیاه جوانه زده اند. ریشه به عنوان یکی از انواع خانواده گل مرکبان تشخیص داده شد و برگها نشان داد که این گیاه از جنس (*Pyrethrum*) است. این دارو برچسب سمی داشته و برای درمان بیماریهای چشم استفاده می‌شود.

***Pyrus Cydonia* L. (Rosaceae)**

تخم بهدانه

Tukhm-i-bihdānah (Teh.); Bibi (Bal.).

درخت به بطور بومی در آسیای مرکزی رشد می‌کند و برای میوه آن در بسیاری از کشورها معتدل کشت می‌شود. به دانه در ایران مصرف همچنین صادر می‌شود. دانه‌ها تخم مرغی شکل، زاویه دار بوده که با لعابی به یکدیگر چسبیده‌اند. رنگ پوسته آن‌ها قهوه‌ای تیره و مغز آن سفید مایل به زرد است که طعم و عطر بادام تلخ دارد. این دانه‌ها را بو داده و با نمک مخلوط می‌کنند که به آن حب سفرجال (*Hab safarjal*) گویند. دانه‌ها حاوی مقدار زیادی موسیلاژ هستند و این دانه‌ها را نه تنها به عنوان ماده غذایی مغذی بلکه دم کرده آن‌ها برای درمان سرفه و اسهال مفید هستند.

***Quercus infectoria* Olivier (Fagaceae)**

مازو

Māzū (Isf.); Affaz (Teh.); Ajees-aafs (Ar.); Maiphala (Hind.).

این گال‌ها در نتیجه رشد غیرطبیعی بافت شاخه‌های نازک درختان بلوط ناشی از تخم گذاری حشره (*Cynips gallae-tinctoriae* Olivier) بوجود می‌آید. گال بلوط در بخش آسیایی ترکیه مثل منطقه آلهو (*Aleppo*) جمع آوری شده و بصورت تجاری تحت نام آلهو، (*Smyrna*) و یا گال ترکی فروخته می‌شود. شکل تقریباً کروی دارند و قطر آن‌ها بین ۱۲ تا ۲۰ سانتی متر است. سبز مایل به آبی رنگ پوسته خارجی آن‌ها ست و در داخل زرد رنگ هستند همچنین سنگین و سفت می‌باشند. گال‌ها حاوی ۵۰ تا ۷۰ درصد اسید گلوتانیک (*gallotannic*) هستند که در نتیجه به عنوان یک داروی قابض بر روی زخمهای بدن برای جلوگیری از خونریزی تجویر می‌شوند. استفاده

دیگر این گالها در صنعت رنگرزی و دباغی است. در کردستان از آنها به نخ کشیده به عنوان مهره و آویز در گهوآره بچه‌ها برای دفع چشم بد استفاده می‌کنند.

***Quercus lusitanica* Lam. var. *Tauricola* (Fagaceae)
Talkak (?) (Iraq)**

این گالها توسط حشره‌ای به نام (*Cynips insanae* mayr.) بر روی بلوط و همچنین بر روی گونه دیگر بلوط به نام (*Quercus infectoria*) ایجاد می‌شوند. این گالها بسیار بزرگتر از (Aleppo galls) هستند. رنگ آنها قهوه‌ای تیره، تخم مرغی یا (subspherical) بوده و اندازه آنها حدود ۴ در ۳/۵ سانتی متر است. بسیار قابض و غنی از اسیدتانیک هستند.

***Quercus persica* Jaub. & Spach (Fagaceae)
بلوط**

Balūt (Teh.); Glans Quercus Ballota (Ph. Pers.). یکی از شایعترین گونه‌های بلوط است که در سراسر جنگل‌های کردستان و منطقه رواندیز (Rowandiz) به فراوانی یافت می‌شود. میوه این درخت کشیده، ۳/۵ در ۱/۷ سانتیمتر، به رنگ قهوه‌ای روشن، صاف، درخشان بوده و یک دانه را در بر می‌گیرند. دانه‌های این بلوط حاوی تانین است که به آن خاصیت قابض می‌دهد و برای جلوگیری از خونریزی تجویز می‌شود. همچنین برای درمان دل درد کودکان تجویز می‌شود و همچنین به عنوان یک شستشودهنده گلو بصورت غرغره استفاده می‌شود. در کردستان گاهی این تخمها بطور خام خورده می‌شود ولی در بیشتر موارد این دانه‌ها بوداده شده سپس بصورت آرد درآورده می‌شوند و در ساخت کیک از آنها استفاده می‌شود.

***Quercus* sp. (Fagaceae)
Giash mashi (Ham.); Kisa, kesa.**

این گالها توسط حشره (*Andricus lucidus* Hartig Var. *orientalis* Trotter) بر روی بلوط ایجاد می‌شود. این حشره (cynipid) بر روی انواع گوناگون بلوط ایجاد گال می‌کند. نمونه‌هایی که در بازار خریداری شده از آسیای صغیر وارد ایران شده. معمولاً کشیده بوده که در به منظور تجاری شکسته می‌شوند. معمولاً توسط دباغ‌ها مصرف شده یا به عنوان قابض استفاده می‌شوند. همچنین بصورت محلی به عنوان تب بر مصرف می‌شوند.

***Quercus Vallonea* Kotschy (Fagaceae)
کوزی علفی**

Gueze elefi, pune (Teh.);

این ماده که به عنوان شکر در تولید شیرینی جات استفاده می شود شیرین مزه و سبز رنگ است. در حقیقت نوعی از ترنجبین یا گز انگبین است. این ماده در کتاب (Early Advantures in persial) که توسط لایارد Layard نوشته شده در صفحه ۳۴۹ چنین گفته: مناطق کوهستانی این فلات بطور انبوه توسط درخت بلوط پوشیده شده اند. این درختان بسیار ارزشمند هستند علی الخصوص به خاطر ماده سفیدرنگی که توسط بختاریان به نام گز یا گزو شناخته می شود و نوعی مان است. این ماده به تمام نقاط ایران صادر شده و در همه بازارها موجود و بفروش می رسد. از آن برای ساخت نوعی شیرینی به نام (گز انگبین) استفاده می کنند که بسیار محبوب و خوشمزه است. وقتی آنرا به همراه برگها می جوشانند سپس می گذارند تا سرد شود بصورت کیک مایل سبزی درمی آید که نه تنها بدمزه نیست بلکه برای خانمهای اندرونی و مهمانان سرو می شود. در هنگام درست کردن کف آن به دقت جدا شده تا شیری رنگ و خوش طعم شود.

مان بلوط یا گز علفی که توسط اشلیمر توضیح داده شده از برگ و میوه گونه های (*Q. mannifera* Lindl.) در کردستان و (*Q. tauricola* Klotszsch.) و (*Q. persica* Jaub. & Spach) حاصل می شود. ساکاروز، گلوکز، فروکتوز و موسیلاژ از تراوشات گیاهی جدا شده ولی هیچ منیته (Mannite) تشخیص داده نشد.

***Quisqualis indica* L. (Combretaceae)**

Rangan-ki-bel (Hind.) Linæ vermifuge (Fr.).

گیاهی است خرنده که در اکثر نقاط هند به عنوان گیاهی زینتی کاشته می شود. میوه های بیضی یا مستطیلی که در هر دو انتها لکه ای دارند و به طور مشخصی پنج ضلعی هستند. فرابر میوه نازک، چوبی و شکننده بوده و ماهیگونی رنگ است که یک دانه روغنی را در خود دارد. استفاده پزشکی از این گیاه از جزایر مدیس (Mauritius) و مولاکاس (Moluccas) آغاز شده. دانه ها خاصیت ضد انگل و کرم دارند. تعداد چهار یا پنج دانه ساییده شده با عسل مخلوط می شوند و به عنوان یک دوز دارو برای دفع (lumbrici) استفاده می شود.

***Raphanus sativus* L. (Cruciferae)**

تربچه

Tukhm-i-turubchah (Teh.); Turb (Pers.); Baze-el-fujl (Ar.); Tur (Kurd.); (Mula, Muro (Hind.).

تربچه گیاهی است شناخته شده و به عنوان یک سبزی در سراسر ایران کشت می شود. بذرهای آن که در بازار بفروش می رسد که حدود ۳ تا ۴ در ۲ میلی متر اندازه دارد و به رنگ قهوه ای روشن مایل به قرمز است با پوسته ظریف. طعم و مزه تند و شبیه خردل دارند. دانه ها ادرار آور، ملین و خاصیت از بین بردن سنگ کلیه را دارند.

***Rheum palmatum* L. (Polygonaceae)**

ریوند چینی

Rīvand-i-chinī (Isf., Teh.);

در بازار ایران قطعات ریوند چینی بفروش می رسد که در پزشکی کاربرد دارد. خواصی به عنوان یک ملین، اشتها آور، تقویت کننده داشته و کمی قابض است. همچنین دارویی برای بهبود عملکرد کبد است. در تهران، آنرا بصورت خمیری روی زخم های سفلیس تجویز می کنند.

***Rheum Ribes* L. (Polygonaceae)**

گل لیواس

Gul-i-livās, Tukhm-i-livās (Ham., Teh.); Livās (Pers., Ar.) Riwas (Punj.).

Barg-i-livās (Isf.).

لیواس (ریواس م) خوراکی بطور طبیعی، در مناطق مرطوب و اراضی با ارتفاع بیش از ۳۰۰۰ پا بالاتر از سطح دریا رشد می کند. این گیاه بطور گسترده بر روی تپه های مرتفع منطقه شمال خراسان یافت می شود و در پاییز این تپه ها به علت وجود برگ این گیاه رنگ درخشان قرمز مایل به زرد در آمده و چنین منظره ای یکی از مشخصه های این مناطق شماره می شود. ریشه و میوه لیواس وحشی جمع آوری شده در پزشکی استفاده می شود. میوه لیواس به عنوان یک دارو در کتاب (Pharmacopoeia Persica) نام برده شده. در تهران این میوه ها را به عنوان یک داروی ضد کرم برای اسب ها استفاده می کنند و در همدان از آن ها نوعی ضماد برای درمان سردرد ساخته می شود. برگ های لیواس در اصفهان در آب مخلوط می شود و به عنوان دارویی برای درمان سوزاک از آن استفاده می کنند.

***Rhodymenia* sp. (Florideae, Rhodymeniaceae)**

لیقا

Lyka, Leeka (Iraq); Chinai-ghasa

جلبکی است که در شمال ایران یافت می شود و به رنگ قهوه ای روشن و ژلاتینی است. محلول جوشانده آن به عنوان دارویی برای درمان سرفه استفاده می شود. به عنوان جایگزینی برای آگار-آگار (emulcent)، ملین و مقوی بوده و احتمالا می تواند برای تولید محیط کشت باکتری استفاده شود.

***Rhus coriaria* L. (Anacardiaceae)**

سماق

Summāq, Summāq-i-shakki bī hastah (Teh.); Tirsh (Kurd.); Tartak (Hind.).
درختی است که در خراسان، غرب افغانستان و در سراسر آسیای مرکزی کشت می‌شود. برگهای این درخت برای مدت طولانی است که توسط اعراب، ترکها و ایرانیان همچنین در اروپا برای رنگ آمیزی ابریشم و دباغی چرم استفاده می‌شوند. این برگ‌ها حاوی ۱۵ تا ۳۵ درصد تانن هستند.

میوه سماق از ایران صادر شده و در میان مسلمانان هند بسیار محبوب است. این میوه‌ها بصورت شفقی کوچک، چسبنده، به اندازه یک عدس حدود ۵ میلی متر هستند. رنگ آن قرمز یا سبز بوده است و مزه ترش و گسی دارد که شامل یک بذر قهوه‌ای براق عدسی شکل است.

مخلوط سماق با (*Punica Grantum* L.) به عنوان دارویی برای درمان لته‌های دردناک استفاده می‌شود. ضمناً از این میوه‌ها برای طعم دادن به غذا نیز استفاده می‌شود.

***Ricinus communis* L. (Euphorbiaceae)**

گرچک فرنگی

Garchak farangī (Teh.); Karchak (Ham.); Tuchme Kertchec (Schl.); Kurwa (Ar., Iraq).

گیاه کرچک بطور بومی هند بوده اما در حال حاضر می‌توان این گیاه را در کشورهای گرمسیری و نیمه گرمسیری نیز مشاهده کرد. در ایران و عراق این گیاه را به عنوان بادشکن برای محصولات مانند پنبه و یا سایر محصولات تابستانی کشت کرده و یا در باغها به عنوان گیاهی تزئینی دیده می‌کارند.

ارتفاع این گیاه ممکن است به ۱۰ متر برسد و بشکل یک درخت کامل چندساله درآید ولی در محیط سرد بشکل بوته یا گیاهی یکساله دیده می‌شود. باتوجه به تنوع زیاد این گیاه اشکال متفاوتی از تخم این گیاه در اندازه‌های کوچک و بزرگ وجود دارد. چهارنمونه‌ای که از عراق جمع آوری شد شامل: دانه ابهنگی (Abhangi Seeds) که اندازه آن ۱۵ در ۹ میلی متر است. دانه معمولی (Ordinary) ۱۳ در ۱۰ میلی متر، دانه ریشه قرمز هندی (Indian red- stemmed) که ۱۱ در ۸ میلی متر اندازه دارد و نهایتاً بلدی سوری (Syrian Baladi) که اندازه آن ۱۳ در ۱۱ میلی متر است.

مهمترین بخش دانه کرچک، روغن آن است که ۵۰٪ از حجم هر دانه را اشغال می‌کند. روغن کرچک به عنوان یک روان کننده استفاده می‌شود. همچنین از این روغن به عنوان منبع سوخت برای تولید نور و همچنین به عنوان یک ملین بی خطر استفاده می‌کنند. تفاله حاصل از روغن کشتی بذور حاوی تمامی مواد خطرناک و سمی بدهاست

بنابراین نمی‌توان آن را به عنوان غذای دام استفاده نمود ولی به عنوان سوخت و کود خیلی خوب می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد.

***Roccella Montagnei* Bél. (Ascolichenes, Roccellaceae)**

دواله

Davālah (Ham.).

این دارو بگفته اچاندو (Achundow) از گونه (*Musculus arbofeus*) گرفته شده که در ایران تحت نام دوالک (Dawalak) و کرباسو (Karbasu) و اعراب آنرا با نام آشنا (*Aschna* از جنس *Usnea* sp.) می‌شناسند. نام فارسی دواله در حقیقت برای نامیدن چندین گونه از گلشنک استفاده می‌شود لذا دیموک (*Dymock*) گونه (*Parmelia kamtschadalis* Esch.) را منشاء این دارو ذکر کرده که در بازارهای هند به فروش می‌رسد. در عراق این دارو تحت نام لیحیاط از شیب (*Lihayat as-shayib*) خریداری شد. برخی از این گلشنکها جهت رنگرزی استفاده می‌شوند. این گلشنک‌های خاکستری که به قطعات کوچک شکسته شده اند خاصیت نرم کنندگی داشته و در موقع استحمام از آنها استفاده می‌شود همچنین به عنوان کرم نیز قابل استفاده است.

***Rosa damascena* Mill. (Rosaceae)**

گل سرخ

Gul-i-surkh (Teh.); Ward (Ar.).

گل سرخ دمشق‌ی بطور وسیعی در غرب آسیا کشت می‌شود. از این گونه گل سرخ در ترکیه، بلغارستان و جنوب فرانسه برای تهیه عطر استفاده شده و گلاب نیز از همین گونه بدست می‌آید. گلبرگهای این گیاه کمی قابض بوده لذا به عنوان داروئی خوشگوار یا برای رنگشان استفاده می‌شوند. «گل انجبین» نوعی شیرینی است که از مخلوط گلبرگ این گل با عسل بدست می‌آید و در بازارهای شرق فروخته می‌شود. «گل خند» ماده خوراکی دیگری است که از مخلوط برابر این گل برگ‌ها و شکر سفید که کاملاً با یکدیگر کوبیده و مخلوط شده اند، تهیه می‌شود. همچنین گل برگ‌ها را به ادویه کاری اضافه می‌کنند.

***Rosa foetida* Herm. (Rosaceae)**

گل زرد

Gul-i-zard (Teh.); Gule zarde (Schl.).

رز زرد پارسی بوته‌ایست که در باغها کشت شده و در حقیقت گونه وحشی گل زرد اتریشی (Yellow Austrian barlar) است که از طریق ایران در ترکستان، افغانستان و پنجاب و از آنجا تا شرق تبت گسترش یافته.

آتچیسون این گیاه را «گل رامن زیبا» (Gul-i-raman-zeba) به معنی گل دلپذیر از منطقه دره حریرود گزارش کرده است. گلبرگ خشک شده این گل از ایران به هند صادر می شود و به عنوان مسهل یا درمانی برای نفخ تجویز می شود.

***Rosa hemisphaerica* Herm. (Rosaceae)**

دماوره

Damavarah (Ham.); Dalik, Ward (Ar.).

این گل رز در ایران و افغانستان رشد می کند و به گفته پست (Post) بطور وسیعی در سوریه کشت می شود. نهنج گل رز که بشکل کروی و اندازه ۱۰ در ۷ میلی متر تا ۸ در ۱۳ میلی متر است به عنوان دارو استفاده می شود. این نهنج یا کاسه گل بصورت چروکیده و قرمز بوده و حالت تاج دار ناشی از بقایای کاسبرگ ها را همراه خود دارد. داخل آن چند بذر به رنگ قهوه ای روشن، صاف و سخت به طول حدود ۴ میلیمتر قرار دارد که در بین کرک های ابریشم ماندی قرار گرفته اند. این دارو گرم و خشک بوده و بصورت محلی برای درمان مشکلات معده استفاده می شود.

***Rubia Cordifolia* L. and *R. tinctorium* L. (Rubiaceae)**

روناس

Rūnās, Rūniyās (Teh., Isf.); Rounace (Schl.); Fuwwah (Ar.); Manjit (Hind.).

گیاه روناس در مناطق تپه ای که گسترده وسیعی از ایران تا اسپانیا را شامل می شود رشد می کند. بگفته آتچیسون، این گیاه در سراسر شرق ایران کشت می شود و سه سال طول می کشد که ریشه آن به اندازه مناسب برسد. این گیاه بطور گسترده در مناطق اناردره، کوبین و یزد کشت شده و ریشه آن از این مناطق به هرات صادر می شود. از هرات این محصول مجدداً به افغانستان، ترکستان و هند صادر می شود. در سراسر شرق این ریشه ها هم مصرف پزشکی داشته و هم به عنوان یک ماده رنگی در رنگرزی استفاده می شوند. ریشه ها به دو شکل بفروش می رسد. ۱- بصورت استوانه ای قرمز رنگ که طول آن ها ۳ تا ۵ سانتی متر است ۲- بصورت خرد شده و بشکل تویی درآمده که آماده برای رنگرزی هستند.

***Rumex conglomeratus* L. and *R. obtusifolius* L. (Polygonaceae)**

تخم حماز

Tukhm-i-hummā (Teh., Ham.).

اولین گونه ها از این گیاه نسبتاً فراوان در زمان باستان استفاده می شده و ریشه آن که خاصیت داروئی داشته تحت نام (Radix Lapathi) شناخته می شده است. اما در ایران و هند بیشتر از میوه این گیاه و گونه های دیگر آن در

پزشکی استفاده می کنند. نمونه هایی که از تهران جمع آوری شد از گونه *(R. obtusifolius)* بود که دارای سه بال هستند، (netveined،) با دن دانه های نامنظم و به رنگ قرمز و سبز دیده می شدند. محلول این دانه ها در آب به عنوان درمان اسهال خونی تجویز می شود.

نمونه هایی که از همدان بدست آمد از گونه *(R. conglomeratus)* بودند که بالهای کوتاهتری داشته، دنداندار نیز نیستند و برای درمان پیوره دندان استفاده می شوند. بگفته دیموک (Dymock) گل حماز یا (Dock flowers) از گونه *(R. vesicarius L.)* بوده و میوه آن بیشتر در هند مصرف دارد ولی گیاهش در سراسر آسیا یافت می شود.

***Ruta graveolens* L. (Rutaceae)**

سداب / سدابا

Sudāb (Teh.); Sudaba (Ar.); Satari (Hind.).

گیاهی چندساله است که در جنوب اروپا و سراسر شرق کشت می شود. ارتفاع آن حدود ۱ متر بوده با شاخ و برگ سبز مایل به زرد، گل های زرد، کپسول کوچک (Tricoccus) و دانه های سیاه. بوی عجیبی مشابه بوی نعناع داشته و طعم تلخ و تندی دارند. در بازار این دارو بصورت مخلوطی از ساقه، شاخه ها، برگها و میوه خرد شده این گیاه می باشد. سداب در دوزهای پائین خاصیت تقویت کنندگی، تسهیل هضم غذا و همچنین تقویت قوای جنسی دارد. در زمانی که تازه است بسیار محرک محسوب می شود. سداب یک روغن فرار زرد رنگ که حاوی گلوکوزید (rutin) است دارد. مخلوط آن با ماست جهت درمان خارش تجویز می شود.

***Saccharum officinarum* L. (Gramineae)**

شکر سرخ

Shakar-i-surkh (Teh.).

این نمونه از شکر خام یا گور (Gur) در حقیقت توده ای نرم ساخارین دار است که رنگ قرمز داشته و کاملاً محلول در آب هستند. گودا (Guda) که قهوه ای تیره و تصفیه نشده است و توسط هندیان استفاده می شود در ایران باستان شناخته شده بوده همچنین شکر که نوع خشک و کریستالی شده آن است.

۵ نوع شکر به منطقه له (Leh) (منطقه ای واقع در جامو و کشمیر م) وارد می شود که شامل تاوی مصری به صورت تخته های صاف، کوسا مصری به صورت قرص های سنگین، خند به شکل بلورهای نرم و قهوه ای، گور به شکل شکر دانه درشت و بلاخره شاهی یا کاشی به شکل نبات. نام محلی مصری شکر تصفیه شده و نام چینی نبات نشان دهنده منشاء ایران و هندی این مواد است.

Salix Fragilis L. (Salicaceae)

بیدخت

Bīd-khisht (Teh.); Bid-anjubin (Afg.); Bide Knecht (Achundow).

ترشحات گونه از بید می‌باشد که حاوی شکر بوده و در طب قدیم شرقی به آن اشاره شده است. این دارو بشکل قرص‌های کوچک سفید چرک دیده می‌شود و طعم آن مشابه ترنجبین اروپایی که از گیاه (*Fraxinus Oruns*) L. بدست می‌آید است. این دارو برای تبخال یا برفک استفاده می‌شود.

Salvia Hydrangea DC. (Labiatae)

Gul-i-arbore (?) (Teh.); Issikuttuz (Turk.); Sarsand (Bal.).

گیاه گلدار خوش منظری در منطقه ایران، بلوچستان و افغانستان است. دارو متشکل شده از گل‌های بنفش این گیاه با براکته‌های سبز رگه دار و بذره‌های کوچک، گرد و قهوه‌ای. دیموک جنس (*Teucrium*) را منشاء احتمالی این دارو در جده ذکر کرده. سرشاخه‌های گلدار جنس (*calyces Teucrium*) های ارغوانی بزرگ با عطری بالزامی و گلگون دارند. (*mucilaginous calyces*) گونه (*Hymenocrater elegans Br.*) در ایران تحت نام گل سروج استفاده دارویی دارد. در تبریز گل آذین خشک شده گیاه (*S. Hydrangea*) برای درست کردن نوعی دمنوش دارویی استفاده می‌شوند. در تهران این دارو برای جلوگیری از خونروش زیاد در دوران قاعدگی استفاده می‌شود.

Salvia macrosiphon Boiss. (Labiatae)

تخم مرو

Tukhm-i-marv, Tukhm-i-anjurah (Teh.); Kannocha, Marv (Isf.)

آتچیسون، اشلیمر و دیموک، هر سه به گونه‌هایی از این گیاه (*sage*) اشاره کرده اند که در پزشکی تحت نام کنوچا (*Kanocha*) شناخته می‌شود. استاف (*Stapf*) نشان داد که این گونه‌ها که به نام مارو (*Marv*) شناخته می‌شوند همگی یکسان بوده و به گونه ذکر شده از جنس (*Salvia*) تعلق دارند گیاهی که در افغانستان و ایران دیده می‌شود. دانه‌های آن قهوه‌ای روشن یا سبز با حالت بیضوی بوده و حدود ۳ میلی متر طول دارند. سطح آن‌ها براق است و حالت موج دارند. این بذرها زمانی که در آب قرار می‌گیرند لعاب دار شده و از آن‌ها برای درمان ضعف عمومی استفاده می‌کنند. همچنین این دارو برای کاهش اختلالات تپش قلب در زمان بارداری و یا کاهش تورم اعضای داخلی پس از تولد نوزاد برای خانمها تجویز می‌شود.

بذره‌های گیاه (*S. aegyprica L.*) که در بلوچستان به نام مور (*Maur*) شناخته می‌شود برای درمان بیماریهای چشم استفاده می‌گردد.

Salvia sp. (Labiatae)

خردل شهری / تخم خردل

Khardal-i-shahrī, Tukhm-i-khardal (Teh., Ham.).

تخم خردل نامی است که بذر گیاه خردل همچنین بذر گونه (*Salvadora persica*) تعلق دارد. با این حال دو گونه بذری که تحت این نام از ایران فراهم شد از گونه (*Salvia*) بودند. این بذرها، گرد، حدود ۱ میلی متر قهوه‌ای مایل به خاکستری با فرو رفتگی ناچیز هستند و زمانی که آن‌ها را در آب بخیسانیم لعاب شفافی اطراف آن‌ها را می‌پوشاند. این بذرها را با داروهای تلخ مزه تجویز می‌کنند.

Santalum album L. (Santalaceae)

سندل سفید

Sandal-i-safid (Teh.).

قطعات چوب معطر و سفید صندل که از هند تهیه می‌شود. ماده مهم این چوب، روغن فرار آن است که ۲ تا ۵ درصد آن را شامل می‌شود. این روغن حاوی ۹۰ درصد الکل سانتالول (Santalol) می‌باشد. روغن چوب صندل در عطرسازی و همچنین در پزشکی به عنوان محرک و برای ضد عفونی کردن دستگاه تناسلی و مجرای ادراری استفاده می‌شود.

Saussurea Lappa C.B. Clarke (Compositae)

قستلخ

Qust-i-talkh, Butīnak (Teh.); Patchak (Beng.); Kutha Kushta patchuk (Hind.);
Costum amarum (Ph. Pers.).

این دارو بشکل ریشه‌های نرم، معطر و سفید رنگی هستند که به عنوان یک محصول انحصاری در کشمیر تولید شده و از آنجا به ایران، هند و چین صادر می‌شود. این داروی باستانی ارزشمند را تحت نام کوستوس عربی (Arabian costus) می‌شناسند و توسط اعراب به ترکیه و اروپا نیز شناسانده شد. ریشه‌ها بشکل استوانه‌ای یا پیچ خورده هستند و رنگ روشن دارند همچنین عطری مطبوع و طعم تلخ و گزنده دارند که تا مدتی در دهان باقی می‌ماند. نمونه دوم از این دارو که از همدان تهیه شده بود ریشه‌ای باریک و مارپیچی با رنگ روشن بود. چوب خوت (Chob-i-kut) نام گیاهی است که گونه قلبی این دارو در افغانستان از آن تهیه می‌شود. مواد مختلفی از این ریشه‌ها جدا شده که برخی از آن‌ها باعث تولید بوی این ریشه‌ها هستند مانند کاستولاکتون ایزومریک با *costol*، *dehydrocostus lactone*، *alantolactone* و *Costus acid*.

این ریشه‌ها به صورت مصرف داخلی و خارجی برای مشکلات مختلفی تجویز می‌شوند و بصورت محلی برای درمان مارگزیدگی و گزش سایر جانوران استفاده می‌شوند.

***Semecarpus Anacardium* L. (Anacardiaceae)**

بلادر

Balādur (Teh., Isf.); Bhela, Bhilava (Hind.).

درختی است که در بخشهای گرم هند، سیلان و برمه رشد می‌کند. میوه این گیاه سیاه رنگ و بشکل قلب است و درون آن‌ها نیز سیاه، صمغی، چسبنده و گس بوده که این عصاره برای تولید جوهر استفاد می‌شود. زمانیکه این عصاره با پوست بدن تماس پیدا کند باعث ایجاد تورم و حالت سوزش شدید می‌شود. در مقادیر بسیار کم برای کاهش درد رماتیسم و یا برای بیماران مبتلا به جذام تجویز می‌شود. همچنین مانند چای دم می‌شود که برای از بین بردن نفخ و بواسیر شدید کاربرد دارد.

***Sesamum indicum* L. (Pedaliaceae)**

کنجد

Simsim (Iraq); Kunjad (Kurd.); Kundij (Turk.); Til, Jinjili, Gingelly (Hind.).

کنجد به عنوان یک محصول تابستانی بطور وسیعی کشت می‌شود. دانه این گیاه سفید، قهوه‌ای یا سیاه بوده که برای آراستن کیک و شیرینیها استفاده می‌شود همچنین در زمان قحطی به عنوان غذا توسط فقرا خورد می‌شود. این دانه‌ها حاوی ۵۰ درصد روغن هستند که جانشین بسیار مناسبی برای روغن زیتون یا سایر روغن‌های سالاد می‌باشند. تفاله دانه‌ها به عنوان غذای دام استفاده می‌شود. همچنین روغن کنجد به عنوان ماده‌ای اساسی در بسیاری از عطرها و داروهای گیاهی است.

در بغداد دانه‌های کنجد را می‌خیسانند و سپس بو داده از آن به عنوان یک نرم کننده استفاده می‌کنند که به آن راشی (Rashi) می‌گویند این ماده در بین اعراب به (Rahishi) و ایرانیان به آن ارواح کنجد گویند.

***Sesbania aculeate* poir. (Leguminosae)**

سبانیه

Sesbaniyah (Iraq); Saisaban (Egy.); Rasin (Hind.); Akar, Majandri (Bal.); Jayanti (Beng.).

این گیاه که به عراق وارد شده به عنوان یک بادشکن استفاده می‌شود. دانه‌های آن را می‌توان در بازارهای کشورهای مختلف از ایران تا هند یافت. این دانه‌ها قهوه‌ای مایل به خاکستری، کشیده، ۲ در ۴ میلی متر، صاف، سخت و تلخ مزه هستند. در خرافات هندی عقیده بر این است که دیدن بذر این گیاه باعث از بین رفتن درد عقرب گزیدگی

می‌شود. در پزشکی به دلیل قابض بودن این بذرها از آن‌ها استفاده می‌شود. همچنین بصورت درمان محلی بذرها را کوبیده، بصورت خمیر درمی‌آورند و برای درمان جوشهای پوستی استفاده می‌کنند.

***Sisymbrium Sophia* L. (Cruciferae)**

خاکشیر

Khākshīr, Khākshīr-i-shīrīn (Teh.); Towdri, Khub-kalan, Khaksi (Hind.).
از لحاظ شکل، اندازه و رنگ این دانه‌ها مشابه تخم خاکشیر تلخ (*Erysimum* sp.) هستند با این تفاوت که آن‌ها کدر بوده و مانند خاکشیر تلخ براق نیستند. بذر گونه‌های مختلفی از گیاهان این خانواده وجود دارد که به رنگ قهوه‌ای روشن، قرمز و سیاه دیده می‌شوند و در هند به نام (Towdri) شناخته می‌شوند. بذر گیاه (*Lepidium Iberis* L.) که به نام کاسیس (Kasis) در ایران شناخته می‌شود یکی از آن‌هاست و یا بذر (*Matthiola incana* R.Br.) که در پنجاب یافت می‌شود نوع دیگری است.

بذرها کوچک، قهوه‌ای مایل به زرد حدود ۱ میلی متر که در آب لعاب‌دار می‌شود. این دارو خواص تقویت کننده قوای جنسی و تصفیه کننده خون را دارا بوده چاق کننده نیز می‌باشد. با مقداری شکر و آب سرد به عنوان درمان حالت تهوع استفاده می‌شود و یا به همراه آب داغ برای درمان درد معده کاربرد دارد. گفته می‌شود کاملاً بی ضرر است حتی برای کودکان.

***Smilax china* L. and *S. glabra* Roxb. (Liliaceae)**

چوب چینی

Chūb Chīnī (Ind. Bazaars); Tu fu ling (Chin.); Raiz de China (Port.).
این ریشه‌ها زمانی داروی بسیار مشهوری برای درمان سفلیس بود و برای اولین بار توسط ملوانانی که از کلمبوس به اروپا باز می‌گشتند معرفی شد. همچنین ملوانان واسکادوگاما این دارو را به هند وارد کردند. این دارو در کتاب‌های هندی قرن ۱۶ میلادی نام برده شده. گارسیا دو اورتا (Garcia do Orta) حضور این دارو را در چین پیگیری کرد و نشان داد که در سال ۱۵۳۵ از این دارو در چین استفاده می‌شده. پس از مدت کوتاهی این دارو توسط پرتغالی‌ها وارد ایران شده است. در سال ۱۹۱۱ میلادی توسط رابرت (Robert) در ریشه این گیاه ساپونین یافت شده ولی خواص درمانی آن کاملاً شناخته شده نیست.

***Solanum nigrum* L. (Solanaceae)**

تاجریزی

Tāj-i-rīzī (Teh.); Inab-ath-thalab, Inab-ed-dib (Ar.); Karezgi (Bal.).

این نوع تاجریزی در ایران فراوان بوده و برگهای آن به عنوان اسفناج خورده می شوند. همچنین میوه کوچک سیاه رنگ با دانه های زرد آن در پزشکی مصرف دارد. میوه های این گیاه توسط مردم روستایی خورده می شود و همچنین زنان طبقه فقیر (Bote) از آن ها به عنوان ماده آرایشی استفاده می کنند. آن ها بذر تازه این گیاه را بر روی گونه های شان می گذارند تا باعث از بین رفتن کک و مک ها و بهبود ظاهرشان شود.

میوه این تاجریزی با گل گیاه (*Nymphaea alba* L.)، عناب، سپستان و شکر مخلوط شده و بصورت چایی دم می شود که برای نرم کردن مدفوع قبل از دادن ملین، به خصوص در تب حصبه کاربرد دارد. میوه گونه دیگر تاجریزی (*S. Dulcamara* L.) را که تحت نام «سگ انگور» می شناسند، در شمار داروهای صادره به هند می باشد و از آن به عنوان ملین و درمان بزرگ شدن مزمن کبد استفاده می کنند.

***Solanum xanthocarpum* Schrnd. & Wendl. And *S. Melongena* L. (Solanaceae)**

تخم بادمجان

Tukhm-i-bādanjān (Teh.).

این گیاه در هند یافت می شود. ساقه و برگ این گیاه دارای خارهای بسیار محکمی است. گل آذین آن خوشه ای و میوه های آن کروی، صاف که راه راه سبز و زرد در سطح آن دیده می شود. دانه ها کلیوی شکل حدود ۲ میلی متر تقریباً تخت و به رنگ قهوه ای روشن هستند. این دانه ها خلط آور بوده و برای درمان آسم و زکام استفاده می شوند.

***Sorghum vulgare* pers. And *Andropogon Sorghum* Brot. (Gramineae)**

دهوره

Dhurah, Idhrah baidha (Ar.) Dari, Gowar (Hind.); Baryadh dari (Turk.); Zuratspi (Kurd.).

دهوره (از گونه ای از این گیاه در ایران برای ساخت جارو استفاده می شود م) بطور وسیعی به عنوان یک محصول غله ای تابستانه که احتیاج به آبیاری دارد بخصوص در مناطق رودخانه ای بین بصره و موصل کشت می شود. در طی چند سال گذشته میزان صادرات سالانه دانه این محصول از عراق بین ۳۰ تا ۵۰ هزار تن برآورده شده. این دانه ها مصرف خوراکی دارند.

***Spinacia oleoracea* L. (Chenopodiaceae)**

تخم اسپناج

Tukhm-i-ispanāj (Teh.); Ispinākh (Iraq). Sag Palak (Hind.).

اسفناج گیاهی است که در ایران و عراق به وفور در منازل کشت می شود و برگ های بزرگ و گوشتی این گیاه به عنوان سبزی خوردن استفاده می شود. برگ های این گیاه گاهی اوقات با برگ گیاه چغندر قند (*Beta*)

(*Vulgaris* Var.) اشتباه گرفته شده و به عنوان جایگزین اسفناج استفاده می‌شود. میوه اسفناج به شکل خوشه‌های سبز رنگ و سه وجهی بوده و هر وجه آن به دو یا چند برآمدگی ختم می‌شود. سطح آن‌ها نیز چین خورده است. این میوه‌ها که حاوی موسیلاژ و آلکالین نیترات هستند آرام بخش و مدر بوده به عنوان داروی تب‌بر و ضدالتهاب روده کاربرد دارد.

بذر گیاه (*Chenopodium capitatum* Aschers.) نیز گاهی تحت نام بذر اسفناج فروخته می‌شود.

***Stachys germanica* L. (Labiatae)** Tuklejah (?) (Ham.).

این گیاه حالت پشمکی داشته و وارته‌هایی از آن در قفقاز و اروپا یافت می‌شود. بخش دارویی این گیاه بطور عمده کاسه گل بوده که ۵ دندانه داشته و پوشیده از کرک است. گاهی باقی مانده گل و ساقه را نیز به صورت مخلوط در این دارو می‌توان یافت. این دارو برای تسکین درد و ناراحتیهای معده تجویز می‌شود.

***Stachys lavandulaefolia* vahl. (Labiatae)**

مرزنجوش

Marzanjūsh (Tab.); Mardan gusht; Sansaq (Ar.).

این گونه از گیاه استاخیس با گل‌های ارغوانی که یکی از منابع داروهای باستانی ایران است را می‌توان در آسیای صغیر، قفقاز، کردستان و البته ایران یافت. آچاندو (Achundow) گیاه (*Origanum Majorana* L.) را به‌عنوان مرزنجوش شناسایی کرده همچنین دیموک (Dymock) گیاه (*Zataria multiflora* Boiss.) که در هند یافت می‌شود و به نام محلی زاتار (*Zatar*) معروف است را تحت نام مرزنجوش معرفی نموده. به گفته گیلیات-اسمیت (Gilliat-smith) گل آذین این گیاه در تبریز بفروش می‌رسد و بصورت دمنوش برای از بین بردن اسپاسم و ناراحتیهای معده استفاده می‌شود.

***Strychnos Ignatii* Berg. (Loganiaceae)**

پاپیتال

Pāptiyāl (Teh.); Papita (Hind., Ar., Bom.).

این دانه‌ها که از فیلپین وارد می‌شود را می‌توان در بازارهای دارویی شرق مشاهده کرد. دانه‌هایی هستند تخم مرغی شکل، زاویه دار یا (bluntly)، که حدود ۳ سانت طول دارند. پوسته آلبومین دار سختی که به شدت تلخ بوده و حاوی آلکالوئیدهای استرکنین (*Strychnine*) و بروسین (*Brunine*) می‌باشند. این دانه‌ها برای درمان بیماری طاعون و سایر بیماریهای واگیردار مصرف شده همچنین برای دردهای عصبی بین دنده‌ها کاربرد دارد.

***Strychnos Nux Vomica* L. (Loganiaceae)**

کوچوله

Kuchūlah (Teh.); Fuluz mahi (Pers.); Kuchila (Hind.).

دانه‌های کوچوله بارها در کتب پارسی پزشکی باستان ذکر شده. در کتاب «مخزن الادویه» گفته شده که این دانه‌ها از زمان بسیار قدیم برای درمان فلج استفاده می‌شده. بگفته آذرکی (Azaraki) این تخمها توسط مسلمانان هندی برای درمان ضعف و ناتوانی تجویز می‌شده. این دانه‌ها از هند به ایران وارد شده و در سراسر ایران به عنوان ماده‌ای سمی شناخته می‌شود.

بگفته آتچیسون، دانه‌های این گیاه بطور آزادانه به مناطق شمال شرق ایران تحت عنوان یک داروی تقویتی با ارزش وارد می‌شود اما بطور عمده عشایر از آن به عنوان سمی برای از پای درآوردن گرگ‌ها و سگ‌ها که به دام هایشان آسیب می‌زنند استفاده می‌کنند.

***Tagetes erecta* L. (Compositae)**

گل جعفری

Gul-i-ja'farī (Teh.); Ja'fari (Iraq); Gul gaivdo (bal.); Gul-jaferi (Hind.); Rojia (Port.).

هر دو گل جعفری آفریقایی و گل همیشه بهار فرانسوی (*T. patula* L.) به خاطر گل‌های زرد و نارنجی و بوی خوششان در باغها کاشته می‌شوند. این گیاهان احتمالاً توسط پرتغالی‌ها وارد هند شده اند. گل‌ها بطور عمده در مراسم مذهبی به صورت تاج یا حلقه استفاده می‌شوند. خشک شده این گل را می‌توان در بازارهای هند و ایران یافت که آنرا به عنوان داروی تصفیه خون استفاده می‌کنند.

***Tamarindus indica* L. (Leguminosae)**

تخم تمر

Tukhm-i-tamr (Teh.); Baz-i-tamar-hindi (Ar.).

دانه‌های درخت تمر هندی به رنگ قهوه‌ای تیره، درخشان، تخت، به اشکال نامنظم، و صیقلی هستند و داخل آن دو لپه سفید عاجی رنگ وجود دارد. از این دانه‌ها که بصورت پودر شده درآمده اند ضمادی تهیه می‌شود که در تهران به عنوان درمانی برای جوش صورت استفاده می‌کنند.

***Tamarix gallica* L. var. *mannifera* Ehrenb. (Tamaricaceae)**

گز خونسار

Gaz-i-khūnsār, Gaz-alafi, Gaz-anjabin (Teh.); Gaz-i-shakar.

آتچیسون نمونه‌های این مان قندی را از منطقه بادغیس جمع آوری کرده که از این وارسته از درخت گز ترشح می‌شود و گیاهی شاخص از این گونه درخت است. تراوشات قندی که از این گیاهان خارج می‌شود فقط در جنوب شرق ایران به خصوص منطقه کرمان جمع آوری شده زیرا در این مناطق بر روی برگ‌های این گیاه گالهای کوچک حاوی قند تشکیل می‌شود. در سایر نقاط ایران گز انگبین از دیگر گونه‌های درخت گز بدست می‌آید (به توضیحات گز مازج نگاه کنید). ارنبرگ (Ehrenberg) بر این باور است که این مواد قندی می‌تواند از گونه (*Coccus manniparus*) نیز حاصل شود. نمونه‌های بدست آمده در تهران بشکل تخته‌های خشک حاصل از تبخیر رطوبت شیره اولیه و پیچیده شده در کاغذ نقره‌ای بوده و احتمالاً از مخلوط گزانگبین و شکر معمولی تهیه شده بودند.

Tamarix pentandra pall. (Tamaricaceae)

گز مازج

Guezmazedj (Teh.); Guize khounkar, Hebbel asle (Schl.).
گونه‌های مختلف گیاه گز معمولاً بشکل بوته یا درختچه بوده و از کویت تا (Balamtghab) و از هرات تا مشهد در مناطق بالای ۹۰۰ متر قابل مشاهده هستند.

حداقل شش گونه مختلف از این گیاه در بلوچستان یافت می‌شود که دو گونه سیاه گز (*T. articulata vahl*) و شینگیر گز (Shingir) با نام علمی (*T. pentandra*) دارای صمغ شیرین هستند. در این اواخر در هلمند نیز مقدار زیادی از این م‌ان‌ها برداشت می‌شود. نمونه‌های جمع آوری شده برای این کتاب، شیرین، چسبنده و شفاف بودند که کاملاً در آب حل میشوند و زمانیکه برای مدت طولانی نگهداری شوند بدلیل کریستاله شدن ساکاروز حالت سفت و کدر می‌گیرند.

Taxus baccata L. (Taxaceae)

زرنب

Zarnab (Isf.); Barambi, Talispatra (hind.).

زرنب نامی است عربی که به این داروی بدبو و گیاه آن در کتب قدیمی داروئی شرق اتلاق می‌شود (سرخدار نام پارسی این درخت بوده و در سالهای اخیر برای آن انتخاب شده م). این دارو همچنین به گیاهان مختلفی از خانواده کاج و صنوبر نسبت داده شده. مخصوصاً به گیاه (yew) و (*Abies Webbiana Lindl.*). این دارو در حال حاضر تشکیل شده است از گل آذین (staminate inflorescence) سرخدار ولی نمونه‌های دیگر ثبت شده شامل برگ، شاخه و پوست (conifer) هستند. پرچم قدیمی منطقه هند وچین یاد شده است. این دارو ضد اسپاسم بوده همچنین برای درمان تنگی نفس و آسم کاربرد دارد.

***Terminalia bellerica* Roxb. (Combretaceae)**

بليله

Balīlah (Teh., Isf.); Balera (Hind.).

درختی هندیست که به خاطر خواص دارویی اش نام سانسکریت (Anīla ghnaka) به معنی قاتل باد را دارد. محصول تجاری این درخت میوه آن است که از هند به ایران وارد می شود. پزشکان مسلمان این دارو را به عنوان یک هاضم و قابض شناخته اند و همچنین از آن برای درمان چشم درد استفاده می کنند. بليله مخلوط با هل بصورت قرص مصرف می شود که برای درمان ضعف عمومی تجویز می شود.

***Terminalia Chebula* Retz. (Combretaceae)**

هليله سياه

Halīlah-i-zard, Halīlah-i-kābulī, Halīlah-i-siyāh (Teh., Isf.); Har, Hara (Hind.); Hirda (bom.); Haritaki (Beng.).

هليله سياه از زم آن های بسيار قديم برای اعراب و يونانيان شناخته شده بود و آن ها اين گیاه را در کتب گوناگون توصيف کرده اند. در حال حاضر ۲ گونه از اين گیاه در بازارهای شرق يافت می شود. ۱- گردو مانند و نارس که در زمان خشک شدن سياه رنگ می شود و نام هليله سياه نیز به آن اتلاق می شود ۲- میوه رسیده که بزرگتر از گونه قبلی بوده، رنگ آن مایل به زرد است و آنرا هليله زرد یا هليه کابلی می نامند. نوع اول عمدتاً استفاده پزشکی دارد که خواص زیادی را برای آن بر شمرده اند. پودر شده آنرا بصورت قرص در آورده و به عنوان یک ملین قوی و داروی برای رفع درد معده استفاده می کنند.

هليله زرد حاوی ۳۰ درصد تانين است و به عنوان یک ماده دباغی کاربرد دارد.

***Teucrium polium* L. (Labiatae)**

مریم نخودی

Maryam nukhūdī (Teh.); Ja'ad (Iraq). *T. scordioides* (Schl.).

اسليم (Schlimmer) نام مریم نخودی را به گونه (*T. scordioides* Schreb.) نسبت داده. مريان (Merian) در (ترمينولوژی) اين نام را برای (*Salvia officinalis*) بکار برده ولی با توجه به مشاهدات گلیات- اسمیت اين گیاه که در باغات تبریز کشت می شود نام محلی نداشته و استفاده بومی ندارد.

این گیاه تحت نام (Poley germander) و یا (Polion) در یونان معروف است. این دارو شامل گل های کوچک کرک دار مخلوط با ساقه و برگ گیاه است. بوی آویشن داشته و دم کرده آن برای اختلالات داخلی و از

بین بردن درد در دوران بارداری تجویز می‌شود. در بلوچستان گونه (*T. stocksianum* Boiss.) با نام کلپوره شناخته شده و به عنوان یک تب بر استفاده می‌شود.

***Thea sinensis* L. (Theaceae)**

چای سبز

Chā'ī sabz (Teh.); Chā (Hind.).

چای سبز بطور عمده از هند و یا جنوب ایران وارد می‌شود و ایرانیان علاقه زیادی به این نوشیدنی دارند و تقریباً در هر بازاری بفروش می‌رسد. طبق گفته لوفر (Loufer) در زب آن‌های مغولی، ترکی، فارسی، هندی، پرتغالی، یونانی جدید و روسی کلمه (čai) چای وجود دارد که برگرفته از لغت (c'a) از شمال چین است. در تبت این کلمه به همان شکل چینی باستانی آن یعنی "جا یا ja" استفاده می‌شود.

***Thymus Serpyllum* L. var. *Kotschyanus* Boiss. (Labiatae)**

کوشان شیرازی

Jōshan Shīrāzī (Teh.); Zatāt (Syr., Iraq); Seetere (Schl.); Djūshā (Pers.)

این وارسته از گیاه تیموس در ایران و کردستان یافت می‌شود. برگهای گرد، گوه‌ای و بیضوی تا نیزه مانند داشته با رگبرگهای برجسته در زیر برگ.

این برگ‌ها معطر بوده و شبیه برگ گیاه (*Zataria multiflora* Boiss.) هستند. پست (Post) نام (zatar) را برای تمام گیاهان جنس (*Thymus* Boiss.) استفاده کرده. از سوی دیگر بویسر (Boissier) نام زاتار را به گونه (*Origanum Maru* L.) نام زاتار فارسی را به (*T. capitatus* L.) و Zaeteran را به گیاه (*T. decussates* Boiss.) نسبت داده. اینگونه بنظر می‌رسد که Zatar و کوشان شیرازی داروهای مشابه هستند که عطر آویشن داشته و برگهای آن‌ها خاصیت ضدنفخ دارد.

***Tilia rubra* DC. (Tiliaceae)**

برگ تیول

Barg tiol (Teh.).

گل‌های درخت لیموی شرقی یا نمدار در مک آن‌های دیگر به عنوان یک دارو شناخته نشده است ولی با این حال احتمالاً مانند سایر گیاهان این جنس خاصیت تسکین دهنده‌گی دارد. گل‌های درخت نمدار اروپائی (*Tilia europaea*) برای زکام و ناراحتیهای عصبی تجویز می‌شود.

***Trachydium Lehmanni* Benth. (Umbelliferae)**

شقاقی

Shagāgī, Shekakul (Teh.); Chakha-khoul (Turk.); Chighaghole metri (Schl.).
ریشه این گیاه و سایر گیاهان خانواده چتریان در افغانستان و ایران جمع آوری شده به عنوان دارو به هند صادر می شود. ریشه، شکل و اندازه یک هویج کوچک و کشیده را داشته که سر ضخیمش حدود ۲/۵ سانتی متر قطر دارد. داخل آن سفید رنگ و نشاسته ای، ترد و شیرین مزه است. به عنوان ماده ای بسیار ارزشمند که باعث افزایش قدرت حافظه و بهبودی قدرت مغزی می شود شناخته شده است. این نام برای ریشه های محرک دیگری نیز بکار می رود که زنان برای افزایش سلامت و فربهی خودشان مصرف می کنند. ریشه های گونه های: *Eremodaucus*, *Eryugium*, *Pastinaca*, *Caucalis* در این شمار قرار دارند.

Trachylobium Hornemannianum Hayne (Leguminosae)

سندلوس

Sandalūs (Ind. bazaars)

نوعی رزین است که منشاء آن کشورهای آفریقایی است و به عنوان یک محصول قابل تجارت کاملاً شناخته شده است. به عنوان دارو در موارد زیادی استفاده می شود از جمله به عنوان قابض، کرم کش (ضد انگل)، مدر و قانندگی آور. و همچنین بصورت پماد روی سطح زخمها استفاده شده تا باعث بهبود سریع و از بین رفتن جای زخم بشود.

Tribulus terrestris L. (Zygophyllaceae)

خار خسک

Khār-khasak (Teh.); Hasach (Iraq); Chota gokhru (Hind.); Tribolia (modern Gr.).
این گیاه در بیابان های شنی شمال غربی هند یافت می شود و میوه آن برای فروش جمع آوری می شود. این دارو توسط دیوسکوریدوس Dioscorides و پلینی Pliny در کتاب خطی باوئر (Bower) ذکر شده است. میوه ها به اندازه لوبیای کوچک هستند که از ۵ سلول (بخش) تشکیل شده اند. هر بخش یا سلول حالت مثلثی دارد و دارای ۴ خار محکم است. دانه ها روغنی بوده و محصور در بخش سخت و سنگی سلول هستند. میوه ها ادرار آور هستند و گفته می شود برای درمان سنگ مثانه مفید هستند. روغن این دانه ها به عنوان درمان برای رماتیسم استفاده شده و تحت نام (Dulm-ul-hasak) و روغن خارخاسک شناخته می شوند. خارهای کوچک این گیاه برای درمان سوزاک تجویز می شود.

Trifolium alexandrinum L. (Leguminosae)

برسیم

Barsim (Iraq).

این گیاه به عنوان علوفه و کود سبز به خوبی شناخته شده است. آزمایشات نشان داده که می توان این گیاه را بطور مطلوبی به عنوان یک محصول زمستانی کشت داد. دانه های این گیاه قهوه ای مایل به زرد هستند که شکل بیضی و سطحی صاف دارند. طول آن ها نیز حدود ۲ میلی متر است.

***Trifolium repens* L. (Leguminosae)**

تخم شبدر

Tukhm-i-shabdar (Teh.); Shaftal (Punj., Bal.); Nafal, Nifil (Iraq).
شبدر یا سه پره ارتفاعات در شمال هند رشد می کند و گاهی می توان آنرا در ارتفاع ۳۰۰۰ متری ارتفاعات هیمالیا یافت. دانه های آن بیضی شکل به رنگ قهوه ای یا سبز بوده و برای بهبودی جوشهای چرکی استفاده می شوند.

***Trigonella Foeniculum- graecum* L. (Leguminosae)**

تخم شنبلیله

Tukhm-i-shambalīlah (Teh., Ham.); Hulbah (Iraq).
Shambalīlah (Teh.); Methi (Hind., Bom.).
شنبلیله گیاهی است که در همه نقاط جهان به عنوان یک سبزی معطر خوراکی کشت می شود. در مصر و افغانستان به عنوان غذا و همچنین خوراک دام کاربرد دارد. برگ های این گیاه گاهی اوقات در ادویه کاری استفاده می شوند. دانه ها که لعاب دار هستند از زمان قدیم خواص دارویی آن ها شناخته شده بود و به عنوان تقویت معده استفاده می شدند. دمنوش آن برای خونروش زیاد دوران قاعدگی تجویز می شود.

***Triticum vulgare* Vill. (Gramineae)**

گندم سفید

Gandum-i-safid, Gandum-ābī (Teh.); Kanim (Kurd.); Gehun (Hind.); Godumai (Tam.).
گندم یکی از محصولات اصلی زمستانی است که در سراسر کشور کشت می شود. هردوت (Herodotus) گندم را به عنوان غذای اصلی پارسیان در زمان کمبوجیه نام برده. پزشکان امروزی ایران از نشاسته گندم بصورت پودر شده به عنوان مرهمی برای کاهش درد ناشی از سوختگی و التهاب استفاده می کنند.

گست (Guest) گندم را به عنوان مهم ترین محصول کشت شده در زمستان نام برده که بعد از آن جو قرار دارد. تعداد زیادی گونه بومی از گندم وجود دارد ضمن اینکه صدها واریته محلی را نیز می توان مشاهده کرد. گندم به صورت کشت آبی در زمینهای قسمت پایین دست عراق که اطراف رودخانه هستند بطور وسیعی کشت می شود همچنین در وسعت بیشتر در زمین های بالادست به صورت دیم کاشته می شوند. این محصول در دره های کردستان تا

ارتفاع ۲۰۰۰ متر نیز کشت می‌شود. دانه گندم به میزان قابل توجهی از عراق به کشورهای دیگر صادر می‌شود که نشان از میزان تولید بیش از مصرف داخلی این محصول است. سابقاً این محصول را با خاک و ناخالصیهای دیگر مخلوط می‌کردند که تحت نام گندم «پارسی» معروف شد و در بازارهای جهانی قیمت بسیار پایینی برای آن منظور کردند. در سالهای اخیر، بهبود قابل توجهی در کیفیت و تمیزی گندم صادراتی عراق مشاهده شده و امید است نام مناسب‌تری برای گندم عراقی گذاشته شود. بر این اساس، قانونی نهایی شده که کشاورزان را تشویق به کشت یکی از گندمهای پنجاب به نام (Ajībah) می‌کند. این گندم توسط وزارت کشاورزی آزمایش شده و به‌عنوان محصول برتر از سایر گونه‌های محلی و وارداتی شناخته شده است.

گندم نان (*T. vulgare Vill.*) تنها گونه گندمی است که در زمینهای آبیاری شده قسمت پایین دست عراق کشت می‌شود. در بعضی از سالها این محصول صدمه شدیدی از بیماری زنگ گندم دیده که باعث کاهش شدید محصول گردیده است. درحقیقت این عامل برای محبوبیت زیاد گندم تازه معرفی شده *Ajībah* می‌باشد که در برابر این آفت گیاهی (زنگ) بسیار مقاوم است. مقداری از محصول گندم نان نیز از زمینهای آبیاری شده و یا دیم در شمال در منطقه‌ای به نام هینته قندهاری *Hintah Qandahari* بدست می‌آید.

بیشتر محصول دیم منطقه شمال از گونه گندم ماکارونی یا (*T. durum Desf.*) است. این گونه از گندم، عملکرد خوبی داشته به خشکی مقاوم بوده و همچنین در برابر زنگ گندم نیز مقاومت دارد. دانه این نوع گندم بزرگتر و سخت تر از گندم نان است. با این حال نان پخته شده از آن کیفیت خوبی ندارد و بیشتر بصورت بلغور خورده می‌شود که نوعی غذای محلی است.

گندم خراسان (*T. orientale*) و گندم لهستان (*T. polonicum*) هر دو دانه‌های بلند و سخت دارند و به نام سین الجمال (*Sinn-aj-jamal*) یا سین الفیل (*Sinn-al-fil*) معروف هستند.

گندم پا کوتاه (*T. compactum*) یک یا دو گونه وحشی از این گیاه و علف (*Aegilops*) که اکنون زیر گونه این جنس شناخته می‌شود به عنوان گونه‌های عراقی شناخته می‌شوند. برای همین ذکر شده که گندم () گونه‌ای اولیه از تپه ماهورهای منطقه جبل سینجر منشاء گرفته باشد.

در مزرعه آموزشی کشاورزی رستم در هیندای که نزدیک بغداد است نمونه‌های مختلفی از گندم وجود دارد که در زیر ذکر شده اند:

(a) *T. vulgare durum libicum* منشاء آن فرات و به‌عنوان گندم سیاه شناخته می‌شود.

(b) *T. vulgare erytholenca* منشاء آن پنجاب است.

(c) *T. vulgare agbidum* منشاء آن استرالیا است.

(d) *T. vulgare lencospermum* (Pusa) در هند است.

منشاء آن پنجاب در هند است. (e) *T. vulgare turcicum*. (Ajibak)

منشاء آن استرالیا است و به عنوان گندم کلارنتون شناخته می شود. (f) *T. vulgare albidum*

در طی حفاری در کیش و جمدت نصر (Jemdat Nasr) که توسط موزه دانشگاه آکسفورد انجام شده نمونه هایی از گندم و جو درون ظروف سفالی یافت شده که متعلق به سه هزار سال قبل از میلاد مسیح می باشد. این دانه ها برشته شدند و همین امر به حفظ آن ها در طی این سالها کمک کرده ولی باعث شده که تشخیص گونه گیاهی گندم را مشکل شود. خلاصه این مبحث توسط هنری فیلد (Henry Field) در مقاله (گندم و جوی باستانی در کیش، بین النهرین) (Ancient wheat and barley from kish Mesopotamia) چاپ شده است.

برای مطالعه بیشتر خوانندگان می توانند از مقالات نیکولای واولو (Nikolai vavilov) انستیتوی صنعتی گیاهی در لنینگراد، اتحاد جماهیر شوروی استفاده کنند.

***Tulipa Montana* Lindl. (Liliaceae)**

لاله

Fraiyōnah (Iraq); Lāla (Afg.); Govarikh, Wodak (Bal.).

پیاز این لاله که در ایران، افغانستان و بلوچستان یافت میشود قهوه ای با پوسته های مسی است. این پیازها در بازار موصل به عنوان محصول خوراکی بفروش می رسند. در بلوچستان نیز این پیازها را می خورند و برگهای آن به عنوان علوفه بزها در این منطقه کاربرد دارد.

***Uncaria Gambier* Roxb. (Rubiaceae)**

کات گلابی

Kāt-i-gulābī (Teh.); Chinai-katha (Bom.).

نمونه ای که جمع آوری شده کاد کم رنگ بوده که منبع آن سنگاپور می باشد. به شکل مکعب که هر ضلع آن یک اینچ است و از برگها و ساقه گیاهی که در ایالات مالایی (مالزی و سنگاپور کنونی م) رشد می کند بدست می آید. این دارو بسیار قابض است زیرا هم حاوی کاتچین (Catechin) و هم تانین (Tannin) می باشد. در تهران برای درمان سرفه کاربرد دارد.

***Veratrum album* L. (Liliaceae)**

کندش

Kundush (Ham., Teh.); Kondochi (Schl.).

گیاهی است که بومی اروپا، آسیای مرکزی و ژاپن می‌باشد. ریشه این گیاه به‌عنوان یک دارو توسط بقراط و جالینوس نام برده شده است. ریزومهای قهوه‌ای تیره رنگ بوده که قسمت داخلی آن‌ها سفید است، به شکل استوانه‌ای یا تا حدودی مخروطی هستند و حدود ۲/۵ سانتی متر قطر آن‌هاست. همچنین اثر تعداد زیادی ریشه‌چه‌های شکسته بر روی آن قابل رویت است. این ریزوم‌ها حاوی یک آلکالوئید سمی به نام جروین (Jervine) می‌باشند. این ریشه به‌عنوان سم در ایران شناخته شده و تنها استفاده آن‌ها بر روی سطح خارجی بدن است. خمیر شده آن به‌عنوان درمانی برای سردرد یا دردهای عصبی صورت کاربرد دارد. همچنین به‌عنوان داروی برای درمان آب ریزش بینی استفاده می‌شود.

Verbascum Thapsus L. (Scrophulariaceae)

مازیون

Māzaryūn (Teh.); Mahi zahraj, Bon tamaku (Ar.); Gidar tamaku (Hind.). منطقه رشد مازیون از نواحی معتدل غربی هیمالیا تا بریتانیا را شامل می‌شود. دارو متشکل از ساقه‌های شکسته شده و برگهای ضخیم و کرک‌دار گیاه است.

اثر تخدیری این دارو بر روی ماهی‌ها در میان اعراب و ایرانیان کاملاً شناخته شده است و اسم عربی ماهی زهرج نیز به معنی سم ماهی است. پزشکان مسلمان این دارو را برای درمان نقرس و رماتیسم معمولاً بصورت مخلوط با یک داروی ملین تجویز می‌کند. در کل اروپا، مازیون را به‌عنوان گیاهی که باعث بیماری ریوی در گاوها می‌شود می‌شناسند و به همین دلیل نام (Cow's lungwort) به آن اطلاق می‌شود.

Vetiveria zizanioides Stapf (*Andropogon muricatus* Retz) (Gramineae)

برمیکا

Barmakiyā, Bikh-i-wala (Pers.); Khas khas (Hind.); Izkhir-i-Jami (Ar.); Vetiver (Tam.)

کاربرد این ریشه‌های سیمی شکل و معطر برای مقاصد پزشکی و همچنین در عطرسازی در هند سابقه طولانی دارد. این ریشه‌ها زمانی که مرطوب می‌شوند بوی دلپذیری دارند بهمین دلیل آن‌ها را بصورت حصیر یا پادری می‌بافند و آن‌ها را به خصوص در فصول گرم برای پوشاندن درها و پنجره‌ها یا به عنوان زیر انداز استفاده می‌کنند. لذا این خانه‌ها هم خنک تر مانده و هم فضائی معطر می‌یابد.

ضماد حاصل از این ریشه‌ها به‌عنوان داروئی برای کاهش دمای بدن استفاده می‌شود. همچنین برای فراهم کردن حمامی خوش بو و خنک، قرار دادن چند ریشه شکسته در آب بسیار مفید است. از این ریشه‌ها روغن معطری استخراج می‌شود که قیمت بسیار بالایی دارد.

Vicia Faba L. (Leguminosae)

باقله

Bāghqalā (Iraq); Banklent (Bal.); Bakla (Hind.); Baqilla, Baqlah (Turk.); Paglah (Kurd.).

نوعی از حبوبات که بومی ایران بوده و در حال حاضر بطور جهانی کشت می‌شود. این گیاه سبزی کاملاً شناخته شده‌ای بوده و غذائی بسیار عالی برای اسبها به شمار می‌روند. گفته شده (shoots) این گیاه برای بازگرداندن هشیاری می‌خواران موثر است.

دانه‌ها مستطیلی و حدود ۲۴ در ۱۸ میلی متر هستند. گونه‌های کوچکتری نیز وجود دارد که اندازه آن ۸ در ۵ میلی متر، به رنگ قهوه‌ای و با یک فرو رفتگی یا ناف سفیدرنگ. این دانه‌ها در مقادیر زیاد به مصر صادر شده و برای تغذیه اسبها استفاده می‌شود.

Vigna Catjang walp. (Leguminosae)

لوبیا

Lubia (Iraq); Mak (Bal.); Chowli (Hind.); Barbati (Beng.).

لوبیا به عنوان کشت آبی تابستانه زراعت شده و بیشتر در زمینهای مرطوب حاشیه رودخانه در تابستان یا پائیز کاشته می‌شود.

غلاف سبز این لوبیا پخته شده و به عنوان سبزیجات خورده می‌شود و دانه‌ها نیز به عنوان pulse. دانه‌ها با شکل مستطیلی شان شناخته شده اند. اندازه آن‌ها ۱۰ در ۷ میلی متر بوده به رنگ سفید با فرو رفتگی یا نافی به رنگ قهوه‌ای یا سیاه در یک طرف آن. گونه چشم سیاه در ایتالیا تحت نام (Faggiuola del occhio) شناخته می‌شود.

Viola sp (Violaceae)

گل بنفشه

Gul-i-banafshah (Teh.).

گل بنفشه در ایران و پنجاب به عنوان دارویی باارزش، شناخته می‌شود. گفته شده گونه بنفشه شیرین (V. odorata) به عنوان دارو استفاده شده و بصورت تجاری خرید و فروش می‌شود با این حال از آنجا که این گل‌ها اغلب شکسته و همراه با ساقه و برگ می‌باشند، تشخیص گونه گیاهی مشکل می‌باشد. دارویی قابض، آرام بخش و معرق است و مخلوط آن با شکر و آب لیمو به عنوان دم نوش ضد تب و ضد سردرد کاربرد دارد.

مخلوط با (*Cordia myxa* L.)، (*Nymphaea alba* L.)، (*Echium amoenum* Fisch. & Mey.)، (*Zizyphus vulgaris* L.) همچنین آب لیمو و شکر، بنفشه به عنوان دم نوشی برای سردرد و تب (به جز مالاریا) همچنین برای نرم کردن صورت پیش از بند زدن (purgation) استفاده می‌شود.

***Vitis vinifera* L. (Vitaceae)**

کشمش عنب

‘Inab (Iraq); Angur, Drakh (Hind.).

Kishmish, Munakha (Pers.).

در دیگر نمونه‌ها با نامهای کشمش سبز، کشمش عسگری و کشمش دوغ نیز ثبت شده. انگور در سانسکریت Draksha نامیده شده و توسط سوسروتا Susruta و چاراکا Charaka نام برده شده است. انگور در حالت خشک شده به خاطر خاصیت تسکین دهنده، ملین و خنک کنندگی اش در پزشکی کاربرد دارد. کشمش که در هند یافت می‌شود از انواعی است که در ایران و کابل بدست می‌آید. بعضی گونه‌ها بسیار بزرگ بوده، سبز کم رنگ مایل به زرد هستند و انگول دراک (Angul Drakh) نامیده می‌شوند. گونه‌های سیاه کشمش به نام کالادراخ (Kala Drakh) که این نوع هم از ایران و کابل می‌آید در پزشکی استفاده می‌شود. ضمناً گونه‌ای که از لحاظ کیفیت پائین تر است به نام موناخا (Munakha) شبیه به کشمش است که بصورت پودینگ در انگلستان به فروش می‌رسد. پاستیک (Pasteek) نوعی شیرینی است که از کشمش و گردو در دیاربکر (Diarbakr) و کردستان تهیه می‌شود. سوجوش (Soo’juch) شیرینی دیگری است که از کشمش و بادام در کردستان درست می‌شود و به عنوان میوه در فصل زمستان صرف می‌شود.

***Withania somnifera* Dunal (Solanaceae)**

بوزیدان

درخت “Būzīdān (Teh., Ham.); Asgandh (Hind., Guz.); Sekran (Syr.); Hajarat el dib (Ar.)” گریک.

درختچه بدون خار با برگهای بیضوی شکل و کرکدار است که در جنوب اروپا، سوریه، عربستان هند و آفریقا یافت می‌شود. ریشه‌های بلند، مخروطی به رنگ قهوه‌ای روشن دارد ضخیم و فربه بوده و داخل آن سفید رنگ و نرم است با ترک‌های باریک و خراش مانند که حالت لعابدار با طعمی تا حدودی تلخ دارد. با توجه به طبیعت خاص این گیاه و نام گونه‌ای که گیاه شناسان برای این درختچه انتخاب کرده اند (Somnifera و hypnotica) بنظر می‌رسد که این گیاه خاصیت مضر برای انسان داشته باشد. در همدان این ریشه‌ها سمی قلمداد می‌شوند و در بعضی نقاط عربستان نیز حیوانات را از چرا این گیاه منع می‌کنند. با این حال در بلوچستان از آن به عنوان خوراک بز استفاده

می‌شود. به گفته دوئی (Duthie) این درختچه مقوی بوده و ریشه‌هایش به‌عنوان خوراک به اسب داده می‌شوند. اف. بی. پاور (F.B. Powr) و ای. اچ. سالوی (A.H. salwy) (۱۹۱۱) شواهدی مبنی بر وجود آلکالوئید و دیگر مواد با قابلیت کریستاله شدن در این ریشه‌ها پیدا کردند. با این حال هیچ گونه مدرکی دال بر وجود آلکالوئید میدریاتیک Mydriatic alkakoid در این ریشه بدست نیامد. همچنین تستهای فیزیولوژیکی موفق به تأیید خواص آرام بخشی و خواب آوری این ریشه نشد.

Zanthoxylum Rhetsa DC. (Rutaceae)

دهن باز دهن بسته

Dahan-bastah, Dahan bastah-bāz (Teh.); Fagara Avicennae

میوه‌های این درخت بیضی یا تقریباً کروی هستند که دارای رنگ قهوه‌ای روشن مایل به قرمز بوده چرک‌های ریزی دارند. میوه زمانی که رسید، باز شده و یک دانه سیاه رنگ و درخشان درون آن نمایان می‌شود. این حالت شکوفا شدن میوه باعث شده در ایران به نام «کباب دهان گشوده» نیز معروف شود. طعم آن در ابتدا بسیار دلپذیر است مانند لیمو، اما بعد از مدتی تند می‌شود و حالتی مشابه گیاهان *Pyrethrum* در کام ایجاد می‌کنند. میوه‌ها حاوی روغنی فرار و رزین هستند که بصورت تونیک برای درمان تب، سوءهاضمه و وبا استفاده می‌شود. همچنین برای رفع التهاب مثانه در هنگام سوزاک تجویز می‌شوند.

Zataria multiflora Boiss. (Labiatae)

آب شم

Ab-i-sham, Afsin, Marzanpīsh, Zatar (Teh.); Sa'atar (Ind. bazaars); Izgun, Isghand (Bal.).

این گیاه کوچک در تپه‌های مسقط در عمان همچنین در ایران و بلوچستان یافت می‌شود. این گونه گیاهی که بسیار نزدیک به گونه *Z. vracteota* است لذا گاهی هر دو را تحت همین نام می‌شناسند. مرزن‌پیش نامی است که در بازار تهران برای این گیاه و همچنین به گیاه مشابه دیگری (به *Stachys lavandulaefolia* نگاه کنید) اتلاق می‌شود. برگ‌های کوچک، ضخیم، گرد و برجستگی دار این گیاه بو و عطر تیمول را داشته و خاصیت بادشکن مشابه نعناع و آویشن دارد. که به‌عنوان یک ضد نفخ استفاده می‌شود. دمنوش آن به‌عنوان دارویی برای تسکین دردهای زودرس زایمان یا درد شکستگی استخوان تجویز می‌شود.

Zizyphora tenuior L. (Labiatae)

کاکوتی

Kākūtī (Teh.); Kahkuti (Bal.); Mishk-i-taramashia (Ind. bazaars).

گیاه کوچکی از خانواده نعنا با گل‌های شیپوری کشیده که در ایران، بلوچستان و افغانستان یافت می‌شوند. به گفته آتچیسون این گیاه به خاطر عطر قوی نعناع و آویشن خود بسیار در طب استفاده می‌شود. در بلوچستان این گیاه به عنوان یک داروی ضد تب تجویز می‌شود همچنین بذره‌های آن را به صورت پودر درآورده، در دوغ حل می‌کنند و در درمان اسهال خونی از آن استفاده می‌کنند. در تهران شاخ و برگ این گیاه به عنوان داروی برای تقویت معده و قلب کاربرد دارد.

Zizyphus vulgaris L. (Rhamnaceae)

عنانب / برگ عنانب

‘Unnāb, Barg-i-unnāb (Teh.); ‘Unnāb (Iraq); Ber (hind.).

عنانب در شکل بومی به صورت یک درختچه می‌باشد با این حال به ندرت در تپه‌های بادغیس واقع در شرق کشمیر بصورت درخت نیز دیده می‌شود. این گیاه در تمام باغها کشت شده و میوه آن بیشتر در طی سفر خورده می‌شود. آتچیسون اعتقاد دارد که این ممکن است دلیلی برای گسترش درخت در سراسر آسیا در امتداد راههای کاروانی باشد.

میوه‌های این گیاه که شیرین و مفید هستند برای پخت نوعی شیرینی نیز استفاده می‌شوند. عنانب میوه‌ای وارداتی به هند محسوب می‌شود و از آن به عنوان یک آرامش بخش مورد استفاده قرار می‌گیرد. همچنین این محصول از خلیج فارس به چین وارد شده و در آنجا این میوه در اشکال مختلف مصارف مختلفی داشته و یکی از میوه‌های مهم چین بشمار می‌رود. برگ درخت عنانب به همراه کاد هندی (catechu نوعی صمغ حاصل از درخت آکاسیا) به عنوان قابض خورده شده و یا بصورت ضماد برای بهبودی جوش و کورک تجویز می‌شود.

داروها با منشاء معدنی

Alum

زاج سفید

Zāj-u-safīd (Teh.); Sheb (Bagh., Iraq); Spati-kari (Sans.); Zamchi (Turk.); Phitkari, Phataki (Hind.).

بلورهای سولفات آلومینیوم با طعم شیرین و گس. این ماده را برای موارد گوناگونی از جمله جلوگیری از خونریزی، ته نشین کردن گل و لای آب و همچنین در صنعت دباغی مصرف می کنند. همچنین به عنوان یک عامل سفید کننده کاربرد دارد. این ماده بصورت تجاری از شرق ترکستان (مناطق Aksu و Kuchar) فراهم می شود.

Antimonium sulphate

کل / سرمه

Kuhl or Surmah (Pers.); Arjan, Surma-ka-pathar (Hind.).

سرمه یا پودر آنتیموان سیاه در سراسر شرق به عنوان ماده ای برای سیاه کردن پلک چشم استفاده می شود. درحقیقت سرمه در ابتدا به عنوان دارویی برای درمان بیماریهای چشم توسط طبیبان تجویز می شد ولی هم اکنون به عنوان ماده ای آرایشی برای بانوان شناخته شده است. دوده چراغ گاهی اوقات به عنوان محصول جانشین سرمه معدنی فروخته می شود.

Armenian earth

گل ارمنی

Gil-i-armanī (Pers., Hind.); Hajr-el-armeni (Ar.).

گل ارمنی شامل اکسید آهن مخلوط با کربنات کلسیم می باشد. گل ارمنی به رنگ قرمز و براق است و شامل میزان کمی آهک می باشد اما نوع روشن تر آن، حاوی مقدار کمتری اکسید آهن می باشد و به شدت با اسیدها واکنش نشان می دهد. گل ارمنی، به صورت مخلوط با چوب صندل قرمز و یا به تنهایی به روی صورت و بدن مالیده شده که گفته می شود برای درمان جوش ها و زخمها مناسب است. گل ارمنی یکی از مواد معدنی است که زنان در هنگام بارداری می خورند.

در افغانستان به عادت خاک خواری چنان متداول است که از اصطلاح «گل خوار» برای اینگونه افراد که خاک رس یا گل سفید می خورند، استفاده می شود.

Arsenic trisulphide

زرنیخ

Zarnīkh, Zārnichk-i-dandan (Teh.); Zārnikh-zard (isf.); Hartal (Hind.); Haritala (Sans.).

زرنیخ ماده‌ایست که از کوههای هایانا در هند، ایران و چین بدست می‌آید. این ماده بصورت توده یا رگه‌های زرد طلایی کریستالی که برخی اوقات مخلوط با رگه‌های فلزی خاکستری و یا سیاه دیده می‌شود. زرنیخ به عنوان ماده‌ای برای تقویت عمومی بدن و همچنین تقویت اعصاب استفاده می‌شود. مخلوط آن با آهک به عنوان یک ماده موثر کاربرد دارد.

Calcium sulphate

گچ کاشان

Gach-i-kāshān (Teh.); Guetcha (Schl.); Gil-i-dschar (Achundow, Ph. Pers.); Sanjirahut (Sans.); Sufid pathar (Hind.).

سنگ گچ ماده معدنی سفید کریستاله و شفاف است که تا حدودی قابلیت حل شدن در آب را دارد. بعضی از نمونه‌های بازار دارای ناخالصی هستند. برای توقف خونریزی از بینی، پودر گچ را در آب حل می‌کنند و بر روی پیشانی می‌مانند.

Copper oxide

لاسرخ

Lāsurch (Teh., Isf.).

لاسرخ، اکسید مس است به رنگ خاکستری و یا سیاه فلزی است و می‌توان کریستالهای فلزی را شکسته را در سطح آن دید. گفته شده که با قرار دادن لاسرخ (اکسید مس) بر روی سطح سوختگی‌ها و کبودیهای ناحیه شکم باعث بهبودی آن‌ها می‌شود. همچنین برای بهبودی تورم چشمی توصیه شده.

لاسرخ همچنین به عنوان فرمی از سرمه در نظر گرفته شده که خانمها برای چشم و ابرو از آن استفاده می‌کنند که نه تنها باعث زیبایی چشم و ابرو می‌شود بلکه به صاف و نرم شدن سطح پوست نیز کمک می‌کند.

Edible clay

گل سرشور

Gil-i-sarshūr (Teh., Afg.)

گل سرشور نامی است که آتچیسون به رس خوردنی (edible clay) افغانستان اطلاق کرد. این نام برای خاک رسی که استفاده خانگی دارد در نظر گرفته شده. در ایران، زنان از این نوع گل رس برای شستشوی موهای خود استفاده می کنند. دو نمونه از این ماده از تهران فراهم شده که برای تمیزی مو و صورت کاربرد دارند.

Lead carbonate

سفیدآب شیخ

Safīd āb-i-shaikh (Teh.); Isfedaj (Ar.); Sufeda (Hind.).

بودری سفید، نرم و سنگین است که همراه با کربنات سرب در ساخت نوعی پماد استفاده می شود. این پماد به عنوان یک مسکن استفاده می شود.

Lead oxide

موردا سنگ نقرئی

Murdā sang-i-nugra'I, Murdā sang-i-talā'i, Murda sang

ظاهر آن شبیه فلز ذوب شده که سطح بیرونی آن به رنگ قهوه ای مایل به خاکستری و یا صورتی است. احتمالاً در اثر ذوب ناقص سرب بدست آماده و یک مونوکسید سرب خالص محسوب نمی شود.

Potassium nitrate

شوره قلم

Shūrah-i-qalam (Teh.); Shorah (Hind.).

در مقیاس وسیعی از زمینهای شوره زار پنجاب و بیهار (Bihar) استخراج می شود. نترات پتاسیم خام به شکل بلورهای کوچک خاک آلود که مخلوط با مقدار زیادی نمک طعام است بدست می آید. سوره قلم نترات پتاسیم خالص است که به رنگ سفید، کریستاله و منشوری شکل شبیه قلم است. این ماده برای درمان مشکلات ادراری و سوزاک تجویز می شود.

Russian clay

گل داغستان

Gil-i-dāghistān (Isf., Teh.).

خاک رسی است به رنگ سفید مایل به خاکستری که از ترکیبی از سیلیس و آلومینیوم تشکیل شده است. بشکل کلوخه های سنگینی با سطح صابونی هستند و به زبان می چسبند. این خاک رس از داغستان در شمال شرق قفقاز بدست می آید و همراه با داروهای دیگر بصورت خارجی بر روی بخشهای عفونی بدن استفاده می شود. همچنین

به عنوان یک تقویت کننده برای زنان باردار بصورت خوراکی تجویز می شود و یا به گفته (Schlimmer) برای برآورده کردن ویار خانمها طی بارداری موثر است.

Shāf- i- mamitā (Teh.)

شاف مامیتا

بشکل گلوله های کوچکی از مواد معدنی حدود ۲.۵ تا ۳.۵ سانتی متر هستند که در یک انتها کشیده شده اند. شاف مامیتا متشکل شده از گچ که در اسید حل شده و مقداری خاک رس قرمز به آن اضافه شده که غیرمحلول است. برپایه نام آن احتمالاً به صورت تنقیه یا اماله استفاده می شود.

Sigillated earth

گل مخدوم

Gil-i-makhdūm (Teh.); Tukhm-makhtum (Punj.).

گل مخدوم به دو شکل وجود دارد که شامل Lemnian earth , Scaled clay است. نمونه هایی که از تهران بدست آمد بشکل کیک گرد با رنگ قرمز روشن خاک رس که لکه های سفید در آن وجود دارد و قطر آن ۲ سانتی متر به ضخامت ۱.۵ سانتی متر بود. در سطح فوقانی آن ها تو رفتگی وجود داشت که به وسیله مهر کردن به وجود آمده. خاک رس آن ها کاملاً نرم بوده ولی حاوی کربنات کلسیم نبود. در پزشکی این ماده را با آب می خیسانند و بر روی زخم های چرکی بدن استفاده می کنند.

نمونه های بدست آمده از عراق بشکل توده های مدور از خاک رس سفید به قطر ۳.۲ سانتی متر و ضخامت ۱.۲ سانتی متر بود. هر کدام از این نمونه ها در سطح فوقانی خود سه جای مهر شدن داشته و در سطح زیری به صورت راه راه بودند. پودر خاک رس به عنوان یک خشک کن برای سطوح (abraded) کاربرد دارد.

متون و منابع زیادی Sacred Sealed Earth of Lemnos به وجود هر دو شکل گل مخدوم اشاره کرده اند. این ماده توسط دیوژن حکیم (۴۰ سال پیش از میلاد مسیح) و جالینوس (پیش از میلاد مسیح ۲۰۱-۱۳۱) توصیف و توضیح داده شده و تا قرن ۱۷ در اروپا استفاده می شده.

مطلب جالبی در این رابطه توسط (Pomet's) در کتاب (Histoire des Druges 1694) ذکر شده و شاید به روزترین مطلب در رابطه با این موضوع در کتاب یک درمان معروف از زمان باستان که توسط (C. J. S. Thompson 1914) نوشته شده، آمده است.

سایر خاک رس هایی که خاصیت دارویی دارند و برای این مجموعه جمع آوری شده اند شامل:

(Gil- i- berz): گل برز برای جلوگیری از تعرق استفاده می شود.

(Gil- i- gazwin): گل قزوین:

ترکیبی است از خاک رسی که توسط زنان باردار خورده می‌شوند و گل ایباتونی که پودر سیلیسی است که توسط نقاشان استفاده می‌شود.

خاک رس مصری

(Gil- i- qubradi):

کرتین ارث (Cretan earth)

(Gil-i- igitus):

گچ خوردنی / گل خراسانی

(Gil- i- khurasani):

(Gil- i- misri) کار کوتی یا Karkooti: (خاک کف رودخانه نیل در مصر

(Gil-i-Shamus) به عنوان ماده‌ای برای جلوگیری از استفراغ خونی کاربرد دارد: خاک سامیان

(Gil- i- Zard) خاک رس زرد که از استانبول بدست می‌آید: گل زرد

بدست می‌آید و توسط زنان سند Halla حالت صابونی دارد و از زمینهای اطراف دریاچه‌هایی در نزدیکی هالا

(Chunniah) خورده می‌شود: آهک چینی (Sind)

موضوع خوردن خاک رس علاوه بر ویژگیهای قومی خواص دارویی نیز دارد.

تلاش برای مقابله با این موضوع (خوردن خاک رس) را می‌توان در مقاله‌ای تحت نام (زمین خواری و عادت زمین خورندگی در هند) (Earth- eating and earth eating habit in india) مشاهده کرد.

Sodium carbonate (Crude)

نمک قلیاب

Namak, Qalyāb (Teh.).

نمک قلیایی سفید که بشکل کریستاله شده در سطح زمین یافت می‌شود که به آن ساج ماتی (Sajji mayi) گویند و یا از خاکستر گیاهان دریایی تهیه می‌شود. تشکیل شده است از کربنات سدیم، مقدار زیادی کلرید و سولفات سدیم و مواد غیر محلول در آب.

Sulphur

گوگرد زرد

Gūgird-i-zard, Gūgird-i-akhmar (Teh.); Gogut (Yark.); Gandhak (Hind.).

گوگرد زرد، بشکل پودر یا کریستاله از مناطق کوههای دماوند در ایران بدست می‌آید. پماد گوگرد برای ناراحتیهای پوستی و همچنین درمان سفلیس ثانویه کاربرد دارد.

داروها با منشاء حیوانی

Nummulites sp. (Foraminifera)

عدس الملک

‘Adasu ‘l-mulk, Shāhdānej-i-‘adasī (Teh.); Sang-i-shadnaj (Afg.); Shudnuj udsee (Ar.); Satanj, samgh nadh (Punj.).

سنگواره کوچک و لیزی یا دکمه‌ای شکلی هستند که قطر آن‌ها از ۴ تا ۱۲ میلی متر متفاوت است. نام عدس نیز به دلیل همین شباهت به آن داده شده. عمدتاً از کربناب کلسیم تشکیل شده اند و معمولاً به عنوان یک داروی ضد ترش کردگی معده استفاده می شود. همچنین با توجه به دستور طبیب پودر این سنگواره‌ها برای درمان بیماریهای چشمی و زخمها استفاده می شود. مخلوط پودر این سنگواره‌ها به همراه گیاه (*Punica Grantum* L.) و سماق شاه برای درمان لثه‌های دردناک استفاده می شود.

Corallium rubrum Lam. (Anthozoa)

شاخه مرجان

Shākhah-i-marjān (Teh.); Sang-i- marjan (Hind.); Bussud (Ar.); Prabala (Sans.).
مرج آن‌ها از دریای سرخ، خلیج فارس و سواحل عربی بدست می آید و توسط پولیپ‌های مرجانی که قدرت جذب آهک آب را دارند بوجود می آید. این آهک در ساخت اسکلت مرجان بکار می رود. بنابراین، مرج آن‌ها اساساً از کربنات کلسیم تشکیل شده اند. دو گونه مرجان به رنگ قرمز و مرجان ارگان لوله‌ای (*Tubipora*) وجود دارد که هردو در پزشکی استفاده می شود. آن‌ها را به شکل پودر درآورده به عنوان یک تقویت کننده و چک تهوع ؟ (check vomiting) و همچنین بهبودی اسیدیتیه معده و سوءهاضمه مصرف می شود.

Cidaris sp. (Echinoidea)

حجرالیهود

Hajaru’l-yahūd, Sang-i-yahuda (Pers.); Pathar-ka-ber (Hind.); Dugre bore (Bom.); Lipis jadaicus (Ph. Pers.).

این سنگواره دریای در حقیقت مهره‌های سنگ شده خارپشت دریایی است که در رسوبات دوران ژوراسیک در سالت رنج (Salt Range) در پنجاب بدست می آید. ایده عجیب این است که در ابتدا تصور می شده که سنگ یهودا، سنگواره یک میوه می باشد و نامی که در دهلی به آن داده اند (Pathar-ka-ber) دلالت به همین موضوع دارد و عقیده داشتند که سنگ یهودا سنگواره میوه درخت عناب است. سنگ یهودا بیضی شکل و در هر دو انتها کشیده شده ۳.۵ سانتی متر طول و ۲ سانتی متر قطر آن است که حاوی ۹۵٪ کربنات کلسیم است. این سنگ در

شمال هند، ایران، سوریه و فلسطین بفروش می‌رسد و عقیده بر این است که برای درمان زخمها، نفخ و اسهال مفید است.

Cypraea moneta L. (Gastropoda)

صدف

Sadaf, Wuda (Ar.); Khar mahra (Pers.); Cowrim, Sipi (Hind.).

نوعی صدف چینی مانند است که از دریای مدیترانه و خلیج فارس بدست می‌آید و در سراسر شرق کاربرد زینتی دارد. زمانی این نوع صدف به‌عنوان وسیله دادوستد کالا در نظر گرفته شده بود و به‌عنوان پول کاربرد داشت. عمدتاً از کربنات کلسیم تشکیل شده اند و به‌عنوان یک داروی ضداسید معده، تقویتی و خلط آور استفاده می‌شوند. همچنین برای دوری چشم بد از بچه‌ها، اسبها و ماشین آلات از آنها استفاده می‌شود.

Bee's wax (Hymenoptera, Apoidea)

موم

Mūm (Teh.); Moma (Hind.).

موم سفید در مغازه‌ها بفروش می‌رسد و برای تهیه ضماد و مرهم کاربرد دارد. شمع کافور یا موم کافور نمونه‌ای از موم است که با کافور مخلوط شده و در ساخت شمع استفاده می‌شود. این نوع شمعها در هنگام سوختن بوی دلپذیری پخش می‌کنند.

(Bombyx fortunatus Hutton (Lepidoptera)

پيله ابريشم

Abrīsham, Pīlāh abrīsham (Teh.); Pileh, cocoon; Resham, silk; Pat (Beng.); Resham-ki-keri (Duk.).

گفته شده پيله ابريشم خاصيت قابض و تقويت کنندگی دارد. خاکستر پيله ابريشم برای زنانی که دوران قاعده گی خونروش زیادی دارند بصورت خوراکی تجویز می‌شود و همچنین برای اسهال مزمن نیز کاربرد دارد. ابريشم سفید به قطعات کوچک تقسیم می‌شود و در اجمر (هند) به‌عنوان درمانی برای ناتوانی جنسی تجویز می‌شود.

Otoliths of Fish (Percomorphi, Sciaenidae)

سنگ سرماهی

Sang-i-sar-i-māhī

قطعات نیمه کریستال شده که از کربنات آهک بوجود می آیند و در آبشش های ماهی یافت می شود. سنگ سرمایی در دهلی و دیگر شهرهای شمال هند به فروش می رسد. شبیه دندان انسان، سفید و صاف هستند و دو سطح محدب دارند. پودر آن به عنوان درمانی برای بیماریهای ادراری مانند احتباس ادرار تجویز می شود.

Trotoise eggs (*Testudo horsfieldii* Grey and *T. graeca*. Chelonia)

تخم لاک پشت

Tukhm-i-lāk-pusht (Teh.); Sur-kūk (Afg.); Lek-poshte (Schl.). تخمهای کوچک، کروی، نارنجی رنگ که حدود ۲ سانتی متر قطر آنهاست. در آب شکسته شده و از خود پودر زرد رنگ نامحلولی با گویچه های روغنی شکل در سطح آب آزاد می کنند. توسط افغان ها این تخمها با آب به شدت مخلوط شده و بر روی چوشهای سطح بدن مالیده می شود تا از تولید حفره در سطح پوست در زمان آبله جلوگیری شود. در آسام (Asam) (شمال هند) نیز این تخمها به عنوان دارو خورده می شود. مخلوط این تخمها و گوشت برای تقویت قوای جنسی مناسب تشخیص داده شده است.

Milk curds From *Bos indicus* (Ruminantia)

قرقروت

Qar-i-qurūt (Teh.); Karūt, Krūt (Afg.).

قرقروت به اشکال مختلف (توپیی یا قالبی) دیده می شود و از شیر گاو، گاو میش و یا بز ساخته می شود. معمولاً با تبخیر دوغ ترش بدست می آید. ماده بدست آمده کشک مانند است که از صافی عبور می دهند و در نهایت آنرا در آفتاب خشک می کنند. بیشتر توسط افغان ها چادر نشین در منطقه هیرمند استفاده می شود. در موارد مورد نیاز، قرقروت با آب مخلوط شده سبزیجاتی مانند بادنجان به آن اضافه می شود که با نان خورده می شوند. قرقروت تهران مشکی، میخوش و شور بود که بطور عمده در آب قابل حل شدن بوده و شبیه عصاره گوشت اروپایی و آمریکایی در بازار فروخته می شود. خاصیت ضد کرم (انگل) دارد.

Kashk

کشک

به شکل توپیی است و از کازئین، کره و نمک بکمک شیر حاصل می شود. به عنوان نوعی خوردنی خوش خوراک بخصوص در افغانستان مخلوط با انقوزه خورده می شود.

Camel's flesh, dried from *Camelus dromedaries* L.

کوهان شتر

نمونه جمع آورده شده برای این مجموعه گوشت لیفی، سفیدمایل به زرد، خشک شده کوهان شتر بود. این دارو با چربی مخلوط می شود و برای ساختن پماد کاربرد دارد. تاتارها قطعات بریده شده کوهان شتر را داخل چای قرار می دادند که مانند کره عمل می کرد. گوشت شتر توسط یونانیان و ایرانیها خورده می شود. گوشت تازه شتر جماز برای اعراب برابر با گوشت گوساله است.

بگفته اینسلی Ainslie پنیرمایه شتر در ایران به عنوان ماده برای تقویت قوای جنسی شناخته می شود. هونیگ برگر (Honig berger) این ماده را کاملینوم لخته شده (Camelinum coagulum) نامید و گفت که توسط پزشکان عرب به شدت توصیه می شود.

Bezoar stones from *Capra aegagrus* Gmel.

پادزهر (از بز کوهی)

Pādzahr (Pers.); Fadzehre heyvani (Schl.); GoroChan (Hind.).

برای اولین بار به عنوان دارو توسط ابن سینا استفاده شده است. همچنین رازی آنرا کاملاً توصیف کرده و خاصیت آنتی دوتی و ضدسمی آنرا بیان کرده است. لینشوتن Licschote یک فصل از کتاب خود را به شرح این ماده اختصاص داده و به نقل از ارتا Orta گفته که منشاء آن سنگهای؟؟؟ است که در ایران استفاده می شود. سنگهای مشابهی از گاو، بز، گراز، بز کوهی، جوجه تیغی و شتر بدست می آید. نوع بدست آمده از شتر از همه ارزانتر می باشد اما نمونه هایی که از بز وحشی ایرانی بدست می آید موثرترین نوع محسوب می شوند. نمونه هایی برای این مجموعه از شیراز خریداری شد.

Goot's droppings

مامیز کری

Māmīz, Māmīz-i-kirī (Teh.);

نمونه های متشکل شده از توده های موضوع به اندازه ۱ تا ۱.۵ سانتی متر است که معمولاً بقایای مواد نباتی می باشد. به عنوان یک دارو غیر معمول می باشد با این حال در تهران عقیده بر این است مالیدن آن بر روی سینه باعث بهبودی برونشیت می شود.

Sheep's Stomach

مایه بره

Māyah-i-barrah (Isf.).

متشکل شده از بخشهای خشک شده دستگاه گوارش گوسفند که حاوی آنزیمها و باکتریهای تخمیر کننده می باشند. از آن به عنوان مایه برای تولید پنیر استفاده می کنند. علاوه بر گوسفند گاهی از معده خرگوش، سگ و خوک و گوساله به عنوان خمیر مایه استفاده می شود.

Mummy

مومیایی

Mūmiyāi, Mūmiyā (Pers.); Silajit (Hind.); Silajatu (Sans.); Khatmolt, Mashana churro (Bal.); Asphaltum Persivum; Osteocolla (Lat.).

یکی از کهن ترین داروهای ایران و هند محسوب می شود که سردرگمی زیادی در مورد منشاء آن وجود دارد. شکی در این نیست که در اوایل این دارو توسط مصریان برای نگهداری جنازه افراد مورد استفاده قرار می گرفت. علاوه بر نوع مصری، گونه ای از مومیایی در ختمولت Khatmolt در بلوچستان یافت شد که منشاء حیوانی داشته و غنی از اوره بوده. همچنین وجود نوعی زغال سنگ (bituminous) که در هند سیلاجیت (Silajit) نامیده می شود در مومیایی مشاهده شده است. مومیایی که در ایران از تراواشاتی که در کوه وجود دارد بدست آمده که این تراواشات شامل قیر، آسفالت و هیدروکربن های مشابه هستند. زمان یکی از پادشاهان ایرانی این تراواشات کوهی را از کوههای اطراف بهبهان و داراب جمع آوری کرده و آنها را داخل صندوقچه های نقره گذاشت و آنها را در بین کسانی که به این دارو محتاج بودند پخش کرد. بطور کلی، در سایه دانش پزشکی مدرن، پیش بینی می شود که افراد کمتری از مومیایی در ایران و سیلاجیت در هند استفاده کنند و بزودی جزء داروهای عصر گذشته در نظر گرفته شود.

Cuttle Fish bone From *Sepia officinalis* L. (Cephalopoda)

کف دریا

Kaf-i-daryā; Samudraphena (Sans.).

کف دریا اسکلت داخلی نوعی ماهی مرکب است که به عنوان وسیله برای صاف کردن سطوح زیر استفاده می کنند. همچنین بصورت پودر برای درمان ترش کرده گی معده استفاده می شود. اغلب توسط زائرنانی که از مکه برمی گردند وارد ایران می شود از این رو بسیار با ارزش در نظر گرفته می شود. اسکلت ماهی مرکب حاوی مواد زیر است: ۸۷/۶۶٪ کربنات کلسیم، ۰/۷۶٪ سولفات کلسیم، ۹/۳٪ مواد آلی و آب، ۰/۴۶٪ اکسید آهن و آلومینیوم، ۱/۷٪ منگنز و مواد قلیایی، ۰/۱٪ سیلیکا و ۰/۰۳٪ انیدرید فسفریک.

نسخه‌های دارویی (از اصفهان - ایران)

برای سردرد

صبحانه: عناب، گل اروانه، مرز نقوش، نبات و تخم کشتیز.
از هر یک دو مثقال باید باشد. اما از نبات ۵ مثقال باید بگیرد.

عصرانه: نبات، تخم کشتیز، اسقوندوس

از هر یک دو مثقال بگیرد اما از نبات ۵ مثقال باید باشد. مخلوط این ترکیبات در آب جوشانده می‌شود و نوشیده می‌شود.

برای درد سر

آب کشتیز، مغز هسته آبلالو، سدل سرخ، تریاک
این دوا را اسائیده و پیشانی بمالید

برای ذات الریه و ذات الجنب

لعاب به دانه، موم کافوری، روغن بادام

مقداری از هریک مخلوط کرده و می‌ماند. این دوا ی مالیدنی می‌باشد

برای درد معده و سینه

صجانه: عناب، بهدانه، گل بنفشه، روغن بادام، سماق عربی، پستان، شکر سفید، تاجریزی

از هریک دو مثقال ولی از پستان و عناب ۵ عدد

عصرانه: بهدانه، مغز تخم کدو، روغن بادام از هریک دو مثقال

ترکیبات مخلوط شده و جوشانده می‌شود و نیم مثقال روغن بادام بعد از جوشانده شدن به هر دو ترکیب بالا اضافه می‌شود.

دو سیتاریا (اسهال خونی)

بارهنک، ریشه تخمی، تاجریزی، شکر سفید، روغن بادام، تخم حُماض، کهربا، از هریک از این دواها دو مثقال. کهربا دو نخود و

بارهنک و تخم حُماض از هریک نیم مثقال

بعد از جوشاندن روغن بادام را اضافه کرده استعمال کنند.

برای بیرون آمدن بواسیر

ریشه انجبار (*Euphorbia Pilulifora*) را بصورت مالینی مصرف می کنند.

برای رفع بیرون آمدن بواسیر خونی

گل گاوزبان، تخم تره، گز آنگین، مقل ابرق،

از هر کدام دو مثقال ولی از گز آنگین ۷ مثقال باشد. بعد از مخلوط جوشانده و مصرف می کنند.

برای بستن روی بواسیر

زرده تخم مرغ، کوهان شتر، مغز قلم گاو، روغن بادام.

این مواد را نیم گرم کرده ضا می کنند بر روی بدن می مالند.

برای رفع بیرون آمدن بواسیر بادی

اکسیر ترکی، تره خشک، اینهار ازیر پای یار آتش می کنند.

برای بند آوردن خون

مازوی سبز، زاج سفید.

مازوراسائیده و روی زخم می‌پاشند. زاج را می‌مالند.

برای بند آوردن خون دماغ

شازنج، کهربا، ریشه مرجان، حدس.

این مواد را سائیده و با قدری پنبه و تار عنکبوت بر روی بینی می‌گذارند.

پنچنین استفاده از آب یخ روی پیشانی، سرو پا و دستها توصیه می‌شود.

برای حیضه

گل گاوزبان، مغز هسته آلبالو، پوست پسته، نبات، روغن بادام، بتاشیر، پاذهر.

از هر یک دو مثقال ولی از توأشیر و پاذهر ۲ نخود و شکر ۵ مثقال اضافه می‌شود به مخلوط که در حال جوشیدن است و می‌خورند.

برای درمان زیادی خون حیض

مازوی سوخته، خون سیاوشان، برگ مورد، پوست انار. اینها را نرم کرده

قئیده پشی را در آب پوست انار که جوشانیده اند گذارده، پس این قئیده پشی را در نرم شده مواد دیگر گذاشته. این قئیده را در

محل خونریزی می گذارند برای چندین مرتبه تا کل خون قاعده کی را جذب کند.

برای کشودن خون حیض

اهل، رازیانه، زهره گاو، تخم مورد.

دواها را نرم کرده پشم خیس را در این دواها گذاشته تا مواد را جذب کند و بصورت داخلی استعمال می شود. از هر یک ۲ مثقال.

برای اسقاط جنین

اهل، پوست مار، اینها را زیر پای مادر آتش می کنند و دود باعث سقط جنین می شود.

برای آبستن نشدن (۱)

روزی نیم نخود آفتوره را حب کرده و بخورند.

برای آبستن شدن (۲)

سنب الاغ خوب می سائید و روی کهنه مالیده و بصورت داخلی آنرا استعمال می کنند و می مانند. این دو کار را باید ۳ روز بعد از اینکه حیض شدند بکنند.

برای رفع سختی زایمان

چهار مثقال روغن بادام باد و فحان آب گرم را مخلوط کرده و بنوشند

و یا

مکک را با نبات دم کرده و بنوشند. نزد زن قابله دانا و خوب و فهمی باید باشد.

برای تقویت باد (ناتوانی جنسی)

ابریشم خام، شتافل (هویج وحشی)، بهمن سرخ و سفید، تودی سرخ و سفید (سماق)، جلغوزه، مغز بادام، نارگیل، مغز
پسته، عسل را معجون دست کرده و دو مثقال قبل از حاجت می‌خورند.

برای رفع روماتیسم

گل گاوزبان، بوزیدان، مغز اکلیل، سورنجان، نبات، از هر یک دو مثقال گرفته می‌جوشانند و می‌خورند.

و یا

گود صلیب، سورنجان، هسته آبلو، تریاک، آب کشتیز با هم مخلوط کرده می‌مالند.

و یا

روغن بذر البنک، روغن گردو، با هم مخلوط کرده و می‌مالند.

برای استخوان‌های شکسته

روغن موم، زرده تخم مرغ، اینهارا نیمه گرم کرده و روی شکستگی استخوان می‌گذارند و عضو شکسته را با کجک تکه چوب ثابت
کرده و می‌بندند. روغن موم از همه بهتر است.

برای جلوگیری از ریزش مو

کُندر، روغن گل سرخ، از هر یک قدری گرفته مخلوط کرده و می مالند.

برای جلوگیری از رشد موهای زائد

منزکته کوسفند، ساق عربی، روغن زیتون. هر یک قدری گرفته مخلوط کرده و می مالند.

برای مارگزیده گی

داروی مشخصی ندارد باید محل زخم را با چاقو برید و قطعه ای زغال داغ را روی زخم باز قرار داد.

جداول تطبیقی اسامی داروها و گیاهان مورد استفاده همراه با نام علمی آنها

ALPHABETICALLIST OF NATIVE NAMES WITH LATIN EQUIVALENTS			
تلفظ نام گیاه داروئی	نام علمی گیاه داروئی	تلفظ نام گیاه داروئی	نام علمی گیاه داروئی
Aabb-el-harar (Teh.)	Juniperus excelsa Bieb.	Akar (Bal.)	Sesbania aculeata Poir
Abhil (Teh.)	Juniperus excelsa Bieb.	Aketi (Ham.)	Astragalus hamosus L.
Abhil (Teh)Abir (Pers)	Crocus sativus L.	Akhrot (Hind.)	Juglans regia L.
Ab-i-sham (Teh.)	Zataria multiflora Boiss.	Aksir-i-turki (Teh.)	Acorus Calamus L.
Abrisham (Teh.)	Bombyx fortunatus Hutton.	Akulla (Ar.)	Commiphora opobalsamum Kunth
Abu Suwaif (Ar.)	Hordeum sp.	Alaf-khareg (Afg.)	Crataegus orientalis Bieb
Acoron (Gr.)	Acorus calamus L.	Alashi (Ind.)	Linum usitatissimum L.
Adas (Turk.)	Lens esculenta Moench (also p 194)	Alfabaca (Port.)	Ocimum Basilicum L.
'Adas-i-talkh (Teh.)	Indigofera Roxburghii Jaume	Al-kanna (Ar.)	See Onosma echioides L.
Adas mar (Bagh.)	Lens esculenta Moench	Alkikenji (Ar.)	Physalis Alkekengi L.
'Adasu '1-mulk (Teh.)	Nummulites sp.	Alsi (Ind.)	Linum usitatissimum L.
Adhafir-aj-jian (Iraq.)	Astragalus hamosus L.	Alu (Teh.)	Prunus institia L. var. bokharensis
Adhafir-ash-shaitan (Iraq.)	Astragalus hamosus L.	Alu-bokhara (Teh.)	Prunus institia L. var. bokharensis
Affaz (Teh.)	Quercus infectoria Olivier	Alucha (Hind.)	Prunus domestica L. var. Juliana
Afsant-el-bahara (Ar.)	Artemisia maritima L.	Aluchah (Teh.)	Prunus domestica L. var. Juliana
Afsantm (Teh.)	Artemisia vulgaris L.	Ambari (Duk.)	Hibiscus cannabinus L.
Afsantln-i-hindi (Ar.)	Artemisia vulgaris L.	Amlaj (Ar.)	Phyllanthus Emblica L.
Afs-el-batum (Tri.)	Pistacia Khinjuk Stocks	Amla morabba (Turk.)	Phyllanthus Emblica L.
Afsin (Teh.)	Zataria multiflora Boiss	Ammeos (Ph. Pers.)	Carum copticum Benth. & Hook
Aftab gardan (Teh.)	Helianthus annuus L.	Amulah-i-suftah (Teh.)	Phyllanthus Emblica L
Aftimun	Cuscuta planifolia Ten. and C. hyalina Roth	Amulah-mugashshar (Isf.)	Phyllanthus Emblica L
Afyun (Iraq.)	Papaver somniferum L.	Andiz otu (Turk.)	Inula Helenium L.
Agalactie (Schl.)	Lecanora esculenta Eversm	Anduz (Ham.)	Inula Helenium L
Agirgarha (Teh., Isf.)	Anacyclus Pyrethrum DC	Anghinar (Turk.)	Cynara Scolymus L.
Ajees-aafs (Ar.)	Quercus infectoria Olivier	Angul Drakh (Ind.)	Vitis vinifera L.
'Ajlbah (Punj.)	Triticum vulgare Vill	Angum (Teh.)	Acacia Senegal Willd
Ajibak	Trtticum sp	Angur (Hind.)	Vitis vinifera L

تلفظ نام گیاه داروئی	نام علمی گیاه داروئی	تلفظ نام گیاه داروئی	نام علمی گیاه داروئی
Ajll-i-turki (Teh.)	Acorus Calamus L.	Angur-i-kauli or kawali(Iraq, Pers)	Loranthus Grewinkii Boiss. & Bunge
Ajmud (Hind.)	Apium graveolens L.	Anila-ghnaka (Sans.)	Terminalia bellerica Roxb
Ajowan (Hind.)	Carum copticum Benth. & Hook	Anisun (Teh.)	Pimpinella Anisum L.
Ajwain (Hind.)	Carum copticum Benth. & Hook	Anitum (Yunani)	Peucedanum graveolens Benth. & Hook
Ajwain-ka-phul (Ind.)	See Carum copticum Benth. & Hook	Anjabar-i-rumi (Pers)	Polygonum Bistorta L.
Akalkara (Hind.)	Anacyclus Pyrethrum DC	Anjar (Iraq.)	Prunus domestica L. var. Juliana
Annee (Fr)	Inula Helenium L.	Babunaj	Anthemis Wiedemanniana Fisch. & Mey
Antchibun (Tab.)	Pimpinella Anisum L.	Babunaj (Pers.)	Matricaria Chamomilla L
Anzarut (Ar.)	Astragalus fasciculaefolius Boiss	Bach (Punj)	Acorus Calamus L.
Aola amla (Hind)	Phyllanthus Emblica L	Badam-i-talkh (Teh.)	Prunus Amygdalus Stokes var. amara Baill
Arab qosi (Turk)	Glossostemon Bruguieri Desf	Badian (Pers.)	See Foeniculum vulgare Mill
Arak-badiani (Schl)	Pimpinella Anisum L.	Badian (Ar.)	See Pimpinella Anisum L.
Arak Hail (Bagh)	Elettaria Cardamomum Maton	Badian-i-rumi (Teh.)	Pimpinella Anisum L.
Arakta chandana (Sans)	Pterocarpus santalinus L	Bad-i-ranjah buyah (Teh.)	Dracocephalum Moldavica L.
Ardi-shauki (Ar)	Cynara Scolymus L	Bad-i-ranjah-buyah (Teh.)	Asperugo procumbens L.
Arjan (Hind)	Antimonium Sulphidum	Badiyan-i-khata'i (Pers.)	Illicium verum Hook. f
Arpa (Turk)	Hordeum sp	Badiyan-i-sabz (Teh., Ham.)	Foeniculum vulgare Mill
Arwah-i-kunjad (Pers)	Sesamum indicum L.	Badrandj-boia	See Asperugo procumbens L.
Arzan (Pers)	Panicum miliaceum L.	Badrendj-bou-yih (Schl.)	Dracocephalum Moldavica L.
Asal-alsus	Glycyrrhiza glabra L.	Badrish-bu (Tab.)	Dracocephalum Moldavica L.
Asalia (Bom)	Lepidium sativum L	Badroudge ibieze (Schl.)	Ocimum canum Sims.
Asarun (Teh)	Asarum europaeum L.	Badyan (Afg.)	Foeniculum vulgare Mill
Asbaghul (Pers)	Plantago ovata Forsk	Baghala (Iraq)	Vicia Faba L.
Asbarg (Iran)	Delphinium Zalil Ait. & Hemsl	Bahar-i-naranj (Teh.)	Citrus sinensis (L.) Osbeck
Aschna (Ar)	See Roccella Montagnei B61	Bahman-i-p!ch (Teh.)	Helicleres Isora L.
Asfar-i-makkl (Teh)	Cymbopogon Schoenanthus Spreng	Baibun (Mosul)	Matricaria Chamomilla L.
Asgandh (Hind., Guz)	Withania somnifera Dunal	Bajindak (Afg., Hind.)	Lepidium Draba L.
Asil-a-krasb (Afg.)	Apium graveolens L.	Bakayan (Hind.)	Melia Azedarach L.
Aspand (Kurd)	Peganum Harmala L.	Bakla (Hind.)	Vicia Faba L.
Asphaltum Persicum	Mummy	Baladur (Teh., Isf.)	Semecarpus Anacardium L.

تلفظ نام گیاه داروئی	نام علمی گیاه داروئی	تلفظ نام گیاه داروئی	نام علمی گیاه داروئی
Asphaltum Punjabinum	Mummy	Barg-i-hind Iran (Teh.)	Butea frondosa Roxb
Aspust (Bal.)	Medicago saliva L	Barg-i-livas (Isf.)	Rheum Ribes L.
Aswarg (Iran.)	Delphinium Zalil Ait. & Hemsl	Barg-i-murd (Teh.)	Myrtus communis L.
Atasi (Ind)	Linum usitatissimum L.	Barg-i-naranj (Isf.)	Citrus sinensis (L.) Osbeck
Atractus (Gr.)	Carthamus tinctorius L.	Barg-i-quitaran (Teh.)	Chrozophora verbascifolia Juss
Avartin (Sans)	Helicteres Isora L	Barg-i-sadhaj (Teh.)	Cinnamomum Cassia Blume
Azaraki (Ind.)	Strychnos Nux Vomica L.	Barg-i-unnab (Teh.)	Zizyphus vulgaris L.
Azkar (Teh)	Cymbopogon Schoenanthus Spreng	Barg tiol (Teh.)	Tilia rubra DC
Baberang (Hind)	Embelia Ribes Burm	Barhang (Teh.)	Plantago major L.
Babuna	Anthemis Wiedemanniana Fisch. & Mey	Barhi	Phoenix dactylifera L.
Babunah (Teh.)	Matricaria Chamomilla L.	Barljah (Teh.)	Ferula galbaniflua Boiss.
Balasan (Ar.)	Commiphora opobalsamum Kunth	Bar-i-tang (Bal.)	Plantago major L.
Balchar (Afg.)	Nardostachys Jatamansi DC	Bariz (Teh.)	Ferula galbaniflua Boiss.
Balera (Hind.)	Terminalia bellerica Roxb	Barmakiya (Pers.)	Vetiveria zizanioides Stapf.
Balilah (Teh., Isf.)	Terminalia bellerica Roxb	Bar ranjubah (Teh.)	Asperugo procumbens L.
Balingu (Ham.)	Lallemantia Royleana Benth	Barsim (Iraq)	Trifolium alexandrinum L.
Balingu shahrl (Teh.)	Lallemantia ibirica F. & M	Baryadh dari (Turk.)	Sorghum vulgare Pers.
Balingu-shirazI (Teh.)	Lallemantia Royleana Benth	Basal (Ar.)	Allium Cepa L.
Balut (Teh.)	Quercus persica Jaub. & Spach	Basarak Katrin (Pers.)	Linum usitatissimum L.
Bango (Port.)	Hyoscyamus reticulatus L.	Basfaij (Ind. bazaars)	Polypodium vulgare L.
Banj barri (Iraq)	Hyoscyamus reticulatus L.	Bas-fayij (Teh.)	Polypodium vulgare L.
Banklent (Bal.)	Vicia Faba L.	Basilikon Kuminon (Gr.)	Carum copticum Benth. & Hook.
Banoi	Anthemis Wiedemanniana Fisch. & Mey	Bazbaz (Pers.)	Myristica fragrans Houtt.
Bans lochan (Hind.)	Bambusa arundinacea L.	Baz-i-tamar-hindi (Ar.)	Tamarindus indica L.
Baphalli (Hind.)	Corchorus olitorius L.	Bazrak (Ham.)	Linum usitatissimum L.
Baqilla (Turk.)	Vicia Faba L.	Bazr-el-fujl (Ar.)	Raphanus sativus L.
Baqlah (Turk.)	Vicia Faba L.	Bazr-i-banj (Teh., Ham.)	Hyoscyamus reticulatus L.
Barambi (Hind.)	Taxus baccata L.	Bazr ul Kattan (Achundow)	Linum usitatissimum L.
Barbati (Beng.)	Vigna Catjang Walp	Bazrul khasa (Ar.)	Lactuca sativa L.
Bardane (Teh.)	Arctium Lappa L.	Bdellium (Hind.)	Commiphora Mukul Engl.
Barg-i-gav-zaban (Teh)	Echium sericeum Vahl	Bedanjir	Ricinus communis L.

تلفظ نام گیاه داروئی	نام علمی گیاه داروئی	تلفظ نام گیاه داروئی	نام علمی گیاه داروئی
Bekh (Ait.)	Gypsophila paniculata L.	Bonduk-i-hindi (Ar.)	Caesalpinia Bonducella Roxb
Bekh-i-sumbul (Pers.)	Nardostachys Jatamansi DC.	Bon tamaku (Ar.)	Verbascum Thapsus L.
Bekh-sus	Glycyrrhiza glabra L.	Bughdai (Turk)	Triticum sp.
Benj (Ar.)	Hyoscyamus reticulatus L.	Bui madaran (Punj.)	Achillea Santolina L.
Ber (Hind.)	Zizyphus vulgaris L.	Bundaq (Iraq)	Corylus Colurna L.
Berengue Kabooi (Schl.)	Embelia Ribes Burm.	Buqnaq (Teh.)	Glossostemon Bruguieri Desf
Berij sadri Gilan (Teh.)	Oryza sativa L.	Burghul (Kurd.)	Triticum durum Desf. (p 182).
Bernooty (Iraq)	See Nicotiana Tabacum L. and N. rustica L.	Buski (Bal.)	Lepidium Draba L.
Bhela (Hind.)	Semecarpus Anacardium L.	Bussud (Ar.)	Corallium rubrum Lam.
Bhilava (Hind.)	Semecarpus Anacardium L.	Butinak (Teh.)	Saussurea Lappa C. B. Clarke.
Bibi (Bal.)	Pyrus Cydonia L.	Buzghanj (Ham., Isf.)	Pistacia Khinjuk Stocks.
Bid-anjubin (Afg.)	Salix fragilis L.	Buzldan (Ham., Teh.)	Withania somnifera Dunal
Bide Knecht (Achundow)	Salix fragilis L.	Buzz-ul-karaphs (Ar.)	Apium graveolens L.
Bidend jireh khatai	Croton Tigilium L.	C'a (N. Chin.)	Thea sinensis L.
Bld-khisht (Teh.)	Salix fragilis L.	Cai (Russian)	Thea sinensis L.
Bihidana (Pers.)	Pyrus Cydonia L.	Camphire (Syr.)	Lawsonia alba Lam.
Bikh-anjubaz (Punj.)	Polygonum Bistorta L.	Cha (Hind.)	Thea sinensis L.
Bikh-i-banafshah (Teh.)	Iris spuria Pall.	Chab roman (Bagh.)	Punica Granatum L.
Blkh-i-hallmun (Teh.)	Asparagus officinalis L.	Chagzl (Iraq)	Juglans regia L.
Blkh-i-shankaran (Isf.)	Conium maculatum L.	Chahar tankhush (Teh.)	Pistacia integerrima Stew.
Bikh-i-wala (Pers.)	Vetiveria zizanioides Stapf.	Chahar-tukhmah (i.e. four seeds)	Plantago major, Alyssum campestre, Cordia Myxa, Pyrus Cydonia (p. 98)
Bin-i-talkh (Isf.)	Indigofera Roxburghii Jaume.	Cha'l sabz (Teh.)	Thea sinensis L.
Biranj mishk	Calamintha graveolens Benth	Chakha-khoul (Turk.)	Trachydium Lehmanni Benth.
Birinjasaf (Ind. bazaars)	Achillea Santolina L.	Chaltuk (Kurd.)	Oryza saliva L.
Birinj-i-kabuli (Teh., Isf.)	Embelia Ribes Burm	Ghana (Hind.)	Cicer arietinum L.
Birinj-i-sadri (Teh.)	Oryza sativa L.	Charmaghy (Pers.)	Juglans regia L.
Bizousha dishi and erkek (Turk.)	Plantago major L.	Chasm (Ham., Teh.)	Cassia Absus L.
Bizr dinbil (Iraq)	Plantago major L.	Chasm-i-khurus (Pers.)	Abrus precatorius L.
Bizre Kattane (Schl.)	Linum usitatissimum L.	Chatlanguch (Ham.)	Pistacia integerrima Stew.
Bol (Hind., Bom.)	Commiphora Molmol Engl	Chighaghole metri (Schl.)	Trachydium Lehmanni Benth.
Bol shiah (Hind.)	Aloe Perryi Baker	China (Hind., Sans.)	Panicum miliaceum L.

تلفظ نام گیاه داروئی	نام علمی گیاه داروئی	تلفظ نام گیاه داروئی	نام علمی گیاه داروئی
Chinai-katha (Bom.)	Uncaria Gambler Roxb.	Dari (Hind.)	Sorghum vulgare Pers.
Chini (Chin.)	See Saccharum officinarum L.	Darunaj-i-akrabi (Teh., Ham.)	Doronicum Pardalianches L.
Chiresh	Eremurus Aucherianus Boiss.	Darvunedge eghrebi (Schl.)	Doronicum Pardalianches L.
Chir zadi (Schl.)	Lecanora esculenta Eversm.	Datura (Hind.)	Datura Stramonium L.
Chitra (Bom.)	Plumbago rosea L.	Davalah (Ham.)	Roccella Montagnei Bel.
Chitrak (Hind.)	Plumbago rosea L.	Dawalak (Achundow)	See Roccella Montagnei B61.
Chitraka (Sans.)	Plumbago rosea L.	Dhanya (Hind.)	Coriandrum sativum L.
Chob-i-kut (Afg.)	Saussurea Lappa C. B. Clarke	Dhupa	Boswellia Carterii Bird.
Chota gokhru (Hind.)	Tribulus terrestris L.	Dhurah (Ar.)	Sorghum vulgare Pers.
Chowli (Hind.)	Vigna Catjang Walp.	Dibk (Ar.)	Loranthus Greunnkii Boiss. & Bunge
Chub Chini (Ind. bazaars)	Smilax China L. and S. glabra Roxb.	Digal	Phoenix dactylifera L.
Chughak	Prosopis Stephaniana Kunth	Digh-dighane (Isf.)	Celtis australis L.
Chuk-andar (Hind.)	Beta vulgaris L.	Djusha (Pers.)	Thymus Serpyllum L.
Chukundar (Turk.)	Beta vulgaris L.	Doronic (Gr.)	Doronicum Pardalianches L.
Chuli (Botes)	Prunus Armeniaca L.	Doronicum Graeci (Ph. Pers.)	Doronicum Pardalianches L.
Chunniah	Sigillated Earth	Drakh (Hind.)	Vitis vinifera L.
Costum amarum (Ph. Pers.)	Saussurea Lappa C. B. Clarke	Draksha (Sans.)	Vitis vinifera L.
Cowri (Hind.)	Cypraea moneta L.	Dudhi (Ind. bazaars)	See Citrullus vulgaris Schrad.
Cummun (Syr.)	Cuminum Cyminum L.	Dugre bore (Bom.)	Cidaris sp.
Cuscuta (Lat.)	Cuscuta planifolia Ten. and C. hyalina Roth	Dukhn (Iraq)	Panicum miliaceum L.
Dahan-bastah (Teh.)	Zanthoxylum Rhetsa DC.	Dulm-ul-hasak	See Tribulus terrestris L.
Dahan bastah-baz (Teh.)	Zanthoxylum Rhetsa DC.	Dza (Chin.)	Thea sinensis L.
Dairi	Phoenix dactylifera L.	Ela (Sans.)	Amomum subulatum Roxb.
Dalik (Ar.)	Rosa hemisphaerica Herm.	El-sabuniyeh (Ar.)	Gypsophila paniculata L.
Dall (Ind. bazaars)	ens esculenta Moench	Enula Campana (Med. Lat.)	Inula Helenium L.
Damaverah (Ham.)	Rosa hemisphaerica Herm.	Epitymon (Gr.)	See Cuscuta planifolia Ten. & C. hyalina Roth
Dam-el-akhwain (Ar.)	Dracaena Cinnabari Balf.	Erok Chatma (Achundow)	Althaea ficifolia Cav.
Dam-i-albalu (Teh.)	Prunus Cerasus L.	Erok Chatma (Bagh.)	Althaea rosea L. (p. 83)
Daramanah (Teh.)	Artemisia maritima L.	Erok Hail (Bagh.)	Elettaria Cardamomum Maton.
Darasini (Ar.)	Cinnamomum Cassia Blume	Erok orab kuzzi (Iraq)	Glossostemon Bruguieri Desf.
Dar-chlm (Isf.)	Cinnamomum Cassia Blume	Erva dos (Dymock)	Pimpinella Anisum L.

تلفظ نام گیاه داروئی	نام علمی گیاه داروئی	تلفظ نام گیاه داروئی	نام علمی گیاه داروئی
Fadzehre heyvani (Schl.)	Copra aegagrus Gmel.	Garchak farang! (Teh.)	Ricinus communis L.
Faranj mishk	Calamintha graveolens Benth.	Gashnish (Turk.)	Coriandrum sativum L.
Fasuliyah (Iraq)	Phaseolus vulgaris L.	Gaz-alafi (Teh.)	Tamarix gallica L. var. mannifera Ehrenb.
Filfil ahmer (Ar.)	Capsicum frutescens L.	Gaz-anjabin (Teh.)	Tamarix gallica L. var. mannifera Ehrenb.(also p. 162)
Filfil-i-surkh (Teh.)	Capsicum frutescens L.	Gaz-i-khunsar (Teh.)	Tamarix gallica L. var. mannifera Ehrenb.
Filfil muyeh (Teh.)	Capsicum frutescens L.	Gaz-i-shakar	Tamarix gallica L. var. mannifera Ehrenb.
Findak (Hind.)	Corylus Columna L.	Gehun (Hind.)	Triticum vulgare Vill.
Findaq (Iraq)	Corylus Columna L.	Gentar	Phoenix dactylifera L.
Flores Punicae granati (Ph. Pers)	Punica Granatum L.	Gharekum (Hind., Bom.)	Polyporus officinalis Fries
Folusi (Yark.)	Cassia Fistula L.	Gharlgun (Teh.)	Polyporus officinalis Fries
Foveh (?) (Ham.)	Cirsium lanceolatum L.	Gharikun (Ind. bazaars)	Polyporus officinalis Fries
FraiyOnah (Iraq)	Tulipa montana Lindl.	Ghariquin (Gr.)	See Agaric
Fudanaj (Ar.)	Mentha sylvestris L.	Ghartsche (Schl.)	Agaric
Fufal (Teh., Ar.)	Areca Catechu L.	Ghaza gouzanah (Teh.)	Inula Helenium L.
Fulus (Isf.)	Cassia Fistula L.	Ghich (Ham.)	Crataegus orientalis Bieb.
Fuluz mahi (Pers.)	Strychnos Nux-vomica L.	Ghodaoumche chirazi (Schl.)	Alyssum campestre L.
Funduk (Teh.)	Corylus Columna L.	Ghya ke bij (Hind.)	Lagenaria vulgaris Ser.
Futfuteh (Teh.)	Adansonia digitata Juss.	Giafari (Schl.)	Heracleum persidum Desf.
Fuwwah (Ar.)	Rubia Cordifolia L. and R. tinctorium L.	Giash mashi (Ham.)	Quercus sp.
Gach-i-kashan (Teh.)	Calcium Sulphate	Gidar tamaku (Hind.)	Verbascum Thapsus L.
Gaiwuzh (Turk.)	Crataegus orientalis Bieb.	Gila (Beng.) Entada gigas (L.)	Fawc. & Rendle
Gaizar (Iraq)	Daucus Carota L.	Gil-i-arman! (Pers., Hind.)	Armenian Earth
Gajur (Hind.)	Daucus Carota L.	Gil-i-batuni	Sigillated Earth
Gandhak (Hind.)	Sulphur	Gil-i-berz	Sigillated Earth
Gandum-abi (Teh.)	Triticum vulgare Vill.	Gil-i-daghistan (Isf., Teh.)	Russian Clay
Gandum-i-safld (Teh.)	Triticum vulgare Vill.	Gil-i-dschar (Achundow, Ph. Pers)	Calcium Sulphate
Ganim (Kurd.)	Triticum sp.	Gil-i-gazwin	Sigillated Earth
Gaoshira (Teh.)	Ferula galbaniflua Boiss.	Gil-i-gubrasi	Cyprus Clay, Sigillated Earth
Garabi (Hind.)	Entada gigas (L.) Fawc. & Rendle	Gil-i-igritus	Cretan Earth, Sigillated Earth
Gara tsochorek oti (Tab.)	Nigella arvensis L. (p. 144)	Gil-i-khurasani	Edible Chalk, Sigillated Earth
Gara za'rak (Tab.)	Lallemantia ibirica F. & M.	Gil-i-makhdum (Teh.)	Sigillated Earth

تلفظ نام گیاه داروئی	نام علمی گیاه داروئی	تلفظ نام گیاه داروئی	نام علمی گیاه داروئی
Gil-i-misri	Egyptian Earth, Sigillated Earth	Guezmazedj (Teh.)	Tamarix pentandra Pall.
Gil-i-sarshur (Teh., Afg.)	Edible Clay	Gugal (Hind.)	Commiphora Mukul Engl.
Gil-i-shamus	Samian Earth, Sigillated Earth	Gugird-i-akhmar (Teh.)	Sulphur
Gil-i-zard	Yellow Clay, Sigillated Earth	Gugird-i-zard (Teh.)	Sulphur
Gil-khwar (Laufer)	See Armenian Earth	Guize khouncar (Schl.)	Tamarix pentandra Pall.
Gingelly (Hind.)	Sesamum indicum L.	Gujar (Bom.)	Astragalus fasciculaefolius Boiss.
Girdu (Teh.)	Juglans regia L.	Gul gaindo (Bal.)	Tagetes erecta L.
Gizar Gia (Kurd.)	Hordeum sp.	Gul-i-abbasa (Pers.)	Mirabilis Jalapa L.
Glans Quercus Ballotae (Ph. Pers)	Quercus persica Jaub. & Spach	Gul-i-anar (Teh.)	Punica Granatum L.
Godumai (Tarn.)	Triticum vulgare Vill.	Gul-i-arbore(?) (Teh.)	Salvia Hydrangea DC.
Gogut (Yark.)	Sulphur	Gul-i-babuna (Ham.)	Anthemis Wiedemanniana F. & M.
Goi-zira (Tab.)	Cuminum Cyminum L.	Gul-i-banafshah (Teh.)	Viola sp.
Gole himmicheh behar (Schl.)	Calendula officinalis L.	Gul-i-bumadaran	Achillea Santolina L.
Goleper (Kerm.)	Heracleum persicum Desf.	Gul-i-chaman (Teh.)	Lolium rigidum Gaud.
Gole zarde (Schl.)	Rosa foetida Herm.	Gul-i-gav-zaban (Teh.)	Echium amoenum Fisch. & Mey. and other spp.
Gol tighol (Royle)	Echinops persicus Stev.	Gul-i-geshuz (Ham.)	Cuscuta planifolia Ten. and C. hyalina Roth
Goondina (Pers.)	Allium Cepa L.	Gul-i-halva (Isf.)	Celosia argentea L.
Gora vach (Hind.)	Acorus Calamus L.	Gul-i-hamaz (Dymock)	Rumex vesicarius L. (p. 167)
Gorochan (Hind.)	Capra aegagrus Gmel.	Gul-i-ja'fari (Teh.)	Tagetes erecta L.
Goulpere (Boiss.)	See Heracleum persicum Desf.	Gul-i-jauz	Myristica fragrans Houtt.
Govarikh (Bal.)	Tulipa montana Lindl.	Gul-i-kadu (Teh., Ham.)	Cucurbita Pepo DC.
Goz (Turk.)	Juglans regia L.	Gul-i-kajira (Ar.)	Carthamus tinctorius L.
Gozharik (Kurd.)	Citrullus Colocynthis Schrad.	Gul-i-kakanj	Physalis Alkekengi L.
Granati Cortex (Ph. Pers.)	Punica Granatum L.	Gul-i-keshus (Pers.)	Cuscuta planifolia Ten. and C. hyalina Roth
Guda (Hind.)	See Saccharum officinarum L.	Gul-i-khatm!	Althaea lavateraefolia DC.
Gudamah (Teh.)	Alyssum campestre L.	Gul-i-khatml (Teh.)	Althaea sp.
Gudamah-i-shahri (Teh.)	Alyssum campestre L.	Gul-i-khatmi (Ait.)	Malva sylvestris L. var. mauritiana Boiss.
Gudamah-i-sherazi (Teh.)	Alyssum campestre L.	Gul-i-livas (Ham., Teh.)	Rheum Ribes L.
Guetcha (Schl.)	Calcium Sulphate	Gul-i-mlufar (Teh.)	Nymphaea alba L.
Gueza-elefi (Schl.)	Quercus sp. (p. 162)	Gul-i-pan!rak (Teh.)	Malva sylvestris L. var. mauritiana Boiss.
Gueze elefi (Teh.)	Quercus Vallonea Kotschy	Gul-i-parr (Isf.)	Heracleum persicum Desf.

تلفظ نام گیاه داروئی	نام علمی گیاه داروئی	تلفظ نام گیاه داروئی	نام علمی گیاه داروئی
Gul-i-pisteh (Bom.)	Pistacia Khinjuk Stocks.	Hab-es-souda (Ar., Egy., Iraq)	Nigella saliva Sibth.
Gul-i-punah (Isf.)	Mentha sylvestris L.	Hab-safarjal	Pyrus Cydonia L.
Gul-i-punah (Teh.)	Hyssopus officinalis L. var. angustifolia Boiss.	Habul-khazra (Teh.)	Pistacia Khinjuk Stocks.
Gul-i-raman-zeba (Ait.)	Rosa foetida Herm.	Hab-ul-mahaliba (Ar.)	Prunus Mahaleb L.
Gul-i-rang (Teh.)	Carthamus tinctorius L.	Hab-us-sudan (Ar.)	Cassia Absus L.
Gul-i-sarnigun (Teh.)	Fritillaria imperialis L.	Hajarat el dib (Ar.)	Withania somnifera Dunal
Gul-i-sarv (Teh.)	Cupressus sempervirens L.	Hajaru'l-yahud (Pers.)	Cidaris sp.
Gul-i-serwaj (Pers.)	Hymenocrater elegans Br. (p. 168)	Hajr-el-armeni (Ar.)	Armenian Earth
Gul-i-shirper (Pers.)	Fritillaria imperialis L.	Halawi (Iraq)	Phoenix dactylifera L.
Gul-i-sipar (Teh.)	Heracleum persicum Desf.	Haldi (Hind.)	Curcuma domestica Val. and C. longa Trim.
Gul-i-surkh (Teh.)	Rosa damascena Mill.	Halilah-i-kabull (Teh., Isf.)	Terminalia Chebula Retz.
Gul-i-zard (Teh.)	Rosa foetida Herm.	Hallah-i-siyah (Teh., Isf.)	Terminalia Chebula Retz.
Gul-jaferi (Hind.)	Tagetes erecta L.	Hallah-i-zard (Teh., Isf.)	Terminalia Chebula Retz.
Gulkhanda	See Rosa damascena Mill.	Halim (Hind.)	Lepidium sativum L.
Gul nare-farci (Schl.)	Punica Granatum L.	Haliyun (Teh.)	Asparagus officinalis L.
Gulnar-i-farsi (Teh.)	Punica Granatum L.	Halu zhgarh (Kurd.)	Prunus domestica L. var. Juliana
Gur (Leh)	See Saccharum officinarum L.	Hamam Komandji (Turk.)	Malva sylvestris L. var. mauritiana Boiss.
Gurfah (Teh.)	Cinnamomum Cassia Blume	Hamlshah bahar (Teh., Iraq)	Calendula officinalis L.
Guzk (Kurd.)	Juglans regia L.	Handhal (Kurd.)	Citrullus Colocynthis Schrad.
Habbat Halwah (Iraq)	Peucedanum graveolens Benth. & Hook.	Hanzal (Ar.)	Citrullus Colocynthis Schrad.
Habb-dilmaluk (Ait.)	Croton Tiglium L.	Har (Hind.)	Terminalia Chebula Retz.
Habb-el-khatai	Croton Tiglium L.	Kara (Hind.)	Terminalia Chebula Retz.
Habb-el-nil (Ham.) f	Ipomoea hederacea Jacq.	Harhar-kohl (Afg.)	Juniperus excelsa Bieb.
Habb-el-salatin (Ham.)	Croton Tiglium L.	Haritaki (Beng.)	Terminalia Chebula Retz.
Habb-i-balsan (Isf.)	Commiphora opobalsamum Kunth	Haritala (Sans.)	Arsenic Trisulphide
Habbu'l ghar (Isf.)	Pistacia Khinjuk Stocks.	Harmal (Ar., Iraq)	Peganum Harmala L.
Habbu'l-ma'lab (Teh.)	Prunus Mahaleb L.	Harmal rutbah (Ar., Iraq)	Peganum Harmala L.
Hab-el-aas (Ar.)	Myrtus communis L.	Hartal (Hind.)	Arsenic Trisulphide
Hab-el-a'ra'r (Ind. bazaars)	Juniperus excelsa Bieb.	Hasach (Iraq)	Tribulus terrestris L.
Hab-el-balasana (Ar.)	Commiphora opobalsamum Kunth	Hasawi	Phoenix dactylifera L.
Hab-el-zalim (Ar.)	Hibiscus cannabinus L.	Hastah-i-albalu (Teh.)	Prunus Cerasus L.

تلفظ نام گیاه داروئی	نام علمی گیاه داروئی	تلفظ نام گیاه داروئی	نام علمی گیاه داروئی
Hastah-i-naranj (Teh.)	Citrus sinensis (L.) Osbeck	Tnab (Iraq)	Vitis vinifera L.
Hasta-i-zard alu (Pers.)	Prunus Armeniaca L.	Inab-ath-thalab (Teh.)	Solanum nigrum L.
Havah-i-chubah (Teh.)	Onosma echioides L.	Inab-ed-dib (Ar.)	Solanum nigrum L.
Hawuch (Turk.)	Daucus Carota L.	Indrajaou (Hind.)	Holarrhena antidysenterica Wall.
Hebbel asle (Schl.)	Tamarix pentandra Pall.	Indrazana (Hind.)	Citrullus Colocynthis Schrad.
Hebbul-beneh (Ar.)	Pistacia Khinjuk Stocks.	Intubus (Lat.)	Cichorium Intybus L.
Helenion (Gr.)	Inula Helenium L.	Irisha (Ind. bazaars)	Iris spuria Pall.
Hermodactyl (Gr.)	Colchicum luteum Baker and C. speciosumStev	Isbaghol (Bal.)	Plantago ciliata Desf. (p. 155)
Hil (Ar.)	Amomum subulatum Roxb.	Isband (Bom.)	Corchorus olitorius L.
Hil (Iraq)	Elettaria Cardamomum Maton.	Isfedaj (Ar.)	Plumbi Carbonas
Hil-i-qurab (Teh., Isf.)	Amomum subulatum Roxb.	Isghand (Bal.)	Zataria multiflora Boiss.
Hinna (Iraq)	Lawsonia alba Lam.	Ish-hony	Gossypium peruvianum (p. 123)
Hinnay-i-barg (Teh.)	Lawsonia alba Lam.	Ishkar (Ind. bazaars)	See Cymbopogon Schoenanthus Spreng.
Hintah	Triticum sp.	Iskhir (Ar.)	Cymbopogon Schoenanthus Spreng.
Hintah Khushnah	Triticum durum Desf. (p. 182)	Ispaghul (Pers.)	Plantago ovata Forsk.
Hintah Qandahar!	Triticum vulgare Vill.	Isparak (Teh.)	Delphinium Zalil Ait. & Hemsl.
Hintah walwal	Triticum sp.	Isparza (Yark.)	See Chahar-tukhmah
Hira dukhi (Hind.)	Dracaena Cinnabari Balf.	Isparzah (Teh.)	Plantago ovata Forsk.
Hirda (Bom.)	Terminalia Chebula Retz.	Ispinakh (Iraq)	Spinacia oleracea L.
Hishwarg (Bal.)	Delphinium Zalil Ait. & Hemsl.	Issikuttuz (Turk.)	Salvia Hydrangea DC.
Hsiang fu (Chin.)	Cyperus rotundus L.	Izgun (Bal.)	Zataria multiflora Boiss.
Hulbah (Iraq)	Trigonella Foenum-graecum L.	Izkhir-i-jami (Ar.)	Vetiveria zizanioides Stapf (also p. III)
Hurtamun (Iraq)	Lathyrus sativus L.	Ja (Chin.)	Thea sinensis L.
Idhrah baidha (Ar.)	Sorghum vulgare Pers.	Ja'ad (Iraq)	Teucrium Folium L.
Ighir iggur (Ar.)	Acorus Calamus L.	Jaephah (Hind.)	Myristica fragrans Houtt.
Ignatia	Amara Strychnos Ignatii Berg.	Ja'fari (Iraq)	Tagetes erecta L.
Iklll (Teh.)	Astragalus hamosus L.	Jamalgota (Punj.)	Croton Tiglium L.
Iklll-ul-malik (Ar.)	Astragalus hamosus L.	Jangali-haladi (Hind.)	Curcuma aromatica Salisb.
Iklll-ul-mulk (Bom.)	Astragalus hamosus L.	Jav (Sind)	Hordcum vulgare L.
Ilachi (Hind.)	Elettaria Cardamomum Maton.	Jata-masi (Sans., Hind.)	Nardostachys Jatamansi DC.
Imm-harmal	Punica Granatum L.	Jatt (Ar.)	Medicago saliva L.

تلفظ نام گیاه داروئی	نام علمی گیاه داروئی	تلفظ نام گیاه داروئی	نام علمی گیاه داروئی
Jau (Iraq)	Hordeum vulgare L.	Kadu (Hind.)	Cucurbita Pepo DC.
Jauz-i-buya (Teh., Ar.)	Myristica fragrans Houtt.	Kaf-i-darya (Ar.)	Sepia officinalis L.
Jav (Hind.)	Hordeum vulgare L.	Kafshah (Teh., Ham.)	Carthamus tinctorius L.
Jawz-i-rumi (Afg.)	Juglans regia L.	Kahkuti (Bal.)	Zizyphora tenuior L.
Jayanti (Beng.)	Sesbania aculeata Poir.	Kahu-khaskabija (Hind.)	Lactuca saliva L.
Jazar (Iraq)	Daucus Carota L.	Kaik-vash (Isf.)	Crataegus orientalis Bieb.
Jazr-ul-bostani (Ar.)	Daucus Carota L.	Kakanj (Isf., Teh.)	Physalis Alkekengi L.
Jequirity (Tupi, Brazil)	Abrus precatorius L.	Kakil-i-zard (Teh.)	Nannorrhops Ritchieana Wendl.
Jift (Teh.)	Pistacia integerrima Stew.	Kakutl (Teh.)	Zizyphora tenuior L.
Jiljil (Iraq)	Hibiscus cannabinus L.	Kaladanah (Hind.)	Ipomoea hederacea Jacq.
Jinjili (Hind.)	Sesamum indicum L.	Kala Drakh (Ind.)	Vitis vinifera L.
Jira (Beng., Bom.)	Cuminum Cyminum L.	Kala jira (Hind.)	Nigella saliva Sibth.
Jira-shak (N.E.Pers.)	Carum Bulbocastanum Koch	Kalamb-ki-jar (Hind.)	Jateorhiza Columba Miers
Joshan Shlrazi (Teh.)	Thymus Serpyllum L. var. Kotschyanus Boiss.	Kala-zirah (Afg.)	Carum Bulbocastanum Koch
Jouj macel (Ar.)	Datura Stramonium L.	Kalpah (Bom.)	Cinnamomum Cassia Blume
Jowar (Hind.)	Sorghum vulgare Pers.	Kalpura (Bal.)	Teucrium Stocksianum Boiss. (p. 178)
Joyi safld (Iraq)	Hordeum vulgare L.	Kamal (Ind.)	Nymphaea sp. (p. 144)
Joyi siyah (Iraq)	Hordeum vulgare L.	Kamela (Hind., Bom.)	Mallotus philippinensis Muell. Arg.
Joz (Turk.)	Juglans regia L.	Kam-parah (Punj., Yark.)	See Chahar-tukmah
Ju (Kurd.)	Hordeum vulgare L.	Kandal (Afg.)	Dorema Ammoniacum Don
Juft (Teh.)	Pistacia integerrima Stew	Kangar (Isf., Teh.)	Cynara Scolymus L.
Juntyana (Duk.)	Gentiana lutea L.	Kangar-i-dahri (Isf., Teh.)	Cynara Scolymus L.
Jupha (Hind.)	Hyssopus officinalis L. var. angustifolia Boiss.	Kanim (Kurd.)	Triticum vulgare Vill.
Jutyana (Isf.)	Gentiana lutea L.	Kanocha (Isf.)	Salvia macrosiphon Boiss.
Kababah-i-chlnl (Teh., Isf.)	Piper Cubeba L.	Kansburaj (Ind. bazaars)	Adiantum Capillus-Veneris L.
Kababah-i-dahan kushadeh (Pers.)	Zanthoxylum Rhetsa DC	Kapila (Mad.)	Mallotus philippinensis Muell. Arg.
Kabab-chini (Hind.)	Piper Cubeba L.	Karafs (Iraq)	Apium graveolens L.
Kabar (Pers., Iraq)	Capparis spinosa L.	Karanaphal (Ar.)	Eugenia aromatica Baill.
Kabiste talkh (Pers.)	Citrullus Colocynthis Schrad	Karasz (Hind.)	Prunus Cerasus L.
Kachola (Pers.)	See Datura Stramonium L	Karawyah (Iraq)	See Peucedanum graveolens Benth. & Hook.
Kachura (Hind.)	Curcuma Zedoaria Roxb. and C. ZerumbetRoxb.	Karaz (Ar.)	Prunus Cerasus L.

تلفظ نام گیاه داروئی	نام علمی گیاه داروئی	تلفظ نام گیاه داروئی	نام علمی گیاه داروئی
Karbasu (Achundow)	See Roccella Montagnei Bel.	Kesa	Quercus sp.
Karchak (Ham.)	Ricinus communis L.	Kesar (Kash.)	Crocus sativus L.
Karedemonah (Ham.)	Conium maculatum L.	Kesara (Hind.)	Crocus sativus L.
Karezgi (Bal.)	Solanum nigrum L.	Kesari (Hind.)	Lathyrus sativus L.
Karkooti	Egyptian Earth, Sigillated Earth	Keshus (Pers.)	Cuscuta planifolia Ten. and C. hyalina Roth
Karkum (Pers.)	Crocus sativus L.	Khabazi (Ar.)	Malva sylvestris L. var. mauritiana Boiss.
Karkum (Teh.)	Curcuma domestica Val. and C. longa Trim.	Khadrawi (Iraq)	Phoenix dactylifera L.
Kami Yarikh (Tab.)	Plantago sp.	Khakechi (Schl.)	Erysimum repandum L.
Kar shutur (Pers.)	Alhagi camelorum Fisch.	Khak-i-mugl (Teh.)	Commiphora Molmol Engl.
Karut (Afg.)	Bos indicus	Khakshlr (Teh.)	Sisymbrium Sophia L. (also p. 118)
Karvaya-i-dashti (Pers.)	Conium maculatum L.	Khakshir-i-shlrln (Teh.)	Sisymbrium Sophia L.
Kashburat (Teh.)	Adiantum Capillus-Veneris L.	Khakshir-talkh (Isf.)	Erysimum repandum L.
Kashburat-el-bir (Pers.)	Adiantum Capillus-Veneris L.	Khaksi (Hind.)	Sisymbrium Sophia L.
Kashi (Hind., Bom., Beng.)	Cichorium Intybus L.	Khalal	Phoenix dactylifera L.
Kashi (Leh)	See Saccharum officinarum L.	Khalal-i-naranj (Teh.)	Citrus sinensis (L.) Osbeck
Kashir (Bal.)	Erysimum repandum L.	Khand (Leh)	See Saccharum officinarum L.
Kashk Kashk (Kurd.)	Bos indicus	Kharbuz (Ind. bazaars)	See Citrullus vulgaris Schrad.
Kashus (Pers.)	Cuscuta planifolia Ten. and C. hyalina Roth	Kharbuzah-rubah (Pers.)	Citrullus Colocynthis Schrad.
Kashuth (Ar.)	Cuscuta planifolia Ten. and C. hyalina Roth	Khardal	Brassica nigra (L.) Koch
Kasis (Pers.)	Lepidium Iberis L. (p. 171)	Khardal-i-shahr! (Teh., Ham.)	Salvia sp.
Kassutha (Gr.)	Cuscuta planifolia Ten. and C. hyalina Roth	Khar-danick (Bal.)	Plantago ovata Forsk.
Katan (Ait., Afg.)	Linum usitatissimum L.	Khar-khasak (Teh.)	Tribulus terrestris L.
Katek bah(?) (Teh.)	Pyrethrum sp.(?)	Khar mahra (Pers.)	Cypraea moneta L.
Kathlra (Teh.)	Astragalus gummifer Labill.	Kharnuban (Isf.)	Prosopis Stephaniana Kunth
Kat-i-gulabI (Teh.)	Uncaria Gambier Roxb.	Khar-shnai (Kash.)	Pistacia integerrima Stew.
Katira gond (Hind.)	Astragalus gummifer Labill.	Khas Khas (Hind.)	Vetiveria zizanioides Stapf
Kat karanj (Hind.)	Caesalpinia Bonducella Roxb.	Khasib	Phoenix dactylifera L.
Katun (Ait., Afg.)	Linum usitatissimum L.	Khatmi	See Malva sylvestris L. var. mauritiana Boiss
Kavl-a-kuknar (Pers., Afg.)	Papaver somniferum L.	Khatmolt (Bal.)	See Mummy
Kawich (Isf.)	Crataegus orientalis Bieb.	Khavi (Hind.)	Cymbopogon Schoenanthus Spreng.
Keruwiah (Isf.)	Chaerophyllum sp.	Khaza-i-ibls	Caesalpinia Bonducella Roxb.

تلفظ نام گیاه داروئی	نام علمی گیاه داروئی	تلفظ نام گیاه داروئی	نام علمی گیاه داروئی
Khib-baze (Schl.)	Malva sylvestris L. var. mauritiana Boiss.	Kohi bang (Bal.)	Hyoscyamus reticulatus L.
Khili-wili (Tab.)	Lepidium Draba L.	Kohl Farsi (Pers.)	Astragalus fasciculaefolius Boiss.
Khira (Punj.)	Cucumis sativus L.	Kohl Kirmani	Astragalus fasciculaefolius Boiss.
Khitmi	See Malva sylvestris L. var. mauritiana Boiss	Kondochi (Schl.)	Veratrum album L.
Khitmi-i-kuchak (Pers.)	Malva sylvestris L. var. mauritiana Boiss.	Koriyan (Gr.)	Coriandrum sativum L.
Khorasain-ajwan (Ind. bazaars)	Conium maculatum L.	Kornub (Isf.)	Prosopis Stephaniana Kunth
Khove (Afg.)	Nannorrhops Ritchieana Wendl.	Kors-i-kamar (Ait.)	Entada gigas (L.) Fawc. & Rendle
Khu (Afg.)	Nannorrhops Ritchieana Wendl.	Koshataki (Sans.)	Luffa acutangula Roxb.
Khubah (Ar.)	Erysimum repandum L.	Krafas-al-bir (Iraq)	Adiantum Capillus-Veneris L.
Khubani (Hind.)	Prunus Armeniaca L.	Kriwarik (Turk.)	Agaric
Khub-kalan (Hind.)	Sisymbrium Sophia L.	Kriit (Afg.)	Bos indicus
Khulanjan (Teh.)	Languas officinarum Burkill	Kuchila (Hind.)	Strychnos Nux Vomica L.
Khun-i-siyavash (Isf.)	Dracaena Cinnabari Balf.	Kuchulah (Teh.)	Strychnos Nux Vomica L.
Khurma	Phoenix dactylifera L.	Kuhan-i-shutur (Teh.)	Camelus dromedarius L.
Khushak (Ham.)	Asparagus adscendens Roxb.	Kuhl (Pers.)	Antimonium Sulphidum
Khushk-horak (Afg.)	Bos indicus	Kukil-i-pol (Kash.)	Cuscuta planifolia Ten. and C. hyalina Roth
Kinguere (Schl.)	Cynara Scolymus L.	Kulambu (Teh.)	Jateorhiza Columba Miers
Kira (Hind.)	Cucumis sativus L.	Kunbut (Syr.)	Prosopis Stephaniana Kunth
Kirmani (Isf.)	Carum Bulbocastanum Koch	Kundij (Turk.)	Sesamum indicum L.
Kisa	Quercus sp.	Kundur (Achundow)	Gypsophila paniculata L.
Kishah-i-kasni (Ham., Teh.)	Cichorium Intybus L.	Kundur (Teh.)	Boswellia Carterii Bird.
Kisher Kundur	Boswellia Carterii Bird.	Kundura unsa and zakara	Boswellia Carterii Bird
Kish-kash (Ar.)	Papaver somniferum L.	Kundusch (Achundow)	Gypsophila paniculata L.
Kishmish (Pers.)	Vitis vinifera L.	Kundush (Ham., Teh.)	Veratrum album L.
Kishmish-askari (Bagh.)	Vitis vinifera L.	Kunjad (Bom.)	Astragalus fasciculaefolius Boiss.
Kishmish-i-dOgh (Bagh.)	Vitis vinifera L.	Kunjad (Kurd.)	Sesamum indicum L.
Kishmish-i-kull (Teh.)	Loranthus Grewinkii Boiss. & Bunge	Kunjada (Ait.)	Astragalus fasciculaefolius Boiss
Kishmish-i-sabzah (Bagh.)	Vitis vinifera L.	Kunjidah-i-surkh u safld (Teh.)	Astragalus fasciculaefolius Boiss.
Kishmish-kawali (Ind. bazaars)	Loranthus Grewinkii Boiss. & Bunge	Kurdumana (Hind.)	Conium maculatum L.
Kisht bar Kisht (Pers.)	Helicteres Isora L.	Kurk amla (Turk.)	Phyllanthus Emblica L.
Kodu (Ind. bazaars)	See Citrullus vulgaris Schrad	Kurwa (Ar., Iraq)	Ricinus communis L.

تلفظ نام گیاه داروئی	نام علمی گیاه داروئی	تلفظ نام گیاه داروئی	نام علمی گیاه داروئی
Kusam (Hind.)	Carthamus tinctorius L.	Lubiya-gul (Teh.)	Dolichos Lablab L.
Kusa misri (Leh)	See Saccharum officinarum L.	Lukah (Kurd.)	Gossypium sp. (p. 123)
Kust (Ham.)	Saussurea Lappa C. B. Clarke	Lyka (Iraq)	Rhodymenia sp.
Kutha Kushta patchuk (Hind.)	Saussurea Lappa C. B. Clarke	Mab-ul-dan (Ar.)	Melia Azedarach L.
Kuzbara (Ar., Iraq)	Coriandrum sativum L.	Maghdunes (Iraq)	Carum Petroselinum Benth.& Hook.
Lachyat-as-sheikh	See Lecanora esculenta Eversm.	Maglah	Matricaria sp.
Lakh (Bom.)	Lathyrus sativus L.	Mahizahraj (Ar.)	Verbascum Thapsus L.
Lala (Afg.)	Tulipa montana Lindl.	Mahriz (Kash.)	See Lecanora esculenta Eversm.
Lal-chandan (Hind.)	Pterocarpus santalinus L.	Maiphala (Hind.)	Quercus infectoria Olivier
Lai mirch (Hind.)	Capsicum frutescens L.	Majandri (Bal.)	Sesbania aculeata Poir.
Lang (Guz.)	Lathyrus sativus L.	Mak (Bal.)	Vigna Catjang Walp.
Lapis jadaicus (Ph. Pers.)	Cidaris sp.	Mamiran (Teh.)	Coptis Teeta Wall.
Lar (Kash.)	Cucumis sativus L.	Mamlz (Teh.)	Copra sp.
Lasurkh (Teh., Isf.)	Cupri oxidum	Mamlz-i-kiri (Teh.)	Copra sp.
Laung (Hind.)	Eugenia aromatica Baill.	Manjit (Hind.)	Rubia Cordifolia L. and R. tinctorium
Leeka (Iraq)	Rhodymenia sp.	Mansaril (Kash.)	Polygonum amplexicaule Don (p. 156)
Lehsan (Hind.)	Allium sativum L.	Marchubah (Ham.)	Asparagus adscendens Roxb.
Lek-poshte (Schl.)	Testudo horsfieldii Grey and T. graeca	Murchin gusht	Stachys lavandulaefolia Vahl
Lesan ul Lamal (Ar.)	Plantago ovata Forsk.	Marg-i-mahl (Teh.)	Anamirta paniculata Coleb.
Liane vermifuge (Fr.)	Quisqualis indica L	Marjanjush (Achundow)	Origanum Majorana L. (p. 174)
Lihayat as-shayib (Bagh.)	Roccella Montagnei Bel.	Marmut (Ait.)	Boucerosca Aucheri(l) (p. 135)
Lihayat as-shayib (Iraq)	Cladophora sp. (p. 165)	Marorphali (Hind.)	Helicteres Isora L.
Lihur	Phoenix dactylifera L.	Marv (Isf.)	Salvia macrosiphon Boiss.
Limmon Basra (Iraq)	Citrus aurantifolia (Christm.) Swingle	Marva (Yark.)	See Chahar-tukhmah
Limon (Iraq)	Citrus aurantifolia (Christm.) Swingle	Maryam nukhudi (Teh.)	Teucrium Folium L.
Limon-amman (Iraq)	Citrus aurantifolia (Christm.) Swingle	Marzanjush (Tab.)	Stachys lavandulaefolia Vahl
Livas (Pers., Ar.)	Rheum Ribes L.	Marzanpish (Teh.)	Zataria multiflora Boiss.
Lizan ul usafir (Achundow)	Holarrhena antidysenterica Wall.	Mash (Iraq, Pers.)	Phaseolus radiatus L.
Lubia (Iraq)	Vigna Catjang Walp.	Masha (Sans.)	Phaseolus radiatus L.
Lubia (Teh.)	Phaseolus vulgaris L.	Mashana churro (Bal.)	Mummy
Lubia-kermiz (Teh.)	Phaseolus vulgaris L.	Mash-i-maha (Afg.)	Phaseolus radiatus L.

نام علمی گیاه داروئی	تلفظ نام گیاه داروئی	نام علمی گیاه داروئی	تلفظ نام گیاه داروئی
Commiphora Mukul Engl.	Muql-i-abair (Teh.)	Lens esculenta Moench	Masur (Hind.)
Commiphora Mukul Engl.	Muql-i-azraq (Teh.)	Salvia aegyptica L. (p. 169)	Maur (Bal.)
Commiphora Mukul Engl.	Muql-i-yahud (Teh.)	Ovis sp.	Mayah-i-barrah (Isf.)
Commiphora Molmol Engl.	Mur (Hind., Bom.)	Verbascum Thapsus L.	Mazaryun (Teh.)
Plumbi Oxidum	Murda sang (Teh.)	Quercus infectoria Olivier	Mazu (Isf.)
Plumbi Oxidum	Murda sang-i-nugra'i (Teh.)	Teucrium scordioides Schreb. (p. 177)	Meriam Nekhodi (Teh.)
Plumbi Oxidum	Murda sang-i-tila'I (Teh.)	Juglans regia L.	Metahk (Iraq)
Myrtus communis L.	Murd-i-sabz	Trigonella Foenum-graecum L.	Methi (Hind., Bom.)
Raphanus sativus L.	Muro (Hind.)	Phoenix dactylifera L.	Mishi
Aloe Perryi Baker	Musabbar (Ar.)	Zizyphora tenuior L.	Mishk-i-taramashia (Ind. bazaars)
Cyperus rotundus L.	Muschk-i-zemin	Prunus Armeniaca L.	Mishmish (Iraq)
Commiphora Molmol Engl.	Myrrha mechensis (Ph. Pers.)	See Saccharum officinarum L.	Misri (Egy.)
Trifolium repens L.	Nafal (Iraq)	Holarrhena antidysenterica Wall.	Mlvah-i-zaban-i-gunjishk (Pers.)
Trifolium repens L.	Nafil (Iraq)	Commiphora Mukul Engl.	Moghl-ezregh (Schl.)
Phoenix dactylifera L.	Nakhl	Hymenoptera, Apoidea	Moma (Hind.)
Cicer arietinum L.	Nakhud (Teh., Punj., Turk.)	Adiantum Capillus-Veneris L.	Moohar-khas (Ind. bazaars)
Sodium carbonate	Namak (Teh.)	Cyperus rotundus L.	Motha (Hind.)
Citrus sinensis (L.) Osbeck	Naphae flores (Schl.)	Lepidium Draba L.	Muchchah (Isf.)
Punica Granatum L.	Nar (Turk.)	Glossostemon Bruguieri Desf.	Mughat (Egy.)
Indigofera tinctoria L.	Nasab!dah-i-kirmani (Teh.)	Nigella saliva Sibth.	Mugrila (Hind.)
Nicotiana sp.	Nashwar (Pers.)	Matricaria sp.	Mukhlisah
Nymphaea alba L.	Nenuphar (Ph. Pers.)	See muql	Mukul
Indigofera tinctoria L.	Nil (Hind.)	Raphanus sativus L.	Mula (Hind.)
Chrozophora verbascifolia Juss.	Nil-kanthe (Punj.)	Corchorus olitorius L.	Mulukhiyah (Iraq)
See Nymphaea alba L.	Nilufar	Hymenoptera, Apoidea	Mum (Teh.)
Nymphaea alba L.	Nllufar-i-kirmanashahl (Teh.)	Hymenoptera, Apoidea	Mum-i-kafuri
Triticum vulgare Vill.	Nishastah (Teh.)	Mummy	Mumiya (Pers.)
Lens esculenta Moench	Nisik (Kurd, in Iraq)	Mummy	Mumiyai (Pers.)
Cicer arietinum L.	Nok (Kurd.)	Vitis vinifera L.	Munakha (Pers.)
Ochrocarpus longifolius Benth.& Hook.	Normush (Ham.)	Commiphora Molmol Engl.	Mun-e-makki (Teh.)
Aristolochia rotunda L.	Nukhud-i-alvand (Teh., Isf.)	See Commiphora Mukul Engl.	Muql (Ar.)

تلفظ نام گیاه داروئی	نام علمی گیاه داروئی	تلفظ نام گیاه داروئی	نام علمی گیاه داروئی
Nukhund-i-alavandi (Ar.)	Aristolochia rotunda L.	Penirek (Schl.)	Malva sylvestris L. var. mauritiana Boiss.
Numi Basra Citrus aurantifolia (Christm.)	Swingle	Phataki (Hind.)	Alum
Nur-mus (Ham.)	Ochrocarpus longifolius Benth.& Hook.	Phitkari (Hind.)	Alum
Omum (Tam.)	Carum copticum Benth.& Hook.	Piaz (Kurd.)	Allium Cepa L.
Orisa (Afg.)	Iris spuria Pall.	Pllah abrlsham (Teh.)	Bombyx fortunatus Hutton
Osteocolla (Lat.)	Mummy	Pileh	Bombyx fortunatus Hutton
Osthoukhodouce (Schl.)	Lavandula dentata L.	Pil gush	Inula Helenium L.
PLANTS AND DRUGS OF IRAN AND IRAQ		Pinang (Mai.)	Areca Catechu L.
Pachman-i-puh (Teh.)	Helicteres Isora L.	Plrlnj (Turk.)	Oryza sativa L.
Padzahr (Pers.)	Capra aegagrus Gmel.	Pistah (Teh.)	Pistacia vera L.
Paglah (Kurd.)	Vicia Faba L.	Pitar saleri (Hind.)	Carum Petroselinum Benth.& Hook.
Paiwand-e-maryam (Pers.)	Prunus Mahaleb L.	P6st-a-kuknar (Pers., Afg.)	Papaver somniferum L.
Pala-mangy (Kash.)	See Lecanora esculenta Eversm.	Post~i-limon (Afg.)	Citrus aurantifolia (Christm.) Swingle
Palas Keby (Hind.)	Butea frondosa Roxb.	Post-i-naranj	Citrus sinensis (L.) Osbeck
Palaspapado (Duk.)	Butea frondosa Roxb.	Prabala (Sans.)	Corallium rubrum Lam.
Palsan (Hind.)	Hibiscus cannabinus L.	Psylli semina (Ph. Pers.)	Plantago ovata Forsk.
Pambu (Kurd.)	Gossypium sp. (p. 123)	Pudina (Hind., Pers.)	Mentha sylvestris L.
Pambuq (Turk.)	Gossypium sp. (p. 123)	Punah (Teh.)	Mentha sylvestris L.
Panirak	See Malva sylvestris L. var. mauritiana oiss.	Pune (Teh.)	Quercus Vallonea Kotschy
Panir mayeh	Ovis sp.	Punir-mayeh-shutur (Pers.)	Camelus dromedarius L.
Papal (Pers.)	Areca Catechu L.	Punjah-i-salaba	Orchis latifolia L.
Papita (Ar., Hind., Bom.)	Strychnos Ignatii Berg.	Pust-i-kinah-kinah (Teh.)	Cinchona Calisaya Wedd.
Paptiyal (Teh.)	Strychnos Ignatii Berg.	Pust-i-pistah (Teh.)	Pistacia vera L.
Parakeh-i-hindi (Teh.)	Butea frondosa Roxb.	Pust-i-utruj (Teh.)	Citrus sinensis (L.) Osbeck
Parr-i-siyavash	Adiantum Capillus-Veneris L.	Qalyab (Teh.)	Sodium Carbonate
Pat (Beng.)	Bombyx fortunatus Hutton	Qamr-ad-din	Prunus Armeniaca L.
Patchak (Beng.)	Saussurea Lappa C. B. Clarke	Qanaqinah (Iraq)	Cinchona Calisaya Wedd.
Pathar-ka-ber (Hind.)	Cidaris sp.	Qantaryun (Teh.)	Calendula officinalis L.
Pating (Afg.)	Prunus Armeniaca L.	Qarah Koz (Turk.)	Calendula officinalis L.
Pechak (Hind.)	Helicteres Isora L.	Qaranful (Iraq)	Eugenia aromatica Baill.
Peganon (Scripture)	Ruta graveolens L.	Qaranful-asward (Iraq)	Eugenia aromatica Baill.

نام علمی گیاه داروئی	تلفظ نام گیاه داروئی	نام علمی گیاه داروئی	تلفظ نام گیاه داروئی
Lawsonia alba Lam.	Rang-mehndi (Hind.)	Agaric	Qarch (Teh.)
Onosma sp.	Ranj-i-badshah	Bos indicus	Qar-i-qurut (Teh.)
Inula Helenium L.	Rasan	Citrullus vulgaris Schrad.	Qarpuz (Turk.)
Sesamum indicum L.	Rashi (Bagh.)	Astragalus gummifer Labill.	Qatera (Hind.)
Inula Helenium L.	Ra's-i-hindi (Teh.)	Medicago sativa L.	Qatt (Ar.)
Sesbania aculeata Poir.	Rasin (Hind.)	Alyssum campestre L.	Qodumah (Ar.)
Inula Helenium L.	Rasna (Hind.)	Helianthus annum L.	Qunah baqan (Turk.)
Pterocarpus santalinus L.	Ratanjali (Guz.)	Mallotus philippinensis Muell. Arg.	Qunbalilah (Teh.)
Onosma echioides L.	Ratanjot (Hind.)	Hibiscus cannabinus L. (p. 125)	Qunnab
Abrus precatorius L.	Rati (Hind.)	Chaerophyllum sp.	Qurdumana (Teh.)
Pterocarpus santalinus L.	Ratiyanah (Teh.)	Entada gigas (L.)Fawc.& Rendle	Qurs-i-kamar (Teh.)
Phaseolus vulgaris L.	Razmah (Kash.)	Carthamus tinctorius L.	Qurtum (Ar.)
Cuscutaplanifolia Ten. and C. hyalina Roth	Resha-i-kishvar (Ham., Isf., Teh.)	Curcuma aromatica Salisb.	Qurunbad (Teh.)
Bombyx fortunatus Hutton	Resham	Bos indicus	Qurut (Teh.)
Bombyx fortunatus Hutton	Resham-ki-keri (Duk.)	Saussurea Lappa C. B. Clarke	Qust-i-talkh (Teh.)
Ocimum canum Sims	Reyhane Kouhi (Schl.)	Gossypium sp.	Qutn (Ar.)
Arctium Lappa L.	Risha Baba Adam (Schl.)	Gossypium hirsutum L. (p. 122)	Qutn Amerikani
Onosma echioides L.	Rishah havah-i-chubah (Ham.)	Gossypium herbaceum L. (p. 122)	Qutn Iraqi
Punica Granatum L.	Rishah-i-anar (Teh.)	Gossypium sp. (p. 123)	Qutn Misri
Polygonum Bistorta L.	Rishah-i-anjabar (Teh.)	Cyperus rotundus L.	Rad. Junci odorati (Ph. Pers.)
Iris spuria Pall.	Rishah-i-arlisa (Teh.)	Sesamum indicum L.	Rahishi (Ar.)
Glycyrrhiza glabra L.	Rishah-i-asl-i-siis (Teh.)	Ocimum Basilicum L.	Raihan (Ar.)
Arctium Lappa L.	Rishah-i-baba-Adam (Teh.)	See Chahar-tukmah	Raihan (Yark.)
Capparis spinosa L.	Rishah-i-kabar (Teh.)	Smilax China L. and S. glabra Roxb.	Raiz de China (Port.)
Ferula Sumbul Hook. f.	Rishah-i-kalafs (Teh.)	Corchorus olitorius L.	Rajajira (Bom.)
Althaea lavateraefolia DC.	Rishah-i-khatmi (Ham.)	Pterocarpus santalinus L.	Rakta Chandana (Sans.)
Foeniculum vulgare Mill.	Rishah-i-raziyanah (Teh.)	Quisqualis indica L.	Rangan-ki-bel (Hind.)
Morus nigra L.	Rishah-shah-tut (Teh.)	Lawsonia alba Lam.	Rangh (Ar., Hind.)
Plumbago rosea L.	Rishah tamesh (Teh.)	Indigofera tinctoria L.	Rang-i-kirmani (Teh.)
Ferula galbaniflua Boiss.	Rish-shar (Teh.)	Indigofera tinctoria L.	Rang-i-sabldah (Teh.)
Rheum palmatum L.	Rivand-i-chin! (Isf., Teh.)	Indigofera tinctoria L.	Rang-i-vasmah (Teh.)

تلفظ نام گیاه داروئی	نام علمی گیاه داروئی	تلفظ نام گیاه داروئی	نام علمی گیاه داروئی
Riwas (Punj.)	Rheum Ribes L.	Samgh Arabi (Ar., Pers.)	Acacia Senegal Willd.
Roghan-i-khash khash	Papaver somniferum L.	Samgh-i-arzhan (Teh.)	Acacia Senegal Willd.
Roghan-i-zagher (Ait., Afg.)	Linum usitatissimum L.	Samgh nadh (Punj.)	Nummulites sp.
Rojia (Port.)	Tagetes erecta L.	Samudraphena (Sans.)	Sepia officinalis L.
Rounace (Schl.)	Rubia Cordifolia L. and R. tinctorium L.	Sana (Teh.)	Cassia acutifolia Delile
Rubb-i-sus	Glycyrrhiza glabra L.	Sana-hindi (Ar.)	Cassia acutifolia Delile
Rughan-i-char-i-chesak	See Tribulus terrestris L.	Sana-mukhi (Iraq)	Cassia acutifolia Delile
Ruhan (Kurd.)	Ocimum Basilicum L.	Sandal-i-safid (Teh.)	Santalum album L.
Runas (Teh., Isf.)	Rubia Cordifolia L. and R. tinctorium L.	Sandal-i-surkh (Teh.)	Pterocarpus santalinus L.
Runiyas (Teh., Isf.)	Rubia Cordifolia L. and R. tinctorium L.	Sandalus (Ind. bazaars)	Trachylobium Hornemannianum Hayne
Rutab	Phoenix dactylifera L.	Sang-i-marjan (Hind.)	Corallium rubrum Lam.
Ruzz (Ar.)	Oryza saliva L.	Sang-i-sar-i-mahl (Ind.)	Percomorphi, Sciaendae
Sa'ad (Iraq)	Cyperus rotundus L.	Sang-i-shadnaj (Afg.)	Nummulites sp.
Sa'atar (Ind. bazaars)	Zataria multiflora Boiss.	Sang-i-yahuda (Pers.)	Cidaris sp.
Sabr-i-zard (Teh.)	Aloe Perryi Baker	Sanjirahut (Sans.)	Calcium Sulphate
Sadaf (Ar.)	Cypraea moneta L.	Sansaq (Ar.)	Slachys lavandulaefolia Vahl
Sadhaj-i-hindl (Isf.)	Cinnamomum Cassia Blume	Saosafid (Ait.)	Gypsophila paniculata L.
Safld ab-i-shaikh (Teh.)	Plumbi Carbonas	Sapistan (Pers.)	Cordia Myxa L.
Sag-anjar	Solanum Dulcamara L. (p. 172)	Sarcocolla (Gr.)	Astragalus fasciculaefolius Boiss.
Sages (Staff.)	Pistacia Terebinthus L.	Sarish	Eremurus Aucherianus Boiss.
Sagiz-i-safid (Teh.)	Pistacia Terebinthus L.	Sarsand (Bal.)	Salvia Hydrangea DC.
Sag Palak (Hind.)	Spinacia oleracea L.	Sarsun (Hind.)	Brassica campestris L. var. Napus Bab.
Sa'ir	Phoenix dactylifera L.	Sarwali (Hind.)	Celosia argentea L.
Saisaban (Egy.)	Sesbania aculeata Poir.	Satanj (Punj.)	Nummulites sp.
Sajji mati	Sodium Carbonate	Satari (Hind.)	Ruta graveolens L.
Saka-binaja (Ar.)	Ferula persica Willd.	Satarmul (Hind.)	Asparagus adscendens Roxb.
Sakblnaj (Teh.)	Ferula persica Willd.	Satavar (Hind.)	Asparagus adscendens Roxb.
Sakulali (Teh.)	Commiphora Mukul Engl.	Sawa (Hind.)	Peucedanum graveolens Benth.& Hook. (p. 148)
Sa'lab (Teh.)	Orchis latifolia L.	Sebestan (Pers.)	Cordia Myxa L.
Salab-misri (Ar.)	Orchis latifolia L.	Seetere (Schl.)	Thymus Serpyllum L. var. Kotschyanus Boiss.
Samagh Hamama (Hind.)	Dorema Ammoniacum Don	Seid (Sud.)	Cyperus rotundus L.

تلفظ نام گیاه داروئی	نام علمی گیاه داروئی	تلفظ نام گیاه داروئی	نام علمی گیاه داروئی
Sek binedge (Schl.)	<i>Ferula persica</i> Willd.	Shams-wa-qamar (Iraq)	<i>Helianthus annuus</i> L.
Sekran (Syr.)	<i>Withania Somnifera</i> Dunal	Shar^al-anat (Iraq)	<i>Adiantum Capillus-Veneris</i> L.
Semen Bardanae (English Herbal 1730)	<i>Arctium Lappa</i> L.	Shatarrah (Teh., Isf.)	<i>Fumaria parviflora</i> Lam.
Semen Basilici (Old Herbals)	<i>Ocimum Basilicum</i> L.	Sha'ur	<i>Hordeum</i> sp.
Sem. Cichorii (Ph. Pers.)	<i>Cichorium Intybus</i> L.	Sheb (Bagh., Iraq)	Alum
Sepistan (Teh.)	<i>Cordia Myxa</i> L.	Shekakul (Teh.)	<i>Trachydium Lehmanni</i> Benth.
Sesbaniyah (Iraq)	<i>Sesbania aculeata</i> Poir.	Shijar (Iraq)	<i>Cucurbita Pepo</i> DC.
Seta Kundura (Hind.)	<i>Boswellia Carterii</i> Bird.	Shilib (Turk.)	<i>Oryza saliva</i> L.
Shabbat (Ar.)	<i>Peucedanum graveolens</i> Benth. & Hook. (p. 148)	Shinah Azqhi (Bal.)	<i>Datura Stramonium</i> L.
Shaf-i-mamita (Teh.)	Clyster	Shingir gaz	<i>Tamarix pentandra</i> Pall.
Shaftal (Punj., Bal.)	<i>Trifolium repens</i> L.	Shirias	<i>Eremurus Aucherianus</i> Boiss.
Shagagi (Teh.)	<i>Trachydium Lehmanni</i> Benth.	Shir Kalan (Teh.)	<i>Acanthophyllum squamosum</i> Boiss.
Shahdanej-i-'adas! (Teh.)	<i>Nummulites</i> sp.	Shir Khisht (Teh.)	<i>Cotoneaster nummularia</i> Fisch. & Mey.
Shahdeve (Hind.)	<i>Chrozophora verbascifolia</i> Juss.	Shir-milk (Pers.)	<i>Cotoneaster nummularia</i> Fisch. & Mey.
Shahi (Leh)	See <i>Saccharum officinarum</i> L.	Shir-zad (Teh.)	<i>Lecanora esculenta</i> Eversm.
Shahna (Bal.)	<i>Pistacia vera</i> L.	Shltaraj (Teh.)	<i>Plumbago rosea</i> L.
Shahtarrah (Pers.)	<i>Fumaria parviflora</i> Lam.	Shivit (Isf.)	<i>Peucedanum graveolens</i> Benth. & Hook.
Shah-tut (Pers.)	<i>Morus nigra</i> L.	Shok (Ar.)	<i>Prosopis Stephaniana</i> Kunth
Sha'ir	<i>Hordeum</i> sp.	Shorah (Hind.)	Potassium Nitrate
Sha'lr Abu Sikkatain (Ar.)	<i>Hordeum</i> sp.	Shudnuj udsee (Ar.)	<i>Nummulites</i> sp.
Sha'ir Abu Suwaif (Ar.)	<i>Hordeum</i> sp.	Shurah-i-qalam (Teh.)	Potassium Nitrate
Sha'irah	<i>Hordeum</i> sp.	Shuwairib	<i>Hordeum</i> sp.
Sha'ir Sparqalan (Ar.)	<i>Hordeum</i> sp.	Shuwandar sukari (Iraq)	<i>Beta vulgaris</i> L.
Shakakula micari (Hind.)	<i>Asparagus adscendens</i> Roxb.	Siah gaz	<i>Tamarix articulata</i> Vahl (p. 176)
Shakar (Pers.)	<i>Saccharum officinarum</i> L.	Sibar (Ar.)	<i>Aloe Perryi</i> Baker
Shakar-i-surkh (Teh.)	<i>Saccharum officinarum</i> L.	Silaigah (Iraq)	<i>Beta vulgaris</i> L.
Shakar tlqal (Teh.)	<i>Echinops persicus</i> Stev.	Silajah (Iraq)	<i>Beta vulgaris</i> L.
Shakhah-i-marjan (Teh.)	<i>Corallium rubrum</i> Lam.	Silajatu (Sans.)	Mummy
Shakr-ul-ashar (Pers.)	<i>Cotoneaster nummularia</i> Fisch. & Mey.	Silajit (Hind.)	Mummy
Shamballah (Teh.)	<i>Trigonella Foenum-graecum</i> L.	Siliq (Turk.)	<i>Beta vulgaris</i> L.
Shami (Iraq)	<i>Citrullus vulgaris</i> Schrad.	Sim (Hind.)	<i>Dolichos Lablab</i> L.

تلفظ نام گیاه داروئی	نام علمی گیاه داروئی	تلفظ نام گیاه داروئی	نام علمی گیاه داروئی
Simbi (Sans.)	Dolichos Lablab L.	Sumbul-jibali (Ar.)	Nardostachys Jatamansi DC.
Simsim (Iraq)	Sesamum indicum L.	Sumbulu'1-tib (Teh., Isf.)	Nardostachys Jatamansi DC.
Sindur (Bom.)	Plumbi Oxidum	Sumgh alucha (Pers.)	See Prunus Cerasus L.
Sinjad-i-talkh (Teh., Isf.)	Melia Azedarach L.	Summaq (Teh.)	Rhus coriaria L.
Sinn-aj-jamal	Triticum sp.	Summaq-i-shakki bi hastah (Teh.)	Rhus coriaria L.
Sinn-al-fil	Triticum sp.	Surinjan	See Merendera persica Boiss.
Sipand (Teh.)	Peganum Harmala L.	Surinjan-i-kirmanI (Teh.)	Cokhicum luteum Baker and C. speciosumStev.
Sipi (Hind.)	Cypraea moneta L.	Surinjan-i-shirin (Ind. bazaars)	See Merendera persica Boiss.
Sir (Teh., Iraq)	Allium sativum L.	Surinjan-i-sufrah shudah (Teh.)	Merendera persica Boiss.
Siris	Eremurus Aucherianus Boiss.	Surinjan-i-talkh (Pers.)	Colchicum luteum Baker and C. speciosumStev.
Sirish-i-narm	Eremurus Aucherianus Boiss.	Sur-kuk (Afg.)	Testudo horsfieldii Grey and T. graeca
Sirsh-i-saf!d (Isf., Teh.)	Eremurus Aucherianus Boiss.	Surmah (Pers.)	Antimonium Sulphidum
Siyah-danan (Teh.)	Nigella saliva Sibth.	Surma-ka-pathar (Hind.)	Antimonium Sulphidum
Siyah-tukhmah (Teh.)	Nigella saliva Sibth.	Tabashir (Ind. bazaars)	Bambusa arundinacea L.
So-ad (Ham.)	Cyperus rotundus L.	Tabashira (Ar.)	Bambusa arundinacea L.
Som (Ar.)	Allium sativum L.	Tabashlr-i-qalami (Teh.)	Bambusa arundinacea L.
Soo'juch (Kurd.)	Vitis vinifera L.	Taj-i-khurus (Teh.)	Amaranthus paniculatus L.
Sopari (Hind.)	Areca Catechu L.	Taj-i-rizi (Teh.)	Solanum nigrum L.
Soyah (Hind.)	Peucedanum graveolens Benth.& Hook.	Takmeria (Bom.)	Ocimum Basilicum L.
Spati-kari (Sans.)	Alum	Talispatra (Hind.)	Taxus baccata L.
Spistha (Afg.)	Medicago sativa L.	Talkak (?) (Iraq)	Quercus lusitanica Lam. var. tauricola
Stigu (Afg.)	Prunus Armeniaca L.	Tambaku (Afg.)	Nicotiana Tabacum L. and N. rustica L.
Subz-i-gulanj (Teh.)	Pistacia Khinjuk Stocks.	Tambra nagkeshur (Pers.)	Ochrocarpus longifolius Benth.& Hook.
Sudab (Teh.)	Ruta graveolens L.	Tamr	Phoenix dactylifera L.
Sudaba (Ar.)	Ruta graveolens L.	Tannum (Ar.)	Chrozophora verbascifolia Juss.
Sufeda (Hind.)	Plumbi Carbonas	Tapalaq (Teh.)	Cyperus rotundus L.
Sufed musli (Bom.)	Asparagus adscendens Roxb.	Tar-anjubin (Pers.)	Alhagi camelorum Fisch. (also p. 162)
Sufid pathar (Hind.)	Calcium Sulphate	Tara tezak (Afg.)	Lepidium sativum L.
Sukhur	Pistacia Trebinthus L.	Tarbuz (Teh.)	Citrullus vulgaris Schrad.
Sumbul (Teh.)	Ferula Sumbul Hook. f.	Tarraha (Pers.)	Fumaria parviflora Lam.
Sumbul-i-lat!f (Teh., Isf.)	Nardostachys Jatamansi DC.	Tartak (Hind.)	Rhus coriaria L.

تلفظ نام گیاه داروئی	نام علمی گیاه داروئی	تلفظ نام گیاه داروئی	نام علمی گیاه داروئی
Tavi misri (Leh)	See Saccharum officinarum L.	Tukhm-i-jinjak (Ait.)	Prosopis Stephaniana Kunth
Tawak (Kurd.)	Celtis Tournefortii Lam. (p. 97)	Tukhm-i-kadu (Teh.)	Cucurbita Pepo DC.
Terengamisk(?) (Teh.)	Calamintha graveolens Benth	Tukhm-i-kadu qalyanl (Teh.)	Lagenaria vulgaris Ser.
Thebba (Iraq)	See Nicotiana Tabacum L. and N. rustica L.	Tukhm-i-kafshah (Teh., Ham.)	Carthamus tinctorius L.
Thum (Turk.)	Allium sativum L.	Tukhm-i-kahu (Teh.)	Lactuca saliva L.
Til (Hind.)	Sesamum indicum L.	Tukhm-i-kalam (Teh.)	Carum Petroselinum Benth. & Hook.
Timan (Iraq)	Oryza saliva L.	Tukhm-i-karafs (Teh.)	Apium graveolens L.
Tin Ficus	Carica L.	Tukhm-i-kasni (Ham., Teh.)	Cichorium Intybus L.
Tirsh (Kurd.)	Rhus coriaria L.	Tukhm-i-katan (Ait.)	Linum usitatissimum L.
Tochme Kertchec (Schl.)	Ricinus communis L.	Tukhm-i-keshus (Pers.)	Cuscuta planifolia Ten. and C. hyalina Roth
Towdri (Hind.)	Sisymbrium Sophia L.	Tukhm-i-khabazi (Teh.)	Malva sylvestris L. var. mauritiana Boiss.
Tribolia (modern Gr.)	Tribulus terrestris L.	Tukhm-i-khak-i-shir (Ham.)	Erysimum repandum L.
Triorit (Sans.)	Ipomoea Turpethum R. Br.	Tukhm-i-khakshlr talkh	Erysimum sp. (p. 171)
Triputa (Sans.)	Ipomoea Turpethum R. Br.	Tukhm-i-khardal (Teh., Ham.)	Salvia sp.
Tuber Chinae	Smilax China L. and S. glabra Roxb.	Tukhm-i-khash khash	Papaver somniferum L.
Tu fu ling (Chin.)	Smilax China L. and S. glabra Roxb.	Tukhm-i-khatml (Isf.)	Althaea sp.
Tukhm-chirbati (Schl.)	Ocimum canum Sims	Tukhm-i-khatmi	Althaea lavateraefolia DC.
Tukhm-i-anjarah (Teh.)	Salvia macrosiphon Boiss.	Tukhm-i-khiyar (Teh.)	Cucumis sativus L.
Tukhm-i-babunah (Teh.)	Matricaria Chamomilla L.	Tukhm-i-kishavar (Ham., Isf., Teh.)	Cuscuta planifolia Ten. and C. hyalina Roth
Tukhm-i-badanjan (Teh.)	Solanum xanthocarpum Schr. & Wend, and S. Melongena L.	Tukhm-i-kushuth (Ham., Isf., Teh.)	Cuscuta planifolia Ten. and C. hyalina Roth
Tukhm-i-barhang (Ham.)	Plantago major L.	Tukhm-i-lak-pusht (Teh.)	Testudo horsfieldii Grey and T. graeca
Tukhm-i-bazrak (Ham.)	Linum usitatissimum L.	Tukhm-i-lal'abbas (Teh.)	Mirabilis Jalapa L.
Tukhm-i-bihdanah (Teh.)	Pyrus Cydonia L.	Tukhm-i-livas (Ham., Teh.)	Rheum Ribes L.
Tukhm-i-chuqundur (Teh.)	Beta vulgaris L.	Tukhm-i-marv (Teh.)	Salvia macrosiphon Boiss.
Tukhm-i-garmak (Teh.)	Citrullus vulgaris Schrad.	Tukhm-i-murd (Teh.)	Myrtus communis L.
Tukhm-i-gishn!z (Teh.)	Coriandrum sativum L.	Tukhm-i-nil	Ipomoea hederacea Jacq.
Tukhm-i-havlj (Teh.)	Daucus Carota L.	Tukhm-i-nllufar (Teh.)	Ipomoea hederacea Jacq.
Tukhm-i-hummaz (Teh., Ham.)	Rumex conglomerate L. and R. obtusifolius L.	Tukhm-i-piyaz (Teh.)	Allium Cepa L.
Tukhm-i-iblis (Teh.)	Caesalpinia Bonducella Roxb.	Tukhm-i-raihan (Ham., Teh.)	Ocimum Basilicum L.
Tukhm-i-isfand (Teh.)	Peganum Harmala L.	Tukhm-i-raziyanah (Teh., Ham.)	Foeniculum vulgare Mill.

تلفظ نام گیاه داروئی	نام علمی گیاه داروئی	تلفظ نام گیاه داروئی	نام علمی گیاه داروئی
Tukhm-i-isanaj (Teh.)	Spinacia oleracea L.	Tukhm-i-shabdar (Teh.)	Trifolium repens L.
Tukhm-i-shaga'ig (Ham.)	Papaver somniferum L.	Ud-i-balsan (Isf.)	Commiphora opobalsamum Kunth
Tukhm-i-shahl (Teh.)	Lepidium sativum L.	Unnab (Iraq)	Zizyphus vulgaris L.
Tukhm-i-shalgham (Teh.)	Brassica campestris L. var. Napus Bab.	Unnab (Teh.)	Zizyphus vulgaris L.
Tukhm-i-shambal!lah (Teh., Ham.)	Trigonella Foenum-graecum L.	Urd (Ind.)	Phaseolus radiatus L.
Tukhm-i-sharbati (Ham., Teh.)	Ocimum canum Sims	Urid (Ind.)	Phaseolus radiatus L.
Tukhm-i-shatarrah (Ham.)	Fumaria parviflora Lam.	Uruk-el-kafur (Ar.)	Curcuma Zedoaria Roxb. and C. ZerumbetRoxb
Tukhm-i-shivid (Teh.)	Peucedanum graveolens Benth.& Hook.	Ushna ushek (Pers.)	Dorema Ammoniacum Don
Tukhm-i-siyah (Teh.)	Nigella saliva Sibth.	Ustukhudus (Teh.)	Lavandula dentata L.
Tukhm-i-tamr (Teh.)	Tamarindus indica L.	Uurd (Abu Mansur)	Myrtus communis L.
Tukhm-i-tarrah (Teh.)	Allium sativum L.	Uzari (Turk.)	Peganum Harmala L.
Tukhm-i-turi (Afg.)	Luffa acutangula Roxb,	Valik (Teh.)	Allium Akaka Gmel.
Tukhm-i-turubchah (Teh.)	Raphanus sativus L.	Vasha (Teh.)	Dorema Ammoniacum Don
Tukhm-makhtum (Punj.)	Sigillated Earth	Vetiver (Tarn.)	Vetiveria zizanioides Stapf
Tukhm-taj-i-khurus (Isf.)	Amaranthus paniculatus L.	Vrishanasana (Sans.)	Embelia Ribes Burm.
Tukhm tartizak (Isf.)	Lepidium sativum L.	Warch (Punj.)	Acorus Calamus L.
Tukhm-tatura (Pers.)	Datura Stramonium L.	Ward (Ar.)	Rosa damascena Mill
Tukhm-zaban-i-gunj ishk-i-talkh(Pers.)	Holarrhena antidysenlerica Wall.	Ward (Ar.)	Rosa hemisphaerica Herm.
		Ward-ash-shams (Iraq)	Helianthus annuus L.
Tukhm zardak (Teh.)	Daucus Carota L.	Wasma (Punj., Pers., Turkey)	Indigofera tinctoria L.
Tukhm zlreh (Teh.)	Carum Bulbocastanum Koch	Welec	See Valik
Tuklejah(?) (Ham.)	Stachys germanica L.	Weleque	See Valik
Tumaku Nicotiana	Tabacum L. and N. rustica L	Winjah (Kurd.)	Medicago saliva L.
Tur (Kurd.)	Raphanus sativus L.	Wodak (Bal.)	Tulipa montana Lindl.
Turb (Pers.)	Raphanus sativus L.	Wuda (Ar.)	Cypraea moneta L.
Turbad (Leh)	Ipomoea Turpethum R. Br	Yunjah (Kurd.)	Medicago sativa L.
Turbud (Teh.)	Ipomoea Turpethum R. Br.	Zaadi	Phoenix dactylifera L.
Turl (Teh.)	Luffa acutangula Roxb	Zafaran (Teh.)	Crocus sativus L
Tut-i-dham (Pers.)	Moms nigra L.	Zaeteran (Boiss.)	Thymus sp.
Tut-i-kushk (Teh.)	Moms nigra L	Zafran (Ar.)	Crocus sativus L.
Tutun (Iraq)	Nicotiana Tabacum L. and N. ruslica L.	Zagher (Ait., Afg.)	Linum usitatissimum L.
Udasaliyun (Gr.)	Apium graveolens L.	Zahar (Iraq)	Anamirta paniculata Coleb.

تلفظ نام گیاه داروئی	نام علمی گیاه داروئی	تلفظ نام گیاه داروئی	نام علمی گیاه داروئی
Zaitun	Olea europea L.	Ziniyan (Teh., Ham.)	Carum copticum Benth. & Hook.
Zaj-u-safld (Teh.)	Alum	Zira (Hind.)	Cuminum Cyminum L.
Zalil (Iran)	Delphinium Zalil Ait. & Hemsl.	Zlrah-i-sabz (Isf., Iraq)	Cuminum Cyminum L.
Zamchi (Turk.)	Alum	Zireh-siyah (Isf.)	Carum Bulbocastanum Koch
Zanjabil chami Inula	Helenium L.	Zirishk (Bagh.)	Berberis vulgaris L.
Zanjabil-i-shami	Inula Helenium L.	Zirishk-i-guli (Ham., Teh.)	Berberis vulgaris L.
Zaravand-i-gird (Pers.)	Aristolochia rotunda L.	Zirishk-tursh (Punj.)	Berberis vulgaris L.
Zaravand-i-tavll (Ham., Teh.)	Aristolochia longa L.	Ziwan (Iraq)	Lolium rigidum Gaud.
Zard alu (Pers.)	Prunus Armeniaca L.	Zufa (Teh.)	Nepeta micrantha Bunge and N. ispahanicaBoiss.
Zard chobah (Pers.)	Curcuma domestica Val. and C. longa Trim.	Zufah-i-yabis (Ar.)	Nepeta micrantha Bunge and N. ispahanicaBoiss
Zarishk (Hind., Bom.)	Berberis vulgaris L.	Zuleh (Ham.)	Gypsophila paniculata L.
Zarnab (Isf., Ar.)	Taxus baccata L.	Zuna (Teh.)	Nepeta micrantha Bunge and N. ispahanicaBoiss.
Zarnickh-i-dandan (Teh.)	Arsenic Trisulphide	Zunghari	Pistacia Terebinthus L.
Zarnlkh (Teh.)	Arsenic Trisulphide	Zupha-e-yabis (Ar.)	Hyssopus officinalis L. var. angustifolia Boiss.
Zarnikh-zard (Isf.)	Arsenic Trisulphide	Zuratspi (Kurd.)	Sorghum vulgare Pers.
Zatar (Syr., Iraq)	Thymus Serpyllum L. var. Kotschyanus Boiss.	Zurraij (Iraq)	Chrozophora verbascifolia Juss.
Zatar (Teh.)	Zataria multiflora Boiss. (also pp. 174, 178)	Zurunbad (Teh.)	Curcuma Zedoaria Roxb. and C. ZerumbelRoxb.
Zatar farisi (Boiss.)	Thymus sp.		

ABBREVIATIONS AND PUBLICATION REFERENCES

- Abu Mansur*—"Book of the Foundations of the True Properties of the Remedies" (970).
Achundow—Translation of Abu Mansur's work, rendered into German by R. Kobert (1893).
Acosta, Christobal, of Burgundy—Traveler in the East; d. 1580.
Afg.—Afghanistan.
Ait.—Aitchison, J. E. T. "Notes on the Products of Western Afghanistan and N. E. Persia," Edinburgh (1890).
Amoen. Exot.—1712; see Kämpfer.
Ar.—Arabic.
Bagh.—Baghdad.
Bal.—Baluchistan.
Bellew—"From the Indus to the Tigris," London (1874).
Beng.—Bengal.
Boiss.—Boissier. "Flora Orientalis," Geneva (1867-84).
Bom.—Bombay.
B. P.—"British Pharmacopoeia" (1914).
Brissemoret, A.—Chemical investigator (1907-26).
C.—See Cowan.
Chin.—Chinese.
Colloquios—Orta, Garcia da, edited by Sir Clements Markham (1913).
Connold—"British Oak Galls" (1922).
Cowan—Cowan, J. M. Collected plants in Persia (1929).
Duk.—Dukani, language of the Deccan, India.
Dymock—Dymock, William. "Vegetable Materia Medica of Western India" (1885); "Pharmacographia Indica" (1891).
Ebert—Ebert, A. E. (1840-1906). American pharmacist.
Egy.—Egypt.
Field—Field collection in Field Museum of Natural History.
Fl. Br. Ind.—"Flora of British India" (1875-98).
Fr.—French.
G.—See Guest.
Gilliat-Smith—Gilliat-Smith, B. and Turrill, W. B. "On the Flora of the Nearer East," K. B. 1930, Nos. 7-10.
Gr.—Greek.
Guest—Guest, Evan. "Plants and Plant Products of Iraq" (1933).
Guz.—Guzerati.
Ham.—Hamadan.
Hind.—Hindustani.
Honigberger—Honigberger, J. M. "Thirty-five Years in the East," London (1852).
Houard—Houard, C. "Les Zoöcécidies des Plantes d'Afrique, d'Asie et d'Océanie" (1923).
Hughes-Buller—Collected plants in Baluchistan (1908).
Ibn Baitar—Great Arabian traveler and botanist (1197-1248).

I. H. B.—Burkill, I. H. "A Working List of the Flowering Plants of Baluchistan" (1909).
Ind.—India.
Ind. bazaars—Indian bazaars.
Irvine, W.—"Materia Medica of Patna" (1848).
Isf.—Isfahan.
Kämpfer—"Amoenitates Exoticae, Lemgoviae" (1712).
Kash.—Kashmiri.
K. B. or Kew Bull.—Kew Bulletin.
Kerm.—Kermanshah.
Khory—Khory and Katrak. "Materia Medica of India," Bombay (1903).
Kobert—Kobert, R. "Composition and Uses of Saponin" (1911).
Kurd.—Kurdish.
Lat.—Latin.
Laufer—"Sino-Iranica" (1919).
Layard—Layard, Henry. "Early Adventures in Persia" (1853).
Le Bode—Le Bode, C. A. "Travels in Lauristan and Arabistan."
Leh—Aitchison. "Trade Products of Leh" (1874).
Mad.—Madras.
Makhjan-el-Adwiya.—1769, reprinted 1824.
Mal.—Malayali (South India).
Mason—"Burma and Its People" (1882).
Modern Gr.—Modern Greek.
Pers.—Persian.
Pharmacog.—"Pharmacographia," by Fluckiger and Hanbury (1874).
Pharm. Journ.—"Pharmaceutical Journal."
Ph. Ind.—"Pharmacographia Indica" (1891).
Ph. Pers.—"Pharmacopoeia Persica" (1681).
Port.—Portuguese.
Post—Post, G. E. "Flora of Syria, Palestine and Sinai" (1896).
Punj.—Punjab.
Razis or Rhazes—Islamic physician (850–923). "Continens."
Royle—Royle, J. R. "Illustrations of Himalayan Botany" (1839).
Sans.—Sanskrit.
Schl.—Schlimmer, J. L. "Terminologie Médico-Pharmaceutique et Anthropologique Française-Persane" (1874).
Sci. Pa.—Hanbury, D. "Science Papers" (1876).
Sino-Iranica—See Laufer.
Stapf—Stapf, Otto (1857–1933). Botanical papers in Kew Bulletin, etc.
Sud.—Sudanese.
Syr.—Syrian.
Tab.—Tabriz.
Tam.—Tamil.
Teh.—Tehran.
Tri.—Tripoli.
Tschirch—Tschirch, A. "Handbuch der Pharmakognosie" (1912).
Turk.—Turki.
Warden—Warden, C. J. H. Calcutta (1851–1901), joint editor of "Pharmacographia Indica."
Wiesner—"Die Rohstoffe des Pflanzenreiches," ed. 4 (1927).
W.H.M.M.—Collection in Wellcome Historical Medical Museum, London.
Yark.—Yarkand.
Y. B. Pharm.—"Year Book of Pharmacy."
Zellner—Zellner, J. Phytochemical investigator (1923–27).